



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دانشکده علوم قرآنی شاهرود



فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی

فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی

سال چهارم / شماره ۲ / تابستان ۱۴۰۳ / پیاپی ۱۴



مَثَل و تحلیل کاربرست‌های اخلاقی اجتماعی آن در آیه ۲۶۱ بقره
طیبه حیدری راد

طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی
محمد سبحانی یامچی، علی عشقی چهاربرج، سعیده علوی

تبیین نقش مؤلفه‌های بینشی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی
به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی از منظر قرآن
کامران اویسی

طراحی الگوی مطلوب دعوت بر اساس غرر آیات قرآن کریم
کریم خان محمدی

چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی
بر اساس آموزه‌های قرآنی و احادیث
سیده نساء هاشمیان سیگارودی، سیده فاطمه هاشمی، محسن احتشامی‌نیا

نگرش اسلام به فرزند و جمعیت: کمیت اصل است یا کیفیت؟
محمدجواد سقایی بی‌ریا، علی ابوترابی، اسماعیل چراغی کوثیانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم و معارف تهرآن کریم
دانشکده علوم قرآنی شاهرود



فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی

فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی

سال چهارم / شماره ۲ / تابستان ۱۴۰۳ / پیاپی ۱۴

- صاحب امتیاز: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شاهرود
- مدیر مسئول: داود صائمی، استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- سردبیر: ابراهیم ابراهیمی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی

○ اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ابراهیم ابراهیمی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی
- دکتر محمد هادی امین ناجی، استاد دانشگاه پیام نور
- دکتر شهلا باقری، دانشیار دانشگاه خوارزمی
- دکتر حسین بستان، دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- دکتر علی حسن پیگی، دانشیار دانشگاه اراک
- دکتر سید عبدالرسول حسینی زاده، دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر حسن خیری، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر حسین سوزن چی، استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- دکتر کرم سیاوشی، دانشیار دانشگاه بوعلی سینا
- دکتر الهه شاه پسند، دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر سیدحسین شرف الدین، استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- دکتر رحمان عشریه، دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر روح اله محمد علی نژاد عمران، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

- کارشناس نشریه: محمد رضا جلالی
- مترجم انگلیسی: حسن عالمی پکتاش
- ویراستار ادبی: زهرا آبیاری
- طراحی و صفحه آرایی: محمد فرهمند

این فصلنامه در ابتدا تحت عنوان «تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث» مشغول فعالیت بود که طبق نظر کمیسیون مجلات وزارت علوم در ارزیابی ۱۴۰۱، عنوان خود را به «فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی» تغییر داده است.

فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی بر اساس مجوز شماره ۸۶۷۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۱۲ اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود.

طبق نامه شماره ۳۶۴۰۸۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۶ مدیرکل محترم دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی، رتبه علمی این فصلنامه در سال ۱۴۰۲ همان رتبه سال قبل یعنی رتبه «ب» می باشد.

این فصلنامه با همکاری انجمن علمی قرآن و عهدین ایران منتشر می شود.

راهنمای ارسال مقاله

- ۱- «فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی» در پذیرش یار د و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ۲- مقالات ارسالی به «فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی» نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ۳- با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت یابی می شوند، برای تسریع فرآیند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این دو سامانه مطمئن شوند.
- ۴- فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.

فرآیند ارسال مقاله به نشریه

- ۱- نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه (به آدرس <http://arq.quran.ac.ir>) جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۲- برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش ارسال مقاله اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ۳- نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را صرفاً از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

- ۱- فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی، فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته های جدید است را می پذیرد.
- ۲- مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی، ترجمه معذور است.

فایل هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:

۱. فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
۲. فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)
۳. فایل تعهد نامه (با امضای همه نویسندگان)
۴. تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع، توسط نویسنده مسئول الزامی می باشد.
(ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال چهار فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

حجم مقاله:

- تعداد واژگان مقاله: بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه
تعداد کلیدواژه ها: ۴ تا ۷ کلیدواژه
تعداد واژگان چکیده: ۱۷۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مساله یا سوال اصلی پژوهش، روش شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد)

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان:

- ۱- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتما مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود.
 - ۲- فرستنده مقاله به عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می شود و کلیه مکاتبات و اطلاع رسانی های بعدی با وی صورت می گیرد.
 - ۳- تغییر تاریخ ارسال و پذیرش مقالات، اسامی نویسندگان و ترتیب آنها در مقاله و مشخصات سازمانی نویسندگان بعد از ثبت در سامانه به هیچ وجه امکان پذیر نمی باشد.
- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی های ذیل درج شود:

- ۱- اعضای هیات علمی: رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی
- ۲- دانشجویان: دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی
- ۳- افراد و محققان آزاد: مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری)

رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی
 ۴- طلاب: سطح (۲،۳،۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه / مدرسه علمیه،
 شهر، کشور، پست الکترونیکی.

ساختار مقاله:

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش های ذیل باشد:

۱. عنوان
 ۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع / مساله / سوال، هدف، روش، نتایج)
 ۳. مقدمه (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)
 ۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)
 ۵. نتیجه گیری (بحث و تحلیل نویسنده)
 ۶. منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش کتابنامه، ذیل عنوان References درج شوند).
- درج پانویس، ارجاعات درون متن و منابع:
- ۱- از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
 - ۲- اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
 - ۳- از نقل قول های مستقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتما در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل قول مستقیم است).
 - ۴- نقل قول های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل قول ” ” و ” ” بیش از آن به صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

- ۱- به هیچ وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.
- ۲- اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتما باید در بخش منابع مقاله نیز درج شود.

- ۳- برای تاریخ های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
- ۴- در صورتی که از یک نویسنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز گردند.
- ۵- اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
- ۶- اگر تعداد نویسندگان بیش از سه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
- ۷- اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه ویرگول؛ از هم جدا می شوند.

فهرست منابع پایانی:

- ۱- قرآن و نهج البلاغه به ترتیب در ابتدای بخش منابع درج شده و در ردیف الفبایی قرار نمی گیرند.
- ۲- در بخش References که منابع به انگلیسی درج می شوند، نام خانوادگی نویسنده به صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می شود. مثال: Alston, W
- ۳- درج شناسه DOI برای مقالاتی که دارای این کد هستند، الزامی است.
- ۴- منابعی که در این بخش درج می شوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند. (منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشتر مخاطب در متن معرفی شده اند، و در متن به آنها ارجاع داده نشده، نباید در بخش منابع درج شوند).
- ۵- نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.
- ۶- اگر چند اثر از یک نویسنده در یک ردیف الفبایی پشت سر هم قرار گرفتند، حتماً باید نام نویسنده درج شود، استفاده از خط تیره برای عدم تکرار نام نویسنده نادرست است.

فهرست

- مثل و تحلیل کاربرست‌های اخلاقی اجتماعی آن در آیه ۲۶۱ بقره ۸ - ۳۵
طیبه حیدری راد
- طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی ۳۶ - ۷۱
محمد سبحانی یامچی، علی عشقی چهاربرج، سعیده علوی
- تبیین نقش مؤلفه‌های بینشی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی از منظر
قرآن ۷۲ - ۱۰۳
کامران اویسی
- طراحی الگوی مطلوب دعوت بر اساس غرر آیات قرآن کریم ۱۰۴ - ۱۳۵
کریم خان محمدی
- چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و
احادیث ۱۳۶ - ۱۶۹
سیده نساء هاشمیان سیگارودی، سیده فاطمه هاشمی، محسن احتشامی‌نیا
- نگرش اسلام به فرزند و جمعیت؛ کمیت اصل است یا کیفیت؟ ۱۷۰ - ۲۰۰
محمدجواد سقایی بی‌ریا، علی ابوترابی، اسماعیل چراغی کوتیانی

The Parable and Analysis of its Social and Ethical Applications in Verse 261 of Surah Al-Baqarah

Tayyebeh Heydarirad¹

Abstract

The Holy Quran, in line with the change and transformation of souls, achieving perfection and improving the social conditions of humanity, relies on man and his upbringing. For this great goal, God has used people's own language in the form of parables so that his teachings can be understood. It must be admitted that what has been written so far about Quranic parables is only a small part of the knowledge hidden in this deep breadth, and has not covered the scope of cognitive diversity in this field, so it is necessary for thinkers and intellectuals to study Quranic parables from different angles, and discover their apparent secrets. Therefore, in this article, an attempt has been made to describe the parable and analyze its social and ethical applications in verse 261 of Surah Al-Baqarah using library data, interpretive and narrative resources. The results of the research show that adherence to the principles of Zakat and prayer has provided the dynamism of human society's civilization, the position of servitude, and the foundation of a virtuous life; And Infaq is a general and ultra-financial concept; The living horizon of people can be brought closer to each other through: absolut prohibition of usury, and the obligation to pay Islamic taxes such as Zakat, Khums, Sadaqa, Infaq, Waqf, Qard Al-Hasan, and various financial aids. It is also possible to revive the spirit of faith and human brotherhood among Muslims, and to care for the issues of Muslims, which achieves the following social achievements: familiarity and unity, strengthening religion, narrowing the class gap, equalizing people's lives in society, spreading hope, preventing social deviations, establishing peace, and removing sadness from society.

Keywords: Ethics, Quran, Parable, Society, Application.

1- Seminary 4th level student, Comparative Interpretation, Al-Zahra University, Tehran, Iran, Haidarerad2010@gmail.com





تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

20.1001.1.30605644.1403.4.2.1.6

10.22034/arq.2024.190459



نوع مقاله: علمی پژوهشی

مثل و تحلیل کاربردهای اخلاقی اجتماعی آن در آیه ۲۶۱ بقره

طیبه حیدری راد^۱

چکیده

تکیه قرآن، در راستای تغییر و تحول نفوس، نیل به کمالات و بهبودی احوال اجتماعی بشریت، بر انسان و تربیت اوست. خداوند برای این هدف بزرگ از زبان خود مردم در قالب تمثیل استفاده نموده تا معارف آن، قابل درک گردد. باید اعتراف نمود، آنچه تاکنون درباره تمثیلات قرآنی به رشته تحریر درآمده، بخش اندکی از معارف نهفته در این پهنای ژرف است و گستره تنوع دانشی این عرصه را پوشش نداده از این رو ضرورت دارد، اندیشمندان و فرهیختگان با مذاقه، مثال‌های قرآن را از زوایای مختلف، مورد بررسی قرار دهند و به اسرار متجلی آن‌ها دست بیابند. بدین جهت، در این مقاله، سعی شده است به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و کتب تفسیری و روایی به «مثل و تحلیل کاربردهای اخلاقی اجتماعی آن در آیه ۲۶۱ سوره بقره» پرداخته شود. برآیند و یافته‌های حاصل از پژوهش، گویای این است که پایبندی به دو اصل زکات و نماز، پویایی تمدن جامعه بشری، مقام عبودیت و بسترسازی حیات طیبه را فراهم آورده، انفاق، مقوله‌ای عام و فرا مالی است؛ و قرب افق معیشتی مردم به یکدیگر از طرق: تحریم رباخواری به‌طور مطلق، وجوب پرداخت مالیات‌های اسلامی از قبیل زکات، خمس، صدقات، انفاق، وقف، قرض‌الحسنه، کمک‌های مختلف مالی و زنده کردن روح ایمان و برادری انسانی در میان مسلمانان، میسر می‌گردد؛ و اهتمام به امور مسلمانان،

۱- دانش‌آموخته سطح چهارم، تفسیر تطبیقی، جامعه الزهراء س، تهران، ایران، Haidarerad2010@gmail.com



دستاوردهای اجتماعی ذیل: انس و وحدت، تقویت دین، کاهش فاصله طبقاتی، همسان‌سازی معاش افراد جامعه، امیدآفرینی، ممانعت از انحرافات اجتماعی، اعطای آرامش و زدودن غصه را به همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، قرآن، مثل، اجتماع، کاربست.

۱. مقدمه و تبیین مسئله

قرآن، کتاب تربیت (بقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲) و هدایت (بقره: ۲؛ آل عمران: ۹۶؛ سبأ: ۶؛ احقاف: ۳۰؛ اسراء: ۹) است و معارف حیات‌بخش آن، زنده کننده دل‌ها و بیدارگر وجدان‌ها است و تعالیم روشنگر آن، انسان‌ها را از ظلمت‌ها به کرانه نور رهنمون می‌سازد (بقره: ۲۵۷؛ مائده: ۱۶ و ۱۵؛ توبه: ۳۲؛ صف: ۸) بی‌گمان، قرآن برای گروه خاصی نازل نشده بلکه کتابی جهانی است (بقره: ۱۸۵؛ آل عمران: ۹۶؛ انعام: ۱۹ و ۹۰؛ توبه: ۳۳؛ فرقان: ۱؛ قلم: ۵۲)؛ بنابراین باید مراد خود را به نحوی عرضه دارد که همه انسان‌ها، آن را درک کنند و زبان «تمثیل» بهترین زبانی است که می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای توده مردم تبیین کند؛ ازاین‌رو قرآن، ضمن بهره‌گیری از مثال‌های جذاب و شیرین که هر یک در جای خود، زیبا و آموزنده هستند، مخاطبین تمثیلات خود را تمامی مردم، از هر طبقه و گروه دانسته و پرتو شعاع تعالیم خود را چون خورشیدی عالم‌افروز بر همگان تابانده است. قرآن مطالبی را در قالب امثال و حکم به عالم بشریت ارزانی نموده که پرشکوه‌ترین جلوه‌های ادبی، هنری و تربیتی قلمداد می‌شوند که هر یک از آن‌ها راه هدایت را به آدمی می‌نمایانند و او را از بیراهه‌ها بازمی‌دارند (بقره: ۲۶؛ نور: ۳۵؛ یونس: ۲۴؛ اسراء: ۸۹؛ کهف: ۵۴؛ روم: ۵۸؛ عنکبوت: ۴۱؛ زمر: ۲۷؛ جمعه: ۵). موضوع «مثال‌های قرآن» از دیرباز مورد توجه دانشمندان و قرآن‌پژوهان بوده؛ اما نگاهی اجمالی به مطالعات صورت گرفته بر روی مثال‌های قرآنی، نشانگر آن است که محققین تا سده‌های پیشین، غالباً از منظر ادبی و بلاغی به این موضوع نگریده‌اند و بررسی ابعاد و جنبه‌های تربیتی تمثیلات قرآن و نقش مؤثر و

منحصربه‌فرد آن‌ها در پرورش نفوس و هدایت انسان‌ها یا مغفول مانده یا دقیق بررسی نشده است؛ درحالی‌که باید دانست در تمثیلات قرآنی، شنونده، تنها با یک جلوه ادبی و هنری محض، مواجه نیست بلکه با اهداف و آثار تربیتی متعددی روبه‌روست که تحوّل شگرفی در نهاد وی می‌آفریند.

در این نوشتار، محقق درصدد دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها است که مفهوم مثل و کاربرد و فواید آن در قرآن، چیست؟ چه برداشت‌ها و کاربردهای اخلاقی اجتماعی‌ای از مثل مذکور در آیه ۲۶۱ بقره عاید می‌شود؟ تلاش محقق بر آن بوده است تا راهکارهای تربیتی را از این تمثیلات به دست آورد و راهگشای مشکلات اجتماعی و روشنگر تاریکی‌های تمدن بشری باشد تا هرچه بیشتر، کلام الهی فهمیده شود و کاربردهای آن در زندگی عملی فردی و اجتماعی، نمودار گردد، جامعه‌ای آرمانی و بری از آسیب‌های اجتماعی را به ارمغان آورد.

در زمینه پیشینه تحقیق در باب مثل‌ها و تمثیلات قرآن، کتاب‌های متعدد و متنوعی نگاشته شده که در تمام پژوهش‌های مذکور، به معنا و مفهوم عام مثل، بررسی و تفسیر مثل‌های قرآنی، ویژگی‌ها، اهداف و نکات تربیتی آن‌ها، ویژگی‌های فنی و هنری مثل‌ها، ارکان تشبیه در مثل‌های قرآنی و ذکر اشعار متناسب با معنا و مفهوم مثل پرداخته شده است. مقالاتی نیز در ابعاد متنوع زبان تمثیل نگاشته شده است که عبارت‌اند از:

«زبان تمثیل از دیدگاه صدرالمتهلین» نوشته غلامرضا اعوانی و ناصر محمدی که در این مقاله تبیین شده تنها راه درک آیات و الفاظ متشابه قرآن، امور غیرمادی مانند خدا و قیامت، زبان تمثیل است. «زبان تمثیلی در قرآن» نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی؛ در این نوشتار مقصود زبان تمثیلی بودن برخی قصص قرآن را اشارات معنوی و اخلاقی دانسته است.

«بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی تمثیل در زبان ادبی قرآن» نوشته موسی پیری. در این مقاله هدف از بیان زبان تمثیل در قرآن را دعوت به تدبیر، تأثیرگذاری، عبرت‌آموزی و تربیت دانسته است. «مثل در قرآن» اثر زهرا فرید (۱۳۸۷) که به توضیحات مثل در قرآن اکتفا شده است. «تحلیل مبانی زبان تمثیلی قرآن» اثر عماد صادقی، حسین علوی مهر، سید علی میرآفتاب، حسن رضایی هفتادر

که مبانی زبان تمثیلی را تبیین نموده است. «زبان قرآن و اوصاف آن از دیدگاه علامه مصباح» اثر محمدرضا امین که مباحث زبان قرآن را مطرح نموده است. جدیدترین آن‌ها مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه تشبیه تمثیلی در قرآن کریم (مطالعه موردی: تشبیهات تمثیلی در موضوع انفاق)» اثر صفدر شاکر و همکاران است که در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است.

با جستجویی که محقق انجام داد هیچ‌کدام از آن‌ها، مستقلاً بحث کاربردی اخلاقی-اجتماعی از امثال قرآنی با تأکید بر آیه ۲۶۱ بقره را مورد توجه قرار ندادند و به تبیین انواع زبان قرآن و اوصاف آن یا تحلیل مبانی زبان تمثیلی و کاربرد مثل و اموری از این قبیل پرداختند؛ از این رو با توجه به خلأ موجود و مغفول ماندن اثرات چشمگیر تربیتی-اجتماعی تمثیل قرآنی آیه مذکور، ضروری می‌نماید به این بحث، به صورت مجزا و اختصاصی پرداخته شود. همچنین سعی محقق بر آن بوده تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به‌ویژه کتب تفسیری، تمثیلی و داده‌های پژوهشی، مباحث را واکاوی و پردازش نماید.

۲. مفهوم شناسی

در مطلع بحث، مقوله مفهوم‌شناسی که در فهم مطالب، تأثیر بسزایی دارد، واکاوی می‌شود:

«**مَثَل**»: به معنای شبیه و نظیر است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ۸: ۲۲۸؛ حکمت، ۱۳۶۱: ۱). برخی از لغویان می‌گویند مثل، اصل صحیحی است که دلالت بر همانندی یک چیز بر چیز دیگر می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵: ۲۹۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵: ۴۷۰) و تمثیل، مثال آوردن، تشبیه کردن، مانند کردن، مصوّر کردن صورت چیزی، قصه یا حدیثی را به صورت مثال بیان کردن و نمونه آوردن، معنا شده است (معین، ۱۳۶۰: ۱: ۱؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۴: ۶۱-۷۰؛ دهخدا، ۱۳۴۳: ۹۴۰؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۶۷).

«**کاربست**»: مصدر مرکب مرخم که مخفف به کار بستن و به معنای اعمال کردن و کاربرد و استفاده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۱: ۱۵۷۴۵). در نوشتار حاضر مقصود از آن، کاربرد و پیامدهای مثل در زندگی اجتماعی و اخلاقی در جهت رسیدن مطلوب به مقصد است.

۳. کاربرد مثل در قرآن و فواید آن

کلمه «مَثَل» ۱۶۹ بار و در ۸۱ آیه ذکر شده است (ثواب، ۱۳۹۰: ۲۹). هر چند تعداد مثل‌های قرآنی ذکر شده در منابع مربوطه مورد اختلاف است؛ اما ۶۰ مثل مورد اتفاق اندیشمندان قرآنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۳؛ رضازاده و شاهرودی، ۱۳۹۱: ۵۸).

مثل در قرآن، به معانی مختلف آمده است:

۱. به معنی حکایات تمثیلی: «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ» (کهف: ۳۲؛ نحل: ۷۶)؛ داستان دو مردی را حکایت کرد برای آن‌ها (آیتی، ۱۳۷۴: ۲۹۷).

۲. به معنی «صفت»: «لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» (نحل: ۶۰) اوصاف کسانی که به قیامت ایمان ندارند زشت است؛ اما خدا را عالی‌ترین اوصاف کمال است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۷۳).

۳. به معنی «شبيه» است: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ» (زخرف: ۱۷)؛ درحالی که وقتی یکی از کافران را به همان چیزی که برای خدای رحمان، شبهه قرار داده بشارت دهند، صورتش سیاه می‌شود و خشمگین می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۹۰؛ ارفع، ۱۳۸۱: ۴۹۰).

۴. به معنای داستان‌های گذشته، تاریخ دوران گذشته و حکایات: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره: ۲۱۴)؛ آیا پنداشتید که به بهشت درآید، حال آنکه هنوز حکایت آنان که پیش از شما گذشتند، [بر سر] شما نیامده است؟ (انصاری خوشایر، ۱۳۷۷: ۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۳).

۵. به معنی «نمونه کامل»، الگو و حجت: «إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ» (زخرف: ۵۹)؛ عیسی نبود جز بنده خاصی که ما او را به نعمت (رسالت) برگزیدیم و بر بنی اسرائیل، مثل (و حجت) قرار دادیم (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۴۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۹۳).

با توجه به بررسی‌های انجام‌یافته، می‌توان به این نتیجه رسید که کاربرد مثل در قرآن، بیشتر در مورد تشبیه دو شیء است و بسیار اندک به معنی توصیف به کار می‌رود (سبحانی، ۱۳۸۶: ۱۲). محققان برای «مثل» که همواره به‌عنوان ابزاری مؤثر و کارآمد در مباحث مختلف علمی، تربیتی، اجتماعی و اخلاقی، نقش آفرین بوده است، فواید و ثمرات بسیاری را یادآور شده‌اند که در اینجا به معدودی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) حسی نمودن مسائل عقلی

خاصیت «مثل» این است که معارف معقول و بلند را به سطح مطالب متخیل و محسوس، تنزل می‌دهد تا در سطح فهم همگان قرار گیرد؛ زیرا انس انسان بیشتر با محسوسات است و حقایق پیچیده عقلی از دسترس افکار، نسبتاً دورتر است. «مثل» همانند ریسمانی است که از اوج معرفت‌های والا به سطح افهام توده مردم آویخته می‌شود تا آنان که توان ادراک معارف بلند را در قالب ممثل ندارند، به مثل تمسک جسته و در حدّ خود بالا روند و مثل را در سطح مناسب خویش ادراک کنند. انسان هر چه ساده‌اندیش‌تر باشد، نیازش به مثل بیشتر است و به هر میزان با معارف عمیق، انس بیشتری پیدا کند، نیازش به مثل کمتر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲؛ ۳۲۶۰-۳۲۷) و صاحب تفسیر المنار، هم در این باره می‌نویسد: «تمثیل، تأثیر بسزایی در نفس آدمی دارد، چراکه معانی کلی که ذهن با آن‌ها مواجه می‌شود مجمل و مبهم بوده و برای ذهن احاطه بدان‌ها و فهم حقایق آن‌ها دشوار است؛ اما به‌وسیله «مثل» می‌توان مجملات آن را تفصیل بخشید و امور مبهم را آشکار ساخت؛ از این رو مثال، مقیاس و معیار بلاغت و چراغ پرفروغ هدایت است» (رشید رضا، ۱۹۹۰ م: ۱؛ ۱۹۸).

چنانچه بخواهیم، برای نقش مهمّ تمثیل در آشکار ساختن حقایق، تمثیلی بیاوریم، مناسب است که «مثال» را به چراغی مثال زنیم، همان‌گونه که نقل شده: از عربی بیابان‌گرد درباره مثال و نقش آن سؤال شد. وی گفت: «الأمثال مصابیح الأقوال؛ مثال‌ها چراغ‌های سخن هستند!» (فیاض، ۲۰۱۲ م: ۸۸).

ب) نزدیک کردن راه و تنزل معارف بلند

گاه می‌شود که برای اثبات یک مسئله عمیق منطقی و عقلانی باید انسان به استدلال‌های مختلفی متوسّل گردد که باز هم ابهام، اطراف آن را گرفته است؛ ولی ذکر یک مثال روشن و کاملاً هماهنگ با مقصود، چنان راه را نزدیک می‌سازد که تأثیر استدلال‌ها را افزایش می‌دهد و از ضرورت استدلال‌های متعدد می‌کاهد. بسیاری از مباحث علمی در شکل اصیلش تنها برای خواص، قابل فهم است و توده مردم استفاده‌چندانی از آن نمی‌برند؛ ولی هنگامی که با مثال آمیخته و به این وسیله قابل فهم گردد مردم در هر حدّ و پایه‌ای از علم و دانش باشند از

آن بهره می‌گیرند؛ بنابراین مثال‌ها به‌عنوان یک وسیله تعمیم علم و فرهنگ، کاربرد غیرقابل انکاری دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰: ۱۷۳). مثل از یک سو معارف را تنزل می‌دهد و از سوی دیگر، اندیشه را بالا می‌برد و اگر مطلبی در سطح فکر مخاطب قرار گرفت قابل ادراک او می‌شود؛ مانند آنکه برای آشنایی با نسبت روح به بدن، آن را به رابطه ناخدای کشتی با کشتی یا ارتباط زمامدار با جامعه، مثل می‌زنند و می‌گویند: «الروح فی البدن کالسلطان فی المدینة و کالزبان فی السفینة» (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲: ۵۲۵).

ج) تأثیرگذاری بر مخاطب

تمثیل را می‌توان یکی از بهترین روش‌های بلاغی دانست که بیشترین تأثیر را در نفوس دارد (ر.ک: رشید رضا، ۱۹۹۰ م: ۱: ۱۹۸). تمثیل ترسیم خیال است که در وهم، حالت تجسد پیدا می‌کند و شنونده یا بیننده را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که گمان می‌کند شخصاً در معرکه حضور دارد و حوادث را از نزدیک مشاهده می‌کند. گاهی قدرت ترسیم به‌قدری بالاست که شنونده یا بیننده گمان می‌برد خود قهرمان معرکه است (ر.ک: سید قطب، بی‌تا: ۱: ۷۳؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۵۲).
فخر رازی می‌گوید: «مثال‌ها آن‌چنان تأثیری در دل‌ها می‌گذارند که توصیف خود شیء نمی‌تواند آن تأثیر را داشته باشد، چراکه هدف از مثل، تشبیه امور مخفی به آشکار و غایب به حاضر است و مثال حقیقت یک امر را بهتر می‌نمایاند و حس را با عقل منطبق می‌نماید و این نهایت وضوح و آشکار نمودن است؛ از این رو دیده می‌شود هنگامی که از ایمان بدون آوردن مثالی صحبت می‌شود، همانند وقتی که آن را در مثل، به نور تشبیه می‌کنند، در دل تأثیر نمی‌گذارد و هنگامی که از بدی کفر صحبت می‌شود زشتی آن را به‌اندازه زمانی که آن را به ظلمت تشبیه کنند در عقل‌ها پدیدار نمی‌گردد و هنگامی که از ضعف و سستی چیزی خبر داده می‌شود و آنگاه آن را به تار عنکبوت تشبیه می‌کنند بسیار گویاتر از آن خبری است که بدون مثل یاد شود» (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲: ۳۶۳).

همچنین «جفاجی» می‌گوید: «علت تسمیه مثل آن است که همواره چون شاخص و علامتی در ذهن انسان باقی می‌ماند و آدمی بدان تأسی جسته و از

شرایط زمان و مکان اجازه نمی‌دهد که سخن، بی‌پرده و بی‌پروا یا به‌صورت امرونی، گفته شود، ابزار «تمثیل» شاید یکی از کارآمدترین وسایل و حرب‌ها است و کنایه سخن گفتن بلیغ‌تر از تصریح است.

۵) ایجاد تنوع و انبساط خاطر

در مسائل آموزشی و تربیتی، برای تقریب ذهن و زدودن آثار خستگی در مخاطبان یکی از ابزارهای کارآمد، استفاده از مثل است. به تجربه ثابت شده است در القای مفاهیم عقلانی در مباحث مختلف، چنانچه همراه با تمثیل و مثل نباشد، مخاطبان زودتر از موعد دچار واکنش منفی می‌شوند و این خود باعث هدر رفتن بخشی از انرژی طرفین است که نتیجه‌گیری را دچار خلل می‌سازد (ر.ک: حائری شیرازی، ۱۳۹۶: مقدمه) مثل به‌منزله واعظی شیرین‌زبان و ناصحی مهربان است که افراد ملت را با لسانی ساده و بیانی دل‌چسب و ملایم به پیروی اخلاق حسنه و ترک اعمال نکوهیده دعوت کرده، اخلاق و افکار آن‌ها را به بهترین ترتیبی تهذیب می‌نماید. واعظ و خطیب هرقدر شیرین‌سخن باشد، ممکن است وعظ و خطابه‌ی او در بعضی مستمعین تولید کسالت کند لیکن «امثال» از این نقص مبرا بوده و هر گوشی از شنیدن آن لذت می‌برد و هیچ‌کس از مطالعه‌ی آن خسته و دل‌تنگ نمی‌شود (بهمنیاری، ۱۳۹۸: مقدمه). در روایات اسلامی، به مسئله ایجاد تنوع و انبساط خاطر و مقید نکردن فکر و اندیشه در چارچوب‌های تنگ و کسل‌کننده و به زنجیر نکشیدن روح و روان در غل و زنجیرهای عادات ملالت‌آور، دقتی درخور توجه شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «این دل‌ها مانند بدن‌ها کسل و خسته می‌شوند، پس (در این حالت) نکات نغز و ظریف را به آن‌ها هدیه کنید» (ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۵۰۰: ۲).

۶) انتقال معانی بسیار در قالب الفاظ کم

گاه یک جمله کوتاه که در قالب تمثیل یا ضرب‌المثل ایراد می‌گردد، می‌تواند انتقال‌دهنده فصل عمیقی از معارف باشد و آدمی را از تکلف و عبارت‌پردازی‌های کسالت‌آور رهایی بخشد. «تمثیل، هم به سبب موجز بودن و هم به سبب ارتباط با پدیده‌های غالباً محسوس، توانایی آن را دارد که مطالب

مفصل و گسترده‌ای را به نحو فشرده و همراه با تصاویر ماندگار در ذهن بنشانند» (باقری، ۱۳۹۵: ۱: ۴۶).

ابن اثیر تمثیلات را از جهت موجز بودن، به علائم و رموز تشبیه نموده و معتقد است در کلام عرب، موجزتر از مثال‌ها یافت نمی‌شود. وی می‌گوید: «در کلام عرب موجزتر و مختصرتر از مثال یافت نمی‌شود. مثال‌ها همچون رموز و علائم و اشارتی هستند که به‌خوبی از معانی پرده برمی‌دارند» (ابن اثیر، ۱۴۲۰ ق: ۳۲).

ز) آراستگی و زینت بخشی به کلام

استفاده از مثل، کلام گوینده یا نویسنده را آرایش می‌دهد و از خشکی و جمود بیرون می‌آورد؛ به‌عبارت‌دیگر نمک و تزئین سخن آدمی است و چون از کلام معمولی بیشتر به دل می‌نشیند نه تنها مردم عامی بلکه گویندگان و نویسندگان بزرگ نیز برای تقویت نیروی استدلال و افزایش تأثیر انفعالی سخن خویش بدان استشهاد می‌کنند. بدین طریق کلام آن‌ها کمال و جمال بیشتری یافته و تأثیر و جذبه‌اش دوچندان می‌شود و در حقیقت، امثال سائره در هر زبان، نمک و چاشنی آن زبان هستند و به مصداق سخن سنایی: «بی‌نمک، هیچ دیگ جوش نیاید» (شکور زاده، بی‌تا: ۸).

ح) اقناع‌سازی افراد لجوج

غالباً ذکر کلیات مسائل به‌صورت مستدل و منطقی برای خاموش کردن یک فرد لجوج، کافی نیست؛ اما هنگامی که مسئله در قالب مثال ریخته شود، دیگر مجال بهانه‌گیری برای او باقی نمی‌ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰: ۱۷۴) سیوطی (م ۹۱۱ ق) در این باره می‌گوید: «در مثل زدن، خصم سرسخت، کوبیده شده و نیروی ظاهری شخص گستاخ درهم می‌شکند زیرا که مثال آوردن در دل‌ها چنان تأثیری دارد که وصف شیء به تنهائی آن تأثیر را ندارد. از همین روی خدای تعالی در قرآن و سایر کتاب‌های خویش مثال‌های بسیاری آورده است» (ر.ک: سیوطی، ۱۳۹۴ ق: ۴: ۴۵).

ط) عدم انحصار و جهانی بودن برخی مثل‌ها

مثل مانند قوانین ریاضی و هندسی است که مرزهای زمان و مکان را در هم

می‌گوید و برای خود محدودیتی قائل نیست و حدودمرزی ندارد و یک حقیقت زنده است که برای تمام ملل مطرح است (سبحانی، ۱۳۸۶: ۱۸). در خاتمه‌ی این بحث، نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت آن است که مثال، با همه نقشه‌ای ارزنده و مؤثرش، در صورتی می‌تواند نقش اساسی خود را ایفا کند که کاملاً موافق و هماهنگ با مطلبی باشد که مثال برای آن انتخاب شده است و گرنه گمراه‌کننده و مخرب خواهد بود، یعنی به همان نسبت که یک مثال هماهنگ، مفید و مؤثر است، یک مثال انحرافی، مخرب و گمراه‌کننده است. به همین دلیل بدانند ایشان همیشه برای گمراه ساختن مردم از مثال‌های انحرافی استفاده می‌کنند و برای دروغ خود از فروغ مثال کمک می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۷۶).

۴. تحلیل مثل آیه ۲۶۱ بقره و کاربردهای اخلاقی - اجتماعی آن

خداوند در راستای تبیین اهمیت مقوله انفاق و ثواب آن در قالب تمثیل ظریفی، نکات بدیعی را متذکر شده است: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یک صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۴). در این قسمت به تحلیل مثل مذکور در آیه ۲۶۱ سوره بقره و کاربردهای اخلاقی - اجتماعی حاصل از آن پرداخته می‌شود.

الف) کاربردهای اخلاقی

ضرورت رسیدگی به نیازمندان جامعه: در دوران رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله) اصول اخلاقی مردم، به تغییر ریشه‌ای نیاز داشت. آن‌ها در دوران جاهلی، به کارهایی خورده بودند که تحول آن‌ها نیازمند یک انقلاب بنیادین در تمام اصول اخلاقی، اجتماعی و فردی بود (فرید، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۵۶) یکی از مسائل اخلاقی و اجتماعی عرب در آن زمان، انفاق بود که پرداخت آن با نیت ریا، منت

نهادن و اذیت گیرنده، همراه بود و از هدف الهی مغفول مانده بود، لذا قرآن در تبیین اصول، شرایط و ثواب انفاق، چند مثل آورده است (بقره: ۲۶۱، ۲۶۴ و ۲۶۵؛ آل عمران: ۱۱۷) در آیه مورد بحث، ثواب انفاق را متذکر شده و آن را به دانه‌ای که در زمین حاصلخیز کاشته شود و بار فراوان دهد تشبیه کرده است.

آیه بیانگر این است که کمک و دلجویی از نیازمندان جامعه تا چه حد ضرورت دارد، چراکه یکی از مشکلاتی که از دیرزمان همه‌ی جوامع بشری دامن گیر آن بوده‌اند، مسئله‌ی فقر و نیازمندی است، لذا در این آیه، با تمثیلی جالب، انفاق «فی سبیل اللّٰه»، بیان شده است تا مورد توجه واقع گردد و بدین وسیله، فاصله‌ی طبقاتی موجود در میان جوامع از بین برود و منظور از «فی سبیل اللّٰه»، مطلق است و همه نوع انفاق و کمک را شامل می‌شود، از قبیل انفاق در راه جهاد نظامی، فرهنگی، سازندگی، تأسیس کتابخانه، کمک به نیازمندان، تأسیس صندوق قرض الحسنه و

باید به این نکته توجه داشت که اگر به نیازمندان جامعه رسیدگی شود، به جامعه اسلامی مطلوب و به‌دوراز نابرابری اقتصادی منتهی می‌شویم که دیگر احدی در آن گرفتار فقر نیست و تمام مردم در آرامش کامل به سر می‌برند؛ زیرا اگر در جامعه فقر باشد، فقط فقیر متضرر نمی‌شود بلکه کل جامعه آسیب می‌بیند، زیرا فقر، ریشه‌ی بسیاری از گناهان از جمله: کارهای خلاف عفت و دزدی و ربا و ... است که اگر از جامعه برچیده شود، نیازمندان به نیازشان می‌رسند و ثروتمندان با انفاق، تعدیل ثروت و انجام وظیفه را ادا کرده‌اند و نیکوکاران در کنار پرداخت حقوق واجب مالی، به انفاق مستحبی هم دامن زده و زندگی نیازمندان و مساکین را توسعه می‌دهند؛ در کنار وسعت بخشیدن به زندگی آن‌ها، زندگی خودشان نیز رونق می‌گیرد هم از لحاظ مادی و هم از جنبه‌ی معنوی بر کمالات و صفات والای انسانی آن‌ها افزوده می‌شود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱؛ ۱۱۴ - ۹۳).

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) خدمت به مردم و نیازمندان جامعه است. از دیدگاه مکتب حیات بخش اهل بیت (علیهم‌السلام) خدمتگزاری به افراد جامعه، حدومرزی ندارد و یک دین باور حقیقی در تمام

صحنه‌های زندگی، با الهام از رهبران آسمانی خویش، می‌کوشد تا باری را از دوش دیگران بردارد و خدمتی را به بشر ارائه کند؛ امام حسین (علیه‌السلام) با تأکید بر این باور و حیانی می‌فرماید: «اعلموا أنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعْمَ فَتَتَّحِلُوا إِلَيْ غَيْرِكُمْ» (میرزای نوری، ۱۴۰۸ ق، ۱۲: ۳۶۹)؛ بدانید نیازمندی‌های مردم که [به شما مراجعه می‌کنند] از نعمت‌های الهی است پس نعمت‌ها را افسرده نسازید [یعنی مبادا با رنجاندن مردم نیازمند، کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت‌رسانی به دیگران محول خواهد شد.

حضرت خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) در پیامی جهانی به پیروان خود چنین رهنمود می‌دهد: «هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی در بهشت به او عطا خواهد کرد» (کلینی، بی‌تا، ۲: ۲۰۷، ح ۱).

اساساً یکی از مهم‌ترین آرزو و درخواست‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از خداوند متعال، توفیق خدمتگزاری به مردم بوده است و آنان این خواسته ارزشمند خویش را در قالب دعاها و سخنان گهربار خویش ابراز می‌نمودند. امام سجاد (علیه‌السلام) در دعای مکارم الاخلاق با پروردگار متعال، چنین نجوا می‌فرماید: «و اجر للناس علی یدی الخیر و لا تمحقه بالمن» (صحیفه سجادیه، ۲/۲۰؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۰۶)؛ خداوند! به دستم کارهای خیر برای مردم جاری ساز و آن کار خیر را به واسطه منت، ضایع و نابود مگردان؛ بنابراین خداوند در قالب تمثیلی ملموس، معارف عالی را به زبان تمثیل و تشبیه به مخاطب ارائه نموده است. در برخی موارد، زبان قرآن، زبان مسئولیت‌پذیری در برابر خالق و ارزش‌گذاری معنوی در تعاملات اجتماعی با مخلوق است که از جمله این موارد، مباحث وفای به عهد و انفاق درست است (ر.ک: سالاری راد و رسولی پور، ۱۳۸۶: ۵۶).

ب) کاربردهای آیه ۲۶۱ بقره در حل آسیب‌های مختلف

محصول تدبیر در تمثیل مذکور در آیه فوق، گزاره‌های اخلاقی - اجتماعی است که کاربردهای آن‌ها در حل آسیب‌های اجتماعی، مسائل اقتصادی، امور معنوی، فرهنگی و مدیریتی افراد جامعه، تجلی می‌یابد که برخی از آن‌ها از قرار ذیل است:

۱. انفاق فقط مادی و مالی و در راه جهاد نیست بلکه عام است و همه مواردی که دردی از نیازمندان در هر زمینه‌ای را دوا کند، شامل می‌شود؛ حتی امدادگری فرهنگی، فکری، دانشی و یاریگری در ابعاد متنوع را پوشش می‌دهد.

۲. دو اصل زکات و نماز، اگر با میزان و سنجه صحیح انجام شود، پیکر اسلام، تعادل و استقرار می‌یابد؛ زیرا که با نماز، مقام عبودیت که جوهر و لب معرفت است، محقق می‌گردد و با زکات و انفاق مال، تمدن جامعه بشری که مقدمه کسب سعادت و فضیلت است منظم می‌شود و اسلام روی پایه صحیح، استوار و پویا می‌گردد.

۳. هر جامعه‌ای که افق افراد آن، از جهت معاش و زندگانی نزدیک به هم باشند و روی قانون منظمی که هر مرتبه‌ای نسبت به مرتبه بالاتر به یک درجه و اندک تفاوتی بین آنان باشد، آن جامعه متعادل و افراد آن با هم موافق‌اند و هر یک به وظیفه خود عمل می‌نمایند، اگر جامعه تعادل خود را ازدست‌داده و بین افراد از حیث ثروت و مال، تفاوت فاحش پدید آید، نفاق و دشمنی بین آنان شیوع می‌نماید و در نتیجه هیچ‌یک از افراد به وظیفه خود عمل نمی‌کند و چون قانون مضبوطی بین آن‌ها حکم‌فرما نیست آن جامعه، به‌زودی منحل می‌گردد؛ و نیز چون دنیا مقدمه آخرت است و چنانچه گفته‌اند: کسی که امور معاشش منظم نگردید هرگز امور معادش نیز منظم نخواهد شد، این است که شارع اسلام گاهی با وعده ثواب و گاهی با تهدید به عذاب و گاهی به نمو و زیاد شدن مال و گاهی به غفران و جبران گناه، مردم را بر انفاق مال تشویق می‌گرداند تا افق زندگانی فقیر، قدری بالا رود و مقدری از مال اغنیا، کاسته گردد و به این وسیله، فقرا و اغنیا با هم توافق نمایند و دست‌به‌دست هم داده، کاخ تمدن را بالا برند و تمام افراد جامعه با هم زندگانی آرامی را تجربه نمایند و دنیا و آخرت خود را اصلاح گردانند و حُبّ دنیایی نشئت گرفته از مال و ثروت، از دل اغنیا بیرون رود و به رحمت حق تعالی، نزدیک گردند (ر.ک: امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۱۸ - ۴۱۷).

۴. با دقت در آیات قرآن مجید، آشکار می‌شود که یکی از اهداف اسلام این است که اختلافات غیرعادلانه‌ای که در اثر بی‌عدالتی‌های اجتماعی در

میان طبقه غنی و ضعیف پیدا می‌شود از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمی‌توانند نیازمندی‌های زندگی‌شان را بدون کمک دیگران رفع کنند بالا بیاید و حداقل لوازم زندگی را دارا شوند، اسلام برای رسیدن به این هدف، برنامه وسیعی در نظر گرفته است: تحریم رباخواری به‌طور مطلق و وجوب پرداخت مالیات‌های اسلامی از قبیل زکات، خمس، صدقات و مانند آن‌ها و تشویق به انفاق، وقف، قرض‌الحسنه و کمک‌های مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می‌دهد و از همه مهم‌تر زنده کردن روح ایمان و برادری انسانی در میان مسلمانان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۳۱۶).

۵. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین اسباب نجات در قیامت، انفاق و بخشش در راه خدا است، سعی کنیم خود را به این خصلت پسندیده مزین کنیم تا چراغ روشنی باشد برای تاریکی‌های راه قبر و قیامتی که در انتظار ماست و بر اساس یکی از معانی مثل در قرآن (الگو و نمونه کامل و حجت) از این تمثیل الگوبرداری کنیم و در راستای مصداق انسان کامل و اتم شدن، حجت را بر خود تمام‌نماییم.

ج) کاربردهای اجتماعی

اهتمام به امور مسلمانان: بر اساس پیام‌های حاصله از آیه، یکی از برجسته‌ترین کاربردهای اجتماعی آیه، اهتمام به امور مسلمانان است که ثمرات و آثار ملموسی به دنبال دارد؛ به جهت اهمیت و ضرورت نقش‌آفرینی این مقوله در مؤلفه‌های متنوع و متعدد، مواردی از دستاوردهای اجتماعی رسیدگی به امور مسلمانان بیان می‌شود:

انس و وحدت: اهتمام به نیازها و مشکلات مسلمانان، به‌عنوان عملی عبادی و ضرورتی انکارناپذیر در جامعه تلقی می‌گردد که موردپذیرش همگان واقع شده است. چنین عملی به‌طور غیرمستقیم، پیامدهایی در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها برجای می‌گذارد که مهم‌ترین آن‌ها احساس همدلی، انس و الفت و نیاز به یکدیگر است. امام صادق (علیه‌السلام) در روایتی، مؤمن را برادر مؤمن می‌داند و می‌فرماید: «مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند پیکری که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد می‌کنند و روح آن‌ها نیز از یک روح است و همانا

روح مؤمن پیوستگی اش به روح خدا، از پیوستگی پرتو خورشید به خورشید بیشتر است» (کلینی، بی تا، ۳: ۲۴۳).

ارتباط صمیمانه با دیگران و تلاش برای تأمین نیازهای مسلمانان در حد امکان و حتی بنا بر روایاتی نیت و گام برداشتن برای تحقق نیازهای ممنوعان، دردها و نگرانی‌ها را کاهش می‌دهد و آن‌ها را به پیوند مستحکم احساسات و اهداف مشترک سوق می‌دهد. نکته مهم در این ارتباطها، آن است که در اسلام، گذشته از تأمین نیاز به خاطر هم نوع بودن، به خلوص نیت و الهی بودن قصد نیز سفارش شده است تا کمک‌کننده انتظار پاداش را تنها از خدا داشته باشد و کار را به نحو اکمل انجام دهد. در واقع، اهتمام به امور دیگران بر مبنای نظامی از عقاید و ارزش‌های اسلامی است که اعضای جامعه را در جهت اهداف جمعی هدایت می‌کند. در نتیجه، وقتی خاستگاه احساس وابستگی و تعلق خاطر عمیق به دیگران و حل مشکلات آن‌ها دین باشد و تلقی عبادی بودن به آن ضمیمه گردد، همه کارها و رسیدگی‌ها از ضمانت اجرایی مؤکدی برخوردار می‌شود. این نگرش مشکلاتی را که دامن‌گیر افراد در جوامع نوین است و معمولاً حل آن‌ها مترتب بر سوده‌های متقابل ظالمانه است تا حدی جبران می‌کند و انسان‌ها را برای انجام اقدامات مثبت، آن‌هم نه برای سوده‌های ظالمانه، بلکه برای خشنودی خدا و امید به آمرزش گناهان و پاداش اخروی مشتاق می‌کند. در برخی از آیات قرآن، (فرقان: ۶۳؛ اسراء: ۵۳) تأثیر رفتار نیکو و تواضع یا بدگویی و ستیزه‌جویی در تحکیم وحدت یا تشدید تفرقه و اختلاف بیان می‌شود. اگر در جامعه اسلامی، توانگران با اخلاص، در خدمت ناتوانان قرار گیرند، فقرا و مساکین، با پشتیبانی ثروتمندان به زندگی امیدوار می‌شوند و از مسیر احتمالی انحراف در امان می‌مانند در این هنگام، اعضای جامعه، خود را در سرنوشت یکدیگر مؤثر می‌دانند و ثمره چنین وضعیتی، یکپارچگی خواهد بود (زاهدی اصل، ۱۳۹۸: ۷۹).

تقویت دین: «اهتمام به امور مسلمانان» از رفتارهایی است که طبق آیات و

۱- «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان: ۶۳): «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا» (اسراء: ۵۳).

روایات، در وصول به کمال و سعادت تأثیر دارد. کسی که به این رفتار عبادی برای خشنودی خدا عمل کند، گامی اساسی برای تقویت دین برداشته است (حسین زاده، ۱۳۸۰: ۱۸) چراکه هم به عمل عبادی اقدام کرده و هم عمل او در رابطه با انسان‌هایی است که در نظام ارزشی و هنجاری همانند قرار دارند و این همانندی زمینه‌های تقویت دین را به وجود می‌آورد. هر حرکتی که انسان‌ها را با آموزه‌های دین آشنا سازد و با اعمال خیر، محبتی در دل نسبت به دین به وجود آورد، در واقع دین را ترویج کرده و انسان‌ها را با آن آشنا ساخته است. تقویت ایمان سست باوران و ایجاد زمینه‌های هدایت و گرایش بیشتر به دین از نتایج مترتب بر آن است.

کاهش فاصله طبقاتی: ره‌آورد جامعه توحیدی، نفی طبقات اجتماعی است؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۲۸) خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان امر می‌کند و از فحشا و منکر و ستم باز می‌دارد. خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید.» در این آیه، پس از مسئله «عدالت» احسان و بخشش به خویشان را یادآور می‌شود و از آن می‌توان فهمید که در کنار عدالت، باید احسان و بخشش نیز صورت گیرد تا افرادی که در موقعیت‌های نامتناسب و ناموزون قرار گرفته‌اند به سطح عدالت نزدیک شوند. مرحوم علامه جعفری در توضیح علت وجوب زکات می‌نویسد: «با نظر به علت تشریح زکات و سایر مالیات‌هایی که با عناوین دیگر در منابع اسلامی وارد شده است، این مطلب روشن می‌شود که اسلام مبارزه جدی با فقر و هرگونه محرومیت‌های مادی را مورد دستور قرار داده است. نمونه روایاتی که علت تشریح زکات را متذکر شده است، از این قرار است: امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: خداوند در اموال اغنیا برای فقرا حقی معین فرموده است که برای آنان کافی است. اگر کافی نبود، خداوند بر آن حق می‌افزود. پس بینوایی فقیران مربوط به حکم خدایی نیست بلکه از آن جهت است که اغنیا آنان را از حق خود محروم کرده‌اند. اگر مردم حقوق واجب را ادا می‌کردند، فقرا به زندگانی شایسته‌ای می‌رسیدند (جعفری، ۱۳۷۷، ۱۰۱: ۲۰).

روایات مربوط به رسیدگی به امور نیازمندان، بیشتر فرد را مورد خطاب قرار

داده‌اند. این خطاب نشان می‌دهد آنجا که دولت اسلامی به دلایلی نتواند عدالت اجتماعی را میان افراد برقرار سازد تا همه به‌طور یکسان از امکانات جامعه بهره‌مند گردند، وظیفه و تکلیف مسلمانان است که به نیازمندی‌های هم‌کیشان خود در حد توان رسیدگی کنند؛ به عبارت دیگر اقدامات دولت اسلامی در تأمین نیازهای مسلمانان در سطح کلان و اقدامات مردم در سطح خرد تبیین می‌شود. «تشریح این احکام [قرض، هبه، وقف، عاریه و مانند آن] و عمل به آن‌ها در جوامع اسلامی می‌تواند تا حد بسیار، از بروز فقر جلوگیری کند و بسیاری از مشکلات اقتصادی آنان را حل کند تا جایی که عده‌ای معتقدند: اگر به این قوانین به‌طور کامل عمل شود، ریشه فقر از جوامع اسلامی کنده خواهد شد. باوجوداین، ممکن است به دلیل حرص و زیاده‌خواهی و میل به انباشت ثروت، کسانی نفع خود را در فقر و محروم نگه‌داشتن بخشی از جامعه ببینند... در چنین مواردی که حکومت از تأمین عدالت اجتماعی به هر علت ناتوان است، اسلام، آحاد جامعه اسلامی را مخاطب قرار می‌دهد و به حمایت از یکدیگر فرامی‌خواند و با تشریح وظایف و تکالیف فردی، تک‌تک مسلمانان را به پشتیبانی از نیازمندان، مکلف می‌کند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۳۵۳؛ سالاری فر و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۵۳).

ایجاد و اعطای آرامش در افراد جامعه: سفارش به رسیدگی نسبت به نیازهای دیگران در جامعه صنعتی امروز اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ایجاد ارتباط عاطفی در انسان‌ها، هم در پرورش نسل و آرامش روان برای آن‌ها و هم در سیر به‌سوی کمال و سعادت که هدف آفرینش انسان است، نقش دارد. ایجاد ارتباط از طریق عاطفه و اخلاق، آرامش روان و ارتباط وثیق اجتماعی را به وجود می‌آورد. (شریف قریشی، ۱۳۶۲: ۱۵؛ رفیع پور، ۱۳۷۸: ۸۰) در این زمینه، انسان‌های خودمحور، خودخواه و خودبین به‌شدت در منابع اسلامی نکوهش شده‌اند؛ زیرا آن‌ها جز به منافع و مشکلات خود نمی‌اندیشند و از این‌رو، نه از دیگران حمایت می‌کنند و نه موردحمایت واقع می‌شوند.

نظام اخلاقی در جوامع سنتی و صنعتی با ویژگی‌های خاص خود و ویژگی روابط اجتماعی انسان‌ها، تغییر نمی‌پذیرد و در هر صورت، اسلام به ارتباط

عاطفی و حمایت‌های مادی و معنوی از همدیگر سفارش می‌کند تا بدین وسیله، نیازهای متعدّد افراد، بیشتر اشباع شود، به‌ویژه نیازهای روانی که امروزه افراد زیادی با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند (محمدی صيفار، ۱۳۸۹: ۲۷).

ممانعت از انحراف‌های اجتماعی: اگر نیازهای اساسی فرد با محرومیت روبه‌رو شود، احتمال انجام اعمال کج روانه بیشتر می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۸۰). آمارهای متعدد در رابطه بین محرومیت‌های گوناگون، با اعمال انحرافی، بیانگر این نکته است. تحقیقات حاکی از همبستگی فقر و انحرافات اجتماعی است؛ بر این اساس، فقر به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی، در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن به‌ویژه در زمینه جرائم زنان، اعتیاد و سرقت تأثیرگذار است (سلیمی و داوودی، ۱۳۸۰: ۶۶۳؛ اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۴۷). اگر در جامعه‌ای رتق‌وقتق امور دیگران و توجه به آن‌ها گسترش یابد و انسان‌هایی - حتی به‌صورت گروهی و سازمان‌یافته - به این کار اقدام کنند، مانع وقوع انحراف‌های زیادی در جامعه می‌شود؛ بنابراین، برای پایان دادن و دست‌کم کاهش اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، تنهایی‌ها، انحراف‌های اجتماعی و هزاران بیماری روانی دیگر، نیازمندیم تا دست همدیگر را به صمیمیت بفشاریم و از هیچ کمک خیرخواهانه دریغ نوزیم.

احیاء امید به زندگی: انسان‌ها همواره با امید زنده‌اند و اگر امید به آینده نباشد، چرخه زندگی از فعالیت بازمی‌ایستد. گاهی انسان‌هایی در عمر خود، آن‌قدر با گرفتاری‌ها، مصیبت‌ها و رنج‌ها مواجه شده‌اند که دیگر امید به آینده و زندگی را از دست داده‌اند. توجه خویشاوندان، آشنایان، دوستان و دیگران به چنین انسان‌هایی - دست‌کم پای درد دل آنان نشستن - بارقه امید را در دل آنان روشن می‌سازد. توانایی انسان‌ها در برابر سختی‌ها و مشکلات، آن‌چنان زیاد است که تحمل آن‌ها به تدریج، بر توانایی‌ها می‌افزاید؛ ولی آنچه انسان‌ها را از پای درمی‌آورد، احساس تنهایی است. این درد، توانایی را از آن‌ها سلب می‌کند اما رسیدگی به یکدیگر، بر مقاومت آن‌ها می‌افزاید. «امید» تا حدی از اهمیت والایی برخوردار است که رهبر انقلاب، اخیراً در اهمیت آن در پویایی جامعه کنونی آن را در کنار «ایمان»، سلاح موفقیت جهانی و تمدنی امام راحل خواندند (بیانات ۱۴ خرداد ۱۴۰۲).

برطرف شدن غم و غصه: یکی دیگر از آثار و برکات انفاق و اهتمام به امور مردم، زدودن ریشه غم و غصه است که ثمرات آن، نصیب خود شخص نیز می‌شود و با مشاهده آثار تلاش خود در راستای خدمت‌رسانی به مردم، از لذایذ و نشاط روحی و جسمی برخوردار خواهد شد و خداوند متعال به زدودن غم دنیای و اخروی وعده داده است.

حضرت حسین بن علی (علیه‌السلام) برای توسعه امر خدمت‌رسانی در جامعه، مردم را از آثار این امر مقدس آگاه کرده، می‌فرماید: «هر کس برای نیکی [خدمت‌رسانی] به برادر خود بشتابد فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیشتر از آن او را از بلاها و گرفتاری‌ها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی برطرف نماید، خداوند متعال غم و غصه‌های دنیا و آخرت [او] را برطرف خواهد نمود» (اربلی، بی‌تا، ۲: ۲۲۹). حضرت ختمی مرتبت در این زمینه احادیث گران‌قدری را فرموده‌اند که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سُورُؤُيْدُخْلُهُ مُؤْمِنٌ عَلَى مُؤْمِنٍ، يَطْرُدُ عَنْهُ جُوعَهُ أَوْ يَكْشِفُ عَنْهُ كَرْبَهُ؛ بهترین اعمال در پیشگاه الهی سه چیز است: ایجاد خوشحالی در دل مؤمن، رفع گرسنگی و زدودن غم و اندوه از چهره او (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۱۲: ۷۴). پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) همچنین فرمودند: کسی که مؤمنی را خوشحال کند، مرا خوشحال نموده و کسی که مرا خوشحال نماید، خدا را خوشحال کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۴: ۲۸۷).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که درباره کاربست‌های اجتماعی - اخلاقی مثل آیه ۲۶۱ بقره به روش توصیفی - تحلیلی بیان گردید و در پردازش آن از مطالعات و داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شد، یافته‌های ذیل حاصل می‌شود:

قرآن، برای هدایت و دستیابی انسان به فرمان‌ها و آموزه‌های دینی، در موارد

متعددی از قالب تمثیل استفاده نموده و مفاهیم متعالی را از این طریق، تنزل داده و محسوس و ملموس جلوه داده که از جمله آن‌ها ترغیب و دعوت انسان به انفاق و کاوش در ماورای آثار و پیامدهای آن در آیه ۲۶۱ بقره است تا بدین وسیله، حس هم نوعی، انسان‌دوستی و جامعه‌نگری را در او برانگیزد، دردی از آلام و مسائل اجتماعی را بکاهد، افق معیشتی فقیر و غنی را قرین هم گرداند، انس، وحدت، آرامش و امید را در تمدن بشری مستولی سازد، با زدودن ریشه فقر مالی و فرهنگی، لبخند‌داری و همسانی معیشتی را مهمان نیازمندان نماید و از فروافتادن در ورطه‌های انحرافات و آسیب‌های اجتماعی ممانعت به عمل آورد و با تفهیم ظرایف و لطایف عمیق قرآنی، در راستای تقویت دین کوشیده و اعجاز بیانی و بلاغی قرآن را با زبان چندوجهی و واقع‌نگر خود در ظرف تمثیل به تصویر درآورد تا انسان با رهیافت‌های دقیق، کاربست‌های اخلاقی - اجتماعی مثمر ثمری را در عرصه میدانی، عملیاتی نموده و گزاره‌های اخلاقی را الگو‌گیری کند و در نائل شدن به جامعه آرمانی مهدوی و حیات طیبه، نقش‌آفرین ساحات تمثیلات الهی گردد.

از دیگر یافته‌های حاصل از پژوهش، این موارد را می‌توان برشمرد: اهتمام به امور مسلمانان و جامعه اسلامی، ارائه خدمات اجتماعی، به کارگیری سرمایه مردمی و حلقات میانی، به‌عنوان ارزش اجتماعی در میان نظام ارزشی و هنجاری اسلام موجبات ایجاد همبستگی و تحکیم روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد. برخی از محدودیت‌های نوشتاری، از پرداختن به پاره‌ای از مسائل ممانعت به عمل آورد؛ لذا توصیه می‌شود خوانندگان محترم، به مباحث تربیتی تمثیل آیه مذکور با رویکرد آسیب‌شناسی پردازند.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
*نهج البلاغه.
*صحیفه سجادیه.
- ۱- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، مقایس اللغة، ج ۵، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 - ۲- ابن اثیر، ضیاء‌الدین نصرالله بن محمد، (۱۴۲۰ ق)، المثل السائر، بیروت، المکتبه العصریه.
 - ۳- اربلی، ابوالحسن علی بن ابی‌الفتح، (بی‌تا)، کشف الغمه، ج ۲، بیروت، دارالأضواء.
 - ۴- ارفع، سیدکاسم، (۱۳۸۱)، ترجمه قرآن، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
 - ۵- اسفندیاری، اسماعیل، (۱۳۸۲)، «فقر و انحرافات اجتماعی؛ زمینه یا انگیزه»، فصلنامه کتاب زنان، پیاپی ۲۱، ص ۷۴-۴۷.
 - ۶- امین اصفهانی، نصرت، (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، تهران، نهضت زنان مسلمان.
 - ۷- انصاری خوشابر، مسعود، (۱۳۷۷)، ترجمه قرآن، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
 - ۸- آیتی، عبدالحمید، (۱۳۷۴)، ترجمه قرآن، تهران، سروش.
 - ۹- باقری، خسرو، (۱۳۹۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
 - ۱۰- بهمنیاری، احمد، (۱۳۹۸)، داستان نامه بهمنیاری، تهران، دانشگاه تهران.
 - ۱۱- ثواقب، جهانبخش، (۱۳۹۰)، تشبیهات و تمثیلات قرآن، قم، حبیب.
 - ۱۲- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (بی‌تا)، اسرارالبلاغه، ج ۱، جلد - عربستان، دارالمدنی.
 - ۱۳- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۷)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، قم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
 - ۱۴- جمعی از مؤلفان، (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، حوزه و دانشگاه و سمت.
 - ۱۵- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴)، تسنیم، ج ۲، قم، اسراء.
 - ۱۶- حائری شیرازی، محمد صادق محی‌الدین، (۱۳۹۶)، مثلها و پندها، تهران، پیام محراب.
 - ۱۷- حسین‌زاده، محمد، (۱۳۸۰)، مبانی معرفت‌دینی، قم، مؤسسه امام خمینی.
 - ۱۸- حکمت، (۱۳۶۱ ش)، علی اصغر، امثال قرآن، ص ۱، تهران، بنیاد قرآن.
 - ۱۹- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۹)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، صهبا، مؤسسه ایمان جهادی.
 - ۲۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، امثال و حکم، چاپ دوم، تهران، چاپ سیروس.
 - ۲۱- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳ ش)، لغتنامه، ج ۴، ۱۱، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۲۲- راغب اصفهانی، محمدحسین، ابوالقاسم حسین بن محمد، (بی‌تا)، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی.
 - ۲۳- رشیدرضا، محمد، (۱۹۹۰ م)، المنار، ج ۱، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- ۲۴- رضازاده، نیلوفر؛ شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۱)، «جستاری بر انواع تمثیل در مثل‌ها و قصه‌های قرآن کریم»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۸۰، ص ۶۸- ۵۷.
- ۲۵- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، *آناتومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۶- ری شهری، محمد، (۱۳۷۵)، *میزان الحکمه*، ج ۲، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
- ۲۷- زاهدی اصل، محمد، (۱۳۹۸)، *مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲۸- زرکشی، أبو عبد الله بدرالدین، (۱۳۷۶ ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، ج ۱، چاپ اول، بغداد، دار احیاء الکتب العربیة.
- ۲۹- سالاری راد، معصومه؛ رسولی پور، رسول (۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل کارکرد زبان قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۸، ص ۵۶- ۸۲.
- ۳۰- سالاری فر و دیگران، (۱۳۹۸)، *روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳۱- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۶)، *مثل‌های آموزنده قرآن*، چاپ دوم، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ۳۲- سلیمی، علی؛ داوودی، (۱۳۸۰)، *محمد، جامعه شناسی کجروی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۳۳- سید قطب، ابراهیم، *التصور الفنی فی القرآن*، (بی‌تا)، ج ۱، چاپ هفدهم، بی‌جا، دارالشروق.
- ۳۴- سیوطی، جلال الدین الاتقان فی علوم القرآن، (۱۳۹۴ ق)، محقق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۴، بی‌جا، هیئة المصریة العامة للکتاب.
- ۳۵- شریف قریشی، باقر، (۱۳۶۲)، *نظام تربیت اسلام*، تهران، فجر.
- ۳۶- شکورزاده، ابراهیم، (بی‌تا)، *ده هزار مثل فارسی*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳۷- فخرالدین، طریحی، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، ج ۵، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ۳۸- فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *مفاتیح الغیب*، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۹- فراهیدی، خلیل، (۱۴۱۰ ق)، *العین*، ج ۸، قم، انتشارات هجرت.
- ۴۰- فرید، زهرا، (۱۳۸۷)، «مثل در قرآن»، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ویژه نامه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، شماره ۵۶، ص ۱۸۹- ۱۵۶.
- ۴۱- فیاض، محمدجابر، (۲۰۱۲ م)، *الامثال فی القرآن الکریم*، قاهره، دار السلام للطباعة والنشر والتوزیع والترجمة.
- ۴۲- قاسمی، حمید محمد، (۱۳۹۰)، *تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن*، تهران، نشر بین‌الملل امیرکبیر.
- ۴۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی‌تا)، *اصول کافی*، ج ۲، ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۴- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، ج ۷۴، چاپ دوم، بی‌جا، مؤسسه وفاء.
- ۴۵- محمدی صیفار، مهدی، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر اهتمام به امور مسلمانان»، نشریه معرفت، شماره ۱۰۳، ص ۲۷- ۲۳.

- ۴۶- معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- ۴۷- معین، محمد، (۱۳۶۰)، لغتنامه، ج ۱، تهران، امیر کبیر.
- ۴۸- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، مثال‌های زیبای قرآن، چاپ اول، قم، نسل جوان.
- ۴۹- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- ۵۰- میرزای نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۵۱- الهی قمشه‌ای، مهدی، (۱۳۸۴)، ترجمه صحیفه سجادیه، قم، انتشارات جمکران.
- ۵۲- الهی قمشه‌ای، (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، قم، فاطمه الزهراء.

منابع اینترنتی

- ۱- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات ۱۴ خرداد ۱۴۰۲. سایت khameneei.ir
- ۲- پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت. <https://hawzah.net/fa/Article/View/97762>
- ۳- ویکی فقه. <https://fa.wikifeqh.ir>
- ۴- کتابخانه دیجیتال قائمیه. <https://www.ghbook.ir/index.php?lang=fa>
- ۵- کتابخانه دیجیتال نور. <https://noorlib.ir>
- ۶- کتابخانه فقاہت. <https://lib.eshia.ir>

References

- * The Holy Quran, translated by Nasir Makarem Shirazi.
- * Nahj al-Balagha.
- 1- Al-Safiha al-Sajjadiyeh.
 - 2- A group of authors, (1382), Social Psychology with an Attitude to Islamic Sources, Tehran, University and Seminary, Samt.
 - 3- Al-Fakhr Al-Radi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar, (1420 AH), Mafatih al-Ghaib, vol. 2, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
 - 4- Al-Farahidi, Khalil, (1410 AH), Al-Ain, vol. 8, Qom, Hijrat Publications.
 - 5- Al-Irbili, Abu al-Hassan Ali bin Abi al-Fath, (n.d), Kashf al-Ghummah, vol. 2, Beirut, Dar al-Adwa.
 - 6- Al-Jurjani, Abdul Qahir bin Abdurrahman, (n.d), Asrar al-Balagha, vol. 1, Jeddah – Saudi Arabia, Dar al Madani.
 - 7- Al-Kulaini, Muhammad bin Yaquob, (n.d), Usul Al-Kafi, vol. 2, 3, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.
 - 8- Al-Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, vol. 74, 2nd edition, n.p, Wafa Institute.
 - 9- Al-Raghib Al-Isfahani, Muhammad Hussein, Abul-Gasim Hussein bin Muhammad, (n.d), Vocabulary of Quranic Words, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
 - 10- Al-Suyouti, Jalaluddin (1394 AH), Al-Itqan fi Uloum al-Qur'an, researcher: Muhammad Abu al-Fazl Ibrahim, vol. 4, n.p, Al-Hay'a al-Misriyah al-Ammah li al-Kitab.
 - 11- Al-Turayhi Fakhruddin, (1375), Majma Al-Bahrain, vol. 5, Tehran, Mortazavi bookstore.
 - 12- Al-Zarakshi, Abu Abdullah Badr al-Din, (1376 AH), Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an, vol. 1, first edition, Baghdad, Dar Ihya al-Kutub al-Arabiya.
 - 13- Amin Esfahani, Nusrat, (1361), Makhzan Al-Irfan in Qur'an Interpretation, vol. 2, Tehran, Muslim Women's Movement.
 - 14- Ansari Khoshaber, Masoud, (1377), Translation of the Quran, Tehran, Farzan Rooz Publishing and Research.
 - 15- Arfa, Seyyed Kazem, (2011), translation of the Quran, Tehran, Feyz Kashani Research and Publishing Institute.
 - 16- Ayati, Abdul Hamid, (1374), Quran translation, Tehran, Soroush.
 - 17- Bagheri, Khosrow, (1395), A New Look at Islamic Education, vol. 1, n.p, Burhan School Cultural Institute.
 - 18- Bahmanyari, Ahmad, (1398), The Story of Bahmanyari, Tehran, University of Tehran.
 - 19- Dehkhoda, Ali Akbar, (1343), Proverbs and Wisdoms, 2nd edition, Tehran, Siroos Publishing.
 - 20- Dehkhoda, Ali Akbar, (1373), Dictionary, vol. 4, 11, 4th edition, Tehran, Tehran University Press.
 - 21- Elahi Qomshei, Mahdi, (1380), Quran translation, Qom, Fatima al-Zahra.
 - 22- Elahi Qomshei, Mahdi, (1384), Translation of Al-Sahifah Al-Sajjadiyah, Qom, Jam-

karan Publications.

23- Esfandiari, Ismail, (1382), "Poverty and Social Deviations; Context or Motivation", Women's Book Quarterly, no. 21, pp. 47-74.

24- Farid, Zahra, (1387), "Proverb in the Qur'an", Qur'anic Research Quarterly, special issue of thematic unity of the Qur'anic Surahs, no. 56, pp. 156-189.

25- Fayyad, Mohammad Jabir, (2012), Al-Amthal fi al-Qur'an al-Karim, Cairo, Dar al-Salam for printing, distribution, and translation.

26- Ghasemi, Hamid Mohammad, (1390), "Tamthilat" of the Qur'an and its educational effects, Tehran, Amir Kabir International Publishing.

27- Hairi Shirazi, Muhammad Sadiq Muhyiddin, (1396), Proverbs and Parables, Tehran, Payam Mihrab.

28- Hosseinzadeh, Mohammad, (1380), Basics of Religious Knowledge, Qom, Imam Khomeini Institute. Hikmat, Ali Asghar (1361), Quranic Similes, Tehran, Quran Foundation.

29- Ibn Athir, Zia al-Din Nasrallah ibn Muhammad, (1420 AH), Al-Mathal al-Sa'ir, Beirut, Al-Maktabah al-Asriyah.

30- Ibn Faris, Ahmad, (1404 AH), Al-Maqayis al-Lughah, vol. 5, Qom, Maktab Al-Illam Al-Islami.

31- Jafari, Mohammad Taqi, (1377), Translation and Commentary of Nahj al-Balagha, vol. 20, Qom, Allameh Jafari Institute for Compilation and Publishing.

32- Javadi Amoli, Abdullah, (1394), Tasnim, vol. 2, Qom, Isra.

33- Khamenei, Seyyed Ali, (1399), Outline of Islamic Thought in the Qur'an, Qom, Sahba, Iman Jihadi Institute.

34- Makarem Shirazi, Nasir, (1374), Tafsir Nomooneh, vol. 10, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.

35- Makarem Shirazi, Nasir, (1382), Beautiful Similies of the Qur'an, 1st edition, Qom, Nasl Javan.

36- Marefat, Mohammad Hadi, (1381), Qur'anic Sciences, Qom, Al-Tamhid Publishing Cultural Institute.

37- Mirza Noori, Hossein, (1408 AH), Mustadrak al-Wasa'il, vol. 12, Qom, Al al-Bait Institute for Ihya al-Turath.

38- Mohammadi Seifar, Mahdi, (1389), "Analysis of the Concept of "Ihtimam" to Muslim affairs", Marafet magazine, no. 103, pp. 23-27.

39- Moin, Mohammad, (1360), Dictionary, vol. 1, Tehran, Amir Kabir.

40- Rafipour, Faramarz, (1378), Anatomy of Society, Tehran, Enteshar Company.

41- Rashid Rida, Muhammad, (1990), Al-Manar, vol. 1, Egypt, Al-Hay'a al-Misriyah al-Ammah li al-Kitab.

42- Rayshahri, Muhammad, (1375), Mizan al-Hikmah, vol. 2, Qom, Dar al-Hadith, 1st edition.

43- Rezazadeh, Nilofar; Shahroudi, Fatemeh (1391), "An inquiry into the types of allegory in the parables and stories of the Holy Quran", Marefat Monthly, no. 180, pp. 57-68.

44- Salarifar et al., (2018), Social Psychology with an Approach to Islamic Sources,

Qom, Hawzah and University Research Institute.

45- Salarirad, Masoumeh; Rasoulipour, Rasool (1386), "Investigation and Analysis of the Function of the Language of the Qur'an from the Allameh Tabatabai's Perspective", scientific-research quarterly Andisheh Navin Dini, no. 8, pp. 82-56.

46- Salimi, Ali; Davari, Mohammad (1380), Sociology of Deviancy, Qom, Hawza and University Research Institute.

47- Savaqib, Jahanbakhsh, (1390), Similes and Parables of the Qur'an, Qom, Habib.

48- Seyyed Qutb, Ibrahim, Al-Taswir al-Fanni fi al-Qur'an, (n.d), vol. 1, 17th edition, n.p, Dar al-Shorouq.

49- Shakurzadeh, Ebrahim, (n.d), Ten Thousand Persian Proverbs, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House.

50- Sharif Al-Qarashi, Baqir, (1362), Islamic Education System, Tehran, Fajr.

51- Sobhani, Jafar, (1386), Instructive Parables of the Qur'an, 2nd edition, Qom, Imam Sadiq (AS) Institute.

52- Zahedi Asl, Mohammad, (1398), An Introduction to Social Services in Islam, 5th edition, Tehran, Allameh Tabatabai University.

Websites

1- Khamenei, Seyyed Ali, Statements on 14 Khordad 1402. <http://khameneei.ir>

2- Hawzeh Net information base. <https://hawzah.net/fa/Article/View/97762>

3- Wiki jurisprudence. <https://fa.wikifeqh.ir>

4- Digital Library of Qhaemiyyeh. <https://www.ghbook.ir/index.php?lang=fa>

5- Light digital library. <https://noorlib.ir>

6- Jurisprudence library. <https://lib.eshia.ir>

Type of Article: Researching

Designing the Qur'anic Model of the Islamic Al-Madina AI-Tayyiba with a Future Research Approach

Mohammad Sobhani Yamchi¹, Ali Eshghi Chaharborj², Saideh Alavi³

Abstract

Designing, planning and establishing an Islamic Al-Madina AI-Tayyiba (perfect society) based on authentic Islamic principles and values can provide the basis for growth and perfection towards a desirable and ideal society. In the past few decades, the influx of Western modernity models and their application in the cities of Islamic countries has made the atmosphere of the Islamic cities face a crisis of identity loss - identitylessness. In order to confront the invasion of foreign culture and solve the problems of the cities of the country, it is necessary to revive the Islamic Al-Madina AI-Tayyiba and return to the authentic Islamic standards of the Qur'an in building the cities of the country. Accordingly, the current research has been conducted with the aim of designing the Quranic model of the Islamic Al-Madina AI-Tayyiba with a future research approach. The research method is an applied method in terms of the goal, and also a survey due to its descriptive approach. The statistical population of this research is 70 experts and professors at the level of universities and scientific institutes across the country. In order to analyze the Quranic model of Islamic Al-Madina AI-Tayyiba, 36 important indicators have been extracted and analyzed using Quranic verses. MICMAC program was used to analyze the research indicators and identify the main effective strategies in designing the Quranic model of Islamic Al-Madina AI-Tayyiba.

The research findings show that out of 36 elements investigated in this research, 12 criteria were selected as the key factors influencing the design of the Quranic model of Islamic Al-Madina AI-Tayyiba, which are: perseverance and will to revive Al-Madina AI-Tayyiba, dispersion the culture of worship in the city, spreading piety and spirituality in the city, helping the deprived, needy and weak, expanding the scope of science and technology in the city, human dignity and citizen rights, establishing justice, avoiding rumors and suspicions, ensuring security and peace, economic prosperity and public welfare, building a moral city and righteous leadership.

Keywords: Islamic, Al-Madina AI-Tayyiba, Quranic Model, Strategies, Future Studies

- 1- Associate Professor, Quranic Sciences and Interpretation Department, University of Sciences and Teachings of the Holy Quran, Maragheh, Iran, Sobhani@quran.ac.ir
- 2- Masters degree in Quranic Sciences, University of Sciences and Teachings of the Holy Quran, Maragheh, Iran, (corresponding author), Aeshghei@gmail.com
- 3- PhD in Geography and Urban Planning, Mohaqiq Ardabili University, Faculty of Social Sciences, Iran, Alavi.saide.1370@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

20.1001.1.30605644.1403.4.2.2.7

10.22034/arq.2024.190460

نوع مقاله: علمی پژوهشی

طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی

محمد سبحانی یامچی^۱

علی عشقی چهاربرج^۲

سعیده علوی^۳

چکیده

طراحی، برنامه‌ریزی و ایجاد شهر طیب اسلامی که متشکل از اصول و ارزش‌ها اصیل اسلامی قرآنی است، می‌تواند زمینه رشد و کمال به سمت جامعه مطلوب و آرمانی را فراهم سازد. در چند دهه اخیر هجوم الگوهای مدرنیته غربی و کاربست آن در شهرهای کشورهای اسلامی، فضای شهرهای کشور را با بحران بی‌هویتی مواجه ساخته است. برای مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه و رفع مشکلات پیش‌آمده در فضا شهرهای کشور، احیای شهر طیب اسلامی و بازگشت به معیارهای اصیل اسلامی قرآنی در ساختار شهرهای کشور راهبردی ضروری است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده است. روش پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش ۷۰ نفر از افراد متخصص و اساتید در سطح دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه نقاط

۱- دانشجویار گروه علوم قرآن و تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مراغه، ایران، Sobhani@quran.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مراغه، ایران، (نویسنده مسئول)،

Aeshghei@gmail.com

۳- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم اجتماعی، ایران،

Alavi.saide.1370@gmail.com



مختلف کشور است. جهت تحلیل الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی، ۳۶ شاخص مهم با استفاده از آیات قرآنی استخراج و مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل شاخص‌های مورد پژوهش و تعیین راهبردهای کلیدی مؤثر در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی از نرم‌افزار MICMAC استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از ۳۶ مؤلفه بررسی شده در تحقیق حاضر، ۱۲ معیار (پشتکار و اراده احیای شهر طیب، رونق عبادت در شهر، گسترش تقوا و معنویت در شهر، کمک به محرومان و مستضعفان، گسترش علم و فن‌آوری در شهر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی، برقراری عدالت، پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن، تأمین امنیت و آرامش، رونق اقتصادی و رفاه عمومی، شهر اخلاق مدار و رهبریت صالح) به‌عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی انتخاب شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: شهر طیب، الگوی قرآنی، راهبردها، آینده‌پژوهی.

۱. بیان مسئله

شهرها و میراث شهری نشانه‌هایی آشکار و کالبدی از فرهنگ جوامع هستند (میرغلامی، ۱۳۹۹: ۲۱) که در قالب بستر تعالی و کمال انسان، نقشی کلیدی در مسیر زندگی افراد بر جای می‌گذارد (آیشم، ۱۴۰۰: ۱۲). شهر را می‌توان محیطی برای تجلی هویت، ارزش‌های منبعث از اعتقادات، جهان‌بینی و فرهنگ ساکنین و پدیدآورندگان خود دانست (سیفیان، ۱۳۷۸: ۵۸). شهر اسلامی در صدر اسلام به دلیل مرکز نشر و گسترش دین تأسیس شد (Madahi, et al, ۲۰۱۱: ۳) و بر اساس اصول و آموزه‌های قرآنی و نبوی ساخته شد (Jamalinez et al, ۲۰۱۲: ۳۳). شهرها و بناهای اسلامی با شاخصه‌های هنری، زیبایی‌شناختی، کالبدی، زیست‌محیطی، اقلیمی محیطی و اقتصادی آرامشی انکارناپذیر را برای شهروندان ایجاد می‌کردند (ترکمان و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). از این روی نگاه به شهر ایده‌آل

و آرمانی همواره در بسترها و سرزمین‌های گوناگون وجود داشته و از دیرینه‌ترین عناصر زندگی انسان‌ها بوده و قدمتی به بلندای تمدن و زیست بشریت دارد (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۱). آرمان‌شهر در اصطلاح، شهری است با ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی که می‌تواند بیشترین شهروندان خود را به حداکثر سعادت ممکن برساند. اندیشه آرمان‌شهرها در تمامی مکتب‌ها و اندیشه‌ها دیده می‌شود. در این میان اسلام، به سبب رویکرد توحید نگر و ویژگی خاص خود، صفت و ویژگی‌های خاصی را برای آرمان‌شهر مطلوب خود خواهان است. در آرمان‌شهر اسلامی جنبه روحانی و معنوی بر جنبه مادی و کالبدی غلبه دارد و متفکران بیشتر از آنکه به جنبه کالبدی و عینی پردازند به جنبه‌های نظری و ذهنی پرداخته‌اند (احمدی و افرادی، ۱۳۹۱: ۲۷). از این رو تجلی شهر اسلامی در عالی‌ترین صورت آن، شهری است که در آن، «انسان کامل» (و مؤمنان) بتوانند مطابق «ارتباطات» (قوانین و رفتارها و اخلاقیاتی) که از چشمه وحی اخذ و تدوین شده‌اند، به خلق محیط و کالبدی پردازند که آن محیط شایستگی ظرف حیات طیبه بودن را دارا باشد و مؤمن بتواند به «شیوه مسلمانی» در فضا و محیطی متعادل که بر اساس این ارتباطات و شیوه زیست ساخته شده است، زندگی کند (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

علیرغم اینکه تحقق شهر طیبه اسلامی یکی از اهم موضوعات در کشور ما به‌عنوان جامعه اسلامی است، امروزه فضای شهرهای اسلامی کشورمان به دلیل هجوم همه‌جانبه فرهنگ غرب و تقلید روشنفکران داخلی از الگوهای مدرنیته غربی، اغلب با بی‌هویتی، بی‌عدالتی، بی‌حجابی، تجمل‌گرایی، خودباختگی و حضور فرهنگ بیگانه و ... مواجه‌اند. برای کاهش و رفع مشکلات پیش آمده در شهرهای کشور، احیای شهر طیب اسلامی و بازگشت به معیارهای اصیل اسلامی - قرآنی در ساختار شهرهای کشور راهبردی ضروری است. شناخت مؤلفه‌ها و معیارهای شهر طیب اسلامی از دیدگاه قرآن و کاربرد آن در برنامه‌های آتی شهرهای امروزی می‌تواند الگوی بهینه تحقق شهر طیب اسلامی - قرآنی را در برابر هجوم فرهنگ بیگانه فراهم نماید و متولیان امور شهری را از سردرگمی در احیای شهر طیب اسلامی برهاند. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است

تا با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی، الگوی بهینه‌ای جهت تحقق شهر طیب اسلامی ارائه نماید تا با تدوین استراتژی و راهبردهای کلیدی جهت تحقق شهر طیب اسلامی، درک و اولویت‌بندی مسائل را برای برنامه ریزان و مدیران شهری تسهیل سازد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده است. برای تحقق این مهم، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. کدام معیارهای در تحقق شهر طیب اسلامی به‌عنوان جامعه مطلوب از تأثیرگذاری بالایی برخوردارند؟
۲. راهبردهای کلیدی مؤثر جهت تحقق الگوی بهینه قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با شهر طیب اسلامی و موضوعات مربوط به آن پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. دیسنا (۱۳۸۸) در پژوهش خود ضمن پرداختن به ابعاد حیات طیبه از دیدگاه اسلام، آرمان‌شهر لیبرالیسم را نقد کرده است. نقی‌زاده (۱۳۹۰) در کتاب «شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی» سعی کرده با استفاده از آیات و روایات اسلامی مختصات مدینه فاضله را شرح دهد. بیات (۱۳۹۳) با بررسی رویکرد اسلامی به شهر، ویژگی‌های شهر اسلامی را مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش برای تحلیل شهر از دیدگاه اسلام و احصای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی، نظریه‌های سه تن از متفکران مسلمان شامل ابن‌خلدون و فارابی از متقدمین و خانم ابراهیم از متفکران مسلمان معاصر را بررسی کرد. پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شاخص‌هایی که توسط مسلمانان صاحب اندیشه در راستای دستیابی به شهری آرمانی - اسلامی از آموزه‌های دینی استخراج می‌شود، در مجموع دودسته‌اند: برخی به‌طور مستقیم در برنامه‌ریزی و طراحی

شهری قابل به کارگیری و برخی غیرمستقیم قابل بهره‌برداری است. خیام‌باشی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی شهر طیب، الگویی مطلوب در بازآفرینی شهر ایرانی - اسلامی به این نتیجه رسیدند که بین کالبد شهر و اجتماع شهروندان ارتباط تنگاتنگ و متقابلی وجود دارد از یک سو این جهان‌بینی و چهارچوب فکری شهروندان است که شهر را شکل می‌دهد و در طراحی و ساخت فضاهای شهری و معماری و شهرسازی آن نقشی کلیدی بازی می‌کند و از سوی دیگر این کالبد شهر است که در القاء و تقویت تفکری خاص و جهان‌بینی متناسب با آن در بین ساکنین جایگاهی مهم و تأثیرگذار دارد. شکوهی بیدهندی و مطهر (۱۳۹۹) در پژوهشی به ارزیابی جایگاه کرامت انسانی (مبتنی بر آرای امام موسی صدر) در سیاست‌گذاری نوسازی شهری پرداختند که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد معیارهای مستخرج از آراء سید موسی صدر نمی‌تواند مبنایی بر کرامت انسانی باشد. با عنایت به گذشت حدود ۱۰ سال از این سند و ظرفیت پیش‌بینی شده در سند طرح جامع برای انجام بازنگری‌های پنج‌ساله، پیشنهاد این مقاله، اصلاح راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع شهر تهران است.

بخشی‌زاده و کلاتتری (۱۳۹۹) معیارهای عدالت اجتماعی در شهر اسلامی را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های حاصل از منابع موجود به صورتی ساختمند نشان می‌دهد که معیارهای عدالت در شهر اسلامی طیف وسیعی را شامل می‌شوند که هسته محوری آن‌ها بر هویت توحیدی قرار دارد و دو معیار و بال آن نیز نظم و کالبد اسلامی در شهر اسلامی است. اسماعیل پور و سلیمانی (۱۴۰۰) تصویر شهر مطلوب در تمدن نوین اسلامی را به نمایش گذاشته‌اند. تمدن سازی یکی از اهداف و نگاه‌های بلندمدت در آینده‌پژوهی است. یافته‌های پژوهش در شش بخش اصول کلی، ضوابط ضروری، محیط‌زیست و روشنایی، راه‌ها و جاده‌ها، شکوفایی و امنیت اقتصادی و تأسیسات و اماکن عمومی ارائه و در هر بخش مبنایی، قواعد و دستورالعمل‌های موردنیاز تدوین شده است و با استفاده از آن‌ها، شهر مطلوب در تمدن نوین اسلامی به تصویر کشیده شده است. مطهر و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی تطبیقی معیارهای کرامت انسانی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شهر مطلوب اسلامی در محله‌های نوساز و قدیمی شهر

تهران به این نتایج دست یافتند که کرامت انسانی، به معنای ارج نهادن به گوهر و وجود انسان به عنوان برترین مخلوق خداوند است. این مفهوم می‌تواند در برنامه‌ها و مداخلات شهر سازان، تعبیری فضایی پیدا کند. سبحانی یا مچی و عشقی چهاربرج (۱۴۰۱) با ارزیابی مؤلفه‌های فرهنگی شهر طیب از منظر قرآن به این نتایج دست یافتند که وضعیت فرهنگی شهر مراغه در مؤلفه‌های فرهنگی تجلی توحید در فضای شهر، رونق عبادت در شهر، اخلاص و پرهیز از ظاهرگرایی و مقدس‌مآبی، برقراری عدالت، گسترش ذکر و تذکر در شهر، رعایت عفت عمومی و هویت و عدم خودباختگی، با مؤلفه‌های فرهنگی شهر طیب از منظر قرآن تفاوت معناداری دارد به طوری که شهر مراغه به لحاظ مؤلفه فرهنگی ذکرشده، فاصله زیادی با معیارهای شهر طیب از منظر قرآن کریم دارد. در بقیه شاخص‌های موردپژوهش تفاوت معناداری با معیارهای شهر طیب اسلامی ندارد. با مطالعه تحقیقات انجام‌شده پیشین مشخص گردید اکثر این پژوهش‌ها مؤلفه‌هایی از شهر اسلامی (شهر طیب، شهر مطلوب، مدینه فاضله...) از منظر قرآن و روایات را ارائه و بررسی نمودند. این مطالعه اگرچه شاخص‌ها را مطالعه کرده و تلاش سایر مطالعات را ارج می‌نهد؛ اما آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌نماید، نگاه روبه‌جلو با به‌کارگیری فنون آینده‌نگاری در تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های شهر طیب اسلامی در جهت طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی است.

۳. مبانی نظری

به‌طورکلی وحی سبب پیدایش دین به معنای قانون، شریعت اخلاقی و اجتماعی شده است و شهر اسلامی، شهری متجانس و همگن با هویت است که دین و مذهب قرن‌ها آن را حفظ کرده‌اند. در شهر اسلامی رابطه منطقی میان انسان و محیط، ایدئولوژی و محیط‌زیست برقرار است (توکلی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۶). در ساخت شهر اسلامی، فرهنگ و مذهب عناصری مهم و شکل‌دهنده به فضا هستند؛ کالبد‌دارای روحی است که تجلی فرهنگ و جهان‌بینی است (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). یک شهر اسلامی به انحای مختلف به‌ویژه

از طریق همپوشانی معیارهای وجه فکری عملی و رفتاری عینی ساکنان را به سمت ارزش‌های اسلامی و هدفی که اساس خلقت انسان بر آن استوار است هدایت می‌کند (کلاتری، ۱۳۹۵: ۹). این معیارها بر اساس قرآن کریم، روایات و احادیث و نظر فقها و نظریه‌پردازان اسلامی تهیه و تبیین گردیده که گونه‌هایی از شهر اسلامی را ارائه می‌دهند از آن جمله:

الف) شهر مسلمانی: شهری است که در آن رفتار اسلامی جریان دارد و کالبد شهر نیز بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی ساخته شده است.

ب) شهری برای مسلمانان: شهری است که در آن مسلمانان در کالبدی اسلامی زیست می‌کنند که با عنایت به دستورات اسلامی بنا شده‌اند و می‌توان آن را شهری برای مسلمانان (تجلی اصول و ارزش‌ها در کالبد شهر) نامید.

ج) شهر مسلمانان: انسان‌هایی معتقد به اصول اساسی اسلام در آن زندگی و بر اساس دستورات اسلام عمل می‌کنند که آن را شهر مسلمانان (تجلی باورها و اصول رفتارها و روابط) می‌نامند.

د) شهر اصیل اسلامی: اگر این سه بعد یا سه قلمرو را به صورت دوایر متقاطع نشان دهیم بهترین حالت وقتی است که سه دایره باهم منطبق باشند. در این صورت شهر اصیل اسلامی دارای مفهوم خواهد بود و در چنین شهری مسلمانان موحد بر اساس دستورات و اخلاق اسلامی عمل و رفتار نموده و کالبد مناسبی را نیز به وجود می‌آورد که تجلی‌گاه ارزش‌های اسلامی باشد و آن را در مسلمان زیستن یاری نماید (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۵). در ارتباط با ویژگی‌های شهر مطلوب اسلامی با توجه به آیات قرآن کریم موارد زیر قابل برداشت است:

۱. در آن شهر، امنیت، آرامش و آسایش باشد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «پروردگارا این شهر را ایمن گردان» (ابراهیم: ۳۵)، «خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود» (نحل: ۱۱۲) و...؛ ۲. در آن شهر استقرار وجود دارد تا به وسیله آن انسان فرصت برآورده شدن خواسته‌ها و تبلور آرزوهایش را داشته باشد و از رنج و بلاها گزند نبیند. ۳. آدمی در آن شهر از لحاظ معیشتی تأمین باشد و برای پیشرفت و رشد اقتصادی فرصت یابد. «مردمش را از فرآورده‌ها روزی ده» (بقره: ۱۲۶) و ... ۴. از غنای ارزش‌ها، اصول اخلاقی و ضوابط رفتاری

برخوردار باشد (اسماعیل پور و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۵۹).

در قرآن کریم برای شهر پاکیزه، واژه «بلد الطیب» و برای شهر آلوده «بلد الخبیث» و شهر مرده (فاطر: ۹، فرقان: ۴۸-۴۹، ق: ۱۰-۱۱) به کار رفته است (مروتی و دارابی، ۱۳۹۳: ۶۶). هنگامی که خداوند متعال سخن از سرزمین‌های پیشرفته به میان می‌آورد، از واژه «بلده طیبه» (سرزمین پاک) استفاده می‌کند و هنگامی که سخن از مردمان این سرزمین است، از اصطلاح «حیات طیبه» استفاده می‌شود. بر این اساس، مردمانی که دارای حیات طیبه‌اند، در بلدة طیبه زندگی می‌کنند (توکل، ۱۳۹۰: ۴۴). قرآن راجع به شهر و قریه، وصف طیب را به کار برده و مردم را به آن ترغیب نموده است: «كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ» (سبأ: ۱۵)؛ از روزی خدا بخورید و او را سپاس گوید، شهری پاک و پروردگاری آمرزنده این آیه خود جنبه‌های مختلف بلدة طیبه و مردم طیب را از لحاظ عقیدتی و اخلاقی و توحیدی در بردارد. در بلدة طیبه، مردم موحد و شاکر هستند، روزی خدا را می‌خورند و او را رب غفور می‌دانند (رفیع پور، ۱۳۹۵: ۱۵) فضایی که در کوچه کوچه آن معنویت و ذکر خداوند جاری است و شهر مظهر فیوضات ربانی می‌گردد و در یک کلمه شهر طیب به دنبال شهر خدا شدن است و در واقع تمثیلی از بهشت می‌شود که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده شنیده نمی‌شود و به یکدیگر گناه نمی‌بندند و جز سلام و تحیت و سپاس به هم نمی‌گویند: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا» (واقع: ۲۵ - ۲۶) تا در نهایت به مقام قرب الهی و سعادت حقیقی برسند (سبحانی و عشقی، ۱۴۰۱: ۴۲).

آینده‌پژوهی معادل لغت لاتین (Futures Study) است (ناصر آبادی، ۱۳۷۹: ۲؛ اسلاتر، ۱۳۸۶: ۲۲). شاید ساده‌ترین تعریف آینده‌پژوهی، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا باشد (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۳). آینده‌پژوهی در واقع دانش و معرفتی است که دید مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی آینده باز می‌کند و از طریق کاهش ابهام‌ها و تردیدهای فرساینده، توانایی انتخاب‌های هوشمندانه مردم و جامعه را افزایش داده و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند که به کجاها می‌توانند بروند و به

کجاها باید بروند (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴: ۳). آینده‌پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیشگویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. کسانی که این دانش را در دست دارند هم‌اکنون هم به آینده جهان به‌دلخواه و مطلوب خود، شکل می‌دهند. شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم موردنیاز هر ملتی است (کیهان‌پور، ۱۳۹۳: ۳)؛ از این رو احیای شهر طیب اسلامی و جامعه مطلوب قرآنی، نیازمند شناخت آینده و برنامه‌ریزی هوشمندانه و آگاهانه برای آن است. رویکرد آینده‌پژوهی، می‌تواند با بررسی وضعیت‌های آرمانی آینده، افق‌ها و مؤلفه‌های رسیدن به آن را ترسیم کند. تدوین و تصویب برنامه آینده‌نگارانه با چشم‌اندازی متعالی به‌عنوان سند بالادستی در طرح‌های جامع، تفصیلی و راهبردی شهرهای کشور می‌تواند زمینه را جهت طراحی و احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی فراهم نماید.

۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش افراد متخصص و اساتید در سطح دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه نقاط مختلف کشور است. جهت تحلیل الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی ۳۶ شاخص مهم با استفاده از آیات قرآنی استخراج و موردبررسی قرار گرفت. برای تعیین راهبردهای کلیدی مؤثر در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی، پیشران‌های مؤثر و اهمیت نسبی هرکدام از شاخص‌ها، از طریق پرسشنامه و به روش دلفی توسط ۷۰ نفر کارشناسان و متخصص علوم قرآنی و برنامه‌ریزی شهری تعیین شد. شاخص‌های مؤثر و اهمیت نسبی آن‌ها برای استخراج راهبردهای کلیدی مؤثر در برنامه‌ریزی‌های آتی با رویکرد آینده‌پژوهی جهت طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی وارد نرم‌افزار MICMAC شد. پس به تجزیه و تحلیل شاخص‌های موردپژوهش، راهبردهای کلیدی مؤثر و حیاتی در جهت طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی استخراج شدند. در انتهای مباحث نیز لازم به ذکر است که شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش به شرح جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱): شاخص‌های مورد بررسی در این تحقیق

ردیف	شاخص	منبع
۱	تجلی توحید در فضای شهر	بقره ۱۵۶ / حدید ۴ / حمد ۵
۲	گسترش تقوا و معنویت در شهر	اعراف ۹۶ / نازعات ۴۰ / طلاق ۵
۳	رونق عبادت در شهر	ذاریات ۵۶ / حج ۷۷ / بینه ۵
۴	شهر توکل‌کنندگان	هود، ۵۶ / آل عمران ۱۵۹ / طلاق ۳
۵	رعایت حد و حریم	بقره ۲۲۹ / نور ۳۰
۶	قناعت و سادگی زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی	غافر ۴۳ / اعراف ۳۱ / هود ۱۱۶
۷	کسب روزی حلال	اعراف ۱۳۷ / مائده ۲ / بقره ۱۹۵ و ۲۷۴
۸	کمک به محرومان و مستضعفان	بقره ۱۶۸ / رعد ۲۶ / عنکبوت ۶۲
۹	پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن	حجرات ۱۱-۱۲ / حجرات ۶
۱۰	رهبریت صالح	بقره ۱۲۴ / یوسف ۱۰۸ / یوسف ۵۵
۱۱	امر به معرف و نهی از منکر	آل عمران ۱۰۴ / حج ۴۱
۱۲	بینش سیاسی در اداره شهر	نحل ۳۶ / آل عمران ۱۱۸ / توبه ۱۰۷
۱۳	اخلاص و پرهیز از مقدس‌مآبی	انعام ۱۶۲ / توبه ۱۰۱
۱۴	تأمین امنیت و آرامش	نور ۵۵ / بقره ۱۲۶ / ابراهیم ۳۵
۱۵	برقراری عدالت	حدید ۲۵
۱۶	ضرورت وحدت در شهر	آل عمران ۱۰۳ / حجرات ۱۰
۱۷	رعایت نظم در کالبد و عناصر شهری	بقره ۱۴۴ / یونس ۸۷
۱۸	رعایت قوانین اسلامی در شهر	حج ۷۸
۱۹	محله محوری	جن ۱۸ / نور ۳۶ / قصص ۵۹
۲۰	گسترش علم و فن‌آوری در شهر	قصص ۷۸ / طه ۱۱۴ / نمل ۴۰
۲۱	بهداشت شهر و مسکن	توبه ۱۰۸ / اعراف ۱۵۷

ردیف	شاخص	منبع
۲۲	شهر قانون‌مدار	بقره ۱۱۳ / مائده ۸
۲۳	آزادی‌خواهی و آزاداندیشی	بقره ۲۵۶ / زمر ۱۸
۲۴	خودباوری و خوداتکایی	فرقان ۷۴ / فتح ۲۹ / رعد ۱۱
۲۵	گسترش ذکر و تذکر در شهر	انفال ۲ / رعد ۲۸
۲۶	رعایت عفت عمومی	نور ۳۰ و ۳۱ / احزاب ۵۳
۲۷	شهر اخلاق‌مدار	آل عمران ۱۰۴ / مائده ۲
۲۸	هویت و عدم خودباختگی	زخرف ۵۴ / ممتحنه ۱ / توبه ۸
۲۹	کرامت انسانی و حقوق شهروندی	اسراء ۷۰ / بقره ۳۰
۳۰	تبلیغات در فضای شهر	آل عمران ۹۷ و ۱۰۴ / توبه ۱۲۲
۳۱	طهارت و پاکیزگی در شهر	حجر ۱۹ / سبا ۱۵
۳۲	مبارزه با انحراف و خرافه‌گرایی	مائده ۳۳ / اعراف ۵۶
۳۳	مشورت با مردم	آل عمران ۱۵۹ / شوری ۳۸
۳۴	رونق اقتصادی شهر و رفاه عمومی	بقره ۱۷۲ / نساء ۵ / نحل ۱۱۲
۳۵	زیباسازی شهر	بقره ۱۴۳ / اسراء ۲۹ / فرقان ۶۷
۳۶	پشتکار و اراده احیای شهر طیب	النجم: ۳۹ / مؤمنون ۲۷ / هود ۳۷

(منبع: مطالعات نگارندگان بر اساس پیشینه پژوهش)

۵. بحث و یافته‌ها

در فرهنگ و تعالیم اسلامی برای هدایت و تصمیم‌گیری در زمینه مسائل شهری، دستورالعمل جامعی وجود دارد. با رجوع به آیات قرآنی می‌توان اصول و قوانین کلی در ارتباط با هویت دینی شهر طیب را استخراج کرد که هم نیاز روحی شهروندان و هم نیاز جسمی آن‌ها را تأمین خواهد کرد. این اصول لایتغیر و به‌عنوان سنت الهی مطرح است و در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل پیاده شدن هستند که اگر این اصول و مؤلفه‌ها در یک شهر عملیاتی شوند شهر طیب

ظهور پیدا خواهد کرد. در پژوهش حاضر برای سنجش مؤلفه‌های شهر طیب اسلامی از منظر قرآن از ۳۶ مؤلفه شهر طیب اسلامی استفاده شد.

الف) عوامل کلیدی مؤثر در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی

اگر شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی قدم اول در برنامه‌ریزی سناریو باشد، تهیه فهرستی از عوامل کلیدی که بر موضوع مورد نظر تأثیرگذار هستند، قدم دوم به شمار می‌آید (عشقی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۲۹۷). طراحی الگوی قرآنی شهر طیب با رویکرد آینده‌پژوهی تحت تأثیر نیروها و پیشران‌های گوناگونی است. برای شناسایی عوامل تأثیرگذار ابتدا از طریق پرسشنامه و به روش دلفی به جمع‌آوری شاخص‌های اثرگذار در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش کارشناسان و مسئولین متخصص در زمینه علوم قرآنی و شهرسازی اسلامی بودند. در این مرحله از کارشناسان خبره خواسته شده که مهم‌ترین عوامل کلیدی در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی را با توجه مؤلفه‌های مؤثر که در مرحله ارزیابی مورد سنجش و بررسی قرار گرفته‌اند را مشخص نمایند. با توجه به نظر کارشناسان خبره در حوزه شهر طیب اسلامی عوامل کلیدی در راستای طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی انتخاب و وزن نسبی هر کدام به شرح جدول شماره (۲) تعیین شد.

جدول (۲): تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر همدیگر

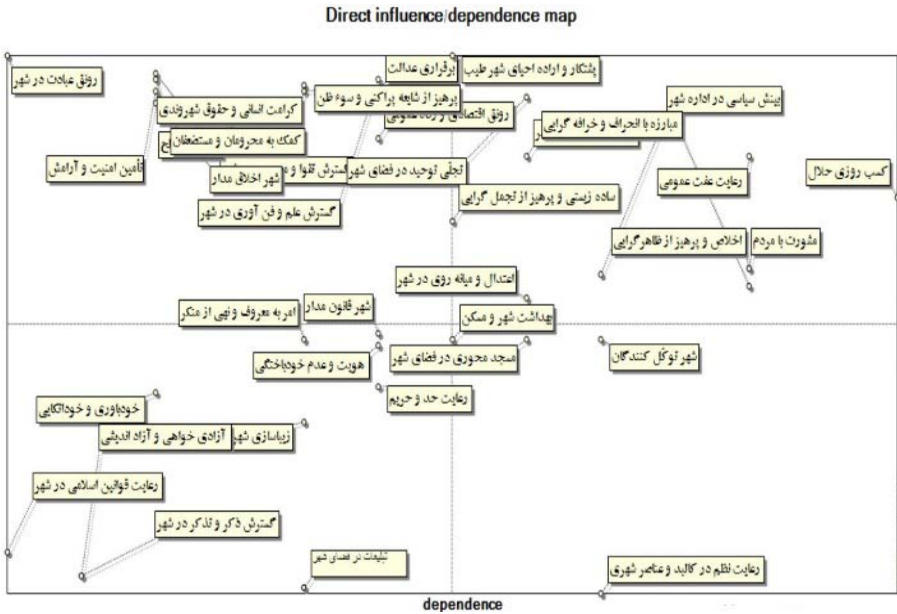
ردیف	متغیر	اثرات مستقیم		اثرات غیرمستقیم	
		میزان تأثیر گذاری	میزان تأثیر پذیری	میزان تأثیر گذاری	میزان تأثیر پذیری
X1	تجلی توحید در فضای شهر	۹۱	۷۰	۴۳۸۷۹۰	۳۴۶۳۱۴
X2	گسترش تقوا و معنویت در شهر	۱۰۲	۶۷	۴۹۰۷۴۴	۳۳۱۹۰۵
X3	رونق عبادت در شهر	۱۰۵	۶۵	۵۱۰۹۳۶	۳۲۲۰۱۰
X4	شهر توکل‌کنندگان	۵۷	۷۳	۲۹۲۳۹۴	۳۵۹۱۹۳
X5	رعایت حد و حریم	۴۹	۷۰	۲۵۵۶۱۴	۳۴۵۸۵۶

ردیف	متغیر	اثرات مستقیم		اثرات غیرمستقیم	
		میزان تأثیر پذیری	میزان تأثیر گذاری	میزان تأثیر پذیری	میزان تأثیر گذاری
X6	ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی	۷۷	۷۱	۳۵۰۹۹۱	۳۵۶۹۶۶
X7	کمک به محرومان و مستضعفان	۱۰۱	۶۷	۳۳۱۶۲۷	۴۸۶۳۴۹
X8	کسب روزی حلال	۸۱	۷۷	۳۷۹۲۹۹	۳۸۷۵۰۸
X9	پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن	۹۹	۶۹	۳۴۰۴۳۲	۴۸۷۴۳۸
X10	رهبریت صالح	۹۴	۶۸	۳۳۶۱۳۶	۴۶۰۱۴۹
X11	امربه معروف و نهی از منکر	۵۷	۶۹	۳۴۱۱۳۰	۲۸۲۸۹۷
X12	بینش سیاسی در اداره شهر	۶۸	۷۳	۳۶۰۹۰۷	۳۴۱۱۰۷
X13	اخلاص و پرهیز از ظاهرگرایی	۶۹	۷۵	۳۶۹۲۳۲	۳۴۴۲۱۴
X14	تأمین امنیت و آرامش	۹۹	۶۷	۳۳۱۲۳۷	۴۷۴۹۷۵
X15	برقراری عدالت	۹۹	۷۰	۳۴۵۷۴۹	۴۸۸۰۱۲
X16	ضرورت وحدت در شهر	۸۸	۷۲	۳۵۵۷۰۷	۴۳۸۵۰۸
X17	رعایت نظم در کالبد و عناصر شهری	۱۴	۷۳	۳۶۰۱۵۵	۷۹۰۲۰
X18	رعایت قوانین اسلامی در شهر	۲۱	۶۵	۳۲۶۶۱۵	۱۰۷۸۹۶
X19	مسجد محوری در فضای شهر	۵۷	۷۲	۳۵۵۱۶۰	۲۹۴۲۷۴
X20	گسترش علم و فن‌آوری در شهر	۱۰۱	۷۰	۳۴۴۹۹۵	۴۸۴۱۶۹
X21	بهداشت شهر و مسکن	۵۷	۷۱	۳۵۰۶۶۷	۲۵۸۸۴۱
X22	شهر قانون‌مدار	۵۸	۷۰	۳۴۵۷۴۳	۳۰۱۸۳۰
X23	آزادی‌خواهی و آزاداندیشی	۱۷	۶۶	۳۲۵۰۹۹	۸۱۲۰۴
X24	خودباوری و خوداتکایی	۴۷	۶۷	۳۴۴۸۵۰	۲۸۶۸۱۵
X25	گسترش ذکر و تذکر در شهر	۱۸	۶۸	۳۲۶۶۱۵	۸۹۹۷۴
X26	رعایت عفت عمومی	۸۸	۷۵	۳۶۸۱۷۹	۴۱۱۰۸۰
X27	شهر اخلاق‌مدار	۹۷	۶۷	۳۳۱۸۷۲	۴۷۸۳۴۷

ردیف	متغیر	اثرات مستقیم		اثرات غیر مستقیم	
		میزان تأثیر گذاری	میزان تأثیر پذیری	میزان تأثیر گذاری	میزان تأثیر پذیری
X28	هویت و عدم خودباختگی	۵۶	۷۰	۲۸۶۸۱۵	۳۴۴۸۵۰
X29	کرامت انسانی و حقوق شهروندی	۱۰۰	۶۹	۴۹۶۱۴۱	۳۴۰۷۳۲
X30	تبلیغات در فضای شهر	۱۵	۶۹	۷۹۳۶۲	۳۴۱۷۱۳
X31	زیباسازی شهر	۴۳	۶۹	۲۲۳۲۳۰	۳۴۱۱۳۰
X32	مبارزه با انحراف و خرافه گرایی	۶۶	۷۵	۳۳۳۵۶۴	۳۶۹۸۰۵
X33	مشورت با مردم	۶۹	۷۵	۳۴۱۷۷۲	۳۶۹۷۹۱
X34	رونق اقتصادی و رفاه عمومی	۹۸	۷۲	۴۸۰۹۴۱	۳۵۴۷۱۹
X35	اعتدال و میانه روی در شهر	۶۴	۷۲	۳۲۵۹۹۱	۳۵۵۹۳۳
X36	پشتکار و اراده احیای شهر طیب	۱۰۵	۷۱	۵۱۰۹۳۶	۳۵۰۲۷۹

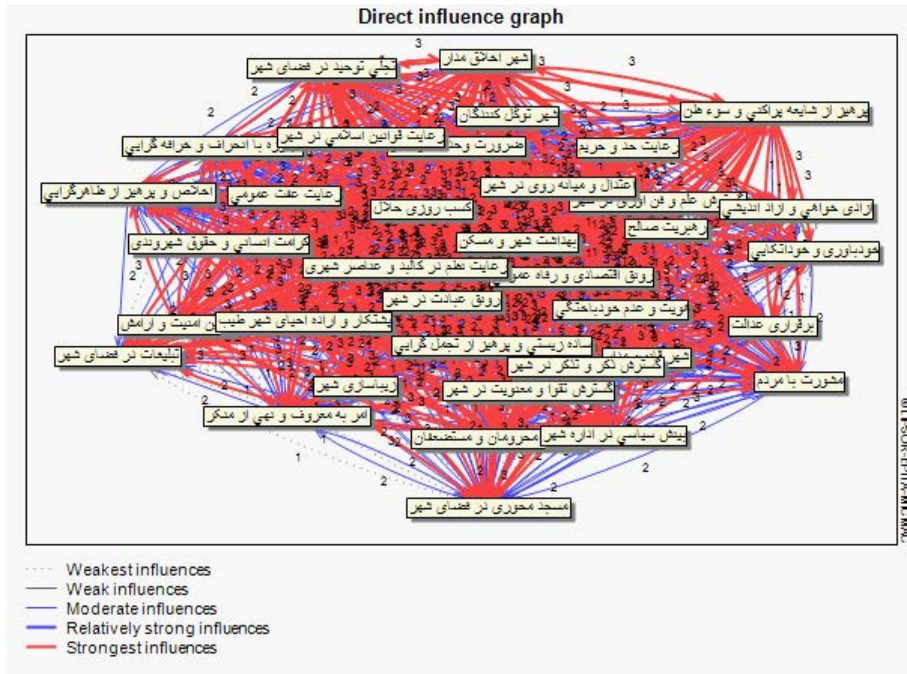
(منبع: نگارنده)

بعد از تعیین عوامل کلیدی اثرگذار، با یک روش ساده می‌توان دریافت که تأثیر متغیرها با در نظر گرفتن تعداد گروه‌های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده، قابل سنجش است؛ بنابراین به صورت منظم مجموعه عددهای هر سطر، نشان‌دهنده تأثیرگذاری متغیر مربوط و مجموعه عددهای هر ستون، نشان‌دهنده تأثیرپذیری متغیر مربوطه است. پس کلیه متغیرها و محیط دربرگیرنده آن‌ها را می‌توان با نمایش آن‌ها در یک نمودار مفهومی یا یک محور مختصات (تأثیرگذار - تأثیرپذیری) نمایش داد (زالی، ۱۳۸۸: ۸۱). در این پژوهش نیز به دسته‌بندی متغیرها و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها در احیا و طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی پرداخته شد. برای دسته‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر با استفاده از تحلیل نرم‌افزار میک‌مک، نموداری ترسیم گردید. شکل (۱) نقشه پراکندگی متغیرها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهد.



شکل (۱): نقشه پراکندگی متغیرها بر اساس تأثیرات مستقیم متغیرها (منبع: نگارنده)

نتایج شکل (۱) نمودار پراکندگی متغیرها و جایگاه آن‌ها بر اساس تأثیرات مستقیم متغیرها با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک حاکی از آن دارد که از میان ۳۶ عامل کلیدی شناسایی شده در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی، ۱۲ عامل (پشتکار و اراده احیای شهر طیب، رونق عبادت در شهر، گسترش تقوا و معنویت در شهر، کمک به محرومان و مستضعفان، گسترش علم و فن‌آوری در شهر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی، برقراری عدالت، پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن، تأمین امنیت و آرامش، رونق اقتصادی و رفاه عمومی، شهر اخلاق مدار و رهبریت صالح) از تأثیرگذاری بیشتری در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی برخوردارند. شکل (۲) نقشه روابط مستقیم بین متغیرها در مراحل مختلف را نشان می‌دهد.



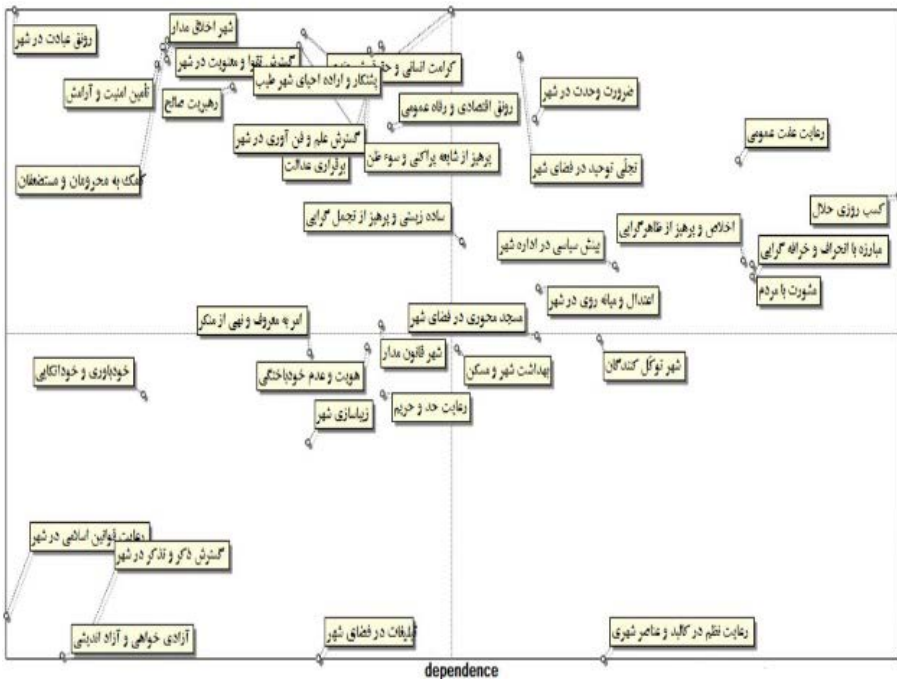
شکل (۲): نمودار روابط مستقیم بین متغیرها (تأثیرات بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

تحلیل تأثیرات غیرمستقیم متغیرها در همدیگر

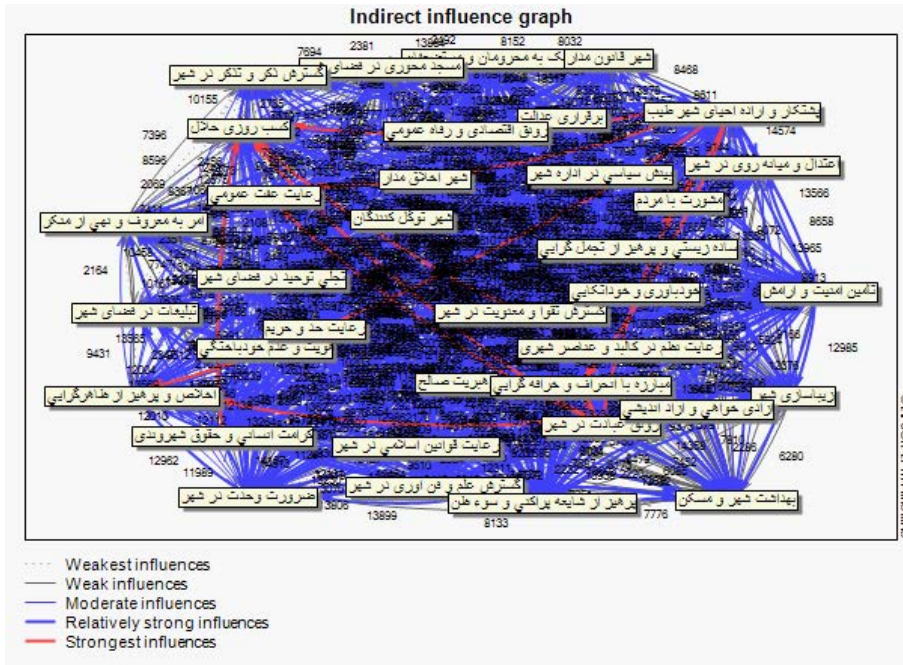
در این مرحله تأثیرات غیرمستقیم متغیرها در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی سنجیده شد. هدف از سنجش روابط غیرمستقیم متغیرها یافتن عوامل کلیدی در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی است. بررسی و تحلیل متغیرها با تأثیرگذاری غیرمستقیم با استفاده از نرم افزار میک مک نشان می دهد که عوامل (پشتکار و اراده احیای شهر طیب، رونق عبادت در شهر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی، گسترش تقوا و معنویت در شهر، برقراری عدالت، پرهیز از شایعه پراکنی و سوء ظن، کمک به محرومان و مستضعفان، گسترش علم و فن آوری در شهر، رونق اقتصادی و رفاه عمومی، شهر اخلاق مدار، تأمین امنیت و آرامش و رهبریت صالح) نسبت به عوامل شناسایی شده بیشترین تأثیرات غیرمستقیم را در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی دارند. مقایسه نتایج تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل تأثیرگذار در طراحی الگوی قرآنی شهر

طیب اسلامی نشان می‌دهد که رتبه‌های اول هم در اثرات مستقیم و هم در اثرات غیرمستقیم تفاوت چندانی باهم ندارند و عوامل با رتبه‌های بالا در تأثیرات مستقیم با چند پله جابه‌جایی در تأثیرات غیرمستقیم نیز عیناً تکرار شده است. شکل (۳) نقشه پراکندگی متغیرها و جایگاه آن‌ها بر اساس تأثیرات غیرمستقیم متغیرها را نشان می‌دهد. شکل (۴) نیز نقشه روابط غیرمستقیم بین متغیرها در مراحل مختلف را نشان می‌دهد.

Indirect influence dependence map



شکل (۳): نقشه پراکندگی متغیرها بر اساس تأثیرات غیرمستقیم متغیرها (منبع: نگارنده)



شکل (۴): نمودار روابط غیرمستقیم بین متغیرها (تأثیرات بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

انتخاب عوامل کلیدی مؤثر در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی

از میان ۳۶ عامل بررسی شده در تحقیق حاضر، ۱۲ متغیر تأثیرگذار مهم (پشتکار و اراده احیای شهر طیب، رونق عبادت در شهر، گسترش تقوا و معنویت در شهر، کمک به محرومان و مستضعفان، گسترش علم و فن آوری در شهر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی، برقراری عدالت، پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن، تأمین امنیت و آرامش، رونق اقتصادی و رفاه عمومی، شهر اخلاق مدار و رهبریت صالح) به‌عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی انتخاب شده‌اند. بررسی تأثیرگذاری روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها حاکی از آن دارد تمامی ۱۲ شاخص ذکر شده در تأثیرات مستقیم در تأثیرات غیرمستقیم نیز عیناً و با جابه‌جایی کم در رتبه تکرار شده‌اند که حاکی از روایی، دقت محاسبات و قابل اطمینان بودن آن‌ها است. بر این اساس در راستای طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی، برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی در قالب ۱۲ عامل کلیدی مؤثر می‌تواند نقش حیاتی داشته باشد. در جدول (۳) عوامل کلیدی مؤثر در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی آورده شده است.

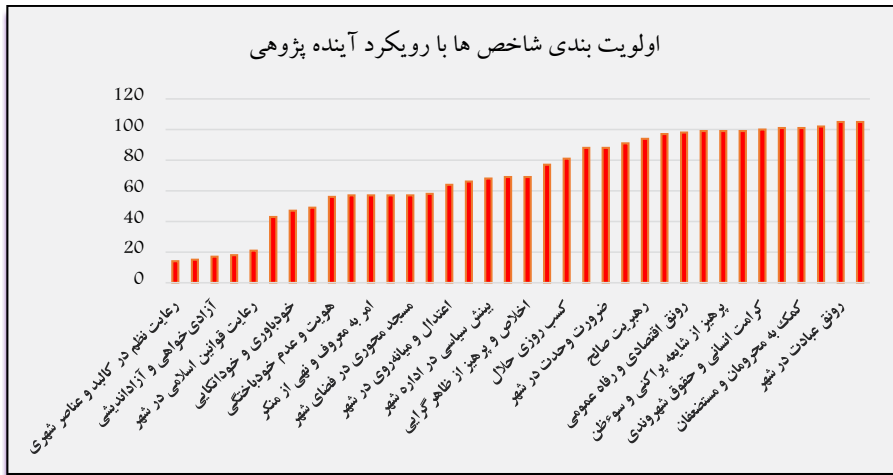
جدول (۳): انتخاب نهایی عوامل کلیدی تأثیر پذیر مستقیم و غیر مستقیم

ردیف	عوامل کلیدی (تأثیر مستقیم)	امتیاز	عوامل کلیدی (تأثیرات غیر مستقیم)	امتیاز
۱	پشتکار و اراده احیای شهر طیب	۱۰۵	پشتکار و اراده احیای شهر طیب	۵۱۰۹۳۶
۲	رونق عبادت در شهر	۱۰۵	رونق عبادت در شهر	۵۱۰۹۳۶
۳	گسترش تقوا و معنویت در شهر	۱۰۲	کرامت انسانی و حقوق شهروندی	۴۹۶۱۴۱
۴	کمک به محرومان و مستضعفان	۱۰۱	گسترش تقوا و معنویت در شهر	۴۹۰۷۴۴
۵	گسترش علم و فن‌آوری در شهر	۱۰۱	برقراری عدالت	۴۸۸۰۱۲
۶	کرامت انسانی و حقوق شهروندی	۱۰۰	پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن	۴۸۷۴۳۸
۷	برقراری عدالت	۹۹	کمک به محرومان و مستضعفان	۴۸۶۳۴۹
۸	پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن	۹۹	گسترش علم و فن‌آوری در شهر	۴۸۴۱۶۹
۹	تأمین امنیت و آرامش	۹۹	رونق اقتصادی و رفاه عمومی	۴۸۰۹۴۱
۱۰	رونق اقتصادی و رفاه عمومی	۹۸	شهر اخلاق مدار	۴۷۸۳۴۷
۱۱	شهر اخلاق مدار	۹۷	تأمین امنیت و آرامش	۴۷۴۹۷۵
۱۲	رهبریت صالح	۹۴	رهبریت صالح	۴۶۰۱۴۹

(منبع: نگارنده)

تحلیل ۳۶ شاخص مؤثر در آینده‌پژوهی طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی حاکی از آن دارد که دوازده شاخص؛ پشتکار و اراده احیای شهر طیب، رونق عبادت در شهر، گسترش تقوا و معنویت در شهر، کمک به محرومان و مستضعفان، گسترش علم و فن‌آوری در شهر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی، برقراری عدالت، پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن، تأمین امنیت و آرامش، رونق اقتصادی و رفاه عمومی، شهر اخلاق مدار و رهبریت صالح، هم دارای تأثیر پذیری بالا و هم دارای تأثیرگذاری بالایی هستند؛ ازاین‌رو توجه جدی به این عوامل در

برنامه‌ریزی‌های آتی با رویکرد آینده‌پژوهی در راستای طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی ضروری است. شکل شماره (۵) اهمیت هرکدام از مؤلفه در ایجاد و تقویت الگوی شهر طیب اسلامی که نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک‌مک است را نشان می‌دهد.



شکل (۵): اهمیت شاخص‌ها در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب با رویکرد آینده‌پژوهی (منبع: نگارنده)

نتایج حاصل از تحلیل شاخص‌های مؤثر در طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی در شکل (۵) نشان می‌دهد ۱۲ شاخص (پشتکار و اراده احیای شهر طیب، رونق عبادت در شهر، گسترش تقوا و معنویت در شهر، کمک به محرومان و مستضعفان، گسترش علم و فن‌آوری در شهر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی، برقراری عدالت، پرهیز از شایعه‌پراکنی و سوءظن، تأمین امنیت و آرامش، رونق اقتصادی و رفاه عمومی، شهر اخلاق مدار و رهبریت صالح) با اختصاص بالاترین تأثیرگذاری در اولویت اول برنامه‌ریزی راهبردی قرار دارند. برای برنامه‌ریزی بهتر شهرها در راستای ایجاد الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی می‌بایستی مسئولان و متولیان امور شهری در برنامه‌ریزی‌های آتی خود توجه ویژه‌ای به ۱۲ شاخص ذکرشده داشته باشند.

ب) راهبردهای کلیدی مؤثر در احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی

راهبردها و استراتژی‌های کلیدی مؤثر که در تحقق الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی در اولویت اول برنامه‌های آتی نقش تعیین دارند عبارت‌اند از:

۱. در قرآن در ارتباط با انبیا در جهت احیای تمدن آیاتی مطرح شده از جمله: نوح (ع) در کشتی‌سازی (مؤمنون: ۲۷)، داوود (ع) در فلزکاری و زره‌سازی (انبیاء: ۸۰)، سلیمان (ع) در معماری (سبا: ۱۲-۱۳) و ... که همگی دلالت بر آیات ۳۹ و ۴۰ سوره نجم دارند که می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَىٰ»؛ و نیست از برای انسان مگر کوشش و تلاشی که انجام داده است و قطعاً ثمره کوشش و تلاش خود را خواهد دید. این آیه حکایت از آن دارد که استقرار الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با سعی و کوشش افراد آن جامعه امکان‌پذیر خواهد بود و لا غیر. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که اراده و پشتکار جهت احیای شهر طیب اسلامی به‌عنوان یکی از شاخص‌ها با اثرگذاری بسیار بالا تعیین شده است که بایست در طرح‌ها و برنامه‌های آتی شهرهای اسلامی به‌صورت آگاهانه و هدفمند برنامه‌ریزی و جهت حصول بهینه آن تلاش کرد.

۲. احیای ارزش‌های الهی و عمل به دستورات دینی که در آیاتی همچون «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۶۵) و «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه: ۵) در قالب رونق عبادی در شهر طیب اسلامی مطرح هستند، نقش مهمی در احیای شهر طیب اسلامی دارد. بر این اساس بایستی در برنامه‌ها و طرح‌های آتی شهر طیب اسلامی با اصلاح نظامی کاربری‌های شهری، فضاهای عبادی همچون مساجد، مصلاها، حسینیه‌ها و تکایا و هر نوع مکان مذهبی که فضایی برای رویش عبادات مؤمنان و موحدان باشد در سراسر فضای شهری ساری و جاری ساخت.

۳. گسترده‌گی تقوا در بین شهروندان متقی و با ایمان که منجر به ایجاد آرامش، احسان و همدلی در فضای شهری می‌شود و زمینه رشد تقوای الهی را در انسان‌ها فراهم می‌کند و از آنچه امکان بروز گناه و خدشه به تقوای الهی را سبب شود جلوگیری می‌کند. تقوا و معنویت مهم‌ترین سلاح مؤمنان در برابر گناه و هوای نفس است و رعایت آن موجب نزول برکات است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶)؛ اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوایبیشه کنند بركات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم...؛ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق: ۴)؛ و هر که تقوای الهی پیشه کند، خداوند [مشکلات] کار او را [در دو عالم] آسان می‌گرداند. یکی از راهبردهای اثرگذار در احیای شهر طیب اسلامی گسترش تقوا و معنویت در فضای شهر است. گسترش تقوا در بین شهروندان موجب ظهور شهروندان متقی و باایمان در فضای شهری می‌شود و با ایجاد دیواری محکم در برابر گناه، ظلم، بی‌عدالتی، نفاق، حسد، بخل... آرامش و امنیت ساکنان شهر طیب اسلامی را فراهم می‌نماید.

۴. یکی دیگر از راهبردهای مؤثر و کلیدی در احیای شهر طیب اسلامی، کمک به محرومان و مستضعفان است. در شهر طیب اسلامی که بر پایه اصول اصیل اسلامی - قرآنی بنا شده همه با هم برابرند و ملاک برتری تقوای انسان‌ها است از این رو محرومان و مستضعفان جامعه دیگر نگران تبعیض، ظلم و بی‌عدالتی نیستند. در این شهر مؤمنان دیگران را به خود ترجیح می‌دهند هرچند خود نیازمند باشند و احسان به شکل‌های مختلفی همچون احسان به پدر و مادر (بقره: ۸۳)، ابن سبیل (نساء: ۳۶)، انفاق (بقره: ۲۵۴)، خمس (انفال: ۴۱)، زکات (بقره: ۱۱۰) و صدقه (بقره: ۲۷۱) بروز و ظهور می‌یابد. اسلام، رفع نیاز و مشکلات و گرفتاری انسان‌ها را یکی از برنامه‌های بنیادی و اساسی خود اعلام کرده و نه تنها به اجر و پاداش دنیوی و اخروی اجراکنندگان این برنامه حیاتی و انسان‌ساز اشاره می‌کند. خداوند در آیه ۱۶ سوره فجر، یکی از آثار فقر و تهیدستی را تغییر فضای تفکری بشر از مسیر درست معرفی می‌کند؛ زیرا فقر و تهیدستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب‌گشودن به اعتراض و گلایه نسبت به اوست. امروز تصور فقر در جامعه تصدیق ابعاد مختلفی از انحرافات در جامعه بشری است که جامعه شناسان اسلامی به آن اذعان دارند و بر این باورند که بروز و گسترش این معضل اجتماعی آثار منفی و زیانباری را به دنبال دارد که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام نه تنها بر کردار و رفتار افراد فقیر اثرگذار است، بلکه حتی بنیان‌های فکری و اعتقادی آنان را نیز مضطرب و لرزان می‌سازد؛ چراکه کسب ایمان دینی، داشتن قدرت بالای دینی است که در سایه

هنجارها و رفتارهای اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی حصول می‌شود؛ از این رو جهت دستیابی به شهر طیب اسلامی و از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه می‌بایست کمک به محرومان و مستضعفان را از طریق احسان، قرض الحسنه، انفاق، خمس، زکات، صدقه و... در فضای شهر طیب فرهنگ‌سازی و در اولویت طرح‌ها و برنامه‌های شهری قرار داد تا محرومین و مستضعفان جامعه به خاطر فقر دچار انحرافات فکری و اخلاقی نشوند.

۵. توجه قرآن به موضوعاتی مانند کسب علم، جایگاه و منزلت عالم، اندیشیدن در پدیده‌های جهان، سیروسفر در زمین و... نشان از خاستگاه رفیع و محکم مقوله «تولید علم» در قرآن دارد. چراکه تمامی پیشرفت‌های بشر، بدون استثناء از آغاز پیدایش او در این جهان با تفکر و اندیشه صورت گرفته است. هیچ پیشرفت و تحولی بدون فکر کردن امکان ندارد. قرآن کریم علم را سرچشمه پیشرفت‌های روحی و معنوی می‌داند: در آیه‌ای علم را سرچشمه تقوا و ترس از خدا معرفی می‌کند «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸)؛ از میان بندگان خدا فقط دانشمندان از او می‌ترسند و در آیه‌ای منشأ پیشرفت‌های مادی «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: ۷۸)؛ گفت: این ثروت را به وسیله دانشی که دارم به دست آورده‌ام، می‌داند. یکی از راهبردهای مهم در احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی گسترش علم و فن‌آوری در فضای شهر است. همان‌گونه که آیات قرآن هم اشاره دارد برای دستیابی به قدرت و پیشرفت‌های مادی که لازمه احیا و بقای شهر طیب اسلامی است، کسب علم و دانش ضروری و لازم است.

۶. حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق شهروندی از راهبردهای کلیدی مؤثر جهت احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی است. انسان به‌عنوان مقام خلیفه الهی بر روی زمین، شأن و منزلتی متناسب با مقام خود را می‌طلبد. قرآن کریم در زمینه کرامت انسانی می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) بر نشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم؛ منظور از کرامت این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه

به‌طور محترمانه زیست کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد. این ملاحظه حتی در تدوین و اجرای قانون باید مورد توجه قرار گیرد و نباید به‌گونه‌ای عمل شود که با کرامت انسانی همخوانی نداشته باشد. بر این اساس جهت احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی می‌بایست در طرح‌ها و برنامه‌های شهری جهت رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی چه در حوزه فردی و چه در حوزه دولتی (نظام سیاسی) الگوهای مناسب در قالب مؤلفه‌ها تدوین و در فضای شهری اجرا شود.

۷. یکی از اهداف بعثت پیامبران الهی اجرای عدالت در جامعه انسانی است. این هدف به قدری مهم است که می‌توان آن را هدف اصلی یا از اهداف اصلی پیامبران (علیهم‌السلام) برشمرد. تمام اولیا و انبیا و کتب آسمانی در مسیر اجرای عدالت گام برداشته‌اند. خداوند متعال در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. توزیع عادلانه امکانات شهری، استقرار مطلوب عناصر شهری و اماکن عمومی و فراهم نمودن شعاع دسترسی مناسب برای تمامی ساکنین نشانه تجلی عدالت در فضای شهر طیب اسلامی است. برقراری عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از راهبردهای استراتژیک در احیای و پایداری الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی است که می‌بایست در طرح‌ها و برنامه‌های آتی شهرها از سوی مدیران و متولیات امور شهری مدنظر قرار گیرد تا زمینه اعتماد بیشتر مردم را فراهم آورد و ضمن جلوگیری از فاصله طبقاتی موجبات ترویج قانون‌گرایی و رضایت آحاد مردم، بخصوص مستضعفان و محرومان را فراهم سازد.

۸. یکی از راهبردهای کلیدی مؤثر در احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی پرهیز از سوءظن و شایعه‌پراکنی است. سوءظن، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی در مواقع حوادث، ناآرامی‌ها بیشتر ظهور و بروز می‌یابد و سبب به خطر افتادن امنیت و وحدت شهروندان می‌شود. علاوه بر سوءظن، شایعه‌پراکنی در فضای شهری عامل مهمی در برهم زدن وحدت شهروندان است. از نظر قرآن جامعه‌ای

که به‌جای مبادی و مبانی عقلانی، بر پایه ظن و گمان بیندیشد و عمل کند، جامعه‌ای جاهلی است. در آیات قرآن به برخی از گروه‌های شایعه‌پراکن اشاره شده است: بیمار دلان (احزاب: ۶۰)، منافقان (همان، نساء: ۸۳، آل‌عمران: ۱۷۳)، سست ایمان‌ها (احزاب: ۶۰)، جاسوسان (آل‌عمران: ۱۷۳)، زنان به‌ویژه در مسائل و روابط جنسی (یوسف: ۳۰ و ۵۰)، ساده‌لوحان (نساء: ۸۳، نور: ۱۱ تا ۱۹)، یهود از اهل کتاب (احزاب: ۶۰). از نظر قرآن کسانی که اهل ایمان و تقوا و فضل الهی باشند هرگز به شایعه توجهی نمی‌کنند و تحت تأثیر آن کنش و واکنشی ندارند: «لَا يَسْخَرُونَ... وَلَا تَلْمِزُوا... وَلَا تَنَابَرُوا... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ... وَلَا يَغْتَبُ...» (حجرات: ۱۱-۱۲)؛ ... نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، ... طعن و عیب‌جوئی نکنید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید ... بعضی گمان‌ها گناه است هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، ...»؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶)؛ ای مؤمنان، هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید، مبادا از روی نادانی به قومی رنجی رسانید و سخت از کار خود پشیمان گردید».

۹. ضروری‌ترین مشخصه شهر طیب اسلامی امنیت و آرامش است. قرآن کریم در آیات متعددی بر وجود امنیت در شهر تأکید می‌کند: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...» (بقره: ۱۲۶، ابراهیم: ۳۵)؛ وقتی ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را مکان امن و امان قرار ده ...؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته‌ای کرده‌اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند ... و دینشان را استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. امنیت در الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی به معنای واقعی آن در تمامی ابعاد اتفاق می‌افتد از امنیت اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و خانوادگی گرفته تا امنیت در برابر هجوم دشمن. یکی از راهبردهای کلیدی مؤثر در احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی تأمین امنیت و آرامش در فضای شهری است؛ از این‌رو مسئولین و متولیان امور شهری در طرح‌های آتی

شهر طیب اسلامی می‌بایستی با اصلاح عناصر و نظام کاربری‌های شهری در محلات و فضاهای عمومی شهر، امنیت فضاهای عمومی شهر طیب اسلامی را برای شهروندان افزایش دهند.

۱۰. مهم‌ترین عاملی که موجب پایداری جامعه انسانی می‌شود اقتصاد است که خداوند آن را مایه قوام جامعه قرار داده است. نقش ثروت در زندگی فردی و اجتماعی همچون نقش آب در زندگی جانداران است. قرآن کریم ثروت را عامل پایداری فرد و جامعه می‌داند: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵)؛ اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید. یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم سکان هدایت جامعه را در دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است و هرگونه برنامه‌ریزی و اصلاح در راستای بهبود آن می‌تواند گامی در جهت تعالی جامعه و رفاه عمومی شهروندان باشد. یکی از راهبردهای استراتژیک و اثرگذار در احیا و پایداری الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی رونق اقتصادی و تأمین رفاه عمومی شهروندان ساکن در شهر طیب است؛ از این‌روی جهت احیای شهر طیب اسلامی متولیان شهری می‌بایست با برنامه‌ریزی آگاهانه و هدایت‌شده به رونق اقتصادی و شکوفایی آن جامعه جهت دهند و با تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، گام‌های مؤثر در احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی بردارند.

۱۱. ارتباط بین اخلاق‌مداری و زندگی شهروندی ازجمله مباحثی است که از صدر اسلام تاکنون مطرح بوده و آیات زیادی به آن اختصاص داده شده است. شهر طیب اسلامی در آیات متعددی الگوی مناسب اخلاق‌مداری شهروندان را در قالب: حسن خلق «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ به‌راستی که تو (ای پیامبر) دارای اخلاق بسیار نیکویی هستی، ادب و نزاکت «...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳)؛ با مردم به نیکی سخن بگوئید، «إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات: ۴)؛ آن‌هایی که از آن سوی حجره‌ها صدایت می‌زنند بیشتر بی‌خردان‌اند؛ عفو و گذشت «...وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا نُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور: ۲۲)؛ مؤمنان باید عفو و گذشت پیشه کنند و از یکدیگر در گذارند آیا دوست نمی‌داری که خدا هم

شما را بیا مرزد؛ وفای به عهد «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آوردید به قراردادهای و تعهدات وفا کنید و امانت‌داری «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید، معرفی می‌کند. یکی از راهبردهای مؤثر با اثرگذاری بسیار بالا در احیای شهر طیب اسلامی، پیاده‌سازی الگوهای رفتاری مناسب و رعایت اخلاق‌مداری بین شهروندان در فضای شهر است. در این راستا متولیان امور فرهنگی در کنار مسئولین شهری می‌توانند با ارائه الگوهای رفتاری مناسب و فرهنگ‌سازی فریضه نظارت همگانی امر به معروف و نهی از منکر در فضای شهری، اخلاق اصیل اسلامی - قرآنی را در شهر طیب پیاده کنند.

۱۲. داشتن راهبر و رهبری مدیر و مدبر یکی از عوامل تأثیرگذار در سعادت و سیادت جوامع انسانی است. قبول زندگی جمعی در حیات انسان‌ها نمی‌تواند از مسئله رهبری جدا باشد، چراکه برای مشخص کردن خط اصلی سیر و تعالی آحاد مردم، داشتن راهنما یکی از ضروریات پیشرفت انسانی است. در یک جامعه مطلوب هیچ چیز به اندازه ولایت و رهبری اهمیت ندارد، چراکه اجرای اصول دیگر در سایه آن میسر خواهد بود. «أَتَى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴)؛ من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. البته خداوند برای هر عصر و زمانی رهبری برای نجات و هدایت انسان‌ها قرار داده است. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸)؛ بگو: این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنم. رهبر جامعه اسلامی باید در درجه اول از بینشی وسیع و آگاهی کافی نسبت به اسلام برخوردار باشد. رهبر باید امین بر جان و مال مردم بوده و مجری احکام الهی باشد. همچنین بتواند عدالت اسلامی را در بین افراد پیاده کند که لازمه این امر آن است که او خود از آلودگی به گناه و ستم به دور بوده و انسانی وارسته و منزّه باشد. از خصوصیات دیگر او این است که باید مدیریت و تدبیر لازم برای اداره جامعه را داشته باشد دارای شجاعت بوده هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای از دشمن نداشته باشد. یکی از راهبردهای کلیدی مؤثر در احیای الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی رهبری صالح جامعه است. ولایت و رهبری در قرآن و اسلام مقام خلافت

الهی است و رهبر به عنوان خلیفه‌الله بایست بر اساس احکام الهی و بنا بر مصالح عمومی جامعه اسلامی عمل کند و امت اسلامی با پشتیبانی و همراهی رهبر زمینه رشد و توسعه شهر طیب اسلامی را فراهم سازند.

نتیجه‌گیری

۱. طرح شهر طیب اسلامی و استخراج معیارهای آن از متون دینی در زمان حال حداقل این مزیت را دارد که بخشی از معایب شهرهای موجود را روشن می‌کند. این امر انگیزه و تلاش متولیان شهری را در راستای بهبود و اصلاح معایب شهرهای موجود با الهام‌گیری از الگوی شهر طیب اسلامی را برمی‌انگیزد. با توجه به اینکه فضای شهرهای کشورمان امروزه به دلیل هجوم همه‌جانبه فرهنگ غرب و تقلید روشن‌فکران داخلی از الگوهای مدرنیته غربی بدون درک صحیح از مؤلفه‌های شهر طیب اسلامی، اغلب با بی‌عدالتی، بی‌حجابی، تجمل‌گرایی، عدم توجه به روزی حلال، خودباختگی و حضور فرهنگ بیگانه و ... مواجه‌اند. برای رفع مشکلات شهرها و احیای شهرسازی اصیل اسلامی - قرآنی عنوان شهر طیب اسلامی برخاسته از متون اسلامی یک استراتژی ضروری است.

۲. پژوهش حاضر سعی بر آن داشت تا با تجزیه و تحلیل مبانی و مؤلفه‌های قرآنی شهر طیب اسلامی به عنوان جامعه مطلوب، الگوی بهینه جهت تحقق شهر طیب اسلامی ارائه نماید.

۳. در این راستا ابتدا برخی از مهم‌ترین شاخص‌های شهر طیب اسلامی از مبانی دینی استخراج گردید سپس با نرم‌افزارهای آینده‌پژوهی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت راهبردهای کلیدی مؤثر در طراحی و تحقق الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی ارائه گردید.

۴. اراده و پشتکار جهت احیای شهر طیب اسلامی، اصلاح نظام کاربرهای شهری و فضای عبادی برای رویش عبادات مؤمنان و موحدان، گسترش تقوا و معنویت در فضای شهر، حاکمیت امنیت و آرامش ساکنان شهر، احیای فرهنگ احسان و قرض‌الحسنه و انفاق، گسترش علم و فن‌آوری، پاسداشت کرامت انسانی و حقوق شهروندی، پرهیز و فاصله‌گیری از گسترش سوءظن و شایعه در

فضای شهر، رونق اقتصادی و تأمین رفاه عمومی، فرهنگ‌سازی نظارت همگانی و توجه به فرمان‌های راهبری رهبر انقلاب در برنامه‌ریزی‌های شهری از جمله راهبردهای کلیدی در طراحی شهر طیب اسلامی است.

۵. این راهبردها اگر در برنامه‌ریزی‌های آتی مورد توجه قرار بگیرد، می‌تواند در ترسیم مختصات شهر طیب اسلامی و احیای هویت اصیل اسلامی - قرآنی شهرهای کشور راهگشا باشد و زمینه رشد و کمال به سمت جامعه مطلوب و آرمانی را فراهم سازد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش و تحلیل شاخص‌های شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی به منظور اصلاح و بهبود الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی در شهرهای کشور، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

- هدایت هدفمند الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی در طرح‌های جامع، تفصیلی و آتی شهرهای کشور

- فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن تقوا و معنویت در بین شهروندان و به کار بردن آن در سبک زندگی جهت تقویت ایمنی محیط شهری و شهروندان متقی از آفت‌های ناشی از بی‌تقوایی.

- تعیین برنامه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به منظور بازخورد حسن اجرای برنامه‌ها و اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدن به الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی.

- تقویت و تجهیز مراکز آینده‌پژوهی و حمایت مالی از آن‌ها در راستای ارائه راهبردهای استراتژیک و هدفمند جهت طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی.

- ارتقاء عدالت فضایی در توزیع امکانات و خدمات شهری در بین مناطق مختلف شهری جهت جلوگیری از فاصله طبقاتی در بین شهروندان.

- تدوین سند راهبردی «طراحی الگوی قرآنی شهر طیب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی» به منظور احیای شهر طیب اصیل اسلامی - قرآنی در برنامه‌ریزی‌های اجرایی و آتی شهر.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ۱- احمدی، حسن؛ افرادی، کاظم (۱۳۹۱). سیر تفکرات پیرامون مدینه فاضله در جهان اسلام، آموزه‌های فلسفه اسلامی، ۷(۱۱)، ص ۳-۲۹.
- ۲- اسفندیاری، مصطفی؛ مهدوی آرا، مصطفی؛ نادریان لاین، علی‌رضا؛ یوسفی چوبینی، صدیقه (۱۳۹۵). «آرمان‌شهر اسلامی از منظر امام رضا (ع)»، فرهنگ رضوی، ۴(۱۵)، ص ۹۹-۱۳۲.
- ۳- اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶). دانش واژه آینده‌پژوهی، ترجمه عبدالمجید کرامت‌زاده و همکاران، مؤسسه تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران.
- ۴- اسماعیل پور، علی؛ سلیمانی، غلامعلی (۱۴۰۰). «تصویر شهر مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ص ۴۷-۹۰.
- ۵- آپشم، معصومه (۱۴۰۰). «شاخص‌های شهر اسلامی از منظر آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی»، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۶(۱)، ص ۲۱۰-۲۳۲.
- ۶- بخشی‌زاده، حسن؛ کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۹). «معیارهای عدالت اجتماعی در شهر اسلامی»، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۰(۱)، ص ۹-۳۰.
- ۷- بیات، بهرام (۱۳۹۳). «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی»، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۴(۱)، ص ۱۳۷-۱۶۷.
- ۸- پورجعفر، محمدرضا؛ پورجعفر، علی؛ صفدری، سیما (۱۳۹۴). «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی»، مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۳)، ص ۱۷-۱.
- ۹- ترکمان، مزده؛ عبدی آب بخشایی، زهرا؛ لیلیان، محمدرضا؛ بقایی، پرهام (۱۳۹۲). «ارزیابی زمینه‌های تحقق‌پذیری شاخصه‌ها در شهرسازی اسلامی»، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، <https://civilica.com/doc/289536>
- ۱۰- توکلی، محمدجواد. (۱۳۹۰). «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی»، معرفت اقتصادی، ۲، ص ۵۶-۳۱.
- ۱۱- توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۹۵). «جزوه کلاسی واحد درسی - شهر و طبیعت در اسلام»، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۲- توکلی‌نیا، جمیله؛ صرافی، مظفر؛ دستواره فرشته (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی-اسلامی»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲۸(۷)، ص ۵-۲۰.
- ۱۳- خیام‌باشی، احسان؛ بانکی پور، امیرحسین؛ جهان‌بخش، عباس؛ نمازی، احسان (۱۳۹۵). «شهر طیب، الگویی مطلوب در بازآفرینی شهر ایرانی - اسلامی»، چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
- ۱۴- دیسناد، فرخنده (۱۳۸۸). «بررسی و تبیین مقایسه‌ای حیات طیب از دیدگاه قرآن کریم با آرمان‌شهر لیبرالیسم و اهداف تربیتی آن‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و

- روانشناسی، دانشگاه الزهراء.
- ۱۵- رفیع‌پور، سعید؛ داداش‌پور، هاشم؛ تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «عوامل علی و کانون ارزشی آینده‌های بدیل و آینده مرجح / مطلوب شهر پایدار بر مبنای اخلاق زیست‌محیطی»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲۷)، ص ۱-۲۰.
- ۱۶- سبحانی یامچی، محمد؛ عشقی چهاربرج، علی (۱۴۰۱). «ارزیابی مؤلفه‌های فرهنگی شهر طیب از منظر قرآن (مطالعه موردی: شهر مراغه)»، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۳(۸)، ص ۳۴-۵۹.
- ۱۷- سیفیان، محمدکاظم (۱۳۷۸). «قالب و محتوا در معماری اسلامی»، هنرهای زیبا، شماره ۱، ص ۶۱-۵۸.
- ۱۸- شکوهی بیدهندی، محمد صالح؛ مطهر، رضا (۱۳۹۹). «ارزیابی جایگاه کرامت انسانی (مبتنی بر آرای امام موسی صدر) در سیاست‌گذاری نوسازی شهری؛ مورد پژوهشی: راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع تهران»، مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸(۱)، ص ۸۱-۶۳.
- ۱۹- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۵). «ایده‌آل تایپ شهر اسلامی، با تأکید بر روش‌شناسی ماکس وبر»، روش‌شناسی علوم انسانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۸۹، ص ۲۶-۷.
- ۲۰- کیهان‌پور، پیمان (۱۳۹۷). «درآمدی بر آینده‌پژوهی، تبریز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز».
- ۲۱- محمودی، مهدی؛ عباسی، عطا (۱۳۸۴). «آینده‌پژوهی و نقش آن در سیاست‌گذاری علم و فناوری، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی».
- ۲۲- مروتی، سهراب؛ دارابی، فرشته (۱۳۹۳). «واکاوی مدل ارزیابی شهر اسلامی با رویکردی بر قرآن کریم (نمونه مورد ارزیابی: شهر ایلام)»، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم قرآن، ۲(۲)، ص ۵۳-۷۶.
- ۲۳- مطهر، رضا؛ دانشپور، سیدعبدالهادی؛ شکوهی، بیدهندی؛ محمد، صالح (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی معیارهای کرامت انسانی به عنوان یکی از ویژگی‌های شهر مطلوب اسلامی در محله‌های نوساز و قدیمی (مورد پژوهشی: محله‌های حکیمیه و خیابان ایران شهر تهران)»، مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۰(۱)، ص ۱۰۰-۷۹.
- ۲۴- ملکی‌فر، عقیل؛ فخرایی، مرضیه؛ کیقبادی، مرضیه (۱۳۸۵). «الگوی آینده‌پژوهی: علم و هنر کشف و اختراع آینده، تهران، انتشارات کران علم».
- ۲۵- میرغلامی، مرتضی؛ نژادابراهیمی، احد؛ آیشم، معصومه (۱۳۹۹). «بازشناسی و تبیین اثرات کلان فرایندها و فرایندها بر شهر معاصر ایرانی از منظر واقعگرایی اسلامی»، دانش شهرسازی، ۴(۳)، ص ۱۹-۳۶.
- ۲۶- ناصرآبادی، زهرا (۱۳۷۹). «آینده‌پژوهی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی».
- ۲۷- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیب: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی، چاپ اول، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران».

۲۸- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵). «شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه»، دو فصلنامه معماری ایرانی، ۹، ص ۱۹۳-۱۹۶.

۲۹- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). «تأملی در مدیریت شهرها با تکیه بر اسلامیت شوراها، مدیریت شهری»، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۹، ص ۲۸-۲۰.

30- Madahi.SM.Fadavi.N.Sayadi.S E) 2011(City With Resoect To Iranian Culture And Identity",5th Symposium on Advances In Sience &Technology, Mashhad.

31- Jamalinezhad, M, Seyed Mohammadreza Talakesh & Seyed Hassan Khalifeh Soltani) 2012(Islamic Principles and Culture Applied to Improve Life Quality in Islamic Cities, Social and Behavioral Sciences 35, 330-334.

References

* The Holy Qur'an.

- 1- Ahmadi, Hasan; Afradi, Kazem (1391). The Course of Thinking about Medina in the Islamic World, *Islamic Philosophy Teachings*, 7(11), pp. 3-29.
- 2- Aysham, Masoumeh (1400). "Indices of the Islamic City from the Perspective of the Ideals of the Islamic Republic of Iran based on the foundations", *Culture of Islamic Architecture and Urbanism*, 6 (1), pp. 210-232.
- 3- Bakshizadeh, Hasan; Kalantari, Abdul Hossein (1399). "Measures of Social Justice in the Islamic City", *Scientific Quarterly of Social Theories of Muslim Thinkers*, 10(1), pp. 9-30.
- 4- Bayat, Bahram (1393). "The Islamic Approach to the City; Characteristics of the Islamic City", *Scientific Quarterly of Social Theories of Muslim Thinkers*, 4(1), pp. 167-137.
- 5- Disnad, Farkhondeh (1388). "Comparative Examination and Explanation of Al-Hayat Al-Tayyiba from the perspective of the Holy Qur'an with the Utopia of Liberalism and their Educational Goals", Master's thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University.
- 6- Esfandiari, Mostafa; Mahdaviara, Mostafa; Naderian Layin, Alireza; Yousefi Chubini, Seddiqeh (1395). "Islamic Utopia from the Perspective of Imam Reza (a.s.)", *Farhang Razavi*, 4(15), pp. 132-99.
- 7- Ismailpour, Ali; Soleimani, Gholam Ali (1400). "The Image of the Ideal City in Modern Islamic Civilization", *Future Research of the Islamic Revolution*, 2(4), pp. 47-90.
- 8- Jamalinezhad, M, Seyed Mohammadreza Talakesh & Seyed Hasan Khalifeh Soltani. (2012), *Islamic Principles and Culture Applied to Improve Life Quality in Islamic Cities*, *Social and Behavioral Sciences* 35, 330-334.
- 9- Kalantari, Abdul Hossein (1395). "The ideal type of the Islamic city, with an emphasis on Max Weber's methodology", *Methodology of Human Sciences*, Hawzah and University Research Institute, 89, pp. 7-26.
- 10- Keyhanpour, Peyman (1397). *An Introduction to Future Studies*, Tabriz, Tabriz University of Medical Sciences and Health Services.
- 11- Khayyam Bashi, Ehsan; Bankipour, Amir Hossein; Jahanbakhsh, Abbas; Namazi, Ehsan (1395). "Shahr Tayyib, a desirable model in the regeneration of the Iranian-Islamic city", the 4th International Congress on Civil Engineering, Architecture and Urban Development, Tehran.
- 12- Maddahi, SM; Fadavi, N; Seyyedi, SE. (2011), *City with Resoect to Iranian Culture and Identity*, 5th Symposium on Advances in Science & Technology, Mashhad.
- 13- Mahmoudi, Mahdi; Abbasi, Ata (1384). *Future Research and its Role in Science and Technology Policymaking*, Defense Industries Educational and Research Institute, Tehran.
- 14- Malekifar, Aqil; Fakhrai, Marzieh; Keyqobadi, Marzieh (1385). *The Alphabet of Future Studies: The Science and Art of Discovering and Inventing the Future*, Tehran, Karan-e Elm Publications.

- 15- Mirgholami, Morteza; Nejad Ebrahimi, Ahad; Aysham, Masoumeh (1399). "Recognizing and Explaining the Macro Effects of Processes on the Contemporary Iranian City from the Perspective of Islamic Realism", *Danesh Shahr Sazi*, 4(3), pp. 19-36.
- 16- Morovvati, Sohrab; Darabi, Fereshteh. (1393). "Analysis of the Evaluation Model of the Islamic City with an Approach to the Holy Qur'an (case study: the city of Ilam)", two-quarter scientific journal of Qur'an Understanding Studies, 2(2), pp. 53-76.
- 17- Motahhar, Reza; Daneshpour, Seyyed Abdul Hadi; Shokoochi Bidhendi; Muhammad, Saleh (1401). "Comparative Investigation of Human Dignity Criteria as one of the Characteristics of the Ideal Islamic City in New and Old Neighborhoods (case study: Hakimiyyeh and Iran Street neighborhoods in Tehran)", *Journal of Islamic Architecture Research*, 10 (1), pp. 79-100.
- 18- Naghizadeh, Mohammad (1387). "Reflection on the Management of Cities based on the Islamicity of Councils, Urban Management", *Organization of Municipalities and Rural Districts of the Country*, 19, pp. 28-20.
- 19- Naghizadeh, Mohammad (1390). *The Ideal City of Islam or the Atmosphere of Al-Hayat Al-Tayyiba: the requirements of the realization of the Islamic city based on religious texts*, 1st edition, Tehran: Cultural and Artistic Organization of Tehran Municipality.
- 20- Naghizadeh, Mohammad (1395). "The Ideal Islamic City or the Atmosphere of Al-Hayat Al-Taiba", *Iranian Architecture Quarterly*, 9, pp. 193-196.
- 21- Naserabadi, Zahra (1379). *Future Studies*, Center for Strategic Planning and Studies, Tehran, Defense Industries Educational and Research Institute.
- 22- Pourjafar, Mohammadreza; Pourjafar, Ali; Safdari, Sima (1394). "Types of Islamic Cities and Pointers to Indexing in the Direction of an Ideal-Islamic City", *Journal of Islamic Architecture Research*, 3 (3), pp. 1-17.
- 23- Rafipour, Saeed; Dadashpour, Hashem; Taqvai, Ali Akbar (1395). "Causal Factors and Value Focus of Alternative Futures and the Preferred/Desirable Future of a Sustainable City based on Environmental Ethics", *Urban Research and Planning*, 7(27), pp. 1-20.
- 24- Seifian, Mohammad Kazem (1378). "Form and Content in Islamic Architecture", *Fine Arts*, no. 1, pp. 58-61.
- 25- Shokouhi Bidhendi, Mohammad Salih; Motahhar, Reza (1399). "Evaluating the Position of Human Dignity (based on the opinions of Imam Musa Al-Sadr) in urban renewal policymaking; Research case: economic strategy of renovation in the master plan of Tehran", *Journal of Islamic Architecture Research*, 8 (1), pp. 63-81.
- 26- Slaughter, Richard (1386). *Knowledge of the Term "Futurism"*, translated by Abdul Majid Karamatzadeh et al., Defense Industries Research Institute, Defense Science and Technology Future Research Center, Tehran.
- 27- Sobhani Yamchi, Mohammad; Eshghi Chaharborj, Ali (1401). "Evaluation of the Cultural Components of Al-Madina Al-Tayyiba from the Perspective of the Qur'an (case study: the city of Maragheh)", *Quarterly Qur'an, Culture and Culture*, 3(8), pp. 34-59.
- 28- Tavakkoli, Mohammad Javad. (1390). "Methodology of Human Development Index Based on Quranic Discourse", *Marefet Eqtesadi*, 2, pp. 31-56.

- 29- Tavakkolinia, Jamileh (1395). "Coursebook of the City and Nature in Islam", Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University.
- 30- Tavakkolinia, Jamileh; Sarafi, Muzaffar; Dastvareh, Fereshteh (1396). "Comparative Analysis of Approaches related to the Iranian-Islamic City", *Islamic Iranian City Studies*, 28(7), pp. 20-5.
- 31- Turkman, Mojdeh; Abdi Ab Bakshaei, Zahra; Leilian, Mohammad Reza; Baqaei, Parham (1392). "Evaluation of the Fields of Realization of Indicators in Islamic Urban Planning", the second national Conference of Islamic Architecture and urban planning, Tabriz, <https://civilica.com/doc/289536>

Explanation of the Role of Cognitive Components in the Formation of the Islamic Revolution as a Social Phenomenon from the Perspective of the Holy Qur'an

Kamran Oveysi¹

Abstract

Whenever political and sociological scientists want to present a theory about the revolution, they first establish a basis and apply it to all kinds of revolutions in the world. Therefore, except for some fair scholars, other theorists such as Marx, Weber, Abrahamian, Fanon and Tedgar have attributed to revolutions purely economic or social and psychological purposes as well as political violence. The following article attempts to study the most important cognitive components of formation of the Iranian Islamic Revolution in the Qur'an, which was conducted by the method of library collection in an analytical-descriptive way with a focus on the possible interpretations of the Qur'an within the framework of the interpretive study.

In this research, the belief in the necessity of forming an Islamic government is based on the verses indicating the establishment of a government and the implementation of the rulings, as well as the belief in the continuity of the leadership and rule of the Prophet (PBUH) through the theory of the guardianship of the jurist, with attention to the basis of establishing justice in society, and the importance of applying the rule of Nafy Al-Sabil, which are among the components concerning the government and some others concerning the nation (Ummah) are such as increasing insight, awareness of the importance of perseverance, attention to the role of unity, knowing the enemy, and paving the way for the realization of the divine Sunnah represented in changing the nation by the their own hands.

Keywords: Islamic Revolution, Government and Nation, Formation of the Islamic Revolution, Quran, Cognitive Components

1- Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran, oveysi@maaref.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

20.1001.1.30605644.1403.4.2.3.8

10.22034/arq.2024.206181



نوع مقاله: علمی پژوهشی

تبیین نقش مؤلفه‌های بینشی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به‌منابه پدیده‌ای اجتماعی از منظر قرآن

کامران اویسی^۱

چکیده

دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی در هنگامه ارائه نظریه درباره انقلاب‌ها، اصلی را تأسیس نموده و به همه مصادیق انقلاب جهان تسری می‌دهند و به‌جز برخی از دانشمندان منصف، دیگرانی چون مارکس، وبر، آبراهامیان، فانون، تدگار، منشأ صرفاً اقتصادی یا اجتماعی و روان‌شناختی یا خشونت سیاسی برای انقلاب‌ها قائل شده‌اند. مقاله پیش رو درصدد است مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را در قرآن مورد بررسی قرار دهد که با روش گردآوری کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی با محوریت برداشت‌های احتمالی از قرآن در بستر مطالعه تفسیری صورت گرفته است. در این پژوهش، باور به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در قالب آیات دال بر نظام‌سازی و به فعلیت رساندن اجرای احکام، نیز اعتقاد به استمرار شئون رهبری و داوری پیامبر (ص) در قالب نظریه ولایت فقیه، توجه به بسترسازی برپایی قسط در جامعه، التفات به اهمیت اجرای قاعده نفی سبیل از جمله مؤلفه‌های بینشی مربوط به ساختار حکومت و مؤلفه‌های بینشی بصیرت، آگاهی نسبت به جایگاه استقامت، التفات به نقش اتحاد، دشمن‌شناسی، توجه به فضا‌سازی سنت الهی تغییر قوم به دست خود، مربوط به نهاد مردم است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، حکومت و مردم، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، قرآن، مؤلفه‌های بینشی.

۱- دانشیار گروه معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران، oveysi@maaref.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و روسیه و چین در محتوا و انگیزه‌ها تفاوت دارد؛ زیرا به نحو کلی آن سه انقلاب بر اساس انگیزه‌های غیرمذهبی و متأثر از داعیه‌های اقتصادی و سیاسی اتفاق افتاد (صدیقی، ۱۳۷۸: ۱۱۱)؛ اما در انقلاب اسلامی ایران، به فرموده امام خمینی (ره) به جهت الهی بودن با دیگر انقلاب‌ها تفاوت وجود داشت (زاده علی، ۱۳۹۲: ۳۳).

اهمیت ایدئولوژی مؤثر در انقلاب اسلامی به‌ویژه مؤلفه‌های قرآنی زمانی هویدا می‌گردد که اساس صدور آن به دیگر کشورها به‌ویژه اسلامی، تأکید بر وجه مشترک آن‌ها یعنی قرآن باشد. چنان‌که جنبش‌های برگرفته از انقلاب اسلامی در قالب حزب‌های «امل» و «حزب‌الله» لبنان، «حزب الدعوة الاسلامی» و «حشد الشعبی» عراق، «سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان» در استان قطیف عربستان، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین»، «حزب‌الله کویت»، «سازمان جماعة الاسلامیة»، «جبهه نجات اسلامی» الجزایر، «جنبش گرایش اسلامی» تونس، «جهاد اسلامی» فلسطین را می‌توان نام برد (ر.ک: ملکوتیان، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۸). مقاله حاضر شرح مبتنی بر تئوری تفسیری مؤلفه‌های پارادایم گونه انقلاب اسلامی ایران برای نشان دادن وجاهت علمی-دینی آن‌ها در بستر دانش تفسیر قرآن است. پرسش محوری این پژوهش این است که مؤلفه‌های بینشی انقلاب اسلامی ایران در بستر قرآن، کدام‌اند و چگونه تبیین می‌شوند؟ «مؤلفه» از ریشه «أَلَفَ» به معنای وصل نمودن و ایجاد وابستگی و علاقه بوده (زیبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۱۲، ۹۰)، به همین سبب، دهخدا یکی از معانی آن را شاخص و ویژگی‌های خاص یک امر تعریف نموده است. (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲، ۲۸۶۲) گویا عنصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک موضوع که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توان آن موضوع را تجزیه و تحلیل نمود، مؤلفه آن محسوب می‌گردند که در برخی منابع دانش‌های اسلامی به شکل واژه «مَقْوَم» به همین معنا به‌عنوان قوام‌بخش و عنصر اصلی یک موضوع و ماهیت نیز آورده شده است (جرجانی، ۱۳۷۰: ۷۲). منظور از «بینشی» آن چیزی است که به‌عنوان فکر و اندیشه مؤثر در شخصیت انسان، نیز صفتی در مقابل اوصاف دیگر مقوله‌های

مشهور انسان‌شناختی یعنی گرایش به معنی‌کشش‌ها و تمایل‌های قلبی و رفتار به معنای کنش و واکنش‌های خروجی انسان است. پس «مؤلفه بینشی» یعنی آن عنصری که در ماهیت یا قوام‌بخشی یک موضوع جهت‌فکری نه احساسی و نه عملکردی، اثرگذار باشد. در این پژوهش، مقصود از «مؤلفه بینشی» در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، عناصر فکری برخاسته از آموزه‌های انسانی یا اجتماعی مستند به قرآن است که در تکوین این انقلاب مستقیم یا غیرمستقیم مؤثر بوده‌اند. به گونه‌ای که جدا کردن انقلاب اسلامی ایران از آن‌ها ناممکن یا بعید می‌نماید. توضیح تفصیلی این سطوح سه‌گانه انسان‌شناختی بینش، گرایش و رفتار^۱ در چارچوب نظری پژوهش حاضر تبیین خواهد شد.

مقاله‌هایی در باب استنادات قرآنی انقلاب ایران وجود دارد مانند «پیوند قرآن و انقلاب اسلامی در اندیشه و سیره امام خمینی»، تألیف اکبری دستک (۱۳۹۶)، همچنین مقاله «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (رحمة‌الله)» به قلم بهشتی (۱۳۸۸) منتشر در مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی به دو بحث مشروعیت حکومت و حاکمیت خدا و سپس رسالت جهانی انقلاب اسلامی اشاره دارد. مقاله دیگری که قبل ذکر است «بررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران» تألیف اسماعیلی (۱۳۹۶) چاپ‌شده در مجموعه مقالات برگزیده دهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی با نگاهی عام به مبانی اعتقادی و سیاسی آن، به گردآوری مباحثی پرداخته است. «مبانی انقلاب اسلامی در قرآن و روایات (با تأکید بر دیدگاه امام و آیت‌الله خامنه‌ای)» در سه صفحه به قلم محمدی (۱۳۹۷) دیگر نوشته‌ای است که در مجله پاسدار اسلام به چاپ رسیده است. همچنین «بازخوانی کاربست قرآن مجید در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی» نوشته لک زایی (۱۳۹۹) قابل ذکر است. آن‌ها گاه از علل انقلاب سخن گفته‌اند نه مبانی و گاه موضوعاتی را به صورت استقرایی، ناظر به دیدگاه امامین انقلاب گردآوری نموده‌اند و دایره پژوهش را به مستندیابی صریح یا ضمنی بیانات سوق داده‌اند.

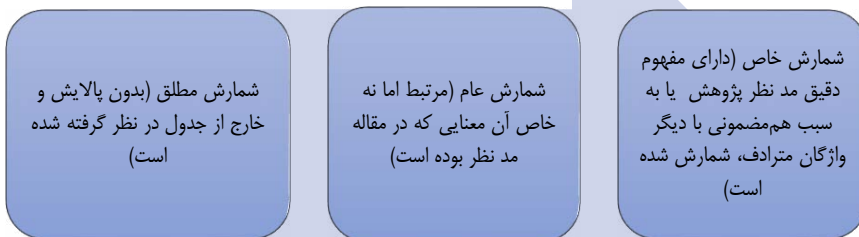
۱- برخی از محققان معاصر، سه سطح انسان‌شناختی را در قالب بینش، منش و کنش نام‌گذاری کرده‌اند که مفهوماً با مبانی این نوشتار مشابهت دارد (خسروپناه، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

اما رویکرد پژوهش حاضر به عنوان تفسیر قرآن با گرایش سیاسی و اجتماعی تلقی می‌گردد که سعی دارد تا با مطالعه بیرونی در دانش علوم سیاسی مرتبط با انقلاب‌ها و مطالعه درونی در قرآن و مؤلفه‌های قوام‌بخش انقلاب اسلامی ایران، محدود به دایره بینش پژوهش نماید.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق این نوشتار، از نظر گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و ازلحاظ تبیین، توصیفی و تحلیلی است. لازم به ذکر است که پس از مطالعه کتاب‌های مربوط به نظریه‌های انقلاب اسلامی ایران و نیز منویات امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای به عنوان رهبران بنیان‌گذار و ثبات‌بخش انقلاب اسلامی ایران و با توجه به پیشینه پژوهش در این زمینه، به کشف کلیدواژه‌های مهم مرتبط با مؤلفه‌های بینشی انقلاب اسلامی در قرآن و تفسیر آیات مورد نظر پرداخته می‌شود.

با این توضیح که ابتدا مؤلفه‌های بینشی تکوین‌دهنده انقلاب بر اساس نظریه‌پردازی پژوهشگران انقلاب درباره ایران استخراج شده و پس از راستی‌آزمایی و عرضه به قرآن بر مبنای مستندیابی قرآنی، اعتباربخشی شده است. در مرحله بعد، واژگان مرتبط با هر یک از مؤلفه‌های بینشی انقلاب ساز، در کلام رهبران جمهوری اسلامی کشف و ازلحاظ کمی تعداد آن‌ها در صحیفه امام و نیز سایت رسمی مقام معظم رهبری احصا شده است. سپس مواردی که از بحث خروج موضوعی داشته و باینکه این کلمه ظاهراً به پژوهش حاضر مرتبط بوده اما سیاقی که در آن به کاررفته ارتباطی با این پژوهش ندارد، کنار گذاشته شده است. مثلاً بحث دشمن‌شناسی به صورت کلی با مباحث این مقاله ارتباط دارد؛ اما کاربردی از آن مدنظر است که نقش آن را در تکوین انقلاب اسلامی ایران بیان کند. پس این واژه، اگر درباره دفاع مقدس و دیگر مسائل پس از انقلاب به کار رود، از شمارش تخصصی بیرون گذاشته می‌شود؛ از این رو دو نوع شماره در جدول وجود دارد شمارش کلی یک واژه، فارغ از ارتباط تخصصی داشتن با پژوهش حاضر و سپس شمارش تخصصی. سپس واژه‌های مذکور یا همگنان آن‌ها در قرآن مستندیابی شده و مورد عرضه به قرآن و استفاده در استدلال قرار گرفته‌اند.



تعداد در سایت مقام معظم رهبری		تعداد در صحیفه امام		واژه نشان‌دهنده مؤلفه
مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	
۶۲۹	۸۵۶	۷۱	۷۶	ولایت فقیه
۸۰۳	۱۴۱۶	۳۲	۴۴	ولی فقیه
۷۹۲	۸۲۲	۲۹	۲۹	تشکیل حکومت
۴۹	۵۲	۱۹۹۰	۲۳۳۱	جمهوریت
۱۰۲۹	۱۷۴۴	۰ (هم مضمون = ۲۸)	۰ (هم مضمون = ۷۴)	نظام‌سازی
۲۱۲	۵۰۰	۲۷	۳۶	اجرای احکام
۴۶۳ (هم مضمون = ۱۲۴۳)	۳۵۱۳ (هم مضمون = ۷۵۲۱)	۸۹ (هم مضمون = ۱۷۳)	۲۴۹ (هم مضمون = ۵۹۱)	جایگاه رهبری
۲۲ (هم مضمون = ۲۱۹)	۷۸ (هم مضمون = ۱۰۸)	۴۳۲ (هم مضمون = ۶۰۶)	۱۰۲۱ (هم مضمون = ۱۵۲۱)	داوری
۱۴ (هم مضمون = ۳۷)	۸۲ (هم مضمون = ۱۸۹)	۹ (هم مضمون = ۲۱)	۱۵ (هم مضمون = ۳۸)	قسط

تعداد در سایت مقام معظم رهبری		تعداد در صحیفه امام		واژه نشان‌دهنده مؤلفه
مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	
۵۴	۵۴	۰ (هم مضمون=) (۴)	۰ (هم مضمون=) (۴)	نفی سبیل
۷۲۱	۹۴۵	۱۷	۲۲	بصیرت
۹۳۸	۱۴۴۶	۱۰۱	۱۷۵	استقامت
۱۰۵۹	۲۰۶۱	۱۱	۱۸	مقاومت
۸۸۶	۱۲۰۵	۳۱۹	۴۲۱	اتحاد
۱۰۱۳	۱۷۰۳	۹۹۵	۱۰۱۲	وحدت
۲۱۱۹	۲۳۰۸	۰ (هم مضمون=) (۷۸)	۰	دشمن‌شناسی
۲۰۵۲	۲۲۷۷	۱ (هم مضمون=) (۱۱۳)	۱	شناخت دشمن
۵۵۶	۸۷۰	۰ (هم مضمون=) (۱۳)	۰	تغییر به دست خود
۹۰۰	۹۶۸	۱۲	۱۵	سرنوشت ملت

۳. پیش‌فهم‌های بنیادین

پیش از ورود به بحث، لازم است تا برخی دیدگاه‌های مرتبط با عوامل تحقق انقلاب‌ها و ویژگی يك انقلاب به عنوان پیش‌فهم‌های بنیادین بیان گردند. برخی پژوهشگران، ویژگی انقلاب‌ها را این‌گونه برشمرده‌اند: نارضایتی عمیق از حاکمیت موجود، وجود رهبر همراه با ساختارهای بسیج‌گرا و توده محور و مردم‌نهاد تحت زعامت او و به بیان روشن‌تر وجود یک رهبر کاریزماتیک مردمی با پشتیبانی ملی، قومی یا مذهبی، گسترش و پذیرش ایدئولوژی جایگزین (ر.ک: اخترشهر و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴). پاسخ مثبت اینکه آیا می‌توان همراهی انقلاب اسلامی ایران با تغییر ایدئولوژیکی را در بسترهای مکتبی آن ایدئولوژیک جدید، پیگیری و کشف نمود، در دیدگاه برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی وجود دارد. به‌عنوان نمونه اسکاچپول در مقاله دولت تحصیلدار و انقلاب شیعی

ایران، معتقد است که انقلاب اسلامی ایران تمامی ویژگی‌های یک انقلاب بزرگ را دارد؛ با این تفاوت که تنها انقلاب آگاهانه، انقلاب اسلامی ایران بوده است (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۵)؛ بنابراین با پذیرش مبانی ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران، نظریه‌های مهم مرتبط با انقلاب‌ها بیان می‌شود.

نظریه‌پردازی پیشانقلابی اندیشوران انقلاب: غالب نظریه‌های انقلاب، عنصری مانند مشارکت مردمی و حضور توده‌ها را از لوازم قوام‌بخش مفهوم انقلاب می‌دانند؛ مانند تقسیم‌بندی چهارگانه جانسون بدین شکل که: در نظریاتی مانند نظریه معطوف به بازیگر، نظریه پرداز به علل جذب افراد و توده‌ها به سوی کنش انقلابی می‌رود. از جهت ساختن ساختار دینی حکمرانی نیز انقلاب اسلامی ایران، در نظریه‌های ساختاری که فرآیند انقلاب را برای ساختار سازی بازتعریف کرده‌اند، قابل بررسی است. همچنین نظریه‌های تقارن و حتی فرآیند هم به بخش نهاد مردم در شکل‌گیری انقلاب‌ها التفات ویژه دارند (ر.ک: منوچهری، ۱۳۸۰: ۳). در دیدگاه‌های سوسیالیستی مارکس، کاریزمایی ماکس وبر یا نظریه‌پردازان دیگر مانند دوتوکویل نیز نهاد مردم نقش مهمی در تکوین انقلاب‌ها دارند که در برخی پررنگ‌تر است (ر.ک: بشریه، ۱۳۷۳: ۲۱-۷۵). از سوی دیگر تشکیل جمهوری اسلامی، برخاسته از نظریه مردم‌سالاری دینی است و نهاد مردم نقش مهمی در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی دارد؛ یعنی در پایه ساختار شکلی خود شباهت‌هایی به دموکراسی به معنای ساختار مردم‌نهاد حکمرانی دارد؛ زیرا دموکراسی بدین معنا فقط تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌های سیاسی بدون تعیین شیوه خاص آن است (ر.ک: پوپر، ۱۳۶۷: ۱۱۹)؛ اما قواعد نقش‌آفرینی نهاد مردم نیز بر اساس آموزه‌های دینی چون حق والی بر رعیت و حق رعیت بر والی (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۳۳) دیده شده است. بنیان‌گذار کبیر انقلاب و اندیشوران کمیته انقلاب، هنگام سخنرانی‌ها و جلسه‌های پیشانقلابی، به‌ویژه در آستانه آن، به جمهوریت و اسلامیت توأمان نگاه اولویت‌داری داشته‌اند و با استفاده از نظریه مترقی ولایت فقیه و نیز اسلامی سازی دموکراسی تلاش فکری جهت تنقیح و تئوری سازی انقلاب و سپس نظام مبتنی بر آن داشته‌اند؛ بنابراین پرداخت به مؤلفه‌های ساختاری در این

پژوهش، امری است که راهبران انقلاب در قبل از انقلاب جهت تنویر افکار مردم خصوصاً طبقه صاحب اندیشه انجام داده‌اند؛ مانند مصاحبه با لوسین ژرژ -خبرنگار فرانسوی- در نجف توسط امام خمینی (ره) که برخی مبانی حکومت اسلامی و تقییح نظام پادشاهی از سوی ایشان مطرح گردید (خمینی، ۱۳۷۸: ۳، ۳۶۶-۳۷۵). همچنین برخی از مباحث اجتماعی سیاسی مرتبط با حکومت اسلامی مانند جریان‌شناسی استعمارستیزی و حرکت‌ها اجتماعی در دوران تاریخ اسلام توسط شهید مطهری در دفتر یادداشت خود که از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۳۹ شمسی نگاشته است، منتشر شده است (مطهری، ۱۳۹۳: ۱۳، ۱۶۹-۱۷۲) نکات این چینی در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن توسط مقام معظم رهبری در پیش از انقلاب در سلسله سخنرانی‌های خود در مشهد منعکس شده است که چون گونه متعالی آن پس از انقلاب در سخنرانی‌های ایشان مطرح شده، به جستجوی سایت رسمی ایشان اکتفا شده است. از این جهت با توجه به تأکیدهای موجود در کلام رهبران انقلاب اسلامی ایران که فراوانی نسبی بیشتری در مقابل دیگر مؤلفه‌های احتمالی دارند؛ مانند بصیرت و دشمن‌شناسی و مقاومت و استقامت؛ بدین مؤلفه‌ها در قالب ساختار مردمی انقلاب اسلامی ایران با توجه به نظریه مردم‌سالاری دینی و تأکید بر نهاد مردم با مستندسازی از قرآن پرداخته شده است؛ بنابراین هم نهاد دین باید زعیم داشته باشد و هم نهاد مردم باید ساختارمند باشد؛ از همین رو قالب پژوهش حاضر بر دو مقوله مذکور در بینش قرآنی پیش رفته است.

سطوح سه‌گانه بینش، گرایش، رفتار: انسان به‌عنوان واحد اجتماع، دارای سه حیطه فکر و احساس و عمل بوده که بررسی رفتار اجتماعی او در قالب یک اجتماع مانند تحلیل انقلاب می‌تواند در هر یک از سطوح مذکور انجام شود؛ بنابراین اگر مطالعه مؤلفه‌های سه‌گانه، در بستر علوم اجتماعی قالب‌ریزی شود، ساختار آن به شکل بینش‌ها و گرایش‌ها و رفتار (مناسک) پیگیری می‌شود (ر.ک: ریویز، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۲۵۹).

بینش نتیجه سلسله باورهایی از جهان و خدا و انسان و روابط آن‌هاست (ر.ک: شریفی، ۱۳۸۴: ۴۱۳). تعریف خاصی از باور نیز در علوم اجتماعی وجود دارد

که به باور انسان نسبت به قوانین هستی اجتماعی، اطلاق می‌شود (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). نکته مهم اذعان برخی از جامعه‌شناسان مانند کوهن و لاکاتوش درباره تأثیر مباحث متافیزیکی مانند بینش متأثر از متون مقدس در پارادایم‌ها است (ر.ک: امیری‌طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۹). همین معنا با توجه به سنخ مطالعات انقلاب اسلامی که ناظر به انسان و اجتماع است، قابل‌پذیرش است.

گرایش آن‌کس درونی است که انسان نسبت به اعیان و افعال و افکار پیدا می‌کند؛ مانند تمایل به جاودانگی، مادیات، دنیا (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۲: ج ۳، ۴۹۲-۵۰۱). متخصصان جامعه‌شناسی مانند دورکیم و شلر، افراط یا تفریط در گرایش را سبب خروج از حالت طبیعی می‌دانند (ر.ک: امیری‌طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

رفتار، بروزهای عملکردی خارجی است که در این حالت به آن کنش - واکنش گفته می‌شود (ر.ک: هوکسما و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۵)؛ بنابراین بینش‌های رفتار ساز، غیر از خود رفتار هستند و دشمن‌شناسی و نه خود مبارزه، توجه و التفات به نقش اتحاد نه خود اتحاد و شناسایی جایگاه استقامت و نه نفس استقامت، از مقوله‌های بینشی هستند. بحث از ساختار حکومت نیز بحث از نظریه‌پردازی‌های پیشاتشکیل آن در قبل انقلاب است که مباحث بینشی است. **ایدئولوژیک بودن انقلاب ایران:** در میان نظریه‌پردازی‌ها دو نظرگاه را می‌توان برای انقلاب ایران در نظر گرفت؛ اول: نظریه‌های کلاسیک و مدرن که انقلاب ایران مانند دیگر انقلاب‌ها در جهان به سبب نارضایتی مردم یا تضاد دیالکتیک طبقاتی یا توسط روشنفکران جامعه اتفاق افتاده است (ر.ک: کوهن، ۱۳۸۱: ۱۱۵؛ گولدستون، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۶۸؛ دوتوکویل، ۱۳۶۹: ۸۹). طرفداران مارکس که علت هر انقلابی را شورش بازرگانان و سرمایه‌داران تولیدی و بورژوازی علیه فئودال‌ها و طبقه ممتاز زمین‌دار می‌دانند (ر.ک: گدار، ۱۳۹۱: ۶۵؛ منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸: ۲۶)؛ یعنی ساخت اقتصادی سبب تعریف رابطه اجتماعی بین طبقات مختلف می‌شود و پرولتاریا (طبقه فقیر و کارگر) بر ضد طبقه استعمارگر بر اساس مشکلات اقتصادی می‌شورد و انقلاب می‌کند (ر.ک: ملکوتیان، ۱۳۷۲:

۴۵- ۵۵). گاهی نیز ریشه انقلاب‌ها را روانشناسانه بیان می‌کنند؛ مانند ایجاد توقعات فزاینده در جامعه و محرومیت نسبی (تیلور، ۱۳۸۷: ۸۲؛ پناهی، ۱۳۸۹: ۷۴) مثلاً آبراهامیان علت انقلاب را فزاینده‌گی توقع مردم از دولت شاه به سبب بالا رفتن درآمد نفتی ایران اما از بُعد روانی می‌داند (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). این سخن تحلیلی ناقص است؛ زیرا ریشه اصلی ناراحتی اقتصادی مردم، پُرتوقعی، نبوده است بلکه از فساد حاکمیت که در سایه اسلام حداقلی و آمریکایی انجام می‌شده، سرخورده بودند. تدگار نیز با نظریه محرومیت نسبی و تبدیل خواسته به شورش، نگاه سلبی به رفاه اقتصادی مبتنی بر سازمان برای مردم اما در بستر روانی و اجتماعی در علت وقوع انقلاب‌ها داشته که نمی‌تواند علت تا‌مه برای انقلاب ایران محسوب شود. (زرعانی‌رضایی، ۱۳۸۱: ۳۷-۵۸) و بر انقلاب را مرحله گذار از سنتی به قانونی می‌داند (قره‌گزلو، ۱۳۸۵: ۴۷) که این نیز به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن پشتوانه شریعت گرا برای انقلاب اسلامی ایران خطا است. فراتس فانون هم علت انقلاب‌ها را مبارزه با نژادپرستی می‌داند (ر.ک: کرمی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۹) که این نظر بر انقلاب ایران صادق نیست و بیشتر بر انقلاب‌های سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان بر ضد سفیدپوستان استعمارگر منطبق است.

دوم: انقلاب ایران، ایدئولوژیک و بر اساس محرک‌های دینی است که بیشتر در گفتمان انقلاب اسلامی ملاحظه می‌شود (ر.ک: خرمشاد، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۲). مثلاً اسکاچپول، در ابتدا نظریه ساختاری را عامل انقلاب‌های اجتماعی می‌دانست؛ اما پس از وقوع انقلاب در ایران، بر این باور شد که ایدئولوژی حکومت اسلامی شیعی مهم‌ترین عامل این انقلاب است (ابراهیمی کیاپی، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰).

۴. مؤلفه‌های بینشی مرتبط با ساختار حکومت

مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی قرآنی مربوط به ساختار حکومت برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی اعم از تطابقی (علت قریبه) و التزامی (علت بعیده)، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و استمرار برخی شئون پیامبر (ص) در قالب نظریه

ولایت‌فقیه، توجه به بسترسازی برای اقامه قسط و نیز برای اجرای قاعده نفی سبیل است. مؤلفه‌های ساختاری غالباً برگرفته از سخنرانی‌های سیزده گانه امام خمینی (ره) در نجف درباره حکومت اسلامی در پیشانقلاب در سال ۱۳۴۸ شمسی است که خود نشانه مهمی بر تئوریزه شدن پیش‌نیازهای فکری و بینشی انقلاب چندین سال پیش از تحقق آن است (خمینی، بی‌تا: ۸-۱).

الف) نظریه ولایت‌فقیه

عدم ذکر گزاره‌هایی که از جمله مقوم‌های نظریه ولایت‌فقیه و حکومت اسلامی است که بنای نظری و بینشی آن را امام خمینی (ره) در نجف تبیین نمود، ضروری است؛ بنابراین مؤلفه‌هایی چون باورمندی به ضرورت حکومت، نظام‌سازی یا ساختارگرایی اسلامی در حکمرانی، لزوم اجرای احکام اسلامی به‌عنوان یکی از انگیزه‌های داشتن حکومت اسلامی و همچنین توجه به نقش استمراری حاکم اسلامی در برابر مأموریت‌های پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان دفع دخل مقدر مخالفان تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت، مؤلفه نظریه ولایت‌فقیه هستند که خود یکی از مهم‌ترین مقوم‌های بینشی انقلاب اسلامی است.

بنا بر نظریه ولایت‌فقیه امام خمینی (ره)، اگر فردی شایسته به پا خیزد و حکومت اسلامی تشکیل دهد، ولایت رسول (ص) در قسم مدیریت و رهبری جامعه را دارد (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵، ۵۰). در ضرورت اصل ولایت‌فقیه، آیت‌الله بروجردی - بنا بر نقل موجود در تقریرات آیت‌الله منتظری - چند مقدمه ذکر می‌نمایند و سپس نتایجی می‌گیرند:

الف) وجود اموری اجتماعی مثل قضا، سرپرستی اموال افراد نابالغ یا غایب، حفظ نظام و مرز و فرمان جهاد دادن که از وظایف افراد جامعه خارج است؛
ب) توجه سیاسی و اجتماعی بودن برخی احکام اسلام مثل حدود و قصاص و دیه؛

ج) عدم جدایی مدیریت اجتماعی کشور از شئون معنوی برای پیامبر (ص) و امام علی (ع) و نایبان آن‌ها؛

د) عدم وانهادن امت اسلامی به حال خود در زمان غیبت توسط رسول (ص) و ائمه (ع)؛

در نتیجه ناگزیر افرادی - که فقیهان عادل و جامع‌الشرایط هستند - از طرف معصوم (ع) برای امور گفته‌شده در عصر غیبت تعیین شده‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۱۱ ق: ۵۲-۵۷).

حال ولی فقیه زمانی مبسوط الید می‌گردد که حکومت اسلامی تشکیل شود؛ اما غالباً به سبب وجود حکومت‌های طاغوت و جور، نیاز به انقلاب هست. در زمینه اصل ولایت، آیه‌ای که بیشتر مورد استدلال قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) است؛ اما برخی در استدلال برای نظریه ولایت فقیه به آیه مذکور تمسک کرده‌اند. آقا میرزا ولی‌الله اشراقی در حاشیه تفسیر شاهی تألیف ابوالفتح بن مخدوم خادم حسینی عربشاهی معروف به جرجانی - از فقهای عصر صفویه در قرن دهم - با توجه به کنار هم قرار دادن آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نساء می‌نویسد که آیات نامبرده، دال بر وجوب ترفع و داوری آن توسط رسول و اولو الامر یعنی ائمه معصومان (ع) و هرکسی که آنان، او را منصوب کنند؛ یعنی فقیه عادل به‌ویژه در زمان غیبت است (جرجانی، ۱۳۶۲: ۲، ۷۵۰).

اما این نکته قابل ذکر است که برخی از مفسران، به سبب ملاک عصمت در اطاعت مطلق، مصداق اولو الامر را منحصر در معصوم می‌دانند که در علما و فقهاء جاری نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳، ۱۰۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱، ۴۰۴). طبق روایاتی که این آیه را تفسیر یا مورد استشهاد قرار داده‌اند و به‌ویژه تعبیر «إِيَّانَا عَنِّي خَاصَّةً» در برخی روایات (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱، ۶۸۹)، مصداق آیه اولو الامر، در معصومان منحصر است و قابل تسری به غیر ائمه اطهار (ع) نیست. البته تبعیت از نمایندگان خاص و عام منصوب‌شده توسط آن‌ها بر اساس منقولاتی چون توقیع شریف «و اما الحوادث الواقعة...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲، ۴۸۴) و نیز روایت امام عسکری (ع) که ویژگی‌های فقیه قابل تقلید برای عوام را ذکر می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۷، ۱۳۱)، صرفاً تا زمانی است که بر مسیر مستقیم آن معصومان (ع) سلوک نموده و مورد تأیید آن‌ها باشند؛ بنابراین تبعیت مردم از این نمایندگان، خود، تبعیتی تبعی و فرع بر اطاعت از معصومان (ع) است؛ یعنی آن‌ها، اولوالامر حقیقی نیستند بلکه به اذن مشروط معصوم، متنقذ شده‌اند؛

بنابراین استفاده از این آیه در اثبات نظریه ولایت فقیه به صورت مستقیم و بدون استدلال پیش گفته، تمام نیست.

باور به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی: دلالت برخی آیات قرآن بر تشکیل حکومت اسلامی برای به فعلیت رساندن احکام در سطح جامعه قابل بررسی است؛ یعنی برای به حد کمال رساندن عمل به مفاد آیاتی چون «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹)؛ لازم است حکومت اسلامی با مقدمیت انقلاب اسلامی تشکیل داد؛ به عبارت دیگر اگر اراده شود که در تمامی ابعاد و شئون به دین اسلام و اوامر خدا عمل شود، لازمه‌اش تشکیل حکومت اسلامی است. چراکه آیه مذکور عام است و همه زمینه‌های نظری و عملی دینی را شامل می‌شود. مفسران به عمومیت آیه در اطاعت از خدا و رسول و اولوا الامر اشاره کرده‌اند (حسنی و اعظ، ۱۳۸۱: ۷۱؛ رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰، ۱۱۵؛ کاشانی، ۱۳۴۱: ۸، ۴۱۶).

این مؤلفه در دو نوع آیات دال بر نظام سازی در ابعاد گوناگون و آیات دال بر اجرای احکام قابل بررسی است:

نظام سازی: آیاتی در قرآن وجود دارند که برای رسیدن به تمامیت نتیجه آن احتیاج به نظام سازی در آن زمینه است. مانند آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰). آیه گفته شده برای تمامی سرزمین‌ها و اعصار، الهام بخش است؛ زیرا از سلاح منحصر به فردی سخن به میان نمی‌آورد که با مضی زمان از حیز انتفاع در سطح کلان و ملی و جهانی خارج شود؛ بلکه تعبیر به قوه می‌کند، یعنی مسلمانان برای حفظ آمادگی خود سزاوار است از هر سلاحی استفاده کنند؛ در هر عصری به سلاح‌های پیشرفته آن زمان مجهز شوند. واژه قوه حتی سلاح‌های غیرجنگی را هم شامل می‌شود؛ مثلاً ابزار تبلیغاتی که نیرویی برای نابودی روانی دشمن محسوب می‌گردد. در نتیجه هر چیزی که در جنگ با دشمن مفید باشد یا مقابل تجاوز او را بگیرد، مشمول آیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۰۸). در آیه دیگری آمده است: «وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ» (نساء: ۱۰۲). آیه ذکر شده کیفیت نماز خوف را می‌فرماید و خطاب را متوجه پیامبر (ص) می‌کند؛ ایشان را امام جماعت فرض کرده، می‌فرماید تو

نماز را برای لشکریان اقامه می‌کنی؛ نیمی از سپاه با تو به همراه اسلحه در نماز خوف مشارکت کنند و بعد از اتمام رکعت اول جماعت، رکعت دوم را به سرعت خودشان می‌خوانند، سپس نصفی دیگر از سپاه به جماعت با اقتدا در رکعت دوم به همراه سلاح بایستند. در واقع از قبیل بیان حکم در قالب مثال و نمونه است تا بیان برای شنونده واضح‌تر و مختصرتر و همچنین زیاتر گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۵، ۶۲). از آیه مذکور می‌توان استنباط نمود که حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان، وظیفه مسلمانان است.

در صورتی می‌توان به کمال آمادگی درباره آموزه‌های آیات مذکور رسید که تحت نظامی یکپارچه به نام حکومت اسلامی این توانمندی‌ها حاصل شود. اگر حکومت حاکم بر جامعه مسلمانان، غیر اسلامی و غیر الهی و یا طاغوت باشد، تغییر آن با انقلاب به حکومت اسلامی لازم است.

نمونه دیگر آیاتی است مبتنی بر آموزه‌های امنیتی و دشمن‌شناسی برای مسلمانان. در آیه‌ای از قرآن به خطر برخی اهل کتاب و نقشه‌کشی آن‌ها برای مسلمانان هشدار داده شده است (آل عمران: ۶۹). دشمنان به‌ویژه یهودیان جهت دور ساختن اشخاصی که تازه به دین مبین اسلام گرویده بودند، از هیچ کوششی فروگذار نبودند؛ حتی در صحابه خاص پیامبر (ص) طمع داشتند که بتوانند آنان را از اسلام برگردانند که در این صورت ضربه بزرگی بر پیکر اسلام وارد می‌گشت و زمینه برای تزلزل دیگر مسلمانان نیز فراهم می‌شد. آیه موردنظر در ضمن افشای این توطئه، به آنان یادآوری می‌کند دست از کوشش بی‌فایده خود بردارند (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰ ق: ۸، ۲۵۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۲۶۰). در آیه دیگری نیز شناخت دشمنان دوست‌نما را توصیه می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...» (مجادله: ۱۴)؛ یعنی آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ مراد از کسانی که با گروه مغضوب، طرح دوستی ریختند، منافقان هستند. از جمله پیام‌های آیه لزوم جدا کردن خودی از غیر خودی و شناخت دشمن و منافق است که نه از مؤمنان هستند و نه از یهودیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۳۸۰؛ رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۹، ۴۹۷). به همین سبب، شناخت آن‌ها مشکل است.

نمونه دیگر از آیاتی که نکته‌ای بصیرتی درباره دشمن‌شناسی دارد، این آیه است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (بقره: ۲۰۴) یعنی ای رسول! کسی که از پیش تو بیرون رفت، منافق بوده، وضعش غیرازآن زمانی است که در حضور تو بود، در حضور تو از صلاح و خیر سخن می‌گفت و اینکه در این راه تلاش خواهد نمود؛ اما پس از بیرون شدن در راه فساد و تباهی گری می‌کوشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۲، ۹۶).

آیات مذکور نشان می‌دهد گرچه دشمن‌شناسی حداقلی در قالب فردی امکان‌پذیر است؛ اما شناخت کامل و همه‌جانبه از دشمن با تشکیل حکومت و تدوین تهیه سامانه رصد سیستمی به وقوع می‌پیوندد؛ لذا در صورتی که مسلمانان زیر سایه حکومت غیر اسلامی قرار دارند، ضروری است از زیر سایه‌های تاریک آن با جنبش و نهضت انقلابی بیرون آمده، به تشکیل حکومت پردازد. **فعلیت اجرای احکام:** از دیگر آیات قرآن دال بر ضرورت انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی، آن‌هایی است که بر اجرای احکام و حدود اشاره دارند. به‌عنوان نمونه علامه طباطبایی درباره «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲)؛ بر این باور است زدن تازیانه کار کسی است که متولی امور جامعه اسلامی است؛ یعنی پیامبر (ص) و امام و نایب امام (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۵، ۷۹). پس مخاطب «فاجلدوا» همه مسلمانان نیستند بلکه متولیان امر آن‌ها هستند (صادقی تهرانی، ۱۴۳۲ ق: ۲۱، ۲۰). حتی علمای اهل تسنن نیز معتقدند حاکم، متضمن تازیانه زدن به زناکار می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵ ق: ۵، ۱۳۱).

همچنین درباره آیه: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸) مفسران اهل تسنن معتقدند امام و حاکم جامعه اسلامی متولی قطعید سارقان است (جصاص، ۱۴۰۵ ق، ۵، ۱۳۱؛ رازی، ۱۴۲۰ ق، ۷، ۹۲) و متولی بودن امام یا نایبش در حد جاری ساختن بین فقهای عامه اجماعی است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۲، ۱۶۱).

نمونه دیگر آیه محاربه است: «کیفر کسانی که با خدا و فرستاده‌اش می‌جنگند و برای فساد در زمین می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست‌هایشان و پاهایشان، برخلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی از چپ)، قطع شود؛ یا از سرزمین (خود) تبعید گردند؛ این،

برایشان رسوایی‌ای در دنیا است؛ و در آخرت عذاب بزرگی برایشان است.» (مأثده: ۳۳) اختیار اینکه چه نوع حدی از حدود مذکور در آیه بر محارب جاری گردد، به دست امام و حاکم جامعه اسلامی است (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۶، ۱۳۸). برای اجرای تمامی حدود گفته شده، لازم است تا متولی آن یعنی رسول و امام و یا نایب آن در قالب حکومت اسلامی و تحت دایره عصمت یا ولایت فقیه عادل ضامن و مجری به فعل آن گردد که التزاماً دلالت بر انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دارد.

اعتقاد به استمرار برخی شئون پیامبر (ص): شئون پیامبر (ص) در سه شأن رسالت، قضاوت و حکومت شمرده شده است (ر.ک: خمینی، ۱۴۳۴ ق: ۶۶-۶۹؛ مطهری، ۱۳۸۲: ۲۱، ۱۲۰).^۱ آیه «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران: ۱۴۴)؛ و محمد (ص) جز فرستاده‌ای نیست؛ به یقین پیش از او (نیز) فرستادگان (دیگری) بودند، پس آیا اگر [او] بمیرد و یا کشته شود، به (عقاید کفرآمیز) گذشته‌هایتان بازمی‌گردید؟! هم منطوقاً و هم مفهوماً بیان می‌دارد گستره دین در جامعه نباید قائم به شخص او بلکه قائم به شخصیت وی باشد. شأن رسالت ایشان طبق ضرورت دین و مذهب در بحث خاتمیت (ر.ک: همان) ادامه نمی‌یابد؛ برخلاف دو شأن قضاوت و حکومت حتی در دوران غیبت.

شأن رهبری: زمانی توجه به شأن و جایگاه رهبری یک مؤلفه بینشی برای انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود که برای فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت، این شأن را در سطحی بالاتر از ولایت بر امور حسبه و سفها و محجورین یعنی در حد مدیریت سیاسی رهبر جامعه، به‌ویژه در زمینه شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران پذیرفت. بنا بر دیدگاه ولایت مطلقه فقیه، یکی از شئون پیامبر (ص)، قیادت و رهبری جامعه اسلامی است که پس از وی به افضل و اکمل امت یعنی امامان معصوم (ع) می‌رسد (سبحانی، ۱۴۲۱ ق: ۱۲۸). امام خمینی بین فرمان پیامبر و امام در این منصب با اوامر و نواهی آنها در مقام رسالت و امامت

۱- در علم اصول فقه، مفهوم، مقابل منطوق است. منطوق عبارت از آن معنایی است که مستقیماً از لفظ فهمیده می‌شود؛ اما مفهوم مخالف مفهومی است که حکم در آن از نظر نفی و اثبات مخالف حکم موجود در منطوق باشد (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲، ۱۴۹).

تفاوت قائل است. در اینجا خود امر و فرمان موضوعیت دارد؛ اما در مقام تبلیغ و رسالت و امامت، رابطه اوامر و نواهی با مردم، مانند رابطه بین فقیه و مرجع تقلید است که از او تقلید می‌کنند (خمینی، ۱۴۳۴ ق: ۶۷).

شأن داوری: داوری بین مسلمانان نیز از شئون اجتماعی رهبر است که در حل اختلاف‌های بین مردم و نیز بین مسئولان نقش آفرینی می‌کند. این نقش در محدوده زمانی اوج انقلاب در سال ۱۳۵۶ تا به ثمر رسیدن انقلاب و حتی تا استقرار دولت منتخب دائمی، توسط امام خمینی (ره) با تشکیل شورای انقلاب و نیز اظهارنظرهای خاص و تأثیرگذار در آن برهه خود را نشان داده است. قرآن کریم به شأن قضاوت و داوری پیامبر (ص) اشاره کرده است. آنجا که می‌فرماید: «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا شَجَرْتَنَاهُمْ...» (نساء: ۶۵). ظاهر سیاق در بدو نظر چنین می‌نماید این آیه رد بر منافقان است که ظاهراً به پیامبر ایمان آوردند و در عین حال داوری را نزد طاغوت می‌برند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۴، ۴۰۵). پیامبر (ص) خود در مدینه قضاوت می‌نمود و برای شهرهای دیگر افرادی را که صلاحیت داشتند به‌عنوان قاضی اعزام می‌فرمود (صالح، ۱۳۸۵ ق: ۳۱۹). با توجه به ظاهر آیه «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶)، قضاوت مربوط به مناصب خلافت است که در پیامبر و امام و نایب امام تجلی می‌یابد (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۶ ق: ۲۰).

ب) توجه به بسترسازی برپایی قسط

آیاتی در قرآن موجودند که به اطلاق و عموم خود شامل همه زمان‌ها حتی عصر غیبت نیز می‌شوند و دلالت بر لزوم برپایی قسط در جامعه دارند: مانند آیه «... كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا...» (مائده: ۸) یعنی اسلام تنها توصیه به عدالت نمی‌کند؛ بلکه مهم‌تر از آن اجرای عدالت است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۳۰۳). زمانی مصداق آیه به کمال می‌رسد که حکومتی اسلامی برای این قیام به قسط پشتوانه قرار گیرد و مؤمنان را در این قیام یاری دهد. صریح‌تر از آیه مذکور، آیه «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) است. معنای عدالت در اینجا اعم است از عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ولی عدالتی مطلوب است که از درون مردم

بجوشد؛ یعنی وظیفه پیامبران آن است که مردم را طوری هدایت و راهنمایی کنند که خودشان به عدالت قیام کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰، ۲۳۲). به فرموده امام خمینی (ره) قیام به قسط با دخالت سیاسی و اجتماعی حاصل می‌گردد (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵، ۲۱۴). زمانی این هدف به صورت کامل‌تر به دست می‌آید که در قالب حکومت اسلامی به هدایتگری جامعه به سوی عدل و دخالت در امور سیاسی و اجتماعی برای حل مشکلات پرداخته شود. چنانکه امام خمینی (ره) می‌گوید:

«هدف بعثت‌ها به‌طورکلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است» (خمینی، ۱۴۳۶ ق: ۷۳).

ج) التفات به اجرا سازی قاعده نفی سبیل

یکی از قاعده‌های فقهی، نفی سبیل است؛ یعنی کافر نباید راه تسلطی بر مسلمان داشته باشد و اگر حکمی از احکام عمومی اسلام باعث تسلط کافر بر مسلمان شود، ملغی شده، قابل عمل نیست و این قاعده بر آن حکومت دارد (جعفری، ۱۳۷۶: ۲، ۵۹۶). از جمله آیاتی که دلالت بر آن قاعده دارد، این آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) است. علامه طباطبایی حکم مذکور در قاعده را از زمان نزول آیه تا ابد به نفع مؤمنان و ضد کافران می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۵، ۱۱۶). با توجه به افاده عموم نمودن استعمال کلمه سبیل به‌عنوان نکره در سیاق نفی، کافران در تمامی ابعاد عقیدتی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بر افراد با ایمان مسلط نخواهند شد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۱۷۵) و شیخ طوسی این قاعده را عام در تمامی جهات برمی‌شمارد (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۳، ۱۸۸). علامه حلی به دلیل همین قاعده، اسلام را از شروط عامل زکات می‌داند (حلی، ۱۴۱۲ ق: ۸، ۳۰۷). حتی علامه حسینی تهرانی از آیه مذکور استنباط می‌کند که غیرمسلم نمی‌تواند منصب ولایت فقیه را دست گیرد (حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۱۱۱). تبلور کامل این قاعده نیاز به حکومت اسلامی دارد تا در تمامی ابعاد به نظام سازی پردازد و سبیل تسلط دشمن بر جامعه اسلامی را ببندد که طبق عادت عرفی، تشکیل حکومت اسلامی نیاز به انقلاب دارد.

۵. مؤلفه‌های بینشی نهاد مردم

وجود مؤلفه‌های بینشی مرتبط با جامعه یا نهاد مردم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی از منظر قرآن، بیشتر متوجه ویژگی‌های درونی چون بصیرت، آگاهی نسبت به جایگاه و نقش استقامت و اتحاد، دشمن‌شناسی، توجه به فضاسازی برای سنت الهی تغییر قوم به دستان خود است که گرچه می‌توان آن‌ها را در بستر فردی نیز ملاحظه نمود؛ اما قیام و انقلاب طبق فرموده قرآن با عبور از فردیت، اولویت می‌یابد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...» (سبأ: ۴۶).

الف) بصیرت

بصیرت راهبر و رهروان او در جامعه از مؤلفه‌های مهم انقلاب اسلامی بوده است که اگر نبود، انقلاب اسلامی ایران به جشن چهل سالگی و پس از آن نمی‌نشست. این مؤلفه هم در ایجاد انقلاب اسلامی مؤثر بود و هم در ابقای آن (ر.ک: لطیفی پاکده، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در آیه‌ای آمده است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف: ۱۰۳). این نشان می‌دهد رهبر باید دارای بصیرت باشد و هم هر یک از افراد جامعه اسلامی به‌عنوان «داعی الی الله» نسبت به دیگران باید دارای بصیرت باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۹۵). این دعوت باید از روی یقین و آگاهی و روشنائی طلبی (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۵، ۲۲۷) و نیز بدون ترس و ارتجاع (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ۱۲، ۲۸۶) که در آن تقلید کورکورانه صورت نگیرد و به‌دوراز هوای نفس باشد و در اثر فشار قدرت‌ها یا دیگران صورت نگرفته باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ ق: ۵، ۲۷۳). اگر این بصیرت در ادامه انقلاب اسلامی یعنی در اداره حکومت اسلامی در میان حاکمان و مردمان نباشد، نمی‌توان توقع به بقاء آن داشت؛ بنابراین ادامه انقلاب و استمرار آن در قالب حکومت اسلامی نشان از وجود بصیرت - حتی به‌اندازه حداقلی - میان حاکمان و مردم است. چراکه در روایت امام صادق (ع) آمده است:

«الْعَامِلُ عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱، ۱۰۶-۱۰۷).

یعنی هر که بدون بصیرت عملی انجام دهد، مثل شخصی است که در بی‌راهه قدم می‌نهد و هرچند سریع‌تر برود، از راه دورتر شود. به همین سبب است

که در قیام جهانی امام مهدی (علیه السلام) باید تمامی یاران خاص ایشان در بصیرت کامل قرار گرفته باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

اهمیت این مؤلفه در حکایت امام خمینی (ره) از شخصی که به ایشان پیشنهاد داده بود نهضت را قدم به قدم پیش برد و عدم پذیرش امام خمینی (ره)، ملاحظه می شود (شیداییان، ۱۳۸۱: ۹۴).

ب) آگاهی نسبت به استقامت

بی شک انقلاب اسلامی ایران با وجود قلت قوه و عُدّه در مقابل رژیم شاهنشاهی ایران، جز با الطاف الهی و امداد غیبی نمی توانست پیروز گردد. این مساعدت های الهی، نتیجه صبر مردم مسلمان و انقلابی بر ظلم ها و سختی ها بود (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۷: ۷۶). چنان که قرآن می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا...» (فصلت: ۳۰). راغب اصفهانی کاربرد استقامت را برای راه مستقیم می داند. به گونه ای که استقامت انسان، ملازمت او در راه مستقیم معنا می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۲).

گرچه برخی آن را به معنای اعتدال و عدم انحراف به چپ و راست دانسته اند (موسی، ۱۴۱۰ ق: ۱، ۲۲۴)؛ بنابراین استقامت یعنی ملازم بودن انسان به حد اعتدال و عدم انحراف در پیمودن طریق و راه مستقیم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۳۸۹).

بسیارند کسانی که ادعای مستقیم بودن دارند؛ اما در عمل استقامت ندارند. افرادی سست عنصر که وقتی منافعشان به خطر می افتد، همان ایمان ضعیف را نیز از دست می دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۲۷۰). به همین سبب است که امام خمینی (ره) با توجه دادن روحانیون و طلاب به این مؤلفه در سخنرانی خود در آخرین روزهای سال ۱۳۴۱ شمسی اقدام نمود (خمینی، ۱۳۸۹: ۱، ۱۶۲).

ج) التفات به نقش اتحاد

نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی به ثمر نمی نشست، اگر اتحاد بین مردم با یکدیگر و رهبران نهضت وجود نداشت. قرآن کریم می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا، تمسک جوئید و پراکنده نشوید. امام خمینی به آیه گفته شده، در جهت

حفظ وحدت و اتحاد و عدم اختلاف تمسک کرده (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۹: ۷، ۹۹) و در جای دیگر وحدت کلمه را از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران برشمرده است (همان، ۵، ۵۰۳). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) درباره اتحاد و عدم تفرقه می‌فرماید:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طَرِيقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَالْفُرْقَةَ الْفِتْنَةُ» (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۱۷۸)؛ یعنی بدون شک شیطان راه‌های خود را برای شما هموار می‌کند و می‌خواهد گره‌های محکم دینتان را از پی هم باز کند و به‌جای اتفاق پراکندگی ایجاد نماید و از پراکندگی فتنه به پا کند.

(د) دشمن‌شناسی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران و استمرار آن، شناخت صحیح جامعه اسلامی از حق و مخالفان و دشمنان آن است. حتی برخی آن را یکی از شاخص‌های سیره سیاسی مقام رهبری می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۵: ۹۰). مردم به این باور رسیده بودند که رژیم پهلوی از مصادیق دشمن اسلام و حکومت طاغوت است؛ لذا با انقلاب اسلامی بدین آیه عمل نمودند که «لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)؛ و به‌یقین در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگویند) که: خدا را بپرستید؛ و از طغیانگر (ان و بت‌ها) دوری کنید. پیامبر (ص) در مورد ضرورت شناخت دشمن خدا می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنْ أَعْقَلَ النَّاسُ عَبْدَ عَرَفٍ رِبَهَ فَأَطَاعَهُ وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۳۷).

یعنی آگاه باشید که عاقل‌ترین مردم آن است که نسبت به پروردگارش معرفت پیدا کرده، پس او را اطاعت کند و دشمن خودش یا دشمن پروردگارش را بشناسد تا او را نافرمانی کند.

در آیه‌ای از قرآن به خطر برخی اهل کتاب و دشمنان هشدار داده شده است: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (آل‌عمران: ۶۹)؛ گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند؛ ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و (این را) نمی‌فهمند. دشمنان

اسلام به‌ویژه یهودیان برای دور ساختن تازه‌مسلمانان از اسلام، از هیچ‌گونه کوشش فروگذار نبودند. آیه مذکور ضمن افشای این نقشه دشمنان، به آن‌ها یادآور می‌شود که دست از کوشش بیهوده خود بردارند. غافل از اینکه تربیت مسلمانان در مکتب پیامبر (ص) به اندازه‌ای حساب‌شده و آگاهانه بود که احتمال بازگشت وجود نداشت. آن‌ها اسلام را با تمام هستی خود دریافته بودند و به آن عشق می‌ورزیدند؛ بنابراین دشمنان نمی‌توانستند آن‌ها را گمراه سازند (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰ ق: ۸، ۲۵۵؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲، ۶۰۹-۶۱۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۲۶۰). این آیه خبر از کینه‌های مکتبی می‌دهد و یکی از پیام‌های آن، این است که شناخت دشمن و برنامه‌های او، لازمه درامان ماندن از آسیب‌های احتمالی است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱، ۵۳۷). در آیه دیگری نیز شناخت دشمنان دوست‌نما را توصیه می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَ يُحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (مجادله: ۱۴)؛ آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آن‌ها نه از شما هستند و نه از آنان و با این که خود می‌دانند به دروغ سوگند می‌خورند (که از شما هستند). از جمله پیام‌های آیه پیش‌گفته، لزوم جدا کردن خودی از غیرخودی و شناخت دشمن و منافق است (ر.ک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳، ۴۵۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۹، ۵۲۰).

۵) توجه به سنت الهی تغییر اجتماعی

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ در حقیقت خدا آن (سرنوشتی) که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. ملت ایران پی بردند برای نیل به اهداف بشری و الهی که از ارزش‌های دینی و انسانی نشئت گرفته بود، باید دست به تغییر بزنند و آن‌هم یک تغییر اساسی در نظام حکومتی به‌وسیله انقلاب اسلامی. به همین جهت، امام خمینی (ره) با استناد به آیه مذکور، لزوم تغییر در جامعه را آن‌هم تغییر دائمی و مستمر که به نفع افراد باشد را گوشزد می‌نماید (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۰، ۱۲۸).

برخی مفسران آیه موردبحث را مربوط به کفران نعمت یک قوم و تبدیل نعمت

به نقت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۴۳۲). نیز در روایات ذیل آیه مذکور آمده است: سنت خدا این است که از بنده، نعمتی را سلب نمی‌کند مگر اینکه بنده دچار گناهی شود که باعث از بین رفتن نعمت گردد (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۳، ۶۱). آیت‌الله مکارم‌شیرازی آیه را متولّی بیان یک اصل می‌داند؛ یعنی هر تغییری در بیرون از افراد و در سطح جامعه مانند انقلاب، تشکیل حکومت، نظام‌سازی، تمدن‌سازی بخواهد شکل گیرد، با تغییر در درون افراد شروع می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۱۴۵). در واقع جامعه‌ای که بتواند با گناه‌های شخصی و هوای نفس و نیز ظلم مبارزه نماید، می‌تواند نعمت عدل اجتماعی را تناول کرده و آن را در دستان خود نگه دارد (مغنیه، ۱۴۲۴ ق: ۴، ۳۸۵-۳۸۶). این نشان می‌دهد انقلاب اسلامی ایران از روح پاک مردمی برخاست که برای از بین بردن ظلم و برپایی عدل به پا خاستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان از قرآن آیاتی را پیدا نمود که بعید نمی‌نماید دلالت بر مؤلفه‌های بینشی یعنی مرتبط با نظر و عقیده دارد و در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند. بر اساس چارچوب نظری پژوهش حاضر، یعنی التفات به ایدئولوژیکی بودن انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن راهبری بر اساس آموزه‌های اسلامی، مؤلفه بینشی مرتبط با ساختار حکومت را باید در نظریه ولایت‌فقیه در عصر غیبت با توجه به مَقْوَم آن یعنی امتدادی بودن برخی شئون مدیریتی و اجتماعی و قضایی پیامبر (ص) دانست. از سوی دیگر دیدگاه تئوریک انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه مردم‌سالاری دینی به تأسیس جمهوری اسلامی ایران منجر شده است؛ از این رو فهم نقش مردم در یک حکومت دینی مبتنی بر کشف مؤلفه‌های بینشی مرتبط با آن در سازواره انسان‌شناختی - جامعه‌شناختی با تکیه بر فراوانی آن‌ها در کلام امامین انقلاب است. مؤلفه‌های بینشی مرتبط با ساختار حکومت بر این اساس به دو قسم آیات دلالت‌کننده بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ناظر به انقلاب اسلامی ایران یعنی مربوط به باورداشت ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و سپس استمرار آن در قالب نظام

سازی حکومتی - اجتماعی مبتنی بر آموزه دینی است که قوام آن به قسم شئون رهبر انقلاب و مؤسس حکومت از منظر دین در شکل ساختار دینی آن یعنی ولایت فقیه در عصر غیبت و استمرار قهقرایی برخی شئون پیامبر (ص) در عصر حکومت ایشان است. از این رو نظریه ولایت فقیه، استمرار برخی شئون پیامبر (ص)، توجه به ملزومات نظری بستر ساز قاعده نفی سبیل و برپایی قسط به عنوان تضمین دهنده الزام آوری انقلاب اسلامی و تشکیل و بقای حکومت دینی در مواجهه با دشمنان را می توان به عنوان مؤلفه های بینشی مرتبط با ساختار نامبردار بود؛ اما مؤلفه های بینشی با منشأ نهاد مردم و با توجه به عنصر مهم نظریه حکومت دینی مردم نهاد یا مردم سالاری دینی در تکوین خودمختار یک انقلاب از جمله انقلاب اسلامی ایران یا شکل گیری آگاهانه آن بر اساس نظریه دوم اسکاچپول که از یک سو در کلام رهبران انقلاب اسلامی ایران پرتکرار بوده و از سوی دیگر با عرضه به قرآن، قابلیت استناد به قرآن پیدا نموده است و از حیث دیگر یک مؤلفه انسانی - اجتماعی در مواجهه با خود اجتماعی انسان و نیز در مواجهه با دشمن بیرونی انقلاب یا دشمن موافق با ساختار حکومتی پیشا انقلاب است را می توان این گونه نام برد: بصیرت، آگاهی نسبت به جایگاه و نقش استقامت و اتحاد، دشمن شناسی و داشتن شناخت نسبت به سنت الهی تغییر نیافتن یک قوم مگر به اراده و خواست خودشان نسبت به تغییر. از این رو می طلبد تا پژوهشگران حیطه زمینه ها و عوامل انقلاب اسلامی با نگاه دینی و ایدئولوژیک به تکمیل این پژوهش با پیگیری در بیانات و دیدگاه های نظریه پردازهای نخستین برخاسته از دامن انقلاب اسلامی ایران مانند شهید بهشتی و شهید مطهری پردازند.

منابع

- * قرآن کریم.
- ۱- ابراهیمی کیایی، هادی (۱۳۹۳). نسبت انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تونس و مصر)، تهران، الهدی.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه.
- ۳- اخترشهر، علی و دیگران (۱۳۸۳). طرحی نو در تبیین انقلاب اسلامی، قم، پاد اندیشه.
- ۴- اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶). بررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات برگزیده دهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، ص ۱۱-۴۳.
- ۵- امیری طهرانی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۹). پیش‌درآمدی بر مسئله شناسی علوم اجتماعی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- بشریه، حسین (۱۳۷۳). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- بهشتی، مصطفی حسن (۱۳۸۸). مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (رحمة‌الله)، ج ۱، تهران، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، ص ۳۶۸-۳۹۲.
- ۸- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). نظریه‌های انقلاب، وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- پوپر، کارل (۱۳۶۷). درس‌های این قرن، ترجمه: علی پایا، تهران، طرح نو.
- ۱۰- تیلور، آستین (۱۳۸۷). علوم اجتماعی و انقلاب‌ها، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، شاهد.
- ۱۱- جرجانی، ابوالفتح (۱۳۶۲). تفسیر شاهی، تهران، نوید.
- ۱۲- جرجانی، علی (۱۳۷۰). التعریفات، تهران، ناصرخسرو.
- ۱۳- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر، قم، هجرت.
- ۱۴- حسنی واعظ، محمود (۱۳۸۱). دقائق التأویل و حقائق التنزیل، تهران، میراث مکتوب.
- ۱۵- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۱۸ ق). ولاية الفقيه في حكومة الإسلام، بیروت، دار المحجة البيضاء.
- ۱۶- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
- ۱۷- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۹، ص ۸۶-۱۲۳.
- ۱۸- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۴۰۰). نظریه‌پردازی در علوم انسانی حکمی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۹- خمینی، روح‌الله (۱۴۲۶ ق). الإجتهد و التقليد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (ره).
- ۲۰- خمینی، روح‌الله (۱۴۳۴ ق). أنوار الهداية فی التعليقة على الكفاية، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (ره).
- ۲۱- خمینی، روح‌الله (بی‌تا). ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار

- الإمام الخميني (ره).
- ۲۲- خمینی، روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۳- خمینی، روح الله (۱۴۳۶). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۴- دوتوکویل، الکسی (۱۳۶۹). انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نقره.
- ۲۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). فرهنگ متوسط دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۶- دیلمی، حسن (۱۴۰۸ ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
- ۲۷- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۸- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه.
- ۲۹- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- ۳۰- رضی، محمد (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت.
- ۳۱- ریویر، کلود (۱۳۹۷). جامعه انسان شناسی ادیان، ترجمه: علیرضا خدای، تهران، نشر نی.
- ۳۲- زاده علی، داود (۱۳۹۲). شرح و بازخوانی وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۳- زبیدی، محمد (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر.
- ۳۴- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق، دار الفکر المعاصر.
- ۳۵- زراعتی رضایی، شاهین (۱۳۸۱). فرآیند تبدیل خواسته به شورش، پژوهش های دانش نظامی، ش ۱۵، ص ۳۶-۶۷.
- ۳۶- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق). احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۷- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۸- سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ ق). الأضواء علی عقائد الشیعة الإمامیه، قم، دار مشعر.
- ۳۹- شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۴). اصول روان سنجی و روان آزمایی، تهران، رشد.
- ۴۰- شیداییان، حسین (۱۳۸۱). عوام و خواص از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ۴۱- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸). ترجمان فرقان، قم، شکرانه.
- ۴۲- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۳۲ ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
- ۴۳- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۶). نوید امن وامان، قم، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
- ۴۴- صالح، صبحی (۱۳۸۵ ق). النظم الاسلامیه، بیروت، دار العلم للملین.
- ۴۵- صدیقی، وحیدالزمان (۱۳۷۸). انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران، ترجمه روئین تن،

- تهران، اطلاعات.
- ۴۶- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۴۷- طباطبایی یزدی، احمد و دیگران (۱۳۹۵). *چلچراغ*، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
- ۴۸- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی علوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ۴۹- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- ۵۰- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۵۱- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
- ۵۲- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱). *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم، نشر معارف.
- ۵۳- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق). *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- ۵۴- فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵ ق). *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر.
- ۵۵- قرآنی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۵۶- قرطبی، محمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- ۵۷- قره‌گزلو، ناصر (۱۳۸۵). *از انقلاب اسلامی تا انقلاب سفید*، پاریس، بی‌نا.
- ۵۸- کاشانی، فتح‌الله (۱۳۴۱). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- ۵۹- کوهن، استفنود (۱۳۷۰). *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پیک ایران.
- ۶۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- ۶۱- گدار، فیلیپ (۱۳۹۱). *در ستایش تن‌آسانی*، ترجمه بهروز صفدری، تهران، نشر کلاغ.
- ۶۲- گولدستون، جک (۱۳۸۷). *مطالعات نظری تطبیقی و تاریخی درباره انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- ۶۳- لطیفی‌پاکده، لطفعلی (۱۳۸۷). *تحلیل انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ۶۴- لک زایی، رضا (۱۳۹۹). *بازخوانی کاریست قرآن مجید در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی*، حکومت اسلامی، ش پیاپی ۹۷، ص ۲۷-۴۸.
- ۶۵- کرمی، محمد (۱۳۸۸). *ماهنامه فردوسی*، تهران، مجله فردوسی.
- ۶۶- محمدی، محمدعلی (۱۳۹۷). *مبانی انقلاب اسلامی در قرآن و روایات (با تأکید بر دیدگاه امام و آیت‌الله خامنه‌ای)*، پاسدار اسلام، ش ۴۳۵-۴۳۶، ص ۴۲-۴۵.
- ۶۷- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- ۶۸- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
- ۶۹- مظاهری، حسین (۱۳۸۷). *اخلاق در اداره*، قم، بوستان کتاب.
- ۷۰- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق). *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتاب الإسلامی.
- ۷۱- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *آیات ولایت در قرآن*، قم، نسل جوان.
- ۷۲- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

- ۷۳- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۰). زمینه‌ها عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی رهیافت فرهنگی، قم، نشر معارف.
- ۷۴- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۲). سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، قومس.
- ۷۵- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه.
- ۷۶- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱ ق). البدر الزاهر (تقریرات درس صلوة الجمعة والمسافر آية الله بروجردی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و اولویت‌های آن، قم، خادم الرضا (ع).
- ۷۸- منوچهری، عباس (۱۳۸۰). نظریه‌های انقلاب، تهران، سمت.
- ۷۹- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ ق). الإفصاح فی فقه اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۸۰- هوکسما، نولن و دیگران (۱۳۸۶). زمینه روائشناسی هیلگارد، ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری، تهران، شهرآب و آینده‌سازان.

References

* The Holy Quran.

- 1- Akhtarshahr, Ali et al. (1383). A New Project in Explaining the Islamic Revolution, Qom, Pad Andisheh.
- 2- Al-Amili, Muhammad bin Hasan (1409 AH). Was'al al-Shi'a, Qom, Aal al-Bayt Institute (A.S.).
- 3- Al-Deylami, Hasan (1408 AH). Alam al-Din fi Sifat al-Mu'minin, Qom, Aal al-Bayt (A.S.) Foundation.
- 4- Al-Hasani Waiz, Mahmoud (1381). Daqa'iq al-Ta'wil wa Haqa'iq al-Tanzil, Tehran, Miras Maktoob.
- 5- Al-Hilli, Hasan bin Yusuf (1412 AH). Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab, Mashhad, Islamic Research Institute.
- 6- Al-Jassas, Ahmad bin Ali (1405 AH). Ahkam al-Qur'an, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- 7- Al-Jurjani, Abul Fath (1362). Tafsir Shahi, Tehran, Navid.
- 8- Al-Jurjani, Ali (1370). Al-Tarif, Tehran, Nasser Khosro.
- 9- Al-Kashani, Fathullah (1341). Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin, Tehran, Islamiya bookstore.
- 10- Al-Qurtubi, Muhammad (1364). Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an, Tehran, Naser Khosrow.
- 11- Al-Radi, Fakhrudin (1420 AH). Mafatih al-Ghaib, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- 12- Al-Radiy, Muhammad (1414 AH). Nahj al-Balagha, Research: Sobhi Saleh, Qom, Hijrat.
- 13- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein (1412 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Dar al-Shamiya.
- 14- Al-Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH). Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Ma'rifa.
- 15- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372). Majma al-Bayan fi Ulum al-Qur'an, Tehran, Naser Khosrow.
- 16- Al-Tusi, Muhammad bin Hassan (1407 AH). Al-Khilaf, Qom, Islamic Publications Office.
- 17- Al-Zubaidi, Muhammad (1414 AH). Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous, Beirut, Dar al-Fikr.
- 18- Al-Zuhaili, Wahba (1418). Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Shari'a wa al-Manhaj, Damascus, Dar al-Fikr al-Mu'asir.
- 19- Amiri Tehranizadeh, Mohammad Reza (1399). An introduction to Social Science Problemology in Iran, Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- 20- Beheshti, Mostafa Hasan (1388). Quranic Foundations of the Islamic Revolution from the Perspective of Imam Khomeini (RA), vol. 1, Tehran, Collection of Imam Khomeini's Quranic Thoughts Conference, pp. 368-392.
- 21- Boshrieh, Hossein (1373). Revolution and Political Mobilization, Tehran: University of Tehran.
- 22- Cohen, Stanford (1370). Revolution Theories, translated by Alireza Tayeb, Tehran, Peyk Iran.
- 23- Dehkhoda, Ali Akbar (1390). Middle Size of Dehkhoda, Tehran, University of Tehran.
- 24- Dutokoil, Alexey (1369). The French Revolution and the Regime before it, translated by Mohsen Tholathi, Tehran, Silver.
- 25- Ebrahimiakiapay, Hadi (1393). The Relation between Islamic Revolution and Islamic Awakening (case study: Tunisia and Egypt), Tehran, Al-Hadi.
- 26- Eyvazi, Mohammad Rahim (1391). Analytical Introduction to the Islamic Revolution of Iran, Qom, Maarif Publishing House.
- 27- Fadlullah, Muhammad Hossein (1419 AH). Min Wahy Al-Qur'an, Beirut, Dar al-Malak.

- 28- Faiz Kashani, Muhammad (1415 AH). Tafsir Al-Safi, Tehran, Al-Sadr Bookstore.
- 29- Godard, Philip (1391). In Praise of Idleness, translated by Behrouz Safdari, Tehran, Kalagh Publishing House.
- 30- Goldstone, Jack (1387). Comparative and historical-theoretical studies about revolutions, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran, Kavir.
- 31- Hoeksma, Nolen et al. (1386). Hilgard's Field of Psychology, translated by: Nusratullah Pour Afkari, Tehran, Shahrab and Ayandesazan.
- 32- Hosseini-Tehrani, Mohammad Hossein (1418 AH). Wilayat Al-Faqih fi Hukoumat al-Islam, Beirut, Dar Al-Muhajja al-Bayda.
- 33- Ibn Babwayh, Muhammad bin Ali (1395). Kamal Al-Din wa Tamam Al-Ni'mah, Tehran, Islamia.
- 34- Ismaili, Mohammad (1396). Examining the Quranic Foundations of Iran's Islamic Revolution, a collection of selected articles of the 10th International Conference on Quranic Studies, pp. 43-11.
- 35- Jafari, Yaqoub (1376). Tafsir Kawsar, Qom, Hijra.
- 36- Karami, Mohammad (1388). Ferdowsi Monthly, Tehran, Ferdowsi Magazine.
- 37- Khomeini, Ruhollah (1389). Sahifeh Imam, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).
- 38- Khomeini, Ruhollah (1426 AH). Al-Ijtihad wa Al-Taqlid, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA).
- 39- Khomeini, Ruhollah (1434 AH). Anwar al-Hidaya fi al-Ta'liqah ala al-Kifaya, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA).
- 40- Khomeini, Ruhollah (1436). Velayat-e-Faqih, Tehran, Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (RA).
- 41- Khomeini, Ruhollah (n.d). Velayat al-Faqih; Islamic Government, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA).
- 42- Khorramshad, Mohammad Baqir (1383). "Reflection of the Islamic Revolution of Iran in the Theories of the Revolution: the birth and formation of the fourth generation of theories of the revolution", Iranian Journal of Sociology, vol. 19, pp. 123-86.
- 43- Khosrow Panah, Abdul Hossein (1400). Theorizing in Wisdom-based Humanities, Tehran, Allameh Tabatabai University.
- 44- Kulaini, Muhammad bin Yaqub (1429 AH). Al-Kafi, Qom, Dar Al-Hadith.
- 45- Lakzaei, Reza (1399). Rereading the application of the Holy Quran in the Islamic Revolution with an emphasis on the political thought of Imam Khomeini on Islamic Government, vol. 97, pp. 27-48.
- 46- Latifi Pakdeh, Lotf Ali (1387). Analysis of the Islamic Revolution, Tehran, Islamic Research Institute.
- 47- Makarem Shirazi, Nasir (1374). Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 48- Makarem Shirazi, Nasir (1386). The Verses of Wilayat in the Qur'an, Qom, Nasl Javan.
- 49- Malakutian, Mustafa (1372). A Survey of the Theories of Revolution, Tehran, Qomes.
- 50- Malakutian, Mustafa (1390). Contexts, Factors and Global Reflection of the Islamic Revolution, Cultural Approach, Qom, Maarif Publishing House.
- 51- Maleki Esfahani, Mojtaba (1379). Glossary of Al-Usul terms, Qom, Allameh.
- 52- Manouchehri, Abbas (1380). Revolution Theories, Tehran, Samt.
- 53- Mansouri Larijani, Ismail (1388). Islamic Revolution and its Priorities, Qom, Khadim al-Reza (AS).
- 54- Mazaheri, Hossein (1387). Ethics in Administration, Qom, Bo'stan Kitab.
- 55- Mohammadi, Mohammad Ali (1397). The foundations of the Islamic revolution in

- the Qur'an and hadiths (with emphasis on the views of the Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei), Pasdar Islam, vol. 435-436, pp. 42-45.
- 56- Montazeri, Hossein Ali (1411 AH). Al-Badr al-Zahir (Taqrirat of Ayatollah Borujerdi's Lessons of Jum'ah and Traveler Prayer), Qom, Islamic Propaganda Office.
- 57- Motahari, Morteza (1382). The collection of works of Professor Shahid Motahari, Tehran, Sadra.
- 58- Motahari, Morteza (1383). Notes of Professor Motahari, Tehran, Sadra.
- 59- Mughniyah, Mohammad Jawad (1424 AH). Al-Tafsir al-Kashif, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
- 60- Musa, Hussein Yusuf (1410 AH). Al-Ifsah fi Fiqh al-Lugha, Qom, Maktab al-Ilam al-Islami.
- 61- Panahi, Mohammad Hossein (1389). The Theories of Revolution, Occurrence, Process and Consequences, Tehran, Samt Publications.
- 62- Popper, Karl (1367). Lessons of this Century, translation: Ali Paya, Tehran, New Design.
- 63- Qaraeti, Mohsen (1383). Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
- 64- Qaraghozlu, Naser (1383). From the Islamic Revolution to the White Revolution, Paris, s.n.
- 65- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (1387). Tefsir Quran Mehr, Qom, researches on the interpretation and sciences of the Qur'an.
- 66- Riviere, Claude (1397). Society of Anthropology of Religions, translation: Alireza Khoddami, Tehran, Ney publication.
- 67- Sadeghi Tehrani, Mohammad (1388). Tarjuman Forqan, Qom, Shokrane.
- 68- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1432 AH). Al-Furqan fi Tafsir Al-Qur'an bil-Qur'an wa al-Sunnah, Qom, Islamic Culture.
- 69- Safi Golpaigani, Lotfollah (1386). Navid Amn wa Aman, Qom, Office of Preserving and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Uzma Safi Golpayegani.
- 70- Saleh, Sobhi (1385 AH). Al-Nuzum al-Islamiyya, Beirut, Dar al-Ilm lil-Malayin.
- 71- Sarukhani, Baqir (1393). Research Methods in Social Sciences, Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- 72- Seddiqi, Vahiduzzaman (1378). Iranian Islamic Revolution from the perspective of others, translated by Ruin Tan, Tehran, Ettelaat.
- 73- Sharifi, Hasan Pasha (1384). The Principles of Psychometrics and Psychoanalysis, Tehran, Roshd.
- 74- Sheidaiyan, Hossein (1381). Awam and Khawass from the Perspective of Imam Khomeini (RA), Tehran, Islamic Research Institute.
- 75- Sobhani, Jafar (1421 AH). Al-Adwa ala Aqa'id al-Shi'a al-Imamiya, Qom, Dar Mash'ar.
- 76- Tabatabai, Mohammad Hossein (1390 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-Alami Foundation for Press.
- 77- Tabatabai Yazdi, Ahmed et al. (1395). Chelcheragh, Tehran, Imam Hossein (AS) University.
- 78- Taylor, Austin (1387). Social Sciences and Revolutions, translated by Ali Morshedizad, Tehran, Shahid.
- 79- Zadeh Ali, Davood (1392). Explanation and Re-reading of Imam Khomeini's Political-Divine Will, Qom, Ma'arif Publishing House.
- 80- Zeraati Rezaei, Shahin (1381). The Process of Turning a Desire into a Riot, Police Science Research, Vol. 15, pp. 36-67.

Designing the Ideal Da'wah Pattern based on the Verses of Al-Ghurar in the Holy Qur'an

Karim Khanmohammadi¹

Abstract

According to the recent technological changes in the world, the status of "Da'wah" (the Call) has been upgraded compared to Al-Amr bi Al-Ma'rouf (Enjoining Good); because enjoining good can only be achieved in a society where people adhere to covenants and agreements, while in today's societies, due to the "loss of identity", the social atmosphere of some people has changed, and their attachment to their homeland has decreased. Therefore, the interaction among these people takes on the aspect of Da'wah. Despite the urgent need to present the optimal model for Da'wah, less theorizing has been done in this field. In line with Islamic theorizing, inspired by the thematic interpretation approach, the author has derived from the Holy Qur'an, and through analyzing the "Verses of al-Ghurar" [which are frequently referred to] he has achieved the optimal model for Da'wah.

The results of the research show that in the ideal model based on the Qur'an, the ideal and civilization-building interaction is only achieved if every individual who is sending the message in society be a "Shahid" (witness) too; That is, believing in the content of the message; and be a good "listener" and "selecter" while listening to all the sayings so they can choose the best of them. Finally, in terms of the content of the message, including emotional and artistic messages, Da'wah (the call) must be placed within the framework of the principle of "Hikmat" (wisdom), and be reasonable and directed to the human intellect; through the three main words "Shahid", "Mustami" and "Hikmat" centering on the concept of "Allah", it is possible to design a model of Da'wah in people's interactions.

Keywords: Da'wah, Model, Verses of Ghurar, the Holy Qur'an.



1- Professor of Cultural Studies and Communication Department, Baqir al-Uloom University, Qom, Iran, khanmohammadi@bou.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

20.1001.1.30605644.1403.4.2.5.0

10.22034/arq.2024.206184

نوع مقاله: علمی پژوهشی

طراحی الگوی مطلوب دعوت بر اساس غرر آیات قرآن کریم

کریم خان محمدی^۱

چکیده

با توجه به تحولات فن آورانہ رخ داده در جهان، جایگاه «دعوت» نسبت به «امر به معروف» ارتقا یافته است؛ زیرا امر به معروف در جامعه‌ای قابل تحقق است که مردم بر پیمان‌های مشترک ملتزم باشند، درحالی که در جوامع امروزی، به دلیل «ازجاکنندگی»، فضای اجتماعی برخی از افراد دگرگون شده و تعلق خاطر آن‌ها به مکان زندگی کمتر شده است. ازاین روی، تراکنش میان چنین افرادی جنبه دعوت به خود می‌گیرد. باوجود نیاز مبرم به ارائه الگوی مطلوب دعوت، کمتر در این زمینه نظریه‌پردازی صورت گرفته است. نگارنده در راستای نظریه‌پردازی اسلامی، با الهام از رویکرد تفسیر موضوعی، قرآن کریم را استنتاج نموده و بر اساس تحلیل «غرر آیات» به الگوی مطلوب کنش دعوتی دست یافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در الگوی مطلوب قرآن بنیان، تراکنش آرمانی و تمدن ساز، زمانی تحقق می‌یابد که انسان‌ها در جایگاه پیام‌فرست، «شاهد»؛ یعنی باورمند و عامل به محتوای پیام باشند. در جایگاه مخاطب «مستمع» بوده و بدون محدودیت، ضمن گوش فرادادن به همه صداها گزینشگ. باشند و بهترین را انتخاب نمایند. درنهایت، باید دعوت به لحاظ محتوای پیام ازجمله پیام‌های عاطفی و هنری در چهارچوب اصل «حکمت» قرار گرفته، استدلال پذیر و معطوف به عقل بشری باشد؛ بنابراین با سه

فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی

۱۰۵

سال چهارم

شماره ۲

پیاپی: ۱۴

تابستان ۱۴۰۳



شماره الکترونیکی: ۲۷۸۳-۲۵۴۲
<https://arq.quran.ac.ir>

۱- استاد گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم ع، قم، ایران، khanmohammadi@bou.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

کلیدواژه «حکمت»، «شاهد» و «استماع» با محوریت مفهوم «الله»
الگوی تراکتش دعوتی طراحی می‌شود.

کلید واژه‌ها: دعوت، الگو، غرر آیات، قرآن کریم.

۱. مقدمه

علوم اجتماعی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود عمدتاً صبغه غربی دارد. سال‌های متمادی دانش‌آموزی و تدریس در دانشگاه نشان می‌دهد که در همه کلاس‌های تدریس ایران، تئوری‌های مطرح خاستگاه اروپایی دارند. طبق جمع‌بندی هانو هارت، همه پژوهش‌های ارتباطی در فضای سودگرایانه علوم اجتماعی رشد کرده و با تأکید بر مسائل اجتماعی واقعی، پیچیدگی مشکلات نظری را به نفع واریسی پدیده‌های تجربی کنار می‌گذارد؛ بنابراین ارتباط پژوهی، «علوم اجتماعی توأم با فرهنگ سودگرایانه» را ارائه می‌دهد که به تعبیر گولدر، همیشه به «سمت یک علم تجربی بدون نظریه گرایش دارد» (هارت، ۱۳۹۱: ۶۰). در ادامه همین روند با پیدایش وسایل ارتباط جمعی نوین، اندیشه‌ورزان بسیاری همچون هارولد لاسول، شنن، اینیس به مدل‌سازی در مقوله ارتباط روی آورده و تلاش نمودند با برجسته‌سازی نقش ابزارهای نوین مدل‌های نوین ارائه نمایند. بدین ترتیب مدل‌های مکانیکی به منصفه ظهور رسید که در آن‌ها وسیله ارتباط مهم است. مفاهیمی همچون رمزگذاری، رمزخوانی و کانال پیام در مدل‌های فرایندی حکایت از مکانیکی شدن مدل‌ها دارد (ر.ک: محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۳۵۶).

گذشت زمان ناتوانی الگوهای برآمده از اندیشه غربی را که در ایران نیز تفوق دارد، نشان داده است؛ ازاین‌روی تولید الگوهای مبتنی بر سنت اسلامی و برآمده از قرآن کریم، ضرورت می‌یابد (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۸: ۱۶). هدف این مقاله طراحی الگوی مطلوب ارتباطات اجتماعی بر اساس خوانش غرر آیات مرتبط با ارتباطات است.

سیطره الگوهای مکانیکی غربی، در حالی است که متولیان امور در ایران سال‌هاست، مدعی تولید علم بومی، بلکه علم اسلامی‌اند. نگارنده همواره

در محافل دانشگاهی، به‌ویژه در شهر قم، از سوی دانشجویان با این سؤال مواجه است که چرا نظریه‌های ارتباطی همگی غربی هستند. این توقع در دانشگاه‌هایی که داعیه تولید علم بومی، بلکه فراتر از آن علم اسلامی، دارد توقع نابجایی نیست. متأسفانه فرایند تولید علم بومی اسلامی هنوز در استوار سازی مبانی سیر می‌کند و وارد عرصه تولید نظریه‌های میان برد و جزئی نشده است و بدین جهت اماره‌ای بر ناتوانی یا فقدان علم بومی تلقی می‌شود. از این جهت به نظر می‌رسد تولید مدل‌ها و نظریه‌های «خُرد» و «میان بُرد»، به‌ویژه با رویکرد هنجاری که ظرفیت بومی‌پذیری بیشتری نسبت به نظریه‌های تبیینی دارند، اهمیت می‌یابد.

نگارنده در واکنش به این‌گونه مطالبات، نیم‌نگاهی به متون اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، نموده و به تناظر مباحث مطرح‌شده در کلاس‌ها، تلاش می‌کند علوم ارتباطی را از متون دینی استخراج نماید. در این راستا مقاله «الگوی ارتباطات در قرآن کریم» در بهار ۱۳۸۶، با محوریت مفهوم «حکمت» و مقاله «مؤلفه‌های نظریه هنجاری رسانه‌های جمعی در قرآن کریم» در تابستان ۱۳۹۷ با عطف توجه به پیام و درنهایت، این تلاش‌ها به نگارش کتاب «قرآن و عقلانیت ارتباطی» انجامید که هرکدام بخشی از فرایند ارتباط را بر اساس قرآن کریم نظریه‌پردازی می‌کند (خان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۸۵-۱۱۰؛ ۱۳۹۷: ۲۵-۴۸؛ ۳۹۹: ۲۵۰-۳۷۱).

اگر نتوان گفت در همه عرصه‌ها، دست‌کم در موضوعاتی همانند ارتباطات و تبلیغ، متون اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، دربرگیرنده رهنمودهای ارزنده‌ای است که می‌توان با تأمل در آن‌ها نظریه‌پردازی کرد. نگارنده با این پیش‌فرض که قرآن تبیان همه‌چیز است^۱ (النحل: ۸۹)، تلاش می‌کند الگویی برای دعوت اسلامی طراحی کند که به‌زعم خودش، از همه الگوهای ارائه‌شده پیشین کامل‌تر است. برای اینکه الگوی مستخرج، صبغه نظریه‌پردازی به خود بگیرد، منظومه مفاهیم مندرج در آن به «غرر آیات» قرآن مستند می‌شود تا ضمن قابلیت اعتبار، مستندات جزء‌به‌جزء قرآنی خود را به همراه داشته باشد. از این

۱- «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ».

رهگذر می‌توان به نظریه‌پردازی معتبر و مستند نزدیک شد. مستندسازی منظومه مفاهیم الگوی طراحی شده بر غرر آیات قرآن کریم، علاوه بر نشان دادن اعتبار محتوا، به استقلال، از نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شود.

۲. چارچوب مفهومی

این پژوهش با سه مفهوم کلیدی همبسته: «الگو»، «دعوت» و «غرر آیات» سامان می‌یابد. هدف مقاله طراحی الگو در عرصه ارتباطات اسلامی به مفهوم اعم است. به نظر می‌رسد به دلیل فرایند «ازجاکندگی»^۱ افراد در جوامع مدرن، قلمرو «امر به معروف» جای خود را به «دعوت» سپرده است؛ زیرا امر به معروف در جامعه‌ای معنا پیدا می‌کند که جامعه بر پیمان‌ها و انسجام درونی محکم استوار باشد. در واقع امر به معروف الزام دیگری به پیمان‌های جمعی است. فرایند ازجاکندگی اصولاً تعهد به هنجارهای جمعی در قلمرو جغرافیایی خاص را متزلزل کرده است؛ بنابراین رسالت اولیه مؤمن دعوت بدوی است. اتفاقاً کلیدواژه «دعوت» در قرآن کریم به صراحت بیان شده و از غرر آیات محسوب می‌شود. با این مقدمه کوتاه که نظم منطقی هم‌نشینی مفاهیم را نشان می‌دهد، به توضیح بیشتر آن‌ها می‌پردازیم.

الف) الگو: در ادبیات علوم اجتماعی «الگو» به معنای مجموعه مفاهیم به هم پیوسته است که میان آن‌ها در جهات خاص نظم منطقی برقرار است. درباره رابطه الگو و مدل باید گفت که اصطلاح انگلیسی Pattern توسط جامعه‌شناسان فرانسوی به شکل Model به کار گرفته می‌شود و در بسیاری از موارد و طبق نظر اکثر جامعه‌شناسان این دو واژه در یک معنی به کار می‌رود. برخی بین این دو تفاوت‌هایی را قائل شده و گفته‌اند که واژه Model کمی پیچیده‌تر از واژه Pattern است. واژه Pattern بیشتر به «ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت» توجه دارد و طرح ساده‌شده‌ای است که خطوط اساسی

۱- ازجاکندگی (disembedding) اصطلاحی از آنتونی گیدنز است و به فرایندی اشاره دارد که در جوامع مدرن به دلیل رشد ارتباطات فضای اجتماعی افراد از فضای مکانی آن‌ها جدا گشته و تغییر پیدا می‌کند. ممکن است فرد در یک مکان زندگی کند ولی به لحاظ فرهنگی به آنجا تعلق نداشته باشد.

یک مجموعه اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آن‌ها را مشخص می‌کند. واژه Pattern برای ساده‌تر و قابل فهم کردن پدیده‌ها، به تنظیم عناصر آن پدیده و ایجاد نظمی در آن‌ها، می‌پردازد و آن را به شکل یک طرح منطقی و یک پیکره درمی‌آورد و به نوعی یک ابزار توصیف کننده است (مندارس ۱۳۴۹: ۲۰۵).

مدل‌ها می‌توانند به سه شکل توصیفی تبیینی یا هنجاری باشند. برخی صاحب نظران تمایز بین نظریه و مدل را نادیده می‌گیرند و بیشتر، آن‌ها را باهم به کار می‌برند و یا بدون تمایز، به جای یکدیگر استعمال می‌کنند. درحالی که تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. در حقیقت نظریه، بدون ارجاع به مدل، به شکل بی‌واسطه و مستقیم، امور اجتماعی را تبیین می‌کند. درحالی که مدل از طریق تشابه، به شناخت واقعیت کمک می‌کند و با برجسته کردن عنصر تشابه، درک روشن تری از شباهت میان واقعیت و مدل ذهنی فراهم می‌سازد. در حقیقت نظریه، بدون ارجاع به الگو، به شکل بی‌واسطه و مستقیم، امور اجتماعی را تبیین می‌کند. درحالی که الگو از طریق تشابه، به شناخت واقعیت کمک می‌کند و با برجسته کردن عنصر تشابه، درک روشن تری از شباهت میان واقعیت و مدل ذهنی فراهم می‌سازد (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۰-۳۱).

هرچند مدل می‌تواند به صورت دال تهی^۱ صرفاً الگویی برای انتظام ذهنی باشد؛ اما اگر مدل به واقعیت بیرونی اشاره داشته باشد و بتواند واقعیت بیرونی را توصیف کند، یا واقعیت بیرونی را تبیین نماید یا وظیفه و رسالت کنشگران را تعیین نماید، به سطح «نظریه توصیفی»، «نظریه تبیینی» و «نظریه هنجاری» ارتقا می‌یابد. آنچه در این مقاله مطمح نظر است ارائه الگوی هنجاری است که رسالت کنشگران ارتباطی در مقوله دعوت را روشن می‌کند؛ بنابراین مدل ارائه شده در واقع «نظریه هنجاری» قرآن کریم در مقوله دعوت است.

ب) دعوت: اصطلاح قرآنی «دعوت» فراتر از «امر به معروف / نهی از منکر» در جوامع امروزی کاربرد بیشتری دارد. امر به معروف در جوامعی معنای محصل دارد که پیمان قبلی وجود داشته باشد و مؤمنان همدیگر را بر اساس پیمان پیشین به معروف‌ها الزام کنند؛ اما در جوامعی که پیمان پیشین وجود ندارد یا

پیمان‌ها به دلایل مختلف متزلزل گردیده، دعوت معنا پیدا می‌کند. در جوامع متکثر امروزی دعوت به حق معنای محصل‌تری دارد. چه اینکه بر اساس مبانی قرآنی نیز خداوند انسان‌ها را متنوع خلق کرده و مشیت الهی بر این قرار گرفته است که مردم ناهمگون باشند. به تعبیر عبده «امر به معروف و نهی از منکر» در سطوح همگانی همان نصیحت است و سلطه‌ای در امور دینی ایجاد نمی‌گردد، مگر پس از «تعارف» که مقدمه «توافق عمومی» است؛ بنابراین در اسلام «سلطه دینی» به هیچ وجه وجود ندارد. «فلیس فی الاسلام ما یسمی عند قوم بالسلطة الدینیة بوجه من الوجوه» (عبده، ۲۰۰۲: ۷۸).

همچنان که قبلاً گفته شد، هدف از خلقت متنوع، «تعارف» است «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (الحجرات: ۱۳) تعارف یعنی شناخت و همدلی با دیگری متفاوت که در نهایت به «توافق» منجر می‌شود. واژه «معروف» که مسلمین لازم است به آن امر نمایند یعنی؛ آنچه بر آن توافق صورت گرفته است؛ بنابراین آموزه «امر به معروف» که در آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) بدان دستور داده شده است منافاتی با آزادی عقیده و انتخاب ندارد؛ زیرا معروف پس از «تعارف» صورت می‌گیرد. پس معروف آن چیزی است که مؤمنین بر پذیرش آن توافق کرده‌اند. در جوامع غربی نیز پس از تصویب قانون از آن صیانت می‌شود و این نوع جبر منافاتی با آزادی ندارد. حتی اگر اکثریت توافق کرده باشند طبق قاعده «دموکراسی» بر اقلیت جبر روا داشته و نظر اکثریت بر اقلیت تحمیل می‌شود.

در اسلام پس از خدا و رسول (ص) هیچ فردی را بر عقاید مردم سلطنت روا نیست حتی خود رسول اکرم (ص) تذکردهنده بود و سیطره نداشت «فَذَكَرْنَاكُمْ أَنْتَ مُذَكَّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (الغاشیه: آیات ۲۱ و ۲۲) پس هیچ کسی بر فرد دیگر سلطه ندارد. ایمان انسان را از بندگی دیگران می‌رهاند.

بنابراین، فلسفه تنوع انسان‌ها «تعارف / هم‌شناسی» است. امر به معروف بعد از تحقق «تعارف» است اما دعوت عام‌تر است چه اینکه در قرآن کریم نیز دعوت مقدم بر امر به معروف است (خان‌محمدی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

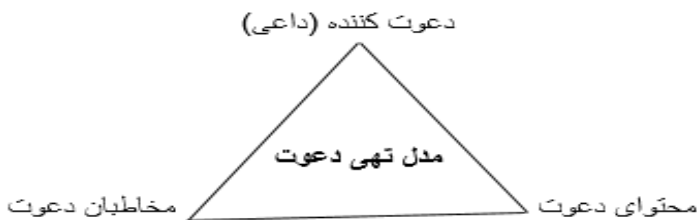
ج) غرر آیات: مفهوم غرر از مفاهیم ابداعی علامه طباطبایی در المیزان و صادقی تهرانی در الفرقان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۳: ۷۱؛ همان، ۱۱: ۳۳۵؛ همان، ۱۲: ۱۷۴، ۳۰۷؛ همان، ۱۳: ۶، ۲۲۴؛ همان، ۱۴: ۱۱۹؛ همان، ۱۵: ۷۸، ۹؛ همان، ۱۸: ۳۳۷؛ همان، ۱۹: ۲۶، ۵۵، ۲۰۱، ۳۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۵: ۶۲، ۱۶۸؛ همان، ۱۰: ۱۸۳، ۳۰۱؛ همان، ۲۶: ۱۹۷). علامه و صادقی بدون ارائه تعریف، برخی از آیات قرآن را غرر نامیده‌اند. بررسی موارد کاربست این مفهوم، نشان می‌دهد که علامه آیات توحیدی را که معتقد است اساس قرآن را تشکیل می‌دهند، غرر می‌پندارد (ر.ک: علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۸). علاوه بر موارد کاربست از معناکاوی لغوی و سایر شواهد می‌توان نتیجه گرفت، غرر آیات از ویژگی‌هایی همچون؛ «آغازین بودن»، «درخشندگی»، «برجستگی»، «جامعیت»، «فضیلت و نفیس بودن»، «زیبایی شکلی و محتوایی» و «کم‌نظیری» برخوردار است.

واژه‌شناسی مفهوم «غُرر» به‌عنوان جمع «غُرّه» در کتب لغت مختصات فوق را تا حدودی نشان می‌دهد. غُرّه به اول ماه و غیر آن اطلاق می‌شود. به سه روز اول هر ماه «غُرر» می‌گویند. غره به سفیدی پیشانی حیوان گفته می‌شود. در مورد انسان به زیبایی و بزرگی در میان قوم نیز اطلاق می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۷: ۲۰۶). غره اشاره به شهرت نیز دارد. وقتی گفته می‌شود کسی «آغر» است؛ یعنی مشهور و باکرامت است. به بهترین کالا در میان بهترین‌ها، به بالاترین قسمت گیاه نیز «غُرّه» گویند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۴: ۳۴۶). اصل غره به اثر ظاهر از هر چیزی اطلاق می‌شود. اطلاق غره به سفیدی پیشانی اسب و تیزی شمشیر از همین باب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۰۳). به شب‌های سیزده، چهارده و پانزدهم هرماه، به دلیل درخشش و روشن بودن، لیالی «غر» اطلاق می‌شود. به سفیدی دندان، به چیزی که از شدت تابش خورشید سفید گردیده، همچنین به بهترین کالا و بهترین و شریف‌ترین شخص یک قوم «غره» گفته می‌شود. به اول اسلام «غره الاسلام» می‌گویند. در کل به اول هر چیزی «غره» اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۵: ۱۲).

نگارنده از بررسی کاربست این مفهوم به این نتیجه می‌رسد همچنان که قرآن کریم آیاتی دارد که نسبت به کلیت محتوای قرآن غرر محسوب می‌شوند،

هرکدام از موضوعات رشته‌های علمی نیز حاوی آیات غرر در آن حوزه علمی است. همان‌طور که ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» کلمات کلیدی قرآن را استخراج می‌کند که محتوای کلیت قرآن را نشان می‌دهد، در کتاب «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن کریم» کلمات کلیدی اخلاق را به همان روش بررسی می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۱۳۷۸)؛ بنابراین، همچنان که مفسران غرر آیات را محور کلیت قرآن می‌پندارند، می‌توان در هر موضوعی که به قرآن عرضه می‌شود، آیات غرر را استخراج نمود.

جهت چارچوب‌بندی سه مفهوم پیشین (الگو، دعوت و غرر) می‌توان بر اساس عناصر اساسی ارتباط، یعنی: «پیام‌فرست»، «محتوای پیام» و «مخاطب»، با محوریت «دعوت»، «مدل تهی» زیر را جهت استنتاج «غرر آیات» قرآن ترسیم نمود.



رسالت این مقاله تبدیل مدل تهی بالا به یک مدل مفهومی دارای محتوا، با تکیه بر مفاهیم کلیدی مستخرج از غرر آیات قرآن کریم، در حوزه ارتباطات اسلامی با معیارهای پیش‌گفته است.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش به تناسب رویکرد اتخاذشده و با الهام از روش تفسیر موضوعی شهید صدر، موضوع «دعوت دینی» در راستای مدل‌سازی به قرآن کریم عرضه می‌شود و درصدد است بر اساس غرر آیات قرآن کریم، نظریه‌های هنجاری دعوت، در قالب مدل مفهومی، بازسازی شود. تفسیر موضوعی از مختصاتی به ترتیب

زیر برخوردار است که با پژوهش حاضر تناسب دارد:

(الف) تفسیر موضوعی کاربردی است و مرتبط با تجربیات زندگی بشر است، به پرسش‌ها و مشکلات نوین پاسخ می‌دهد. آزاد از قیود زمان، مکان و محدودیت‌های عبارتی است. به عبارت دیگر، به مصادیق و موضوعات جدید پاسخ متناسب ارائه می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۸۵).

(ب) تفسیر موضوعی درصدد استنتاج ۱ است. استنتاج یک مفهوم روایی است و با این پیش فرض قرآن را به سخن درمی‌آورد که همه پاسخ‌ها در آن مکنون است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۱: ۲۲۳).

بنابراین هر موضوع جدیدی را می‌توان با عرضه به قرآن، پاسخ متناسب دریافت کرد. اصولاً، از این رو به چنین رویکردی تفسیر موضوعی اطلاق می‌شود که از یک موضوع شروع کرده و نظر قرآن را درباره آن موضوع به دست می‌آورند. با این رویکرد می‌توان معارف قرآن را به شیوه‌های سامانمند و سازگار با نیازها و موضوعات بی‌شمار، ارائه کرد. به تعبیر شهید صدر این روش، تنها راهی است که ما را قادر می‌سازد درباره موضوعات مختلف زندگی به نظریه‌های اساسی اسلام دست یابیم (صدر، ۱۴۷۱ ق، ۱۹: ۳۹).

(ج) تفسیر عموماً به دو شیوه ترتیبی و موضوعی انجام می‌گیرد. در روش تجزیه‌ای و ترتیبی، مفسر به تفسیر آیه به آیه قرآن می‌پردازد و در نتیجه مفسر به شناخت معارف و مفاهیم به صورت پراکنده دست می‌یابد اما رشته ارتباطی بین این معلومات گسترده وجود ندارد. برخلاف روش ترتیبی، تفسیر موضوعی کلان‌نگر است (صدر، ۱۴۷۱ ق، ۱۹: ۲۳). در شیوه موضوعی، کلیت متن مطمح نظر بوده و با ملاحظه کلیت واحدهای معنایی مرتبط با موضوع، دیدگاه جامع درباره موضوع استخراج می‌شود. از این رو، مفسر نظریه قرآنی در زمینه‌های مختلف را به دست می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱: ۲۱).

(د) تفسیر موضوعی، عام و جهان‌شمول است و پیش فرض اساسی اش این است که قرآن در همه عصرها و مکان‌ها پاسخگوی نیازهای هدایتی بشر است (رضایی

۱- علی (ع): «ذَٰلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِفُوهُ وَلَنْ يُنطِقَ وَلَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَّا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ».

اصفهان‌ی، ۱۳۸۸: ۴۸). تفسیر موضوعی از «نص» شروع نمی‌کند بلکه از واقع زندگی شروع و به متن ختم می‌شود. به عبارت دیگر، این شیوه مسئله‌محور است. هر مسئله جدید که در علوم مختلف مطرح گردد می‌توان آن را به قرآن عرضه کرد؛ بنابراین تفسیر موضوعی عمل پاسخ‌طلبی و استخدام هدفمند است که در نتیجه آن، متن برای کشف یکی از حقایق بزرگ به کار گرفته می‌شود (صدر، ۱۴۷۱ ق، ۱۹: ۲۹).

در این مقاله برای رسیدن به پاسخ، فرایند زیر طی می‌شود:

الف) در مرحله اول مدل تهی دارای سه عنصر اساسی کنش دعوتی ترسیم و با پیش‌فرض تبیان بودن قرآن کریم در حوزه ارتباطات دینی، مدل بر قرآن عرضه می‌شود.

ب) در مرحله دوم با مطالعه کل متن، واحدهای معنایی مرتبط به موضوع در قرآن جستجو و از میان آن‌ها غرر آیات بر اساس ملاک‌های پیش‌گفته، انتخاب می‌شود. طبیعی است جهت انتخاب «غره آیات» هر یک از عناصر، علاوه بر به‌کارگیری دانش تلفیقی حوزوی- دانشگاهی، از مشورت متخصصان نیز بهره می‌بریم.

ج) در مرحله سوم، هریک از آیات غرر، با توجه به مبانی و قواعد تفسیر و حدیث‌شناسی درباره هریک از آن‌ها، به‌طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. مقصود از مبانی تفسیر، اصولی همچون واژه‌شناسی، قواعد ادبی و بلاغی، بررسی دیدگاه مفسران است. در این مرحله برای اتقان مطالب از تفسیرهای ترتیبی قرآن و همچنین کتب لغت بهره خواهیم گرفت (ر.ک: علی نصیری، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۸).

د) در مرحله چهارم، با این تلقی که متن نوشتاری سلسله‌ای از نشانه‌های منظم در نظامی از روابط است که معنای کلی دارد و دارای پیام است، واژگان کلیدی را بررسی و از میان آن‌ها، اصلی‌ترین و مهم‌ترین مفهوم مرتبط به موضوع را انتخاب می‌کنیم (ر.ک: العموش، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲).

ه) پس از انتخاب مفاهیم، آن‌ها را در مدل مثلثی بارگذاری نموده و مدل تهی را به الگوی نظری تبدیل می‌کنیم. در این مرحله با بهره‌گیری از دو اصل

«هم‌نشینی» ۱ و «جاننشینی» ۲ که از نشانه شناسان به ارمغان رسیده، می‌توان بر اساس مفاهیم موجود در متن به تئوری‌پردازی پرداخت (اسمیت، ۱۳۹۴: ۱۹۵). (و این پژوهش در سطح درون‌متنیت ۳ بر اصل «هم‌نشینی» که به دو گونه عمده ترادف ۴ و تقابل ۵ تقسیم می‌شود، تأکید دارد؛ بنابراین واژگان قرار یافته در مدل، هم‌نشینی تلقی شده و یک نظام معنایی تشکیل می‌دهند (خان‌محمدی، ۱۳۹۹: ۶۱).

ز) در نهایت، با الهام از روش «بطن‌یابی» آیت‌الله معرفت که بر چهار مرحله استوار است می‌توان با «یافتن هدف اصلی آیه»، «القاء خصوصیت از آیه»، «انتزاع مفهوم عام و قاعده کلی» و «تطبیق قاعده بر موضوعات و مصادیق جدید»، مدل مفهومی دعوت را ترسیم نمود (ر.ک: غروی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۱۱).

۴. یافته‌ها: الگوی قرآنی

در این بخش به تجزیه و تحلیل هرکدام از غرر آیات پرداخته و تلاش می‌کنیم منطق انتخاب مفاهیم کلیدی مستخرج از آیات را جهت سامان‌دهی مدل نظری تبیین نماییم.

الف) داعی؛ پیام‌فرست

غرّه آیات مرتبط به دعوت‌کننده به‌زعم نگارنده آیه ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب و مفهوم کلیدی واژه «شاهد» است. در وضعیت ایدئال اسلامی «دعوت‌کننده» خود عامل به پیام و «اسوه حسنه» است. نمونه آرمانی داعی شاهد، پیامبر اکرم (ص) است. قرآن کریم وی را اسوه همگان معرفی کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الاحزاب: ۲۱).

طبق آیه «سراج» فرایند دعوت پیامبر (ص) به‌عنوان اسوه همگانی، دارای پنج

- ۱- Paradigmatic analysis.
- ۲- Syntagmatic analysis.
- ۳- Intertextuality.
- ۴- Parallelism.
- ۵- Paradigmatic.

مرحله است. خداوند پیامبر (ص) را با واژه «نبی» خطاب قرار داده و می‌فرماید ما تو را با پنج ویژگی مترتب فرستاده‌ایم. «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵) وَذَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب: ۴۶).

آیات فوق حاوی واژه‌هایی همچون «مبشر»، «نذیر»، «داعی» و «سراج» است که همگی با مفهوم «شاهد» هم‌نشینی مترادفی دارند. تأمل در واژگان، معنای نسبی مفهوم محوری را روشن‌تر می‌کند.

- نکته عزیمت صورت‌بندی وظایف رسالت، «شاهد بودن» است. «بدین گونه؛ شما را امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه (الگو) باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است؛ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳). شاهد طبق قولی که علامه طباطبایی ذیل آیه فوق نقل می‌کند به معنای «الگو» و «اسوه» است. «چون این امت وسط و عدل است، لذا هر دو طرف افراط و تفریط باید با آن سنجش شود، پس به همین دلیل شهید بر سایر مردم که در دو طرف قرار دارند هست و چون رسول اسلام (ص) مثل اعلای این امت است، لذا او شهید بر امت است و افراد امت باید خود را با او بسنجند و او میزانی است که حال آحاد و تک‌تک امت با آن وزن می‌شود و امت میزانی است که حال سایر امت‌ها با آن وزن می‌شود و خلاصه مردمی که در دو طرف افراط و تفریط قرار دارند، باید خود را با امت اسلام بسنجند و به افراط و تفریط خود متوجه شوند» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۴۸۲).

این برداشت از مفهوم «شاهد» با ملاحظه آیه ۷۸ سوره حج تقویت می‌شود. در این آیه به مؤمنان دستور می‌دهد در راه خدا نهایت تلاش و مجاهدت خویش را به کارگیرند؛ زیرا خداوند آن‌ها را برگزیده و در دینشان حرج قرار نداده است. این همان دین ابراهیم است که امت رسول‌الله را «مسلم» نامیده است تا آن‌ها الگوی مردم جهان و رسول‌الله (ص) الگوی آن‌ها باشد. قرینه «مجاهدت و تلاش نهایی»، «گزینش از سوی خداوند» و «عاری بودن از مشقت» نشان می‌دهد که بناست این امت الگوی جهانیان باشد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (حج: ۷۷) وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ

جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَيْنَكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أُنزِلَتْ عَلَيْكُمْ هُوَ سَمَنَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَانَكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (الحج: ۷۸).

بنابراین، طبق آیات فوق، قرآن جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که پیامبر (ص) به‌عنوان محور، «اسوه همگانی» و شاهد است. در مرحله بعد کسانی که به وی نزدیک‌ترند در حد خودشان الگو هستند، در نهایت امت اسلامی الگوی سایر امت‌هاست. پیامبر (ص) فرمود: یاران من همانند ستارگان‌اند، به هر کدام اقتدا کنید رهنمون می‌شوید. «أصحابی كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ۲۰: ۱۱) طبیعی است اطلاق اصحاب مقید به ایمان و عمل صالح است.

- دو واژه «بشیر» و «نذیر» در قرآن کریم همواره هم‌نشین هستند. داعی شاهد، تلاش می‌کند جهان یافته‌ی خویش را از طریق بشارت و انذار به دیگران بنمایاند. تبشیر، مژده دادن و از مقوله تشویق است. انذار به معنای اعلان خطر و ترساندن از عواقب ترک است. برای هدایت مخاطب به سوی خدا هر دو ابزار «تشویق» و «تنبیه» لازم است. تشویق جنبه قانندی و تنبیه جنبه سائقی دارد. انگار تبشیر راهبری و کشیدن از جلو و تنبیه جنبه رانشی از عقب است. هر دو برای بشر ضروری است، یعنی تبشیر و انذار هیچ کدام به‌تنهایی کافی نیست (مطهری، ۱۳۸۴، ۱۶: ۱۵۴).

البته بشارت و انذار ترتب دارند و بشارت مقدم بر انذار است. طبق یافته‌های رفتار شناسان تأثیر تشویق همواره بیشتر از تنبیه است (ریترز، ۱۳۸۳: ۴۲۷). به تعبیر شهید مطهری «اشتباه است اگر داعی و مبلغ تکیه‌اش تنها روی تبشیرها و یا انذارها باشد و بلکه جانب تبشیر باید بچربد؛ و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم تبشیر را مقدم می‌دارد: «بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (مطهری، ۱۳۸۴، ۱۶: ۱۵۵).

- در مرحله چهارم «اسوه»، به اذن خدا، به‌سوی خدا، دعوت می‌کند؛ بنابراین، «دعوت به‌سوی خداوند مرحله‌ای است، بعد از بشارت و انذار که وسیله‌ای

است برای آماده ساختن افراد به منظور پذیرش حق». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۶۳) در عبارت قرآنی «دَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ» دو نکته ظریف وجود دارد که مفهوم «دعوت دینی» را روشن می‌کند.

اول اینکه دعوت به‌سوی خداوند باشد؛ یعنی دعوت‌کننده در دعوت خویش اخلاص داشته و سود شخصی نداشته باشد. دعوت نه به‌سوی خود بلکه صرفاً به‌سوی خدا باشد. معیار «الی‌الله» بودن دعوت این است که دعوت‌کننده طمع هیچ‌گونه سودی نداشته باشد چون که پیامبر اکرم و سایر پیامبران به کرات تأکید داشتند که خواستار اجر و سود نیستند: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰).

دوم اینکه قید «باذن» نشان می‌دهد که هدایت و پذیرش دعوت به اذن الله است. مخاطب با یاری خداوند و توفیق الهی پیام را می‌پذیرد. (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ۴: ۲۳۴) پس دعوت‌کننده نباید انتظار داشته باشد همه مخاطبان دعوت وی را بپذیرند. به تعبیر آلوسی قید «باذن» اشاره به این است که دعوت امر مشکلی است و بدون یاری خداوند حاصل نمی‌شود. «وَقِيدَتِ الدَّعْوَةَ بِذَلِكَ إِذْ نَا بَأْتِهَا أَمْرُ صَعْبِ الْمَنَالِ وَخَطْبِ فِي غَايَةِ الْإِعْضَالِ لَا يَتَأْتِي إِلَّا بِإِمْدَادٍ مِنْ جَنَابِ قَدْسِهِ» (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۱۱: ۲۲۳) به زبان ارتباطی قید «باذن» اشاره به این دارد که مخاطب منفعل نیست بلکه فعال است. هرچند وجود پیامبر (ص) همچون خورشید تابانی است که ظلمت‌های جهل و شرک و کفر را از افق آسمان روح انسان‌ها می‌زداید ولی همانند نابینایان که از نور آفتاب استفاده نمی‌کنند، عده‌ای خود را از آن پنهان می‌دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۶۵).

- انسان اسوه و «شاهد» که بشیر و نذیر بوده و اقدام به دعوت به‌سوی خدا کند، درنهایت «سراج منیر» می‌شود؛ یعنی به شخصیتی تبدیل می‌گردد که وجود وی چراغ راهنماست. دیگران وی را الگو قرار داده و حتی پس از مرگش به‌وسیله او رهنمون می‌شوند. این مقام اختصاص به شخص پیامبر (ص) ندارد. به‌عنوان نمونه، به علی (ع) فرمود: تو روشنای تاریکی‌ها، مشعل هدایت و علم افراشته بر جهانیان هستی! هرکس از تو پیروی کند نجات یابد: «أَنْتَ مُصْبِحُ الدُّجَى وَ أَنْتَ مَنَارُ الْهُدَى وَ أَنْتَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِأَهْلِ الدُّنْيَا مَنْ تَبِعَكَ نَجَا» (طبری آملی،

۱۳۸۳ ق، ۲: ۵۳) و همچنین فرمود: بر سمت راست عرش نوشته شده است حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است: «إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مِصْبَاحٌ هَادٍ وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ» (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۳۸۶).

فخر رازی در پاسخ به این سؤال که چرا در آیه شریفه، باوجوداینکه خورشید پرنورتر از چراغ است، به جای «شمس» از واژه «سراج» استفاده شده است؛ به نکته ظریفی اشاره می‌کند. خورشید قابل تکثیر نیست. از نور خورشید اخذ نمی‌شود فقط می‌توان از آن بهره گرفت؛ اما سراج قابل اخذ و تکثیر است و اگر یکی خاموش شد آنچه از آن اخذ شده باقی می‌ماند؛ بنابراین چراغ هدایت شدن انحصار به پیامبر (ص) ندارد، انسان‌های ویژه می‌توانند، در حد خودشان، چراغ هدایت باشند. «قال فی حق النبی علیه السلام سراجا ولم یقل إنه شمس مع أنه أشد إضاءة من السراج لفوائد مہما، أن الشمس نورها لا یؤخذ منه شیء و السراج یؤخذ منه أنوار كثيرة فإذا انطفأ الأول یبقى الذی أخذ منه و كذلك إن غاب و النبی علیه السلام کان كذلك إذ کل صحابی أخذ منه نور الهدایة كما قال علیه السلام: أصحابی كالنجوم بأیمهم اقتدیتم اهتدیتم» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۵: ۱۷۶). به تعبیر امام صادق (ع)، پس از امتحانات سخت الهی و عبور از مراحل ابتلا، کسی که از ضربه‌های آزمایش به‌خوبی بیرون آید، «چراغ مؤمنین»، «مونس مقربین» و «راهنمای ره‌جویان» می‌گردد «مَنْ خَرَجَ مِنْ سِکَةِ الْبُلُوْیِ جُعِلَ سِرَاجَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ مُوْنَسَ الْمُقْرَبِیْنَ وَ دَلِیْلَ الْقَاصِدِیْنَ» (امام جعفر بن محمد علیه‌السلام، ۱۴۰۰ ق، ۱۸۴).

ب) حکمت؛ پیام

غره آیات مربوط به «پیام» آیه ۱۲۵ سوره نحل است که مفهوم محوری آن «حکمت» است. «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث و مجادله پرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه‌یافتگان داناتر است» // «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جِدْلُهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِیْنَ» (النحل: ۱۲۵).

آیه فوق حاوی سه واژه کلیدی «موعظه»، «جدال» و «حسنه» است که همگی با مفهوم کلیدی «حکمت» هم‌نشینی دارند. شاید در میان مفسران هیچ کدام

به زیبایی فخر رازی منطق چینش مفاهیم را توضیح نداده است. وی معتقد است: دعوت مذهبی باید مبتنی بر استدلال و بینه باشد. استدلال و حجت آوری به دو انگیزه تثبیت پیام در قلوب مخاطبان یا خاموش کردن مخالفان با دلیل و استدلال انجام می‌شود. تثبیت پیام، خود به دو صورت انجام می‌شود؛ زیرا حجت و استدلال یا یقینی و قطعی و مبرا از احتمال نقیض است یا چنین نیست بلکه مفید ظن ظاهری و اقناع کامل است؛ بنابراین، حجت و استدلال سه گونه است. ۱) حجت قطعی که باور یقینی در پی دارد و «حکمت» نامیده می‌شود. ۲) اماره‌های ظنی و دلایل اقتناعی که «موعظه» نامیده می‌شود. ۳) استدلال‌هایی که مقصود از آنها الزام مخالف و ساکت نمودن آنها است که «جدال» نامیده می‌شود. جدال اگر مبتنی بر مقدمات قطعی و مسلم در نزد همگان، دست کم مقدمات مسلم نزد طرف مجادله باشد «احسن» اما اگر مبتنی بر مقدمات باطل باشد مجادله غیر احسن است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰: ۲۸۷)؛ بنابراین دعوت دینی به تعبیر مطهری با سه ابزار «حکمت»، «موعظه حسنه» و «جدال به احسن» قابل تحقق است (مطهری، ۱۳۸۴، ۱۵: ۸۶۱).

توضیح لغوی و اصطلاحی مفاهیم به روشن شدن جایگاه حکمت در دعوت اسلامی کمک می‌کند.

- واژه «حکمت» کلیدی‌ترین مفهوم آیه است که مفاهیم دیگر در چارچوب آن تعریف می‌شوند. نشانگاه حکمت عقول مخاطبان است که دنبال شناخت حقایق اشیاء هستند (نووی جاوی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۶۱۲). از آنجا که عقل همگانی است حکمت در ارتباطات انسانی دارای ارزش ذاتی است. حجت قطعی که مفید عقاید یقینی باشد، حکمت نامیده می‌شود «الحجة القطعية المفيدة للعقائد اليقينية وذلك هو المسمى بالحكمة» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰: ۲۸۷). به لجام حیوان «حکمه الدابه» می‌گویند، حکمت بدان قیاس شده برای این که حکمت فرد را از جهل و نادانی منع می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۹۱).

مروری کوتاه به مفهوم حکمت در روایات منقول از ائمه در تقریب ذهن به گفتمان جامعه «حکمت محور» مفید خواهد بود. اساس حکمت التزام به «حق» و پیروی از آن است «رَأْسُ الْحِكْمَةِ لُزُومُ الْحَقِّ وَطَاعَةُ الْمُحِقِّ» (تمیمی آمدی،

۱۳۶۶ ق: ۵۹). حکمت با عقل تلازم دارد، به تعبیر علی (ع) عمق حکمت با عقل استخراج و عمق عقل با حکمت استخراج می‌گردد. «بِالْعَقْلِ اسْتُخْرِجَ غَوْزُ الْحِكْمَةِ، وَبِالْحِكْمَةِ اسْتُخْرِجَ غَوْزُ الْعَقْلِ وَبِحُسْنِ السِّيَاسَةِ يَكُونُ الْأَدَبُ الصَّالِحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۲۸) و هردوی آن‌ها در سایه‌ی حسن سیاست رخ می‌نماید (همان). شناخت رهبر صالح و امام از ارکان حکمت است (همان، ۲: ۲۸۴). مفهوم حکمت طیف وسیعی از معانی را دربرمی‌گیرد؛ از یک‌سوی به اجتماعی‌ترین جنبه‌ی زندگی؛ یعنی به حاکمیت بند است، از سوی دیگر به فردی‌ترین جنبه‌ی وجود آدمی، یعنی قلب مربوط است. به تعبیر علی (ع) حکمت درختی است که در قلب می‌روید و در زبان به ثمر می‌نشیند. در جامعه علم تولید می‌کند و شاخه‌های آن درخت، مصلحت عمومی است. «الْحِكْمَةُ شَجَرَةٌ تَنْبُتُ فِي الْقَلْبِ وَتُثْمِرُ عَلَى اللِّسَانِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ق: ۵۹). در گفتمان جامعه‌ی حکمت محور، حکمت «دال مرکزی» است و بدون قید ارزش تلقی می‌گردد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: حکمت را از هر سوی بیاید اخذ کن و به سخن نگر نه به گوینده. «خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ أَتَاكَ بِهَا وَانظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْهُ إِلَى مَنْ قَالَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ق: ۵۸). در مرجعیت حکمت قید مکان، زمان و عقیده وجود ندارد (همان: ۵۹-۵۸).

- واژه «موعظه» قسیم حکمت است. امر دعوت (ادع) به دو واژه حکمت و موعظه تعلق گرفته است. برخلاف جدال که استقلال امری دارد، حکمت و موعظه از لحاظ مخاطب یک مقوله هستند. تفاوت در سطح است. نشانگاه حکمت عقول انسان‌ها اما نشانگاه موعظه قلوب آن‌ها است؛ بنابراین به دلیل تفاوت ماهوی شیوه «حجیت»، حکمت بدون قید است ولی موعظه مقید به «حسنه» است. در واقع موعظه بعد عاطفی دارد، با ایجاد ترس و امید، همراه است و عبارت از یادآوری اموری است که قلب مخاطب را نرم و آماده پذیرش می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۲: ۲۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۷: ۴۶۶). به دلیل بعد عاطفی و نداشتن معیار متقن ارزیابی موعظه مقید به نیکویی است. به عبارت روشن‌تر موعظه نمی‌تواند خارج از چارچوب حکمت قرا گیرد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «بهترین پند و اندرزها آن است که گفتار از مرز

راست گویی و کردار از مرز اخلاص عبور نکند، چرا که موعظه گر و موعظه پذیر همچون شخص بیدار و خواب هستند؛ کسی که خود از خواب و غفلت و مخالفت‌ها و گناهان رهایی یابد می‌تواند دیگری را از آن غفلت‌ها رهایی بخشد؛ اما کسی که در بیابان‌های تجاوز و ستم سیر کرده و در چراگاه‌های گمراهی و بی‌شرمی فرورفته است و به‌خاطر خوش‌نامی، خودنمایی، شهرت‌طلبی و ظاهرسازی در میان مردمان، خود را به شکل و ظاهر نیکان درمی‌آورد و پیوسته در کلمات خود، تظاهر به طهارت و تهذیب نفس می‌کند در صورتی که از این کمالات بی‌بهره است، چنین کسی در حقیقت، دلش را وحشت علاقه به ستایش و اقبال مردم فراگرفته و تیرگی آزمندی، باطنش را پوشانیده است؛ پس چه بسیار به سبب هواپرستی مفتون و فریفته گشته و چه بسیار مردمان را گمراه ساخته است» // «قَالَ الصَّادِقُ ع: أَحْسَنُ الْمَوْاعِظِ مَا لَا يَجَاوِزُ الْقَوْلَ حَدَّ الصِّدْقِ وَ الْفِعْلُ حَدَّ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّ الْمَوْاعِظَ كَالْمُقِظَانَ وَالرَّاقِدَ فَمَنْ اسْتَيْقَظَ عَنْ رَقْدَتِهِ وَ غَفَلْتِهِ وَ مُخَالَفَاتِهِ وَ مَعَاصِيهِ صَلَحَ أَنْ يُوقِظَ غَيْرَهُ مِنْ ذَلِكَ الرَّقَادِ وَ أَمَّا السَّائِرُ فِي مَقَاوِزِ الْإِعْتِدَاءِ وَ الْخَائِضِ فِي مَرَاتِعِ الْغَى وَ تَرَكَ الْحَيَاءَ بِاسْتِحْبَابِ السُّمْعَةِ وَ الرِّيَاءِ وَ الشُّهُورَةِ وَ التَّصَنُّعِ إِلَى الْخَلْقِ الْمُتَزَيِّ بِزِي الصَّالِحِينَ الْمُظْهِرُ بِكَلَامِهِ عِمَارَةَ بَاطِنِهِ وَ هُوَ فِي الْحَقِيقَةِ خَالٍ عَنْهَا قَدْ عَمَرَتْهَا وَ حَشَتْ حُبَّ الْمُحَمَّدَةِ وَ عَشِمَهَا ظِلْمَةُ الطَّمَعِ فَمَا أَفْتَنَتْهُ بِهَوَاهُ وَ أَضَلَّ النَّاسَ بِمَقَالِهِ» (جعفر بن محمد علیه‌السلام، امام ششم، ۱۴۰۰ ق: ۱۶۰).

- واژه «جدال» به مناظره و مناقشه بین دو یا چند نفر به هدف منازعه و غلبه بر دیگری، اطلاق می‌شود. «المفاوضة على سبيل المنازعة والمغالبة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۱۸۹)؛ بنابراین مخاطب «جدل» انسان منکر و در واقع مخالف است. هدف مجادله نه اظهار حق بلکه مخاصمه و مقابله حجت با حجت است. «الجدل: مقابلة الحجة بالحجة؛ والمجادلة: المناظرة والمخاصمة والمراد به في الحديث الجدال على الباطل» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۱: ۱۰۵) از آنجایی که اقتضای مجادله غلبه بر دیگری و در نتیجه بهره‌گیری از ابزار باطل است در آیه قید «احسن» ذکر شده است. پس مجادله به دو نوع مجاز و غیرمجاز تقسیم می‌شود. مطلق مجادله مذموم است مگر اینکه با قید «حسن» همراه شود. مجادله احسن آن است که علیرغم سوءاستفاده دشمن مؤمن از بهره‌گیری ابزار باطل جهت پیروزی پرهیز کند.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: مؤمنان از مطلق جدال نهی نشده‌اند بلکه از جدال غیر احسن نهی شده‌اند. کسی گفت: «ای پسر رسول خدا (ص)! جدال احسن و غیر احسن کدام است؟» فرمود: «اما جدال غیر احسن آن است که با یاوه‌سرایی به بحث پیردازی و او دلیلی باطل اقامه نماید ولی تو با دلیلی که خداوند به حق در مقابل او قرار داده، باطلش را رد نکنی و فقط حرف او را انکار کنی یا یک واقعیت و ادّعی صحیحی را منکر بشوی که او برای اثبات ادّعی باطل خود کمک گرفته و تو از ترس اینکه مبدا این واقعیت تو را در ادّعی مغلوب نماید، انکار می‌کنی! زیرا نمی‌دانی چگونه از چنگ او رهایی یابی! چنین مناظره‌ای که موجب تشویش خاطر برادران ضعیف و فرصت‌یابی یاوه‌سرایان باشد، بر شیعیان ما حرام است؛ زیرا مدّعیان باطل ضعف او را دلیل بر صحت مدّعی باطل خود می‌گیرند و ضعیفان از برادران در چنین گيروداری دلگیر می‌شوند، چون می‌بینند اعتقاد صحیح آن‌ها در چنگ یک یاوه‌سرا تضعیف گردید؛ فقیل: یا ابن رسول الله فَمَا الْجِدَالُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، وَالَّتِي لَيْسَتْ بِأَحْسَنَ قَالَ: أَمَا الْجِدَالُ بِغَيْرِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، فَإِنَّ تَجَادُلَ مُبْطِلًا، فَيُورِدُ عَلَيْكَ بَاطِلًا فَلَا تَرُدُّهُ بِحُجَّةٍ قَدْ نَصَبَهَا اللَّهُ، وَلَكِنْ تَجَحَّدُ قَوْلَهُ أَوْ تَجَحَّدُ حَقًّا- يَرِيدُ ذَلِكَ الْمُبْطِلُ أَنْ يُعِينَ بِهِ بَاطِلَهُ، فَتَجَحَّدُ ذَلِكَ الْحَقَّ- مَخَافَةَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ فِيهِ حُجَّةٌ، لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي كَيْفَ التَّخَلُّصُ مِنْهُ، فَذَلِكَ حَرَامٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يَصْبِرُوا فِتْنَةً عَلَى ضَعْفَاءِ إِخْوَانِهِمْ وَ عَلَى الْمُبْطِلِينَ. أَمَا الْمُبْطِلُونَ فَيَجْعَلُونَ ضَعْفَ الضَّعِيفِ مِنْكُمْ- إِذَا تَعَاطَى مُجَادَلَتَهُ وَ ضَعْفَ مَا فِي يَدِهِ حُجَّةً لَهُ عَلَى بَاطِلِهِ. وَأَمَا الضُّعَفَاءُ فَتَنَعَمُ قُلُوبُهُمْ- لِمَا يَرُونَ مِنْ ضَعْفِ الْمُحِقِّ فِي يَدِ الْمُبْطِلِ... وَأَمَا الْجِدَالُ بِغَيْرِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ- فَإِنَّ تَجَحَّدَ حَقًّا لَا يُمْكِنُكَ- أَنْ تُفَرِّقَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ بَاطِلٍ مَنْ تَجَادَلَهُ، وَإِنَّمَا تَدْفَعُهُ عَنِ بَاطِلِهِ بِأَنْ تَجَحَّدَ الْحَقَّ، فَهَذَا هُوَ الْمُحَرَّمُ لِأَنَّكَ مِثْلَهُ، جَعَدَ هُوَ حَقًّا، وَجَعَدْتَ أَنْتَ حَقًّا آخَرَ» (حسن بن علی العسکری علیه‌السلام، امام یازدهم، ۱۴۰۹ ق: ۵۲۸).

ج) مستمع؛ مخاطب

منتخب غرر آیات مخاطب، آیه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر است که یک واحد معنایی تشکیل می‌دهند. مفهوم کلیدی مستخرج از آیات «استماع» است. «کسانی که از پیروی طاغوت (پیشوای ستمگر زمان) خودداری کرده و به سوی خدا

بازگشتند، بر آن‌ها بشارت باد. ای پیامبر، به آن بندگان من بشارت ده که: به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ- الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (الزمر: ۱۷ و ۱۸).

آیات فوق حاوی چندین واژه کلیدی همچون «طاغوت»، «اجتناب»، «انابه»، «الله»، «عباد»، «القول»، «اتباع»، «هدایت» و «اولوالالباب» است که همگی با واژه «استماع» هم‌نشینی دارند. هم‌نشینی برخی از نوع ترادفی و برخی دیگر از نوع تقابلی است؛ بنابراین، پرداختن به هر کدام لازمه فهم عمیق مفهوم «استماع» است. - پیش شرط شکل‌گیری جامعه استماع محور، اجتناب از طاغوت است. بر اساس منطق زیست اجتماعی، انسان‌ها باید رهبری داشته باشند، این راهبری از دو شق خارج نیست، یا خدا است یا طاغوت. رکن «استماع محوری» پرهیز از «طاغوت» و انابه به سوی «خدا» است. ساختار صرفی ماضی، در «اجتنبوا» و «انابوا» نشانه قطعیت این رابطه تقابلی است. علاوه بر این، عبارت «ان يعبدوها» با ساختار مضارع، دال بر این است که اجتناب باید مستمر باشد، بنابراین، حضور مقطعی طاغوت ممکن است، سال‌ها جامعه را از مسیر مستقیم خارج نماید.

- واژه «طاغوت» به هر متجاوز از حق، اطلاق می‌شود. هر معبودی غیر خدا، چه فرد، چه جمع و یا شیء خارجی، طاغوت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۲۱). طاغوت یک مفهوم قرآنی است و ماده «طغی» یا «طغو» ۳۹ مرتبه، در قرآن کریم به کار رفته است. در منطق قرآنی هر حاکمی که به اصول حقیقت پایبند نبوده و حکومت خود را بر اساس خواسته‌های خویش بنیاد نماید، طاغوت است. از مصادیق مهم طاغوت که به کرات در قرآن ذکر شده، فرعون است. موسی (ع) مأمور به هدایت فرعون می‌شود زیرا وی «طاغی» گشته و از مصادیق بارز طاغوت است. «أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه: ۲۴) رابطه فرعون با پیروانش این‌گونه بود که آن‌ها را تحمیق نموده و آن‌ها به جای تبعیت از عقل جمعی، تنها از وی تبعیت کردند. «فرعون ایل و تبار خویش را سبکسار - خوار و ذلیل -

داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند. البته آن‌ها جماعتی فاسق بودند؛ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَّاعُوهُ إِيَّاهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف: ۵۴).

- واژه «الله» با «طاغوت» هم‌نشینی تقابلی دارد. روی آوری (انابه) به خدا، شرط اصلی، روی گردانی (اجتناب) از طاغوت است، چون بدون دست‌آویز شدن به خدا نمی‌توان از چنگ طاغوت رهایی پیدا کرد؛ پس هر کس یا گروهی که بر ریسمان الهی چنگ نزنند در دام طاغوت؛ یعنی حکومت غیر الهی و متجاوز گرفتار خواهد شد. «خداوند، ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آن‌ها را از تاریکی‌ها، به‌سوی نور بیرون می‌برد؛ اما کسانی که کافر شدند، اولیای آن‌ها طاغوت‌ها هستند؛ که آن‌ها را از نور، به‌سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آن‌ها اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند ماند؛ اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يَخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷).

- واژه «عباد» جمع عبد است. مضاف‌الیه «عبد» الله یا ضمیر منسوب به الله است. پس بشارت داده‌شده در آیه، مربوط به «عباد الهی» است. عبد بودن در سرشت انسان است؛ اما واژه «عبد» دو گونه جمع بسته می‌شود. جمع «عباد» نوعاً به خداوند اضافه می‌شود و جمع «عبید» به دیگری؛ بنابراین، اولی بار معنایی مثبت و دومی بار معنایی منفی دارد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۴۳۵).

- واژه «یستمعون» به معنای «گوش دادن» است و گوش دادن مرتبه بالاتری از شنیدن است، یعنی عبادالله، تعمیدی در «گوش فرادادن» دارند (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۱۱: ۴۵۸). علامه به نکته ظریفی اشاره دارند و آن این‌که؛ بندگان خدا به دنبال «حق» و در جستجوی آن هستند، از این‌روی به همه سخنان گوش می‌دهند، چون می‌ترسند که در اثر گوش ندادن به آن، حق از ایشان فوت شود (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۸۰).

- واژه «القول» مطلق قول است، پس بندگان الهی در یک جامعه استماع محور، به هر سخنی و از هر گلویی، به احتمال اشتغال بر حقیقت گوش فرا می‌دهند. بدین ترتیب، این‌که بعضی از مفسرین گفته‌اند: «مراد از گوش دادن به حرف و پیروی کردن از بهترین آن گوش دادن به قرآن و غیر قرآن و پیروی کردن از

قرآن است؛ و بعضی دیگر گفته‌اند: مراد استماع اوامر خدای تعالی و پیروی کردن بهترین آن‌ها است... بدون دلیل عموم آیه را تخصیص می‌زند» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۱۸).

بنابراین، منظور از «القول» مطلق سخن است، علامه فضل‌الله می‌گوید: قول را مطلق آورد و وجه معینی برای آن تعیین نکرد برای این که اشاره نماید به این که این مردم برای شنیدن هر قولی و از هر گوینده‌ای تا حل مسئله از طریق تفکر، قیدی ندارند و از هیچ قولی تبعیت نمی‌کنند، مگر پس از اقناع شدن از طریق امعان نظر. «وقد اطلق القول فلم يحدد له وجهاً معيناً ليوحي بان هؤلاء الناس لا يتعقدون من سماع اي قولٍ لاي قائل مادامت المسألة لديهم ان يفكروا بما يسمعونه وأن لا يتبعوا الا ما يقتنعون به من موقع المعاناه الفكرية» (علامه فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۹: ۳۱۹).

- عبارت «فیتبعون» نشان می‌دهد که بندگان الهی، پس از استماع، در صورت حق یافتن سخن، از آن پیروی نموده و بر اساس آن آموزه عمل می‌کنند. دلیل این که چنین افرادی به جای لجاجت از سخن حق پیروی می‌کنند این است آن‌ها به دنبال حقیقت هستند، هرگاه آن را یافتند عمل می‌کنند، دو مانع برای گردن نهادن به سخن حق وجود دارد. یکی طاغوت درونی «هوای نفس» و دیگری، طاغوت بیرونی و غیرخدا است. درحالی که طبق فرض، بندگان خدا، از طاغوت اجتناب و به خدا انابه نموده‌اند، بدین ترتیب، آن‌ها طاغوت درون و برون را شکسته و به عقلانیت روی آورده‌اند. از این روی، نه از هوای نفس تبعیت می‌کنند و نه به خاطر انفعال مقهور به اقوال شخصیت‌ها می‌شوند «فیتبعون احسنه: فلا یتبعون الهوی، ولا یخضعون للانفعال» (علامه فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۹: ۳۱۹).

- عبارت «احسنه» نشان می‌دهد که در یک جامعه عقلانی، فراتر از تمایز بین «خوب» و «بد» یا «حق» و «ناحق»، مردم بین رفتارهای مباح نیز بهترین را برمی‌گزینند، «پس هر جا امرشان دایر شود بین حق و باطل، بین رشد و گمراهی، البته حق و رشد را متابعت می‌کنند و باطل و گمراهی را رها می‌نمایند؛ و هر جا امرشان دایر شود بین «حق» و «ناحق» و «رشد» و «رشد بیشتر»، البته حق‌تر و رشد بیشتر را انتخاب می‌کنند» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۸۰).

- واژگان به کاررفته در آیه، همانند «الذین»، «یستمعون»، «یتبعون»، «اولئک» و «اولوا» همه جمع بوده و اشاره به جماعت دارد؛ بنابراین، آیه درصدد توصیف «جامعه» است.

- عبارت «اولئک الذین هداهم الله» حق راه‌یابی و هدایت را انحصاراً به چنین جامعه‌ای نسبت می‌دهد؛ یعنی «هدایت» تنها از آن کسانی است که این ویژگی‌ها را دارند؛ به سخنان از هر کس با هر موقعیت، گوش فراداده و بهترین را انتخاب و سپس مورد اتباع قرار می‌دهند.

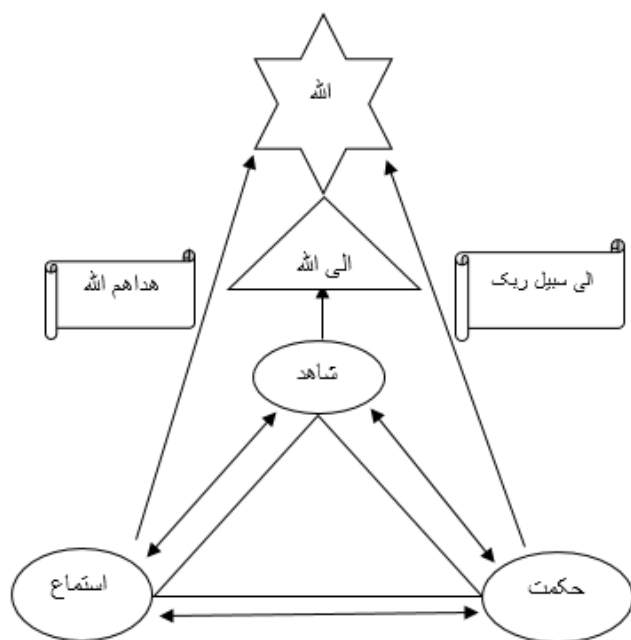
سؤالی که درباره گزاره فوق می‌توان مطرح نمود، این است که اگر جامعه هدایت یافته است دیگر نیازی به شنیدن و اتباع ندارد و اگر نیاز به شنیدن و اتباع دارد آنگاه هنوز هدایت یافته نیست و نیاز به پیشرفت دارد. علامه طباطبایی در پاسخ به چنین شبهه‌ای، به نکته بسیار مهم و ظریفی اشاره دارند و آن این‌که؛ راه‌یابی در دو سطح «اجمالی» و «تفصیلی» مطرح است. هدایت اجمالی به این است که اعضای جامعه این روحیه را درونی کنند که «بشنوند، گزینش کنند و عمل نمایند». جامعه‌ای که چنین رویکردی را اتخاذ نماید در موارد جزئی نیز به حقیقت راه خواهد یافت؛ یعنی به هدایت تفصیلی که رهیابی به هنجارهای مطلوب در موارد جزئی است رهنمون خواهند شد. «صفت پیروی از بهترین قول، خود هدایتی است الهی و این هدایت- که گفتیم عبارت است از طلب حق و آمادگی تام برای پیروی از آن هر جا که یافت شود- هدایتی است اجمالی که تمامی هدایت‌های تفصیلی و رسیدن به هر یک از معارف الهی بدان منتهی می‌شود» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۸۱).

- هم‌نشینی مترادفی دو واژه «هدایت» و «لب» در عبارت «الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُؤْتُوا الْأَلْبَابَ» و «واو» عاطفه بین آن‌ها، نشانگر تلازم «هدایت» و «لب» است؛ یعنی هرآنگاه که هدایت اجمالی یعنی آمادگی شنیدن، تحقق یابد مردم به صراط مستقیم که عبارت «اولوا الالباب» حاکی از آن است رهنمون خواهند شد؛ و هرآنگاه که «خرد ناب» رواج پیدا کند، به سعادت و هدایت الهی رهنمون می‌کند. به عبارت دیگر، استماع محوری با «خرد ناب» همبستگی و تلازم دارد. عبارت «اولئک هم اولوا الالباب» حق انحصاری «خرد ناب» را به

چنین جامعه‌ای نسبت می‌دهد؛ یعنی فقط و فقط جامعه‌ای دارای عقل ناب است که در آن فرایند «گوش دادن، ارزیابی، پذیرش و درنهایت تحقق عملی» مورد اهتمام جامعه باشد. به تعبیر علامه «عقل عبارت است از نیرویی که با آن به سوی حق راه یافته می‌شود و نشانه عقل داشتن، پیروی از حق است» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۸۱).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با اتخاذ رویکرد تفسیر موضوعی و عرضه مؤلفه‌های اساسی ارتباطات به قرآن کریم، طی فرایند حرکت از مسئله تولید شده در ادبیات علوم ارتباطات به کلیت متن؛ ملاحظه کلیت واحدهای معنایی مرتبط با موضوع؛ بر اساس غرر آیات، الگوی مطلوب ارتباطات بر سه مفهوم کلیدی «حکمت»، «شاهد» و «استماع» سامان می‌یابد. دعوت‌کننده خود باید شاهد و الگو باشد. محتوای دعوت می‌بایست بر حکمت و استدلال همگان پذیر، استوار گردد. مخاطبان پیام‌ها می‌بایست همواره «مستمع» باشند؛ یعنی به همه پیام‌ها گوش فراداده و بهترین را گزینش نمایند. شرط مقدم شکل‌گیری جامعه ایدئال اسلامی بر اساس سه مفهوم فوق، پرهیز از طاغوت و گرویدن به «الله» است. پس محور ارتباطات اسلامی «خدا» و معطوف بودن همه کنش‌ها به سوی «الله» است. چه اینکه، دعوت با ابزار «حکمت» باید به سوی خدا (الی سبیل ربک) باشد. شاهد می‌بایست دعوت‌کننده به سوی خدا (داعی الی الله) باشد. در نهایت صرفاً جامعه «مستمع» برخوردار از هدایت اجمالی (هداهم الله) است؛ بنابراین، در شرایطی الگوی مطلوب دعوت قابل تحقق است که مردم با پرهیز از طاغوت به سوی خداوند بازگشت کنند. میان «الله» و «طاغوت» تقابل معنایی وجود دارد. تنها راه‌هایی از طاغوت روی‌آوری به سوی الله است. با توجه به مطالب پیشین که بر اساس استنتاج غرر آیات قرآن ارائه شد، می‌توان «دال تهی» مدل مرسوم ارتباطات را بر اساس مفاهیم قرآنی به الگوی نظری تبدیل کرد؛ بنابراین، الگوی هنجاری «دعوت» به ترتیب زیر ترسیم می‌شود.



منابع

* قرآن کریم.

- ۱- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید. مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۲- ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق). معجم المقاییس اللغة، مصحح: هارون، عبد السلام محمد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، چاپ سوم، تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت: دار صادر.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، مصحح: میردامادی، جمال الدین، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ۵- اسمیت، فلیپ. (۱۳۹۴). نظریه فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ۶- أعموش، خلود، (۱۳۸۸). گفتمان قرآن، بررسی زبان شناختی بیوند متن و بافت قرآن، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۷- ایزوتسو، توشیهکو، (۱۳۷۳). خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- ایزوتسو، توشیهکو، (۱۳۷۸). مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن کریم، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، تهران: نشر فرزانه.
- ۹- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
- ۱۰- بیضاوی، عبد الله بن عمر، (۱۴۱۸ ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۱- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: درایتی، مصطفی، چاپ اول، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ۱۲- توسلی، غلام عباس، (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: سمت.
- ۱۳- جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم، (۱۴۰۰ ق). مصباح الشریعة، چاپ اول، بیروت: اعلمی.
- ۱۴- حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، (۱۴۰۹ ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ۱۵- خان محمدی، کریم، (۱۳۹۹). قرآن و عقلا نیت ارتباطی، چاپ اول، تهران: نی.
- ۱۶- خان محمدی، کریم، (۱۳۹۶). «الگوی ارتباطات در قرآن کریم»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۰.
- ۱۷- خان محمدی، کریم و دیگران، (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های نظریه هنجاری رسانه‌های جمعی در قرآن کریم»، دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۱۹ (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، صص ۲۵-۴۸.

- ۱۸- راد، علی، (۱۳۹۴). «مفسران معاصر امامیه و غرر قرآن؛ چستی، رهیافت‌ها و گونه‌ها»، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره اول، صص ۴۸-۲۵.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت: دار القلم- الدار الشامیه.
- ۲۰- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۲). *درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن (منطق تفسیر قرآن)*، چاپ اول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۸). «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره شش، بهار و تابستان، صص ۴۸-۲۹.
- ۲۲- ریتزر، جورج، (۱۳۸۳). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: علمی.
- ۲۳- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، مصحح: فیض الإسلام، چاپ اول، قم: هجرت.
- ۲۴- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، چاپ دوم، قم: انتشارات فرهنگی اسلامی.
- ۲۵- صدر، محمدباقر، (۱۴۷۱ ق). *المدرسه القرآنیة، موسوعه شهید صدر*، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیه.
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰). *اعلام الوری بأعلام الهدی*، (ط- القدیمة)، تهران: اسلامیة، سوم.
- ۲۷- طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر بن ابی القاسم، (۱۳۸۳ ق). *بشارة المصطفى لشیعة المرتضی*، (ط- القدیمة)، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة.
- ۲۸- عبده، محمد، (۲۰۰۲ م). *الاسلام بین العلم و المدینه، الطبعة الثانیة*، بیروت: دارالمدی للثقافة و النشر.
- ۲۹- علامه طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ ق). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- ۳۰- علامه طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین.
- ۳۱- علامه فضل الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ ق). *تفسیر من وحی القرآن*، الطبعة الثانی، بیروت: دارالملاک.
- ۳۲- غروی، سعیده، (۱۳۹۰). «طرح و بررسی بطن از دیدگاه آیت الله معرفت»، فصلنامه بینات، سال هیجدهم، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- ۳۳- غمامی، سید محمدعلی و اسلامی تنها، اصغر، (۱۳۹۸). *همشناسی فرهنگی: الگوی قرآنی ارتباطات میان فرهنگی*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۳۴- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ۳۵- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹). کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- ۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق). الکافی، (ط- الإسلامية)، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۳۷- گولد، جولیوس و همکاران، (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: مازیار.
- ۳۸- مدرسی سید محمد تقی، (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن، چاپ اول، تهران: دار معبیه الحسین.
- ۳۹- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴ ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ هفتم، تهران: صدرا.
- ۴۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶). پیام قرآن، چاپ نهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۲- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۴۳- مندارس، هانری (۱۳۴۹). مبانی جامعه‌شناسی، باقر پرهام، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.
- ۴۴- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۴). ارتباط شناسی، چاپ ششم، تهران: سروش.
- ۴۵- نصیری، علی، (۱۳۸۴). «مبانی کلامی تفسیر موضوعی»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۳، زمستان، صص ۷۳- ۱۰۵.
- ۴۶- نووی جاوی، محمد بن عمر، (۱۴۱۷ ق). مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، تحقیق: محمد امین الصناوی، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۴۷- هارت، هانو، (۱۳۹۱). مطالعات انتقادی ارتباطات، ترجمه غلامرضا آذری، چاپ اول، تهران: خجسته.

References

* The Holy Qur'an.

- 1- Abduh, Muhammad, (2002). *Al-Islam bayn al-Ilm wa al-Madinah*, 2nd edition, Beirut: Dar al-Mada for publishing.
- 2- Al-Nawawi Jawi, Muhammad bin Omar, (1417 AH). *Marah al-Labid li-Kashf Ma'na al-Qur'an al-Majid*, research: Muhammad Amin Al-Sanawi, 1st edition, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyah.
- 3- Al-Amoush, Khloud, (1388). *Discourse of the Qur'an, a linguistic study of the link between the text and the context of the Qur'an*, translated by: Seyed Hossein Seyedi, 1st edition, Tehran: Sokhan.
- 4- Al-Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409). *Kitab al-Ain*, 2nd edition, Qom: Hijrat Publishing.
- 5- Al-Alousi, Sayyid Mahmud, (1415 AH). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, 1st edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
- 6- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH). *Al-Qur'an Vocabulary*, 1st edition, Beirut: Dar al-Qalam - Al-Dar al-Shamiya.
- 7- Al-Sadr, Muhammad Baqir, (1471 AH). *Madrasa al-Qur'aniyah*, Shahid Al-Sadr Encyclopedia, Qom: Center for Specialized Researches and Studies.
- 8- Al-Tabari Amlī, Imaduddin Abi Jafar bin Abi al-Qasim, (1383 AH). *Basharat al-Mustafa li-Shi'a al-Murtada*, (Old Ed.), 2nd edition, Najaf: Al-Maktab al-Haydariyyah.
- 9- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1390). *'Ilam al-Wara bi-A'lam al-Huda*, (Old Ed.), 3rd edition, Tehran: Islamiya.
- 10- Al-Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, (1374 AH). *Tafsir al-Mizan*, translated by: Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamadani, 5th edition, Qom: Islamic Publications Office of Jamiat al-Mudarrisin.
- 11- Al-Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, 5th edition, Qom: Islamic Publications Office of Jamiat al-Mudarrisin.
- 12- Al-Tamimi Al-Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad, (1366). *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalim*, revised by: Derati, Mustafa, 1st edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- 13- Beydawi, Abdullah bin Omar, (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Taawil*, research: Muhammad Abdurrahman al-Marashli, 1st edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- 14- Fakhr Al-Razi, Muhammad bin Omar, (1420 AH). *Mafatih al-Ghaib*, 3rd edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- 15- Fazlullah, Seyyed Muhammad Hossein, (1419 AH). *Tafsir min Wahyi al-Qur'an*, 2nd Edition, Beirut: Dar al-Malak.
- 16- Ghamami, Seyyed Mohammad Ali; Islami Tanha, Asghar, (1398). *Intercultural Communication: The Quranic model of intercultural communication*, 1st edition, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication.
- 17- Gharavi, Saideh, (1390). "Design and Investigation of "Batn" from the perspective of Ayatollah Maarifat", *Binat Quarterly*, Issue 18, No. 3, pp. 101-114.
- 18- Gould, Julius et al., (1376). *Culture of Social Sciences*. Translators Group. 1st edition, Tehran: Maziar.

- 19- Hart, Hanu, (2011). *Critical Studies of Communication*, translated by: Gholamreza Azari, 1st edition, Tehran: Khojasteh.
- 20- Hasan bin Ali (AS), *The Eleventh Imam*, (1409 AH). An Interpretation attributed to Imam al-Hasan al-Askari (AS), 1st edition, Qom: Imam Al-Mahdi School.
- 21- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid bin Hibatullah. (1404 AH). *Sharh Nahj al-Balaghah*, edited by: Ibrahim, Mohammad Abulfazl. Qom: Ayatollah al-Marashi al-Najafi Library.
- 22- Ibn Faris, Ahmed bin Faris, (1404 AH). *Mujam Al-Maqayis Al-Lugha*, edited by: Haroun, Abd al-Salam Muhammad, 1st edition, Qom: Maktab al-Ilam al-Islami.
- 23- Ibn Manzour, Muhammad Ibn Mukarram (1414 AH). *Lisan al-Arab*, 3rd edition, edited by: Jamaluddin Mirdamadi, Beirut: Dar Al-Sadir.
- 24- Izutsu, Toshihoku, (1373). *God and Man in the Qur'an*, translated by: Ahmad Aram, first edition, Tehran: Islamic Culture Publishing House.
- 25- Izutsu, Toshihoku, (1378). *Ethical-Religious Concepts in the Holy Qur'an*, translated by: Fereydoun Badrei, 1st edition, Tehran: Farzan.
- 26- Jafar bin Muhammad (AS), *The Sixth Imam*, (1400 AH). *Misbah al-Shari'a*, 1st edition, Beirut: Al-Alami.
- 27- Khanmohammadi, Karim et al., (1397). "Components of the Normative Theory of Mass Media in the Holy Qur'an", *Islam and Social Sciences Quarterly*, No. 19 (Autumn and Winter 1397), pp. 25-48.
- 28- Khanmohammadi, Karim, (1396). "Pattern of Communication in the Holy Qur'an", *Islamic University Quarterly*, Issu 11, No. 1, pp. 85-110. 17.
- 29- Khanmohammadi, Karim, (1399). *Qur'an and Communicative Rationality*, 1st edition, Tehran: Ney.
- 30- Kulaini, Muhammad bin Yaqoub bin Ishaq, (1407 AH). *Al-Kafi*, (Islamiyya Ed.), revised by: Ghafari, Ali Akbar and Akhundi, Muhammad, 4th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- 31- Makarem Shirazi, Nasir, (1374). *Tafsir Nomooneh*, 1st edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 32- Makarem Shirazi, Nasir, (1386). *The Message of the Qur'an*, 9th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
- 33- Mandares, Henry (1349). *Basics of Sociology*, Bagher Parham, 1st edition, Tehran: Amir Kabir.
- 34- Mohsenian Rad, Mahdi, (1384). *Communication*, 6th edition, Tehran: Soroush.
- 35- Motahari, Morteza, (1384). *The collection of works of Prof. Shahid Motahari*, 7th edition, Tehran: Sadra.
- 36- Mudarrisi, Seyyed Muhammad Taqi, (1419 AH). *Min Huda al-Qur'an*, 1st edition, Tehran: Dar Muhibbi al-Hussein.
- 37- Mustafavi, Hasan. (1368). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim*, 1st edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- 38- Nasiri, Ali, (1384). "Theological Foundations of Thematic Interpretation", *Andishe Novin Dini Quarterly*, vol. 3, Winter, pp. 105-73.
- 39- Rad, Ali, (1394). "Contemporary Commentators of Imamiya and Ghurar of the Qur'an; definition, approaches and types", two quarterly researches of the Qur'an and

Hadith, Issue 48, No. 1, pp. 25-48.

40- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1382). Textbook of Qur'an Interpretation Methods and Tendencies (Logic of Qur'an Interpretation), 1st edition, Qom: World Center for Islamic Sciences.

41- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1388). "Methods of Thematic Interpretation of the Holy Qur'an", Qur'an and Hadith research journal, No. 6, Spring and Summer, pp. 29-48.

42- Ritzer, George, (1383). Sociological Theory in the Contemporary Era, translated by: Mohsen Tholathi, 8th edition, Tehran: Elmi.

43- Sadeghi Tehrani, Mohammad, (1365). Al-Furqan fi Tafsir Al-Qur'an bil-Qur'an, 2nd edition, Qom: Islamic Cultural Publications.

44- Sharif al-Razi, Muhammad bin Hossein, (1414 AH). Nahj al-Balagha (Sobhi Saleh ed.), corrected by: Fayz al-Islam, 1st edition, Qom: Hijrat.

45- Smith, Philip. (1394). Cultural Theory, translated by: Mohsen Tholathi. Tehran: Scientific Publications.

46- Tavassoli, Gholam Abbas, (1369). Sociological Theories, Tehran: Samt.

Type of Article: Researching

Individual and Social Challenges and Obstacles Preventing the Progress of Scientific Jihad based on the Teachings of the Qur'an and Hadiths

Seyyedeh Nisa Hashemian Sigaroudi¹, Seyyedeh Fatemeh Hashemi², Mohsen Ehteshamiya³

Abstract

Scientific jihad is a determination to direct the path of knowledge and to well educate in order to obtain divine satisfaction and to uphold divine values and double effort by enduring difficulties to discover the unknowns and scientific truths. One way to achieve the goals of scientific jihad is to know the obstacles, challenges and effective impediments which prevent the progress of scientific jihad and then confronting and removing them, which have been studied and explained in religious teachings.

This research has analysed and examined these individual and social challenges and obstacles with descriptive-analytical method using verses and hadiths. Individual challenges can be viewed as unjustified bias in not accepting scientific and reasonable opinions and ideas, prejudging without thinking, scientific pride, individualism, wasting time or being preoccupied with entertainment and trivial matters, procrastination in performing work, and despair after loss and failure. Social challenges can also be viewed as social problems in the context of scientific jihad and self-alienation. Recognizing these challenges and removing obstacles can be an effective step towards the progress, authority and excellence of Islamic societies in achieving scientific self-sufficiency.

Keywords: Challenges, Individual Obstacles, Social Obstacles, Scientific Jihad, Unjustified Bias, Self-alienation

1- PhD student of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran; nh1400@yahoo.com

2- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (corresponding author), dr.fat.hashemi@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran, moh.ehteshami_neya@iauctb.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.





تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

20.1001.1.30605644.1403.4.2.6.1

10.22034/arq.2024.206185

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و احادیث

سیده نساء هاشمیان سیگارودی^۱

سیده فاطمه هاشمی^۲

محسن احتشامی نیا^۳

چکیده

جهاد علمی جهت دادن به علم و علم‌آموزی در راستای کسب رضایت و تعالی ارزش‌های الهی و تلاش مضاعف همراه با تحمل دشواری برای کشف مجهولات و حقایق علمی است یکی از راه‌های پیشبرد اهداف جهاد علمی، آسیب‌شناسی و آفت زدایی، چالش‌ها و موانع مؤثر در عدم پیشبرد آن است که در آموزه‌های دینی به طرح و تبیین آن‌ها پرداخته شده است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی با بهره‌گیری از آیات و روایات، به تحلیل و بررسی این چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی پرداخته است. چالش‌های فردی را می‌توان تعصب بی‌جا در عدم پذیرش آراء و نظریات علمی و معقول، پیش‌داوری بدون تعمق، غرور علمی، فردگرایی، اتلاف وقت یا سرگرم شدن و تلاش در امور بیهوده، تأخیر در انجام کار، یأس و ناامیدی از شکست دانست. چالش‌های اجتماعی را نیز می‌توان پسران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی و از خودبیگانگی دانست.

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ nh1400@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

dr.fat.hashemi@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، moh.ehteshami_neya@iauctb.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



شناخت این چالش‌ها و مانع‌زدایی از آن‌ها می‌تواند گامی مؤثر در جهت پیشرفت و اقتدار و تعالی جوامع اسلامی در رسیدن به خودکفایی علمی باشد.

کلیدواژه‌ها: چالش‌ها، موانع فردی، موانع اجتماعی، جهاد علمی، تعصب بی‌جا، از خودبیگانگی.

۱. بیان مسئله

جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است و همه موجودات جهان اعم از نباتات و حیوانات به وسیله جهاد موانع را از سر راه خود برمی‌دارند تا بتوانند به کمالات مطلوب خود برسند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۰). از طرفی همراهی جهاد و علم، باعث ایجاد انگیزه مضاعف در علم‌آموزی و گسترش علم می‌شود. تلفیق این دو که یک امر ارزشی معنوی است؛ دارای پیامی است که می‌توان جهاد علمی و نیز علم‌جهادی داشت؛ علم‌جهادی و از طرفی جهاد نیز مبارزه برای یک هدف والا و مقدس است که میدان‌هایی دارد از جمله میدان نبرد، علم، سیاست و اخلاق. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و در مواجهه با چالش‌ها و موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته شود. این چالش‌ها و ناهمواری‌ها در فرایند پژوهش علمی گاهی مانع پیشرفت انجام کار می‌شوند و گاهی هم سرعت انجام کار را دشوار و گاهی هم کند می‌کند. برای این مانع‌زدایی نیازمند بررسی، تلاش و تفکر بیشتری است تا هر یک از موانع تبدیل به فرصت شود. «چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت‌اند ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود» (ورنر زد، هیرش و لوک ای وِبر، ۱۳۸۱: ۸۲).

قرار گرفتن در مسیر هر نوع توسعه و پیشرفت من جمله پیشرفت علمی نیازمند برنامه‌های هدایتی است، خداوند متعال این برنامه‌ها را در مسیر تکاملی انسان قرار داده است و انبیاء و اوصیای الهی را نیز مأمور به تبیین این برنامه‌ها نموده است. بهره‌گیری از این برنامه‌های هدایتی قرآن و روایات اختصاص به زمان و مکان و انسان‌هایی با ویژگی خاص ندارد، بلکه هر انسانی این مسیرها را با

تکیه بر خدا طی کند و درصدد کشف مجهولات و حقایق علمی باشد همواره تحت حمایت الهی بوده و بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه، از ناهمواری به اوج اقتدار خواهد رسید. انسان هر قدر ماهر و توانمند باشد هیچ‌گاه از تعالیم وحی و روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام) بی‌نیاز نیست. هدف در این پژوهش شناخت و بررسی راهکارهای مقابله و مدافعه با چالش‌ها و رفع موانع مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی با بهره‌گیری از آیات و روایات است. قطعاً این هدف هم‌گام مؤثری در جهت پیشرفت و اقتدار و تعالی و خودکفایی علمی در شاخه‌های مختلف علوم خواهد بود و هم‌رفع موانع فردی و اجتماعی در این مسیر می‌تواند موجب شکوفایی استعدادها گردد. در این راستا شتاب بیشتر دایره علوم و گسترش فتوحات علمی در جهت قدرت و شکوفایی علمی و دانایی در جوامع اسلامی و بلکه در سطح جهانی میسر می‌گردد و موجبات خروج علم از دامن انحصار طلبان علوم را فراهم می‌نماید.

۲. مفهوم واژه‌های کلیدی

جهاد علمی: الجهد والجهود: به طاقت و سختی گفته شده است. جهاد (به فتح) به معنای مشقت و جهد (به ضم) به معنای تلاش فراوان است و واژه جهاد در مورد انسان استعمال می‌شود. «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ» (توبه: ۷۹)، «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» (نور: ۵۳) یعنی قسم یاد کردند و کوشش نمودند که در بالاترین حد توان خود به آن پایبند باشند (راغب، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

این واژه از ترکیبات جدید در ادبیات فارسی و برگرفته از علوم انسانی است که می‌توان گفت به معنای «تلاش همه‌جانبه مخلصانه برای تولید علم» است. در واقع «جهاد علمی»، جهادی عمل کردن در شاخه دانش و دانش‌افزایی است؛ یعنی مبارزه وافر و مضاعف انسان دانا و اندیشمند برای رضای الهی با مانع و دشمن جهل و نادانی که همان هدف بعثت انبیای الهی است. ابزار مبارزه در جهاد علمی، اندیشه و فکر، قلم و سایر امکانات اندیشمندی فرد به‌جای نیزه و شمشیر و یا انواع تسلیحات گرم و سرد امروزی است و این‌همه علم جهادی را می‌طلبد و جهاد علمی به معنای اعم آن یعنی، تلاش وافر و مضاعف همراه

با مشقت، به منظور کسب درجات والای علم و معرفت در راه رضای خدا در جهت سرعت بخشی، پیشرفت و اعتلای جامعه اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۷۱).

چالش: زمان چندانی نمی‌گذرد که این واژه وارد ادبیات و مباحث علمی و اجتماعی جامعه ایران شده است. در خصوص واژه چالش در فرهنگ‌نامه‌های لغت اختلاف نظرهای متعددی وجود دارد و برای آن معانی متعددی در نظر گرفته شده و مترادفات زیادی را در بر گرفته است. با کمی تأمل در کاربرد این واژه در متون و محاورات، می‌توان به معانی متفاوت و مختلف آن پی برد. هر کدام از معانی چالش بستگی به کاربرد و جایگاه آن در جمله دارد. با توجه به معنی جمله می‌توان به معنی چالش دست پیدا کرد. چون معنی آن در حالات مختلف متغیر است. به کارگیری این واژه اکثراً بار منفی دارد و گاهی حامل بار مثبت به معنای فرصت نیز است. چالش مترادف با «آسیب و بحران» است. (فراتی، ۱۳۸۱: ۵). کاربرد چالش در مقاله حاضر بار منفی دارد و به معنای: «مانع، مُعَصَّل، مشکل، یا بُعْرَج، فراز و نشیب و ناهمواری» است. با توجه به این معنا، برای انجام هرگونه عملی یک سری چالش‌ها و ناهمواری‌هایی در فرایند عمل اعم از علمی و غیر علمی وجود دارد که مانع پیشرفت در انجام آن عمل است. این چالش‌ها گاهی مانع پیشرفت و کندی سرعت انجام کار می‌شوند. در همین راستا ممکن است چالش‌های متفاوتی در مسیر پیشبرد اهداف جهاد علمی قرار گیرد که مانع پیشرفت باشد. برای این مانع زدایی نیازمند بررسی و تلاش و تفکر بیشتری است تا هر یک از آن‌ها تبدیل به فرصت بشود. چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت‌اند. ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود (هیرش و لوک ای وِبر، ترجمه یوسفیان املشی، ۱۳۸۱: ۸۲).

موانع: جمع «منع» المَنَع: بازداشتن که در مقابل عطیه و بخشیدن قرار دارد. گفته می‌شود: رَجُلٌ مَانِعٌ وَمَتَاعٌ يَعْنِي بِخَيْلٍ مَنَاعٌ لِلخَيْرِ. در مورد پرهیز دادن نیز استعمال می‌شود: «مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدًا إِذْ أَمَرْتُكَ؟» (اعراف: ۱۲) چه چیز مانع تو شد که وقتی به تو فرمان دادم سجده نکردی؟ (راغب، ۱۳۹۵: ۷۴۷) آنچه مانع

سجده شیطان شد قائل شدن بر ائیت خود بود او با تکیه بر ذات خود نتوانست معبود مافوق خود را مشاهده کند. موانع عواملی هستند مزاحم و موجبات تأخیر در انجام عمل را فراهم می‌کنند. اعم از فردی و اجتماعی که در این مقاله به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۳. روش پژوهش

چالش‌ها و موانع و راهکارهای برون‌رفت، از طریق فیش‌برداری از آیات قرآن و احادیث مرتبط با موانع به روش کتابخانه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. ابتدا آیات و روایات (ائمہ معصومین علیهم السلام) موجود در کتب روایی خصوصاً نهج البلاغه، غرر الحکم درر الکلم و الکافی که شاخص‌های مورد بحث در آن‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم قابل استخراج بوده، جمع‌آوری و با توجه به مفاهیم مربوط به چالش‌ها بررسی گردید تا از این طریق بتوان راه وصول به ابزارهای مادی و معنوی در پیشبرد جهاد علمی را نه تنها تسهیل بلکه شتاب و تسریع بخشید. هرچند در بعضی از آیات و احادیث موانع و چالش‌های مربوط به پیشبرد جهاد علمی به وضوح و تصریحاً تقریر و تبیین نشده بود؛ اما با تفحص و کنکاش در جامع التفاسیر قرآن کریم و کتب حدیثی شیعی این مقصود و غایت حاصل گردید. آیات مندرج در مقاله متناسب با عنوان بخش مربوطه و عناوین بخش‌های فرعی با کلیدواژه همان موضوع انتخاب شده است. روایات نیز بر همین منوال از میان روایات متعدد، نزدیک‌ترین روایت به شاخصه‌های مورد بحث انتخاب گردیده است.

۴. پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعات مروری و جستجو در مراکز علمی ایران تاکنون به‌طور مشخص و مستقل در زمینه چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی پژوهشی منسجم و نو یافت نگردید. هرچند پژوهش و بررسی چند شاخص در خصوص جهاد علمی در برخی آثار تدوین شده است که می‌تواند به‌عنوان پیشینه بحث تلقی شده و

مورد استفاده قرار گیرند. نمونه‌ای از پیشینه بحث عبارت‌اند از:

«جهاد علمی از منظر قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب»، رضایی اصفهانی و رستم‌نژاد در دو فصلنامه علمی قرآن و علم (۱۴۰۰) که به تبیین مبانی، اصول، اهداف، لوازم و پیامدهای جهاد علمی مبتنی بر قرآن پرداخته‌اند.

«اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام» ساجدی، نعمتی و عرفانی‌راد در مطالعات انقلاب اسلامی (۱۳۹۳) که به تبیین فرآیند جهاد علمی، بررسی جایگاه و زیرساخت‌های اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام پرداخته‌اند.

«جهاد علمی در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان»، هاشمی خانعباسی و نوروز ولاشیدی در مطالعات قرآنی (۱۳۹۶) که با توجه به تفسیر المیزان به چگونگی تأثیرات فردی و اجتماعی جهاد علمی پرداخته‌اند.

«شناخت عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی» کیان‌خواه و ساری، در فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش‌راهبردی (۱۳۹۷) بر اساس قرآن و روایات و منابع معتبر، عوامل سازنده جهاد علمی برای استحکام ساخت درونی قدرت ملی را مورد بررسی قرار داده و عوامل را بر اساس علل فاعلی، صوری و مادی مندرج کرده‌اند.

۵. اهمیت جهاد علمی و ارتباط چالش‌ها با آن

در آموزه‌های دینی ارزش کار علمی مجاهد علمی نسبت به مجاهد عملی در کارزار با دشمن در اولویت قرار دارد و از آن‌ها به ترتیب تحت عنوان «جهاد کبیر و جهاد صغیر» یاد می‌شود. اولی جان و کمالات انسانی را نشانه می‌گیرد دومی جسم و فیزیک انسان را. سلاح اولی آلات مخرب است و سلاح دومی معرفت و دانایی (قرآن). مجاهد تا در دایره معرفت طی طریق نکند قادر به مقابله با دشمن خارجی نخواهد بود. شکست مسلمانان در جنگ اُحُد با وجود فرماندهی مستقیم شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه و اله) مصداق بارز این مدعا است. مجاهدان از فرمان فرمانده اجتناب ورزیدند و برای لحظه‌ای حب به مال دنیا در دیدگان مجاهدان جلوه‌گری کرد و به فکر جمع‌آوری غنائم شدند.

ظهور این دو چالش در میان لشکریان اسلام شکست تاریخی را به دنبال داشت. هر چند سرمایه اولیه مبارزه در جهاد اکبر «ایمان» است؛ اما مخرج مشترک هر دو گروه از مجاهدان، اخلاص و عمل در سایه ایمان به خداوند است. هر دو در تلاش مضاعف و خالصانه و برای رضای الهی درصدد حذف مانع هستند این مانع ممکن است دشمن ظاهری باشد یا مانعی که بر سر راه کشف یک حقیقت علمی باشد. به همان اندازه که قتال با دشمن و از میان بردن متجاوز مورد مرضی الهی است، مانع زدایی و جهل زدایی نیز رضایت الهی را به دنبال دارد. راه پیروزی نهائی و کامل جامعه اسلامی، تنها از راه تلاش طاقت فرسا و مجاهدت‌های سرسختانه در همه‌ی اشکالش با اعتماد و اطمینان قلبی به خدا، ایمان به خود و باور به توانمندی‌های خود و باور قلبی به قدرت ملی میسر است. به‌طور کلی مجاهدت‌های علمی و عملی، نظامی درگرو ایمان به خداوند تبارک و تعالی است. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به جهاد علمی (جهاد کبیر) اهمیت خاص قائل‌اند. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: «الشَّاهِدُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَغْفُورًا» (مجلسی ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۷۹) سفر کننده در جستجوی دانش، مانند جهاد کننده در راه خداست. دانش‌آموختگی بر هر فرد مسلمانی واجب است؛ و هنگامی طالب دانش از منزلش خارج می‌شود بر نمی‌گردد مگر این‌که بخشیده شده باشد. در این روایت شخصی را که برای به دست آوردن دانش تلاش کند همسان کسی قرار داده که در راه خداوند به جهاد مشغول باشد. علی‌رغم اهمیت جهاد علمی و مدح و تمجید از علماء و جایگاه مجاهدین علم در قرآن و روایات، هیچ‌گاه از خطر گرفتار شدن در دام امیال درونی و انواع رذایل اخلاقی از قبیل جاه‌طلبی‌ها، منیت و خودبرتربینی، غرور و از خودبیگانگی فرهنگی در امان نبوده و هر آن در کمین خسران‌اند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ». از این منظر دین اسلام برای مبارزه و پیشگیری از خسران انسان برنامه ارائه داده است؛ که ذیلاً به بررسی چالش‌ها اعم از فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود.

۶. بخش اول: چالش‌ها و موانع فردی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی

۶-۱. تعصب بی جا در عدم پذیرش آراء و نظریات علمی و معقول

تعصب از ماده «عَصَبَ» العَصَبُ پیوندهای مفصل (راغب، ۱۳۵۹: ۵۳۶) در اصطلاح، «تعصب» جانب‌داری کردن از کسی یا از طریقه و مذهبی یا به معنای حمایت و یاری کردن به چیزی، دل‌بسته و مقید بودن و سخت دفاع کردن از چیزی آمده است. تعصب گاهی به‌جا و گاهی هم نا به‌جا است. تعصب نا به‌جا سد عظیمی است که در مسیر حرکت مجاهد علمی قرار دارد. اگر روح پژوهشگر از نظر شخصیتی، رنگ و بوی خاصی داشته باشد قادر نخواهد بود حقایق را آن‌طور که هست ببیند، بلکه مطابق با همان رنگ و بو که در وجودش نهفته است می‌نگرد. این نوع تعصب نوعی وابستگی غیرمنطقی است که حقیقت را فدای آن می‌کند و مانع از هرگونه پیشرفت از جمله پیشرفت علمی خواهد بود. تعصب هر نوع وابستگی شدید فکری و علمی را شامل می‌شود. گاهی وابستگی‌های مثبت را نیز دربر می‌گیرد مانند تعصب نسبت به انواع حلال‌ها و حرام‌ها. به‌طورکلی اثرات منفی و زیان‌بار این رذیله اخلاقی در صفحات تاریخ بشریت فراوان به چشم می‌خورد. چه بسا اگر این رذیله اخلاقی در جوامع بشری حکم‌فرما نبود، تاریخ بشریت چهره دیگری داشت و پیشرفت تکاملی تمدن‌ها شتاب بیشتری پیدا می‌کرد و نیروهای خلاق در مسیر سعادت انسان به کار گرفته می‌شدند.

اگر تعصب و وابستگی نسبت به امور مثبت همچون دین، آیین و مذهب از روی علم و آگاهی باشد به آن تعصب مثبت و ممدوح گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۲۲)؛ اما برعکس مؤکدات دینی در اکثر مواقع انسان‌ها دچار تعصب مدموم می‌شوند. این نوع تعصب به‌جای آن که پل پیشرفت باشد تبدیل به مانع و بحران در موفقیت می‌گردد. در طول تاریخ بشریت همیشه مهم‌ترین مانع در برابر فرمان‌های الهی تعصب و تقلید کورکورانه‌ای بود که ریشه در جهل و نادانی داشته است مانند زنده‌به‌گور کردن دختران در اعراب جاهلی. در سوره مختلف قرآن از این نوع تعصبات که ریشه در تقلید کورکورانه از گذشتگان دارد فراوان دیده می‌شود. هنگامی که ابراهیم

نبی (علیه‌السلام) با دلیل بسیار روشن و قاطع، بت‌پرستی را نفی می‌کند در برابر تعصبات آن‌ها که ریشه در گذشتگان‌شان داشت ایستادگی می‌کند و از منطق خودشان علیه خودشان بهره می‌گیرد و به آن‌ها می‌گوید: «قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ» (الشعرا: ۷۲)؛ گفت آیا وقتی دعا می‌کنید از شما می‌شنوند؟ «أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ» (الشعرا: ۷۳)؛ یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟ آن‌ها هیچ پاسخ منطقی در مقابل سخن منطقی حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نمی‌دهند و کورکورانه پاسخ می‌دهند: «قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (الشعرا: ۷۴)؛ بت‌پرستان گفتند: نه بلکه پدران خویش را دیده‌ایم که چنین می‌کرده‌اند.

اثرات منفی و زیان‌بار این رذیله اخلاقی در صفحات تاریخ بشریت فراوان دیده می‌شود. تبعیت از این رذیله اخلاقی پیامبران الهی را با مشکل‌ترین مواعظ روبه‌رو ساخته و برای مبارزه با این خصیصه خون‌های زیادی بر خاک ریخته شده است. چه‌بسا اگر این رذیله اخلاقی در جوامع بشری حکم‌فرما نبود، تاریخ بشریت چهره دیگری داشت و پیشرفت تکامل تمدن‌ها شتاب دیگری پیدا می‌کرد و نیروهای خلاق در مسیر سعادت انسان به کار گرفته می‌شد. چنان‌که امام علی (علیه‌السلام) در خصوص تعصب مثبت تأکید نموده و می‌فرماید: «فَإِنْ كَانَ لَابَدًا مِنَ الْعَصْبِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَمَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَمَحَاسِنِ الْأُمُورِ» (رضی، ۱۳۷۹: ۲۲۹، خ ۱۹۲)؛ اگر قرار هست تعصبی داشته باشید این تعصب شما به خاطر اخلاق پسندیده، افعال نیکوکارهای خوب باشد. همچنین در خطبه قاصعه از نهج‌البلاغه اشاره می‌فرماید: «فَأَطْفِنُوا مَا كَمَنَّ فِي قُلُوبِكُمْ مِنَ نِيرَانِ الْعَصْبِيَّةِ وَأَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنَ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَنَحْوَاتِهِ وَنَزَغَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ وَاعْتَمِدُوا وَضَعَ التَّدْلِيلِ عَلَى رُؤُوسِكُمْ وَالْقَاءَ التَّعَزُّزَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَخَلَعَ التَّكْبُرَ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ وَاتَّخِذُوا التَّوَاضِعَ مَسْلَحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ» (رضی، ۱۳۷۹: ۲۲۹، خ ۱۹۲)؛ پس آتش‌های عصبیت و کینه‌های جاهلیت را که در دل‌هایتان نهفته است خاموش کنید، زیرا که این نخوت و غرور در وجود شخص مسلمان از تلقینات و نخوت‌ها و فسادها و وسوسه‌های شیطان است. تاج فروتنی بر سر نهید و گردن‌فرازی را زیر پایتان فکنید و

گردنبند تکبر را از گردن خویش بازکنید و فروتنی و افتادگی را (همچون) پاسگاه مرزی میان خود و دشمنان شیطان قرار دهید.

از آیات و احادیث فوق که به طور مستقیم و شفاف این رذیله اخلاقی را تبیین نموده، به خوبی روشن است که ایستادگی سرسختانه برای طرفداری از این خصیصه نامطلوب نه تنها پسندیده نیست بلکه در زمره موارد مذموم و نکوهیده به شمار می‌رود. از مهم‌ترین راه‌های مقابله با تعصب یک مجاهد علمی در جهت پیشبرد جهاد علمی می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

الف) شناخت کافی و وافق نسبت به آموزه‌های دینی و اعتماد و اطمینان قلبی کامل نسبت به فرمان‌های الهی. ب) پردازش و بازنگری فردی عالم مجاهد در خلق و خوی و نفس خویش در زمینه تعصب و عوامل تعصب برانگیز. ج) توجه به عدم توأسی و تأثیرپذیری از رسانه، محیط اطراف و باورهای دیگران خصوصاً گذشتگان. د) تعمیم بخشی زاویه دید نسبت به مسائل علمی و امورات مورد پژوهش. ذ) تقویت حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال موضوع مورد تحقیق و تفحص. ر) توجه و عبرت‌آموزی از عدم موفقیت محققین متخلق به تعصب مذموم.

۶-۲. پیش‌داوری‌های بدون تعمق در یافته‌های علمی

پیش‌داوری، اندیشه یا احساس مخصوص در مورد یک انسان یا یک موضوع علمی یک یا جریان فکری است که قبل از جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقات لازم شکل می‌گیرد. در پیش‌داوری قضاوت‌ها بر خواسته از واقعیات نبوده و در بسیاری از موارد منشأ شکل‌گیری انحراف‌های علمی یا مذهبی در نوع استنباط و فهم آموزه‌های دینی و نظریات علمی است. این منشأ فکری از قدیم‌الایام بین دانشمندان و محققان متداول بوده است. امروزه دانشمندان غربی در زمینه‌های مختلف علوم یافته‌های علمی خود را بر روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام) تحمیل و برداشت‌ها و تئوری‌های جدید علمی خویش را بر احادیث ارجح می‌پندارند که از معضلات حدیث‌شناسان در عصر حاضر است. ابن جوزی بر طبق باور خویش به راحتی حدیث تقدم اسلام ابوبکر را هرچند سندش ضعیف باشد، می‌پذیرد و حدیث تقدم اسلام علی (علیه‌السلام) را مردود می‌داند

و برایش فرق نمی‌کند، کدام تعدد طرق دارد و سند کدام صحیح‌تر است؛ درحالی که طبق شواهد تاریخی و روایات فراوان حدیث تقدّم اسلام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط راویان موثق با چند طریق نقل کرده‌اند (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۳: ۱۳۳).

شهید مطهری در کتاب ده گفتار آورده است: اگر کسی فتوهای فقها را با یکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آنها در مسائل زندگی توجه کند، می‌بیند که چگونه سوابق ذهنی یک فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج، در فتوایش تأثیر دارد، به طوری که فتوای عرب بوی عرب و فتوای عجم بوی عجم (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۲).

قرآن و روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام) هرگونه اظهارنظر و موضع‌گیری‌های شتاب‌زده بر اساس هرگونه پیش‌داوری‌ها را مورد نکوهش قرار داده است. مهم‌ترین مصادیق آشکار از پدیده پیش‌داوری بدون تعمق در قرآن مربوط به قوم نوح (علیه‌السلام) است، خداوند در سوره شعرا فرمود: «قَالُوا أَلَمْ نُؤْمِنْ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ» (الشعرا: ۱۱۱)؛ کافران گفتند: چگونه به تو ایمان بیاوریم درحالی که فرومایگان پیرویات کرده‌اند. برخی گویند: منظور مستمندان و تهیدستان است. می‌خواهند بگویند: اطرافیان و پیروان تو افراد پست و زبون هستند و اگر ما به تو ایمان آوریم در ردیف آنها قرار می‌گیریم. بدیهی است که این سخن حاکی از جهل ایشان است (طبرسی، ۱۳۵۸، ۱۸: ۳۹).

همچنین قوم هود چنین ذهنیتی داشتند که پیامبران چون به خزائن الهی دسترسی داشته‌اند، پس باید از قدرت مطلق برخوردار باشند تا هر کاری می‌خواهند بتوانند انجام دهند، حتی بر جهان غیب آگاه باشند: «وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا» (هود: ۳۱)؛ و به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خدا پیش من است و غیب نمی‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و درباره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می‌نگرد، نمی‌گویم خدا هرگز خیرشان نمی‌دهد. خلاصه کلام این که من ادعای داشتن هیچ‌یک از آن چیزهایی که به نظر شما فضل است را نکرده‌ام تا شما تکذیب کرده و

بگویند که تو هیچ‌یک از این فضل‌ها را نداری و در ادعایت دروغ‌گویی (طباطبایی، ۱۳۶۶، ۱۰:۳۱۲).

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينَ جَهَلُوا وَقَفُوا لَمْ يَكْفُرُوا، وَلَمْ يَضِلُّوا» (غررالحکم: ح ۷۸۸۲)؛ اگر بندگان، به گاه ندانستن، از اظهار نظریاز می‌ایستادند، کافر و گمراه نمی‌شدند.

از مهم‌ترین مصادیق در بین دانشمندان نظریات ارسطو است. او معتقد بود اگر دو جسم با وزن‌های مختلف به‌طور آزاد سقوط کنند جسم سنگین‌تر زودتر به زمین خواهد رسید. مردم این عقیده را به‌عنوان واقعیتی غیرقابل‌انکار پذیرفته بودند؛ اما گالیله به‌شدت مخالف این نظریه بود. درنهایت او با انجام یک آزمایش عملی توسط پرتاب هم‌زمان دو گلوله توپ با وزن‌های متفاوت از بالای برج پیزا ثابت کرد که نظریه ارسطو اشتباه بوده است؛ زیرا این دو جسم با وزن مختلف هم‌زمان به زمین می‌رسند و یا مخالف محاکمه اسقف‌ها و معلمین مذهبی کلیسای کاتولیک رُم با نظریه علمی گالیله مبنی بر این که زمین مرکز عالم نیست، بلکه تنها سیاره‌ای است که به دور خورشید می‌چرخد، تفسیری بر این مدعا است (وایت، ۱۳۷۷، ۶: ۳، ۳۰)؛ ازاین‌رو مجاهد پژوهشگر جهت پیشرفت در جهاد علمی الف) علاوه بر شناخت و اخذ اطلاعات کافی از منابع مورد اعتماد، بر اساس فرضیه‌های صحیح علمی بر کرسی قضاوت بنشیند. ب) از شتاب‌زدگی و عجله در پذیرش یا رد مسئله علمی امتناع ورزد. ج) به تقویت حس بی‌طرفی نسبت به مسائلی که از آن‌ها آگاهی ندارد کوشا باشد. د) با مدارا نمودن تفاوت‌ها در باورهای دیگران تلاش نماید تا از این طریق بر مقابله با این چالش علمی فائق گردد.

۶-۳. غرور علمی

«غرور» ازجمله رذایل اخلاقی است که در میان مشاهیر علمی متداول و ازجمله صفات مذموم شناخته‌شده است. این صفت رذیله فاصله بین عالم با محیط علمی را میسر می‌سازد و اگر استمرار یابد به‌صورت یک بیماری مسری به جامعه‌ستایی و گروه‌ستایی مبدل خواهد گشت که به‌خودی‌خود منبع ظهور «آپارتاید و تبعیض نژادی» خواهد شد. ازاین‌رو قرآن و روایات معصومین

علیه‌السلام) خودستایی فردی را تحریم نموده تا به نژادپرستی منجر نگردد. درحالی که علم واقعی آن است که هر چه انسان باسوادتر باشد تقوایش بیشتر شود. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸)؛ هرآینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند. ازجمله مضراتی که غرور علمی به دنبال دارد عبارت‌اند از:

عدم پذیرش سخنان رقیب: غرور علمی عالم مدعی به علم موجب می‌شود سخن حق رقیب را نپذیرد و همه تلاش و کوشش را در ابطال سخن حق رقیب صرف کند و هنگامی که نتوانست آن را ابطال کند به توجیه سخن خویش برمی‌آید. درواقع او با خودش بازی کرده و به دنیا و لهو و لعب تن در داده است (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۵۰). «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ، وَلَا تَنْظُرُ إِلَيَّ مَنْ قَالَ»؛ به گفته بنگر نه به گوینده، از معروف‌ترین فرمایشات امیرالمؤمنین است. در مسائل علمی لازم نیست به گوینده توجه شود، بلکه به گفته و گفتار توجه شود؛ اما در مسائل سیاسی و اجتماعی و اعتقادی باید به گفته و گفته تنها اکتفا نکنید، بلکه به گوینده آن نیز توجه کنید؛ زیرا گوینده حتی اگر راست بگوید ممکن است مقاصد بدی را مدنظر قرار داشته باشد.

خودبرترینی: رسوخ غرور علمی در خانه دل یک دانش‌آموخته منجر به خودخواهی و خودپسندی و خودبرترینی شده و از تلمذ و تعلیم و حکمت‌آموزی دیگران اعراض می‌نماید. چنین محقق، خود را از مشورت با دیگران هم بی‌نیاز می‌بیند. اهل سؤال نیست و حاضر نیست برای خود بالادستی تصور نماید. درحالی که خداوند ضمن این که نسبت به اعمال مؤمنین و دانشمندان آگاهی دارد عالمان را صاحب درجات بالاتر می‌داند. آنجا که فرمود: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱)؛ خدای تعالی مؤمنین را به یک درجه و علم داده شدگان را به چند درجه برتری داده و خدا بدان چه می‌کنید با خبر است.

در این معنا هیچ تردیدی نیست که لازمه ترفیع خدا درجه بنده‌ای از بندگانش را باعث زیادتر شدن قرب او به خدای تعالی است و این خود قرینه و شاهی است عقلی بر این که مراد از افرادی که موهبت علم داده‌اند، علمایی از مؤمنین

است؛ بنابراین، آیه شریفه دلالت می‌کند بر این که مؤمنین دو طایفه هستند، یکی آن‌هایی که تنها مؤمن‌اند، دوم آن‌هایی که هم مؤمن‌اند و هم عالم و طایفه دوم بر طایفه اول برتری دارند، هم چنان که در جای دیگر فرموده: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» (زمر: ۹) بگو آیا آن‌ها که می‌دانند و آن‌ها که نمی‌دانند یکسان‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۳۸۸) زمخشری در ذیل «دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ» آورده بین عالم و عابد یک‌صد درجه فاصله هست و بین هر دو درجه به اندازه هفتاد پیمایش اسب پرورش یافته فاصله وجود دارد (زمخشری، ۱۳۸۹: ۶۰۰).

فخر فروشی: جلوة دیگر غرور علمی، تفاخر نسبت به دیگران است. خداوند در سوره مبارکه لقمان اشاره به این امر دارد: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸)؛ متکبرانه روی از مردم برمگردان و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد البته عوامل متعددی در شکل‌گیری روحیه تفاخر طلبی نقش دارد که غرور علمی یکی از آن عوامل است. کسی که با فراگیری مشتی از اصطلاحات علمی، متوقع است همگان در برابر مقام علمی او خاضع باشند و سر فرود آورند و او را بر صدر نشاندند، دچار آفت‌زدگی علمی شده، این حالت، به مرور قوت می‌گیرد و جزء بافت شخصیتی انسان می‌گردد و آنگاه است که شخص دچار توهم شده و کار به دست او می‌دهد. این است که کسی خود را دانای همه‌فن‌حریف بداند و در همه عرصه‌ها خود را کارشناس و متخصص پندارد، از همان قماش افراد است که دچار «تورم شخصیت» هستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۱۴۷).

غرور علمی ریشه در فقر علمی دارد. قدرت و ثروت زیاد و علم هر دو برای انسان غرورآفرین است. غرور از ثروت به علت کثرت آن است، درحالی که غرور از علم به علت قلت آن ظهور می‌کند. «روح علمی»؛ یعنی روح حقیقت‌یاب. روحی بی‌غرض و طبعاً روح بی‌تعصب، روح خالی از جمود و خالی از غرور. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۸: ۸۰).

لذا رسولُ الله (صلی الله علیه و آله) به ابوذر وصیت می‌کند: «یا اَبَاذَرٍّ، إِذَا سَأَلْتَ عَنِ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ: لَا أَعْلَمُهُ تَنْجُ مِنَ تَبِعْتِهِ وَلَا تُفْتِ النَّاسَ بِمَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ تَنْجُ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷: ۲۸۵)؛ ای ابوذر! اگر درباره چیزی از تو سؤال شد که نمی‌دانی، بگو: نمی‌دانم تا از پیامدهای آن خلاص شوی و درباره آنچه نمی‌دانی فتوا مده تا از عذاب خدا در روز قیامت نجات‌یابی.

مجاهد علمی پیوسته باید مشغول نقد و ارزیابی دقیق و بی‌گذشت خویش باشد. مبدا امر بر خود مشتبه شود و خود را مصون و مبرا از هر عیب پندارد. باینکه آفت‌های علمی در بسیاری از صاحبان دانش وجود دارد، ولی کمتر کسی است که به نقص و کاستی و جهل خویش اعتراف کند.

۶-۴. فردگرایی

فردگرایی یا اصالت فردی یک تئوری در نظام «لیبرال- سرمایه‌داری» است که گستره معنایی فراوانی را در برمی‌گیرد. طبق این نظریه فردگرایی یک نظریه و ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش بالاتری را برای فرد در قبال اجتماع قائل شده است. تا حدی که در فرهنگ اقتصاد سیاسی مخالف جمع‌گرایی یا اصالت جمع یا جامعه و در اصطلاح امروزی «سوسیالیسم» است؛ اما با توجه به آیات قرآن سهم فرد و جامعه هر یک به‌طور فراوانی در نظر گرفته‌شده است. این نگاه، انسان را از چشم‌اندازهای افراطی دور می‌کند.

در این نگاه هم فرد نسبت به جامعه علمی نقش ایفا می‌کند و هم جامعه علمی وظایفی را نسبت به افراد عهده‌دار است. قرآن، حق را آمیخته‌ای از هر دو ویژگی فردی و اجتماعی می‌داند؛ از این رو، نه فرد می‌تواند از تأثیرات زندگی علمی و اجتماعی خارج شود و آن را نادیده بگیرد و نه جامعه علمی می‌تواند بی‌توجه از عناصر خود باشد، ضمن این که آموزه‌های دینی بر فعالیت جمعی برای رسیدن به نتیجه مطلوب، تأکید زیادی دارند و به انجام کارهای جمعی در موارد گوناگون، خواه در مسائل اقتصادی و خواه در مسائل فرهنگی و علمی را، توصیه نموده است. نمونه‌ای از کار جمعی در سوره یس کاملاً مشهود است. خداوند فرمود: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ» (یس: ۱۴) آن زمان

که ما دو نفر از رسولان را به سوی ایشان گسیل. داشتیم و آن دو را تکذیب کردند پس به وسیله رسول سومی آن دو رسول را تقویت کردیم. از این آیه شریفه چنین حاصل می شود که ایجاد گروه های هم فکر و همکار باعث ارتقاء همت، تلاش و اراده جمعی برای انسجام کارها و فعالیت های بزرگ تر می شود و مضافاً بر این که این گونه فعالیت های جمعی در لابه لای خود نیروهای متخصص بهتری را تربیت خواهد کرد و افراد تربیت شده و باتجربه، در خود احساس اعتماد به نفس بیش تری خواهند کرد؛ بدین صورت که فرد تنها به خودش متعلق نیست، بلکه می تواند با مشارکت و همکاری در امور، به دیگران هم تعلق داشته باشد. آموزه های دینی به همه نیازهای بشر توجه کرده است، به ویژه در ابواب اقتصادی فقه، نشان دهنده اهمیت کار و فعالیت گروهی در جذب سرمایه ها و نیروی انسانی است که می تواند انگیزه خوبی برای جامعه در ترویج فرهنگ، کار و فعالیت جمعی باشد. خداوند به طور شفاف به تعاون فرمان می دهد می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (المائده: ۲)؛ یکدیگر را در کار نیک و در تقوا یاری کنید؛ یعنی فکرها یاران را روی هم بریزید و اندیشه های خودتان را متمرکز کنید تا برکت کارتان بیشتر شود. بالطبع پژوهش علمی از این قاعده مستثنا نیست.

در قسمتی از خطبه دویست شانزده امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به این موضوع اشاره شده: «مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ... التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ» (سید رضی، خطبه ۲۱۶)؛ از حقوق واجب خدا بر بندگان، یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است بنا بر این اساس دین اسلام بر پایه اجتماع، پیوستگی و همبستگی فرد با جامعه است تا در مسیر زندگی و نیل به هدف تشریک مساعی کنند زیرا وجود فرد محدود و با هیئت مابینت خواهد داشت به همین قیاس آثاری که بر هیئت اجتماع مترتب می شود هرگز قابل قیاس با اثر محدود و ناچیز هر یک از افراد نخواهد بود، از این رو مسلمانان باید در انجام کارهای نیک پشتیبان یکدیگر باشند و افراد با یکدیگر ارتباط و اعتلاف یابند تا روح وحدت در کالبد آنان دمیده شود و از تفرقه و تشّت ایمن باشند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۴: ۳۳۰). از مهم ترین چالش در جهاد علمی فردگرایی است،

درحالی که در سایه فعالیت‌های گروهی می‌توان به نتایج کامل‌تری دست یافت و موجبات رشد و پیشبرد جهاد علمی را فراهم نمود.

۶-۵. اِتلاف وقت با سرگرم شدن و تلاش در امور بیهوده

در قرآن و روایات از واژگان «لهو و لعب» برای مشغولیت‌های سرگرم‌کننده، امور باطل و بیهوده به کاررفته است. «لهو» آن چیزی است که انسان را از آنچه که برای او لازم و مهم است باز می‌دارد. از هر چیزی که زمانی طولانی لذت و تمتع می‌برند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۳: ۱۶۴). «لعب» به معنای بازی از ریشه لعب که همان بزاق و آب دهان است گرفته شده و فعل آن «لعب-یلعب-لعبا» است؛ یعنی بزاق دهانش جاری شد؛ اما «لعب» به کسر (ع) در موقعی است که کسی کاری را بدون قصد و هدف و مقصد صحیحی انجام دهد مضارعش «یلعب» و مصدرش «لعباً» است (همان: ۱۳۵) بی‌شک پرداختن به این امور بازدارنده در علم‌آموزی و دانش‌پژوهی سد عظیمی است در مسیر پیشرفت جهاد علمی. قرآن کریم از ویژگی ممتاز بندگان برجسته خدا را دوری از لغو می‌داند: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (الفرقان: ۷۲)؛ و آنان که در مجلس غنا و دروغ‌پردازی و امور باطل حاضر نمی‌شوند و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می‌گذرند، با بزرگواری و متانت می‌گذرند. کلمه «لغو» به هر چیز بیهوده که بتوان آن را دور انداخت، گفته می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۸۶).

«وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ» مراد از لغو مجالس معصیت و اعمال قبیحه و افعال و اقوال محرمة است. «مَرُّوا كِرَامًا» وقف نمی‌کنند و نگاه نمی‌نمایند و اعتناء ندارند و آن را نشنیده و نادیده می‌گیرند و می‌گذرند اگر کسی به آن‌ها جسارت، اهانت و بی‌احترامی نمود، در مقام تلافی بر نمی‌آیند. (طیب، ۱۳۷۸، ۹: ۶۵۹).

حتی یک لحظه اشتغال و سرگرمی به کارهای بیهوده انسان را از سیر و سلوک به‌سوی فضیلت و سعادت بازمی‌دارد و روان را تیره و صفا و نورانیت را که کسب نموده از دست خواهد داد. با توجه به این که آیه تبری و روگرداندن از کار لغو و بیهوده را شعار اهل ایمان معرفی نموده، از نظر ارتباط قلبی و توجه که به ساحت پروردگار دارند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۱۱: ۲۳۵). همچنین امام

صادق (علیه السلام) فرمود: «إِيَّاكَ وَالذُّخُولَ فِيهَا لَا يَعْنيكَ فَتْنٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۸: ۲۰۴)؛ از ورود به کارهای بی هدف و بیهوده دوری کن که ورود در آن کارها موجب ذلت و خواری تو گردد. امام علی (علیه السلام) نیز فرموده‌اند: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۷۹۸)؛ هر کس به کاری که مهم و ضروری نباشد مشغول گردد کار مهم و ضروری را ضایع کرده است. نتیجه اینکه اشتغال به امور بیهوده از جمله چالش‌هایی است که می‌تواند دامن گیر محقق و پژوهشگر علمی شود و او را از پیشبرد اهداف تعیین شده علمی دور نگهدارد؛ اما آموزه‌های دینی برای مقابله با این مانع برنامه دارد.

۶-۶. تأخیر در انجام کار

از دیگر چالش‌هایی که در روند پژوهشی یک مجاهد علمی قرار دارد وقت‌کشی، امروز و فردا کردن و تأخیر انداختن انجام برنامه‌های معین است. اسلام به وقت‌شناسی و ارج نهادن به زمان و استفاده حساب‌شده و به‌جا از آن، سفارش و تأکید فراوان نموده و آن را از نعمت‌های بزرگ خدا شمرده است تا جایی که در روز قیامت از آن بازخواست می‌شود، خداوند در سوره مبارکه تکوین ضمن نهی از تکثرگرایی می‌فرماید: «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکوین: ۸)؛ سپس حتماً از نعمت‌ها سؤال خواهید شد. بی‌شک عمر انسان یکی از آن نعمت‌هایی است که در مورد آن مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. همچنین آنچه را که موجب اتلاف وقت می‌شود به‌عنوان لغو، باطل، افراط و به‌طور کلی بیهوده‌گرایی و پوچی، مورد نکوهش قرار می‌دهد، چراکه نابودی عالی‌ترین سرمایه زندگی را به دنبال دارد و بزرگ‌ترین آفت برای ارتقا و رشد یک برنامه‌هدفمند علمی انسان مجاهد است. سوگند خداوند تبارک و تعالی به زمان بیانگر ارج نهادن به لحظات گذران عمر انسان است. «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (العصر: ۱، ۲)؛ قسم به زمان به‌درستی که انسان دستخوش زیان است. پس از سوگند بر وقت و زمان، از زیان کار بودن انسان که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است، سخن به میان آورده است؛ زیرا انسان با مدیریت نکردن بزرگ‌ترین سرمایه خود، یعنی عمر و زندگی در دنیا را به بیهودگی هدر داده است. استفاده شایسته و صحیح از وقت و انجام به‌موقع امور، موجب

ترقیات مختلف در ابعاد گوناگون خواهد شد تا زمانی که انسان در حرکت است سرمایه عمرش در حال سپری شدن است و قابل توقف نیست. برای این موجود خسران زده تنها یک راهکار و برنامه وجود دارد، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (والعصر: ۳)؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و توصیه به حق را پذیرفتند و کسانی که توصیه به صبر و شکیبایی را پذیرفتند. «الّا» از ادات استثناء هست. ایمان و عمل صالح در واقع همان بیداری از غفلت و اعلام برنامه جبران از این خسارت یا پروسه درمانی یادشده هست. این افراد در کنار گذران عمر به یک چیز بهتری دست می‌یابند. این دسته از انسان‌ها خسارت نمی‌بینند؛ پس انسان برای رهایی از اتلاف وقت طبق راهکار قرآن ضمن ایمان و عمل صالح توأسی به حق و توأسی به صبر داشته باشد.

امام رضا (علیه‌السلام) درباره ارزش سرمایه عمر و لزوم مواظبت از آن به نقل از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشَحَّ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَدِينَارِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۴: ۷۸)؛ نسبت به حفظ عمرت حریص‌تر باش تا پول و ثروت. اسلام بر روی اهمیت زمان و چگونگی استفاده از آن تأکید ویژه دارد احادیث زیادی از معصومین (علیهم‌السلام) در خصوص شبانه‌روز، اولویت‌بندی کارها بر اساس اوقات، تقدم عبادات خداوند در اولویت زمانی و... وجود دارد. در فرمایشات امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر نکاتی وجود دارد که مربوط به مدیریت زمان است. این نکات عبارت‌اند از:

الف) کارهای جاری روزمره نباید موکول به آینده شوند بلکه در همان روز باید به انجام برسند.

ب) اوقاتی که صرف امور جامعه می‌شود نیز در زمره عبادات الهی قرار خواهد گرفت.

ج) برای انجام کارهای اجتماعی حتی در امور عبادی باید زمانی متناسب در نظر گرفته شود و از تعجیل و یا تأخیر خودداری شود (مقیمی، ۱۳۹۴: ۱۸۲، ۱۸۰ به استناد نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

راه مقابله این رذیله را امام علی (علیه‌السلام) پاسخ می‌دهد: «إِذَا أَمَكَّنْتَ الْفُرْصَةَ

فَانْتَرِزْهَا؛ فَإِنَّ إِضَاعَةَ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۳۷۱، ح ۴۱۱۷)؛ هرگاه فرصت دست داد، آن را شکار کن؛ زیرا تلف کردن فرصت مایه اندوه است. همچنین در نامه‌ای به یکی از یارانش می‌نویسد: «باقی‌مانده عمرت را تدارک کن و نگو فردا و پس فردا؛ همانا پیش از تو کسانی هلاک شدند که روی آرزوها و تأخیر انداختن کارها ایستادند تا ناگهان امر خدا فرارسید، درحالی که آنان غافل بودند (برازش، ۱۳۹۴، ۱۳: ۴۶۶).

۶-۷. ناامیدی از شکست (پایین بودن آستانه تحمل)

یأس و ناامیدی از شکست اغلب باعث می‌شود فرد علاقه خود را به موضوعات مهم، فعالیت‌های علمی، رویدادها یا افراد از دست بدهد. وحشت و ترس از شکست خوردن به قدری عمیق و تأثیرگذار است که بسیاری از مردم، فقط برای جلوگیری از احتمال شکست تلاش نمی‌کنند. ریشه ناامیدی از شکست برمی‌گردد به کمبود خودباوری و خودکم‌بینی. ناامیدی زمانی گریبان‌گیر مجاهد علمی می‌شود که مراتب متعدد شکست خوردن در زندگی علمی را تجربه کرده باشد و فرد ناامید می‌شود. اگر فرد بخواهد به اهداف علمی دلخواه خود دست یابد تا زمانی که نتیجه حاصل نشده، از تلاش فاصله نمی‌گیرد. جهادگر علمی برای نیل به هدف خود نیازمند برنامه‌ها و مسیرهای متفاوت است تا موفقیت خویش را تضمین کند. اگر فرد فقط یک‌راه و برنامه برای هدف خود داشته باشد احتمال شکست خوردن خود را افزایش می‌دهد. یکی از رموز موفقیت، توانایی گذر از دالان‌های شکست و قرار دادن شکست به‌عنوان پایه‌ای برای پیروزی است. بدون آن که شور و اشتیاق نیل به هدف موردنظر را از دست بدهد ادامه کار برایش بسی دشوار خواهد بود؛ زیرا موفقیت با تکرار آزمایش و خطا حاصل می‌شود. شکست به انسان می‌آموزد که از آن‌پس هوشمندانه‌تر عمل کند. در طول تاریخ موفق‌ترین و بزرگ‌ترین انسان‌ها افرادی هستند که دچار شکست‌های پی‌درپی و سختی شده‌اند. رسیدن به هدف، بدون وجود موانع معنای خود را از دست می‌دهد. در پس پرده شکست‌های علمی، درس‌هایی به دست می‌آید. درس‌هایی که به انسان کمک می‌کند از اعماق ناامیدی به جسارت در عمل کردن دوباره نائل شود. رابرت شولر (کشیش و

سخنران انگیزشی) می‌گوید: «باید نبایدهای کهنه و فرسوده منفی اندیش را درهم فروپاشید و به وجود احتمالات و امکان‌پذیر بودن‌ها ایمان بیاورید. به‌طور حتم شخصی که به امکان‌پذیر بودن می‌اندیشد کسی است که چشم‌انداز مثبتی دارد و فرد مثبت اندیش به امکان‌پذیر بودن همه‌چیز اعتقاد دارد» (شولر، ۱۳۸۸: ۸۷)، در این صورت شکست برای پژوهشگر مفهومی ندارد. او می‌گوید: «من کلمه غیرممکن را از فرهنگ لغات خود حذف کرده‌ام، چون بخش تحلیل‌گر مغزم را کنار نگذاشته‌ام بلکه آن را تقویت کرده‌ام، به همین دلیل می‌گویم مفهوم غیرممکن را قبول ندارم» (همان، ۵۷). همچنین به فرزندانش می‌گوید: «با شکست و ناکامی خداحافظی کنند و به موفقیت سلام گویند» (همان، ۸۳).

در قرآن به مؤمنان هم فرمان به رجاء و هم نهی از یأس آمده است می‌فرماید: «يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا» (السجده، ۱۶)؛ پروردگارشان را با بیم و امید می‌خوانند؛ یعنی مؤمن کسی هست که هم از آینده ترس دارد و هم به آینده امیدوار است و از آنجا که رحمت خداوند بیکران است مؤمن امیدوار است. ناامیدی به این معناست که یا در قدرت خدا و یا در بیکران بودن رحمت او تردید دارد و می‌پندارد رحمت و قدرت او محدود است. این خیال و باور زمینه کفر را فراهم می‌کند، از این روی به‌عنوان کفر مطرح شده است. در آیه‌ای دیگری خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷)؛ از فرج خدا نوید مشوید که جز گروه کافران از گشایش خدا نوید نمی‌شوند.

از آنجایی این صفت از جمله مهلکات و از گناهان کبیره هست در این آیه معلوم می‌شود که یأس از رحمت الهی موجب کفر است و علاج آن تحصیل ضد آن است و ضد آن رجاء، یعنی امیدواری که عبارت است از انبساط و سرور دل به جهت انتظار امر محبوبی، به شرط آن که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را تحصیل کرده باشد. مثل انتظار رسیدن گندم برای کسی که تخم بی‌عیبی را به زمین قابلی که آب به آن نشیند افشانده و آن را در وقت خود آب‌داده؛ اما توقع چیزی که هیچ‌یک از اسباب آن را فراهم نکرده باشد آن را رجاء نگویند، بلکه غرور و حماقت نامند. چون انتظار گندم از برای کسی که

تخم آن را نکاشته و یا در زمین شور و بی آب کاشته باشد معلوم است که چنین کسی انتظار گندم را به جز غرور و حماقت نیست (قمی، ۱۳۸۸: ۲۳).

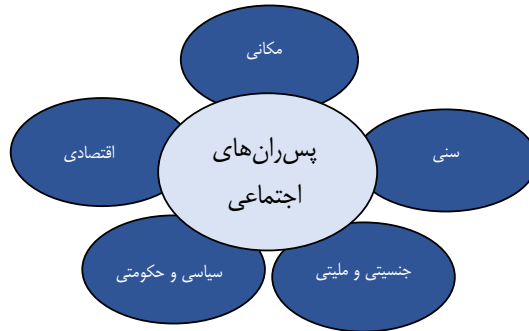
امام علی (علیه السلام) در مناجات شعبانیه فرمود: «إِلَهِي لِمَ أَسَلْتُ عَلَى حُسْنِ ظَلَمِي فَنُوطَ الْإِيَّاسِ وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ» (قمی، ۱۳۹۰: ۲۸۶)؛ الهی! نومیدی و یأس را بر گمان نیکم به تو چیره نمی گردانم و امیدم را از بزرگواری و بخشش زیبای تو، نمی بزم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بخشی از این روایت می فرماید: «لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ» (رضی، ۱۳۷۹، ۳۸۳: ح ۸۲)؛ هیچکس از شما جز به پروردگار خود امید نبندد. چه این که امیدواری به خداوند متعال موضوعی است که در آیات الهی و روایات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) بسیار بر آن تأکید شده و از آن به تعبیر «رجاء» یاد شده است.

۷. چالش‌ها و موانع اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی

هرچند پاره‌ای از چالش‌های فردی همچون تعصب، غرور علمی و ناامیدی از شکست در قالب اجتماعی هم متبلور است اما اساسی‌ترین چالش‌های اجتماعی را می‌توان انواع پسران‌های اجتماعی نام برد.

۷-۱. پسران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی

یکی دیگر از چالش‌هایی که یک مجاهد علمی با آن مواجه است وجود پسران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی است. هرچند امروزه با ظهور فناوری و رشد و توسعه رسانه بسیاری از این پدیده‌های اجتماعی نقض شده است؛ اما وجود عواملی همچون روحیه استکباری نظام‌های سلطه باعث قوت بخشی چالش‌هایی نوظهور می‌شوند و حیات علمی و حتی فیزیکی دانشمندان و محققان علمی را به مخاطره می‌اندازند، حتی دست به تخریب مراکز علمی، پژوهشی و قتل و کشتار دانشمندان علمی می‌پردازند. این پدیده مخرب اجتماعی در جوامع مسلمانان به وضوح قابل مشاهده است. درحالی که دین اسلام با عواملی که دانش‌افزایی را به عقب می‌راند نه تنها مبارزه می‌کند بلکه عموم مردم و مجاهدان عرصه دانش را به تولید و تحصیل علم و معرفت ترغیب و تأکید می‌نماید. مهم‌ترین این پسران‌های اجتماعی در ذیل (شکل ۱) اشاره می‌شود:



شکل ۱. پس‌ران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ»؛ دانشجویی بر هر مسلمانی واجب است همانا خداوند دانش‌جویان را دوست دارد (کلینی، بی‌تا، ۱: ۳۵). در این روایت به لحاظ اجتماعی هیچ‌گونه مرزی برای دانش‌افزایی قائل نشده است نه مرز جنسیتی و نه مرز قومی و قبیله‌ای، بلکه کسب دانش را برای همه افراد اجتماع مخصوصاً جامعه مسلمانان واجب شمرده است. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ» به معنای از هم گسیختن مرزهای قوم و قبیله‌ای در بستر دانش‌اندوزی است. خداوند دوست دارد هر قشری از افراد اجتماع که جوینده دانش باشد. از آن طرف، دین اسلام بستر زمانی را برای هر دانش‌پژوهی باز گذاشته و قائل به محدودیت زمانی نیست، بلکه از گهواره تاگور را زمان فراگیری دانش اعلام کرده است. استفاده بهینه از زمان، از رحمت‌های واسعه الهی است که «جنس انسان» را به بهره‌گیری از آن ترغیب نموده است. چنانچه رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «أُطَلِّبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (طوسی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۶). گاه لازم است که دانش‌پژوه مرزهای جغرافیایی را در نوردد و ماه‌ها و سال‌ها در خارج از شهر و خانه و کاشانه خود به سر برد و به تحقیق و تفحص در خصوص کشف یک حقیقت علمی بپردازد و در این راه سختی‌های مضاعفی را متحمل شود. سفرهای علمی «ابن قولویه» از محدثین مشهور و بلندآوازه شیعی به شهرها حتی کشورهای مختلف جهت

استماع حدیث از مشایخ برای تألیف کتاب کامل الزیارات خود گواه این مطلب است.

پس با توجه به روایات فوق اسلام ضمن این که قیود زمان و مکان را مانع فراگیری دانش نمی‌داند بلکه برای هر یک از قیود نامبرده شده برنامه دارد. در حدیثی دیگری از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»؛ دانش را فراگیرید اگرچه چین باشد (حرعاملی، ۱۳۷۲، ۲۷: ۲۷). دامنه طلب علم و دانش اندوزی در این روایت بسیار گسترده است زیرا رسول خدا نه از علم خاصی نام برده و نه از مکان خاصی و همه علوم حتی فیزیک و شیمی و ریاضی و سایر علوم طبیعی را در برمی‌گیرد و با نام بردن دورترین نقطه جغرافیایی جهان آن زمان، محدودیت مکانی برای علم‌آموزی را ملغی اعلام می‌کند. خداوند در سوره حشر فرمود: «فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (نحل: ۴۳) پس اگر نمی‌دانید از آگاهان (اهل کتاب) پرسید. کلمه ذکر مفهوم گسترده‌ای دارد. «ذکر» به معنای حفظ چیزی و یا استحضار آن است. هر چیزی که آدمی به وسیله آن حفظ شود و یا مستحضر گردد؛ اما در اینجا منظور از ذکر وحی نبوت و کتاب‌های نازل شده بر انبیاء و گروندگان به این کتاب‌ها است. «اهل الذکر» اهل کتاب‌های آسمانی، همان دانشمندانی هستند که تخصصشان در علم آن کتاب و عمل به شرایع آن است. آن‌ها اهل خبره و عاملین به آن علم‌اند پس دیگران باید به آن‌ها مراجعه کنند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ۱۲: ۳۸۲-۳۸۳). بر اساس نظر مفسران مصداق اهل ذکر، اهل البیت (علیهم السلام) هستند. در آیه مزبور هم بدون در نظر گرفتن قید مکان و زمان با مراجعه به دانایان فرمان علم‌آموزی صادر شده است.

۲-۲. بوروکراسی اداری

بوروکراسی نوعی نظام اداری است که در آن پابندی به مقررات اداری زیاد است و در مفهوم منفی، پابندی به مقررات دست‌وپا گیر و کاغذبازی است. بوروکراسی جلوی فعالیت و عمل را می‌گیرد. نوعی نظام حکومتی که در آن، ادارات و سازمان‌ها به وسیله افراد غیر حزبی یا غیر وابسته اداره می‌شود و در انتخاب آن‌ها فقط به تخصص توجه می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، ۲: ۱۰۶۰). بوروکراسی اداری

یکی دیگر از چالش‌های خسته‌کننده‌ای است که در مسیر تحقیق و پژوهش یک مجاهد علمی وجود دارد. سربازدن و زیر پا گذاشتن از قوانین توسط زبردستان و فرادستان، وجود قوانین و مقررات رسمی پیچیده و خشک و بازدارنده حاکم بر ادارات ذی‌ربط و بعضاً عدم شایستگی فنی و تخصصی و انعطاف‌ناپذیری کارکنان ادارات ذی‌ربط، موجب خستگی و گاه بیزاری پژوهشگر برای ادامه کار می‌گردد. اگر بوروکراسی خوب مدیریت نشود مشکلات عدیده‌ای پدید می‌آید که باعث کاغذبازی و کند شدن تصمیم‌گیری و ناکارآمدی و ناتوانی برای ایجاد تغییر در سازمان خواهد بود (مقیمی، ۱۳۹۳: ۸۹). بوروکراسی به صورت یک نظام، برای سازمان‌دهی مؤسسات اداری و خدماتی ارائه شده است. مترادف بوروکراسی در ادبیات فارسی همان «دیوان‌سالاری» است. نظام اداری یا حکومتی که در آن به مقررات و ضوابط موجود به شدت توجه می‌شود. بوروکراسی، افزایش تعداد سازمان‌های دولتی با ایجاد دیوان‌سالاری، کارایی دولت را کاهش می‌دهد (انوری، ۱۳۸۱، ۴: ۳۴۹۵). در جامعه امروزی این واژه به معنای فساد اداری یا کاغذبازی و رشوه‌گیری به کاررفته گرفته می‌شود. رعایت تشریفات اداری به حد افراط، تشریفات زائد کاغذبازی و مقررات اضافی و خسته‌کننده چنین معنایی را دربر می‌گیرد. بوروکراسی از نظر توده مردم، مفهومی منفی و انتقادپذیر دارد و انواع کاغذبازی و کندی جریان امور اداری، در ذهن عموم مردم امروزی تداعی می‌شود. درحالی‌که در اسلام هدف رسیدن انسان تا مرحله خلافت و نیل به لیاقت جانشینی خداوند در زمین مطرح شده است لذا بوروکراسی به معنای امروزی ماهیتاً با اهداف اسلامی به‌ویژه خلافت انسان در زمین مغایرت دارد و به‌عنوان یک نظام خشک و دست‌وپاگیر اقشار مختلف جامعه را آزار می‌دهد خصوصاً مانع پیشرفت مخصوصاً پیشرفت علمی است.

قسمت‌های زیادی از نامه امیرالمؤمنین به مالک‌بن‌حارث اشتر نخعی، هنگامی که او را فرمانروای مصر قرار داد تا خراج آنجا را گردآورد و با دشمنانش پیکار کند و کار مردمش را به صلاح آورد، بیانگر همین موضوع است. این نامه یک «اساسنامه راهبردی» است برای اصول حکومتی و مدیریتی و عمل به آن توسط هر مسئولی و در هر سطحی از عالی‌ترین مناصب حکومتی تا

مدیریت‌های رده پایین افق بازتری می‌دهد و مرزهای بوروکراسی را درمی‌نوردد (رضی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳ نهج‌البلاغه).

۷-۳. از خود بیگانگی

این پدیده که بیشتر جوامع توسعه‌نیافته مبتلا به آن هستند در قرآن و روایات به‌طور مستقیم به آن اشاره نشده لیکن معلول عواملی است که به شکل کلی به آن توجه خاص شده است. خداوند به‌صراحت فرمان داده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲)؛ زنهار، مطیع کافران مشو و با آنان جهاد کن جهادی بزرگ. در این آیه به‌طور شفاف آورده شده است، نه تنها نباید تابع و مطیع آنان باشی بلکه با آنان به جهاد برخیز. مقصود جهاد فکری و فرهنگی علیه کفار است، نه جنگ و قتال با آن‌ها. جنگ هست اما جنگ با اندیشه و فکر. در این میان بی‌شک قرآن تنها اسلحه نرم است؛ زیرا قرآن «تَبَيَّنَا لِكَلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) است. سراسر استدلال و برهان است. تأثیرگذار و عزت‌آفرین است. جذب نیروهای بیگانه شدن یا به‌اصطلاح امروزی، «فرار مغزها» بزرگ‌ترین چالش و دردناک‌ترین خطری هست که جامعه علمی جوامع اسلامی را تهدید می‌کند. فراز مغزها در بیشتر زبان‌های بیگانه به معنای به‌سوی خود کشیدن یا جذب مغزهای متفکر و نخبگان است.

دانش‌پژوهان و نخبگان علمی همچون سایر منابع ملی با ارزش‌اند، مانند نفت و گاز و غیره ذخایر طبیعی یک جامعه هستند با این تفاوت که منابع و ذخایر ملی روزی به اتمام می‌رسد؛ اما ژن‌های باهوش علمی سرمایه و ثروتی هستند که نه تنها تمام نمی‌شوند بلکه تکثیر می‌شود، اما در محیطی مساعد و مناسب. فراز مغزها علل و دلایل متعدد فردی و اجتماعی دارد که شاخص‌ترین آن‌ها توطئه تبلیغاتی کشورهای توسعه‌یافته، ضعف ایمان، داشتن روحیه خوش‌گذرانی و عشرت‌طلبی، ضعف نفس، فقدان تعهد لازم نسبت به افراد جامعه است که در این خصوص براهین فراوانی در آموزه‌های دینی وجود دارد. بررسی این براهین در این مقال نمی‌گنجد و تنها به‌عنوان یک نوع چالش در پیشبرد جهاد علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از طرفی در قرآن و روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، بارها نسبت به

سرسپردگی انسان نسبت به غیر خدا و خود فراموشی تذکر داده شده می‌فرماید: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ؛ بگو آنچه را که به آن خود را فروختند بد چیزی است (بقره: ۹۰). «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (الحشر: ۱۹)؛ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آن‌ها فاسقان‌اند. در بینش قرآنی، خود فراموشی و خود بیگانگی و به‌صورت مطلق، مورد نکوهش واقع شده است. بسیاری از انسان‌ها، خود حقیقی را فراموش کرده یا از آن غافل شده‌اند، در واقع خود حقیقی را فروخته و در ذات خویش دچار زیان شده‌اند. انسانی که دیگری را خود پنداشته، خود حقیقی را مورد غفلت قرار داده است و غفلت از خود حقیقی رشد ندادن بلکه انحطاط بخشیدن به آن یعنی خود زیانی.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به‌صراحت از بیگانگان و گرفتار شدن در دام بیگانه اعلان انزجار می‌کند و این پدیده را سوارشدن بر مرکب گمراهی می‌پندارد و می‌فرماید: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكاً فَبَاطَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّةَ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ، فِعْلٌ مِّنْ قَدِّ شَرِكَةِ الشَّيْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ» (رضی، ۱۳۷۹: ۵۳، خ ۷)؛ شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرار داد و در دل‌های آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد. با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت. پس با یاری آن‌ها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد، مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید. کما این که امام صادق (علیه‌السلام) از زبان پدران‌ش روایت نموده: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ الْأُمُورَ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا». خداوند تمام امور مؤمن را به خودش واگذار نموده ولی ذلت را به او تفویض نکرد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۷۹). ارتباط این آیات و روایات با چالش از خودبیگانگی در این است که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه بر فرهنگ و قدرت ایمانی نشئت گرفته از خدا و قدرت ملی جامعه اسلامی باشد. کار علمی مجاهد علمی طبق آیات و احادیث فوق خود فراموشی

و خود بیگانگی مجاهد علمی تحقیر و ذلت به دنبال دارد نه بزرگی و عزت. در همین راستا رهبر انقلاب به عدم پیروی همیشگی از غرب را جایز ندانسته و در دیدار نخبگان و اساتید علمی در خصوص ضرورت دستیابی به خودکفایی علمی فرمودند: نباید ما در مسئله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد شود، پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی است؛ و این جایز نیست» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

۸. نتیجه‌گیری

جهاد علمی تلاش مضاعف همراه با تحمل دشواری‌ها جهت کشف مجهولات علمی و زیرساخت یک تحول فرهنگی است که در قرآن به‌عنوان «جهاد کبیر» نام‌برده شده است. وجود چالش‌های فردی مثل تعصب بی‌جا در عدم پذیرش آراء و نظریات علمی و معقول، پیش‌داوری‌های بدون تعمق در یافته‌های علمی، غرور علمی و چالش‌های اجتماعی مثل عوامل غیراصولی و از خودبیگانگی در فرایند کشف حقایق گاهی مانع پیشرفت انجام کار می‌شوند و گاهی هم سرعت انجام کار را دشوار و گاهی هم کند می‌کند. بالطبع حمل این شاخصه‌های منفی توسط مجاهد علمی بر روند پیشبرد اهداف جهاد علمی تأثیر منفی و گاه بازدارنده دارد و در کاهش تلاش مضاعف مجاهد علمی و در تقلیل میزان موفقیتش نقش بسزا دارد. در این مقاله ضمن بررسی چگونگی تأثیرگذاری منفی وجود این چالش‌ها بر جوامع اسلامی، راه‌های مقابله و مدافعه آن‌ها با بهره‌گیری از آیات و روایات به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و علاوه بر موارد فوق نتایج زیر حاصل خواهد گشت:

- با توجه به اهمیت جهاد علمی در قرآن و احادیث وجود چالش‌ها در پیشبرد اهداف جهاد علمی کتمان‌ناپذیر است.
- قرآن و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برای مانع‌زدایی و مقابله با هر یک از چالش‌ها برنامه‌های معقول و منسجمی ارائه نموده‌اند.

- به همین موازات داشتن اعتماد و اطمینان قلبی و «توجه راهبردی» مجاهدان علمی نسبت به فرمان‌های الهی و احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) راهگشا و حائز اهمیت بوده است.
- برخی از این موانع مطابق با فرمان‌های الهی و احادیث به شکل فردی قابل حل و برخی دیگر به شکل اجتماعی توسط سازمان‌های ذی‌ربط علمی و مجامع عمومی قابل رفع و دفع می‌باشند.
- کشف این موانع و راه‌های مقابله با آن گام مؤثری است در جهت شکوفایی استعدادها، پیشرفت، اقتدار، تعالی جوامع اسلامی و نیل به استغنا و خودکفایی علمی.
- مقابله با این چالش‌ها باعث می‌شود تا با سرعت بیشتری از مرزهای کنونی دانش در جامعه اسلامی عبور کرد.
- ضمن فتوحات علمی، قدرت عزت و سلطه علمی بر جامعه اسلامی در سطح جهانی فراهم گردد.
- از همه مهم‌تر گام مؤثری خواهد بود در جهت پیاده کردن منویات مقام معظم رهبری در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

منابع

- * قرآن کریم.
* نهج البلاغه.
- ۱- ابن منظور، محمدابن مکرم، (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، چاپ ۳، بیروت، نشر دار صادر.
 - ۲- انوری، حسن، (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن.
 - ۳- برازش، علیرضا، (۱۳۹۴). تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)، تهران، نشر امیرکبیر.
 - ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، (۱۳۸۸). غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: لطیف راشدی و سعید راشدی، چاپ ۱، قم، نشر پیام علمدار.
 - ۵- جوادی آملی، (۱۳۷۷). عبدالله، تفسیر موضوعی، چاپ ۱، قم، نشر اسراء.
 - ۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات، چاپ ۵۲، قم، نشر اسراء.
 - ۷- حاکم نیشابوری، (بی تا). محمد ابن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، لبنان، بیروت، المكتبة العصرية.
 - ۸- حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۷۲). وسائل الشیعة، تهران، الاسلامیه.
 - ۹- حسینی همدانی، (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان، محقق: بهبودی محمد باقر، تهران، نشر لطفی.
 - ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۱۱- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، (۱۳۸۷). المفردات فی الفاظ القرآن، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی آرایه، نشر سبحان.
 - ۱۲- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، (۱۳۹۵). المفردات فی الفاظ القرآن، ترجمه: حسین خداپرست، تهران، نشر نوید اسلام.
 - ۱۳- رامیار، محمود، (۱۳۸۹). تاریخ قرآن، چاپ ۹، تهران، نشر امیرکبیر.
 - ۱۴- رضایی اصفهانی، محمدعلی و رستم نژاد، مهدی، (۱۴۰۰). جهاد علمی از منظر قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب، دو فصلنامه علمی قرآن و علم، د ۱۵، ش ۲۹.
 - ۱۵- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۹). تفسیر کشاف، تهران، نشر ققنوس.
 - ۱۶- ساجدی، اکبر؛ نعمتی، جواد و عرفانی راد، سید محسن، (۱۳۹۳). اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۷، صص ۱۱۹-۱۴۰.
 - ۱۷- شولر، رابرت، (۱۳۸۸). موقفت را پایانی نیست؛ شکستی وجود ندارد، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران، نشر البرز.
 - ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، (۳۶۶). تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ دوم، قم، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
 - ۱۹- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۷۹). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه محمدی عبدالله، قم، نشر دارالثقلین.
 - ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: احمد امیری شادمهری، مشهد، نشر بنیاد پژوهش های اسلامی.
 - ۲۱- طوسی نصیرالدین، محمدبن محمد، (۱۴۱۶ ق). آداب المتعلمین، محقق: سید محمد رضا

- حسینی جلالی، چاپ ۱، شیراز، نشر مدرسه علمیه امام عصر (عج).
- ۲۲- طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۸۷). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، نشر اسلام.
- ۲۳- فراتی، عبدالوهاب، (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی*، چالش‌ها و بحران‌ها، قم، نشر معارف.
- ۲۴- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ ق). *تفسیرالصافی*، تهران، نشر الصدر.
- ۲۵- قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۸). *المقامات العالیه*، خلاصه معراج السعاده، چاپ ۲، قم، نشر نهاوندی.
- ۲۶- قمی، شیخ عباس، (۱۳۹۰). *مفاتیح الجنان*، چاپ ۱۸، قم، نشر آیین دانش.
- ۲۷- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (بی تا). *اصول کافی*، قم، نشر مسجد.
- ۲۸- کیان‌خواه، احسان و ساری، حسین، (۱۳۹۷). *شناخت عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، د ۸، ش ۳۰، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*، محقق، مصحح: جمعی از محققان، چاپ ۲، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی.
- ۳۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸). *ده گفتار*، چاپ پنجم، تهران، نشر صدرا.
- ۳۱- مقیمی، سید محمد، (۱۳۹۳). *مبانی سازمان و مدیریت*، چاپ ۱، تهران، نشر راه دان.
- مقیمی، سید محمد، (۱۳۹۴). *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، چاپ ۱، تهران، نشر نگاه دانش.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- هاشمی خانعباسی، سیدعلی و نوروز ولاشدی، رضا، (۱۳۹۶). *جهاد علمی در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه قرآن کریم با تاکید بر تفسیرالمیزان*، مطالعات قرآنی، س ۸، ش ۳۲، صص ۱۴۱-۱۵۷.
- ۳۴- وایت، میشل، (۱۳۷۷). *شخصیت‌های ماندگار (گالیلئو گالیلئو)*، ترجمه: شهناز مرتضوی میلانی، تهران، نشر جاده ابریشم.
- ۳۵- ورنر زد، هیرش و لوک ای ویر، (۱۳۸۱). *چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم*، ترجمه: یوسفیان املشی، تهران، دانشگاه حسین (علیه السلام).

36- <https://hawzah.net>

37- <https://rasekhoon.net>

References

- * The Holy Qur'an.
- * Nahj al-Balagha.
- 1- Al-Hakim Nishaburi, (n.d). Muhammad Ibn Abdullah, Al-Mustadrak ala al-Sahihain, vol. 3, Lebanon, Beirut, al-Maktabah al-Asriyah.
- 2- Al-Hurr al-Amili, Muhammad bin Hasan, (1372). Wasa'il al-Shi'a, Tehran, Al-Islamiya.
- 3- Al-Kulaini, Abu Jaafar Mohammad bin Yaqub bin Ishaq, (n.d). Usul Al-Kafi, Qom, Masjid publication.
- 4- Al-Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH). Bihar al-Anwar, researcher and proofreader: a group of researchers, 2nd edition, Beirut, Ihya al-Turath al-Arabi Publishing House.
- 5- Al-Qommi, Abbas, (1388). Al-Maqamat al-Aaliya, summary of Mi'raj al-Saadah, 2nd edition, Qom, Nahavandi publishing house.
- 6- Al-Qommi, Abbas, (1390). Mafatih al-Jinan, 18th edition, Qom, Ayin Danesh publication.
- 7- Al-Raghib al-Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, (1387). Al-Mufardat fi Alfaz al-Qur'an, translated by: Mustafa Rahiminia, 2nd edition, Arayeh Cultural Institute, Sobhan Publishing House.
- 8- Al-Raghib al-Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, (1395). Al-Mufardat fi Alfaz al-Qur'an, translated by: Hossein Khodaparast, Tehran, Navid Islam Publishing House.
- 9- Al-Tabarsi, Ali bin Hasan, (1379). Mishkat al-Anwar fi Ghurar al-Akhbar, translated by: Mohammadi, Abdullah, Qom, Dar al-Thaqalain.
- 10- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1374). Translation of Tafsir Jawami' al-Jami', translated by: Ahmad Amiri Shadmehri, Mashhad, Islamic Research Foundation.
- 11- Al-Tamimi Al-Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad, (1388). Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, translated by: Latif Rashidi and Said Rashidi, 1st edition, Qom, Payam Alamdar Publishing.
- 12- Al-Tousi Nasiruddin, Muhammad bin Muhammad, (1416 AH). Adaab al-Muta'allimin, researcher: Seyyed Mohammad Reza Hosseini Jalali, 1st edition, Shiraz, Imam Asr (AS) Seminary publishing house.
- 13- Al-Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1389). Tafsir Al-Kashshaf, Tehran, Qoqnoos publication.
- 14- Anvari, Hasan, (1381). Farhang Bozorg Sokhan, Tehran, Sokhan Publishing House.
- 15- Barazesh, Alireza, (1394). Tafsir of Ahl al-Bayt (AS), Tehran, Amir Kabir Publishing House.
- 16- Dekhoda, Ali Akbar, (1377). Dekhoda Dictionary, Tehran, Tehran University Press.
- 17- Fayz Al-Kashani, Mohammad Mohsen, (1415 AH). Tafsir al-Safi, Tehran, Al-Sadr Publishing house.
- 18- Furati, Abdul Wahhab, (1381). Islamic Revolution, Challenges and Crises, Qom, Maarif Publishing house.
- 19- Hashemi Khan Abbasi, Seyyed Ali; Norouz Valashdi, Reza, (1396). Scientific Jihad at Ideal University of the Islamic Revolution from the Perspective of the Holy Qur'an with an emphasis on Tafsir al-Mizan, Qur'anic Studies, Issue 8, vol. 32, pp. 141-157.
- 20- Hosseini Hamdani, Muhammad (1404 AH). Anwar Derakhshan, researcher: Beh-

- bodhi Mohammad Baqer, Tehran, Lotfi Publishing House.
- 21- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram, (1414 AH). Lisan al-Arab, 3rd edition, Beirut, published by: Dar Al-Sadir.
- 22- Javadi Amoli, Abdullah, (1377). Tafsir Tasnim, 1st edition, Qom, Isra Publishing House.
- 23- Javadi Amoli, Abdullah, (1391). Mafatih al-Hayat, 52nd edition, Qom, Isra Publishing House.
- 24- Kiankhah, Ehsan; Sari, Hossein, (1397). Knowing the factors of scientific jihad leading to the strengthening of the internal construction of national power, Scientific Research Quarterly of Interdisciplinary Knowledge-Strategic Studies, Issue 8, No. 30, pp. 121-148.
- 25- Makarem Shirazi, Nasir (1374). Tafsir Nomooneh, 1st edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyeh publishing house.
- 26- Moghimi, Seyyed Mohammad, (1394). Fundamentals of Organization and Management, 1st edition, Tehran, Rahdan publication.
- 27- Moghimi, Seyyed Mohammad, (1394). The Principles and Foundations of Management from the Perspective of Islam, 1st edition, Tehran, Negah Danesh publication.
- 28- Motahhari, Morteza, (1368). Ten Speeches, 5th edition, Tehran, Sadra Publishing House.
- 29- Ramyar, Mahmoud, (2008). History of the Qur'an, 9th edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House.
- 30- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali and Rostamnejad, Mahdi, (1400). Scientific Jihad from the perspective of the Qur'an and the statement of the second step of the revolution. Two Scientific Quarterly Journals, Qur'an and Science, Issue 15, No. 29.
- 31- Sajdi, Akbar; Nemati, Javad; Erfanirad, Seyyed Mohsen, (1393). Scientific Authority in Islamic Political Thought, Islamic Revolution Studies, Issu. 11, vol. 37, pp. 119-140.
- 32- Shuler, Robert, (1388). Success has no end; There is no failure, translated by: Mahdi Karachedaghi, Tehran, Alborz publishing house.
- 33- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1366). Tafsir al-Mizan, translated by: Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamdani, 2nd edition, Qom, Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- 34- Tayyib, Seyyed Abdul Hussein, (1387). Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Islam Publishing House.
- 35- Werner Z., Hirsch and Luke E. Weber, (1381). Challenges Facing Higher Education in the Third Millennium, translated by: Yousefian Amlashi, Tehran, Imam Hossein (AS) University.
- 36- White, Michelle, (1377). Lasting Characters (Galileo Galileo), translation: Shahnaz Mortazavi Milani, Tehran, Silk Road Publishing.

Websites

- 1- <https://hawzah.net>
- 2- <https://rasekhoon.net>

Islam's Attitude towards Childbearing and Population Increase; Quantity or Quality?

Mohammad Javad Saqqaye Biriya¹, Ali Abu Torabi², Ismail Cheraghi Kotiani³

Abstract

Increasing the number of children in the Islamic society is strongly encouraged by Islamic texts. Now, the question is whether the Qur'an and hadiths have also paid attention to improving the quality of offsprings and children. It is clear that this issue will affect the size of the family and the population of Muslims. By looking at the texts, it is clear that the quality of offsprings has certainly been taken into consideration. However, to what extent one should seek to improve the quality of his generation and what quality indicators can be used to monitor it, are matters that need further research. This research aims to answer the question of what is more important from the perspective of Islam: the number of children and population increase, or the quality of generation. The research method in terms of data collection is library-based, and in terms of problem solving is the descriptive-analytical-interpretive.

The most important findings of the research are: 1. Increasing the number of children is the first demographic principle; 2. In parallel with this principle, promoting "quality" is another demographic principle related to having children, and these two principles should go hand in hand; 3. The most important indicators of child quality from the perspective of the Qur'an and hadiths are as follows: having faith, sincerity in worship, love for the Household of the Prophet (peace be upon them), piety and kindness to parents and the leadership of the pious.

Keywords: Marriage, Reproduction, Childbearing, Birth, Demography, Population Quality, Population Quality Indicators



1- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, mjbiria@iki.ac.ir

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, aliaaboutorabi1400@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, esmaeel.chraghi@gmail.com





تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

20.1001.1.30605644.1403.4.2.4.9

10.22034/arq.2024.206183

نوع مقاله: علمی پژوهشی

نگرش اسلام به فرزند و جمعیت؛ کمیت اصل است یا کیفیت؟

محمدجواد سقای بی‌ریا^۱

علی ابوترابی^۲

اسماعیل چراغی کوتیانی^۳

چکیده

افزایش کمیت فرزندان در جامعه اسلامی مؤکداً مورد تشویق متون اسلامی است. اکنون، پرسش آن است که آیا قرآن و روایات به ارتقای سطح کیفیت فرزندان نیز توجه داشته‌اند. بدیهی است که این مسئله بر اندازه خانواده و جمعیت مسلمانان تأثیرگذار خواهد بود. با نیم‌نگاهی به متون، معلوم می‌شود که کیفیت فرزندان نیز قطعاً مدنظر بوده است؛ اما اینکه تا چه حد باید در پی ارتقای کیفیت بود و با کدام شاخص‌های کیفیت می‌توان آن را رصد کرد، نیازمند بررسی‌های بیشتر است. هدف از انجام این پژوهش، پاسخگویی به این پرسش است که در نگرش اسلام به فرزند و جمعیت، تعداد فرزندان اصل است یا کیفیت آنان. روش ما در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در حل مسئله، توصیفی - تحلیلی - تفسیری است. مهم‌ترین نتایج عبارت‌اند از: ۱. افزودن بر کمیت فرزندان، نخستین اصل جمعیتی است؛ ۲. به موازات این اصل، ارتقای «کیفیت»، اصل جمعیتی دیگری است که با فرزندآوری مرتبط است و این دو اصل باید به موازات یکدیگر پیش روند؛ ۳. مهم‌ترین شاخص‌های اثباتی برای کیفیت فرزند از دیدگاه

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، mjbiria@iki.ac.ir

۲- استادیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، aliboutorabi1400@gmail.com

۳- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، esmaeel.chraghi@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



است یا مشخصاً فرزند را یک کالای اقتصادی می‌دانستند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷: ۶۰ - ۵۵). حال، باید دید قرآن و روایات به کدام قسم از شاخص‌های کیفیت - مادی یا معنوی - پرداخته‌اند و بر کدام بیشتر تأکید کرده‌اند. مقصود از «روش تفسیری»، در این پژوهشی، روشی است که از آن در فهم مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد جدی خداوند و مقاصد الهی از آن‌ها (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۴) بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلایی استفاده می‌شود (رجبی، ۱۳۹۱: ۹). ضمناً برای بررسی اعتبار سندی روایت‌های مورد استناد، از بررسی‌های سندی نرم‌افزار درایة النور نسخه ۱/۲ تولیدی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) استفاده کرده‌ایم.

این پژوهش، دارای سه هدف است: ۱. داوری بین طرفداران فرضیه‌های مختلف درباره این مسئله؛ ۲. کشف برخی شاخص‌های کیفی فرزند - در برابر شاخص کمی آنان - از منظر قرآن و روایات؛ ۳. بصیرت دهی به آحاد جامعه اسلامی و دولت‌های آن در مورد زمینه‌سازی برای دستیابی فرزندان به کیفیت‌های مطلوب. علی‌رغم جستجو در منابع و مدارک علمی، به هیچ اثری که با منبع قرار دادن قرآن و روایات بیانگر این مسئله باشد، دست نیافتیم. با این حال، به پاره‌ای از آثار مرتبط با آن اشاره می‌کنیم:

بانکی‌پور فرد (۱۴۰۱) اعلام کرد در قانون جوانی جمعیت، در کنار کمیت به کیفیت هم پرداخته شده است. وی بیان کرد که با کاهش جمعیت، نخبگان کشور هم کاهش یافت و این یعنی تأثیر کمیت بر کیفیت.

بردستانی (۱۴۰۰) به شاخص‌های متداول کیفیت زندگی از قبیل افزایش اقتدار خانواده و جامعه، یاریگر و تسهیل‌کننده مشکلات بودن، رفتار نیکو، عزت و شادکامی پرداخته است. آنچه در این پژوهش آمده است کاملاً متفاوت با این شاخص‌هاست.

توانا (۱۳۹۸) در پایگاه اطلاع‌رسانی *راسخون*، با استفاده از برخی روایات مبنی بر مطلوب بودن تکثیر فرزند و تربیت صحیح آنان، چنین نتیجه گرفته است که نه تنها کمیت فرزندان مانع از تربیت صحیح آنان نمی‌شود بلکه به آن کمک نیز می‌کند.

توکلی (۱۳۹۵) آورده است که مدافعان کاهش جمعیت، افزایش کیفی آن را مهم‌تر از افزایش کمی می‌دانند و بین رشد کمی جامعه و نوآوری آن رابطه مثبت برقرار می‌دانند.

درویشی و نامداری (۱۳۹۹) معتقدند که بین اندازه خانواده و کیفیت آن ارتباط منفی غیرخطی وجود دارد. البته این ارتباط برای همه فرزندان یکسان نیست و برای تولدهای تا سوم این میزان کمیت مکمل کیفیت است.

چراغی کوتیانی (۱۳۹۷) توجه به ابعاد کمی و کیفی جمعیت را در کنار یکدیگر ضروری دانسته است. در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) چنین آمده است: «رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد سازوکار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی» که در آن به کمیت و کیفیت در کنار هم و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی اشاره شده است.

عرب (۱۳۹۲) به نقل از یکی از اندیشمندان، فراوانی فرزندان را - اگر مانع از تربیت صحیحشان باشد - مطلوب نمی‌داند. وی به نقل از اندیشمند دیگری، نفی مطلوب بودن ذاتی فرزند آوری یا توجه صرف به کیفیت فرزند، نه کمیت آن را به لحاظ اسلامی بی‌مبنا می‌داند.

سیدمیرزایی (۱۳۷۶) تلویحاً پذیرفته است که در نگاه اسلام، ابعاد کمی و کیفی زندگی اجتماعی باید تحقق یابد راه دستیابی به چنین حالتی «عدالت» است. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (بی‌تا) کمیت جمعیت را بر سلامت اعم از جسمی، اخلاقی، تربیتی، روانی و اجتماعی تأثیرگذار دانسته است که همگی از کیفیات به شمار می‌آیند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی (بی‌تا) در بحثی کلی آورده است که قرآن همه‌جا کیفیت را بر کمیت مقدم می‌دارد که قاعدتاً در فرزند آوری نیز مصداق می‌یابد.

پایگاه ایکس شبیه (بی‌تا) با بیان برخی آیات و روایات، اجمالاً به پاسخ به این شبهه پرداخته است که فرزند کمتر موجب کیفیت بهتر آن می‌شود. نتیجه همان است که ما آورده‌ایم؛ یعنی کمیت و کیفیت هر دو مقوله‌ای مهم هستند.

به‌طور کلی، در متناسب‌سازی نظریه‌های مشهور جمعیتی با بحث کمیت و کیفیت، می‌توان نظریه‌های کاهش جمعیت، مثل نظریه مالتوس را کیف‌گرا معرفی کرد؛ چراکه وقتی منابع بیشتری برای افراد کمتری تخصیص داده شود، طبیعتاً بر کیفیت جمعیت افزوده خواهد شد؛ اما نظریه‌های افزایشی را می‌توان تا حدود زیادی کمیت‌گرا به حساب آورد.

در ارزیابی کلی این آثار، اساساً منبع برخی از این پژوهش‌ها قرآن و روایات نبوده و برخی که صبغه اسلامی دارند، مسئله را بسیار سر بسته بیان کرده‌اند. هر چند برخی از پژوهش‌ها، قرآن و روایات را منبع قرار داده‌اند؛ اما استفاده گسترده از آیه‌ها و روایاتی که به نحوی با مسئله مزبور ارتباط دارند، می‌تواند به‌عنوان نوآوری روشی این پژوهش لحاظ شود که جای آن در دیگر پژوهش‌ها خالی است.

از یک طرف، جمله کوتاه و جذاب «کیفیت بر کمیت مقدم است» می‌تواند تأثیر عمیقی بر اذهان افراد جامعه، رفتارهای فرزند خواهی و فرزند آوری آنان داشته و نهایتاً ساختار جمعیت جامعه را دچار تغییر اساسی کند و در عمل آن را به سمت کاهش هرچه بیشتر سوق دهد؛ بنابراین بررسی این مسئله حائز اهمیت است. از طرف دیگر، این مسئله با ضعف ادبیات پژوهشی مواجه است. از ترکیب اهمیت ذاتی و فقدان پیشینه لازم، ضرورت انجام این پژوهش حاصل می‌شود. واژه «جمعیت» اصطلاح جمعیت‌شناختی که بسیار به معنای لغوی اخیر نزدیک است، به تجمعی از انسان‌ها گفته می‌شود که در منطقه‌ای مشخص (روستا، شهر، شهرستان، استان یا کشور) به‌صورت مستمر و غالباً به شکل مجموعه‌ای از خانوارها زندگی می‌کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۳) و پایگاه سیاسی، شرایط ملی و قومی یکسانی دارند (پورعیسی چافجیری، ۱۳۹۵: ۱۷).

واژه «اصل» در لغت به معانی بنیاد، ریشه، اساس و پایه کار، مهم و مقابل فرع به کار رفته است (شهیدی و همکاران، ۱۳۷۳، ۲: ۲۳۸۸) و مراد از آن در این پژوهش، امر مهم در برابر «فرع»^۱ به معنای چیزی است که در درجه دوم اهمیت قرار دارد. از آنجا که یکی از محورهای اصلی پژوهش، درباره «شاخص‌های کیفی جمعیت» است، شایسته است واژه «شاخص» را نیز مفهوم‌شناسی و تعریف کنیم. شاخص در

اصطلاح عبارت است از معیاری برای ارزیابی، ارزشیابی، سنجش و اندازه گیری متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. محققان، شاخص رارکن پنجم فرایند برنامه ریزی دانسته اند. این ارکان عبارت اند از: هدف، روش، وسیله، نظام و معیارهای ارزشیابی. شاخص مشخص می کند که آیا در سمت هدف حرکت می کنیم یا فعالیت ما به هدر می رود (چراغی کوتیانی، ۱۴۰۰: ۱۱۸)؛ بنابراین مقصود از شاخص کیفیت فرزند و جمعیت، هر پدیده ای است که به فهم بهتر کیفیت آن ها کمک می کند؛ مانند سلامت، رفاه، تفریح، تربیت و ایمان.

۲. کمیت جمعیت

برخی آیه های قرآن و برخی روایات، به شکلی غیرصریح بر مطلوب بودن افزایش جمعیت دلالت دارند که در ادامه به برخی از آن ها می پردازیم:

۲-۱. وجود رابطه همسری در متن آفرینش انسان

شاید یکی از روشن ترین آیه ها در این زمینه، آیه ای باشد که می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

جمله اخیر این آیه، به روشنی می رساند که منتشر شدن جمعیت فراوان انسان ها روی زمین، در اثر ارتباط زناشویی دو همسر نخستین بوده و این رابطه به منظور تکثیر نسل انسان، در متن آفرینش آن دو و نسلشان (ر.ک. سجده: ۷، ۸) نهاده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج: ۲۰۸).

۲-۲. مأمور بودن آحاد جامعه اسلامی به آماده سازی نیرو در حد توان

آیه دیگری، به مردم در جامعه اسلامی فرمان می دهد تا هر نیرویی که در توان دارند برای مقابله با دشمن مهیا سازند؛ آنجا که می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [دشمنان]، آماده سازید! اگر نگوئیم که نیرو منطبق بر نیروی جمعیتی است؛

آن گونه که از برخی آیات برداشت می شود (کهف: ۹۵)، دست کم یکی از موارد قوه، موالید است. برخی مفسران نیز ذیل آیه ۶۰ سوره انفال، «ما استطعتم» را عام و شامل هر نیرو دانسته اند (ر.ک. شاذلی، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۱۵۴۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۳: ۴۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۷: ۲۲۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۴: ۸۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ۱: ۸۱۷). گفتی است که اشاره به مادین‌های جنگی در ادامه آیه، باعث نمی شود که عمومیت «ما» در عبارت «ما استطعتم من قُوَّةٍ» به مسائل جنگی اختصاص داشته باشد و نسبت به دیگر نیروها فراگیر نباشد؛ بنابراین آیه مزبور شامل هر نیرویی، از جمله نیروی ناشی از جمعیت پرشمار و جوان نیز می شود. کلامی از رهبر معظم انقلاب اسلامی، به روشنی بر شمول قُوَّة نسبت به نیروی جمعیتی دلالت دارد: «هرچه می توانید قُوَّة را زیاد کنید. حالا این قُوَّة در وهله اول، در نگاه اول، ممکن است قُوَّة نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع تر از دامنه قُوَّة نظامی است... فرض کنید امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قُوَّة است؛ اینکه بنده زیاد روی موالید تکیه می کنم، به خاطر این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

۲-۳. فرزندان فراوان؛ پاداش استغفار

اگر کسی به دیگری وعده‌ای دهد، بی شک آن کار یا چیز نزد هر دوی آن‌ها مطلوب است. حال به آیه‌های ۱۰ تا ۱۲ سوره نوح علیه السلام مراجعه می کنیم؛ آنجا که خطاب به خداوند عرض می کند: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا، يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا، وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ به آن‌ها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران‌های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار دهد!»

از این آیه‌ها - به‌ویژه آیه دوازدهم - چنین برمی آید که فراوانی کمیت فرزندان، در کنار وعده به بارش باران‌های پربرکت، باغ‌های سرسبز و نه‌های جاری، یکی از پاداش‌های خوشایندی است که خداوند به استغفار کنندگان عطا خواهد کرد؛ بنابراین افزایش کمیت فرزندان - که از نکره بودن «بنین» قابل استفاده است - برای خداوند و فرد استغفارکننده، ارزشمند و مطلوب است.

۲-۴. مباهات پیامبر خدا به کثرت امت اسلامی

سه مورد قبل، شواهدی قرآنی بر مطلوبیت کثرت فرزند آوری بود. در روایات نیز شواهدی بر این مطلب وجود دارد که در ادامه به دو مورد از آن‌ها می‌پردازیم. در روایتی معتبر، امام صادق علیه‌السلام از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل فرموده است: «أَكثِرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرِيكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۱: ۳۲۸)؛ بر شمار فرزندان‌تان بیفزایید؛ چراکه فردا [ای قیامت] من به [کثرت] شما بر دیگر امت‌ها مباهات خواهم کرد. بنا بر ظاهر این روایت، امر «اُكْثِرُوا» بر افزایش کمی جمعیت، دلالت دارد و این معنا با فعل «اُكْثِرُوا» که از ماده کثرت گرفته شده است، تأکید می‌شود. البته، این حدیث و نظایر آن مطلوب بودن پرداختن به کیفیت را نفی نمی‌کنند.

امام سجاد علیه‌السلام در فراز چهارم از دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه، از خداوند درخواست فرزندان فراوان دارد و عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ... كَثِّرْهُمْ عَدَدِي»؛ خدایا! به فرزندانم... بر شمارم بیفزا. قابل ذکر است که در منابع تاریخی، تعداد فرزندان امام زین‌العابدین علیه‌السلام تا ۱۵ فرزند نقل شده است (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲: ۱۵۵). ایشان همچنین در فراز دوم از دعای دوم، به خاطر فزونی یافتن جمعیت مسلمانان بر دیگر امت‌های کم جمعیت، خداوند را شکر می‌گوید: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... كَثَّرْنَا بِمَنَّةِ عَلِيٍّ مَن قَلَّ». هر دوی این فرازها، به روشنی بر مطلوب بودن فرزند آوری فراوان و افزایش جمعیت دلالت دارند (سقایی بی‌ریا، ۱۴۰۲: ۲۲، ۲۳). در این دعاها افزایش فرزندان به نحو جزء العله و تعدد مطلوب در کنار ارتقای کیفی فرزندان، مورد درخواست امام علیه‌السلام بوده است؛ یعنی ایشان هم افزایش تعداد فرزندان را از خداوند درخواست کرده است و هم وجود برخی صفات کیفی را در آنان طلب نموده است.

۳. کیفیت جمعیت

اگر بتوانیم به تعریف قرآن از «کیفیت زندگی» دست یابیم، به راحتی می‌توان از آن طریق، شاخص‌های کیفیت جمعیت را استخراج کرد.

۳-۱. تعریف کیفیت زندگی در قرآن

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر او را اجابت کنید؛ هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد. به‌راستی چه چیز انسان را زندگی می‌بخشد؟ مگر انسان پیش از اجابت این دعوت مرده است که با اجابت آن، زنده می‌شود؟

در چند آیه قبل، یعنی آیه بیستم از سوره مزبور، قرآن مؤمنان را به فرمان‌برداری از خداوند و فرستاده او و روی نگرداندن از آن‌ها دعوت می‌کند. برخی مفسران معتقدند که اجابت این دعوت، مایه زنده شدن مؤمنان است. وی در ادامه، در توضیح چگونگی زنده شدن مؤمن با این کار، آورده است که اطاعت خدا و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآله مؤمن را از نیستی و نابودی می‌رهاند و حیات روح او را - که حقیقت انسان بدان است - حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۹: ۴۲).

قرآن در جای دیگری می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، درحالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، او را به حیات پاک زنده می‌داریم. از این بیان، چنین برمی‌آید که رسیدن به این نوع زندگی، هدف حیات دنیایی انسان است. برخی مفسران، محل بروز زندگی پاک را در دنیا دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۶۳۳)؛ یعنی انسان در جامعه‌ای خواهد زیست که با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، دوستی، تعاون و دیگر مفاهیم سازنده انسانی همراه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۳۸۹).

بنابراین، برخورداری انسان از زندگی معنوی و واقعی در دنیا یا آخرت، وابسته به ایمان آوردن و اطاعت از خداست. آن‌گونه که برخی صاحب‌نظران بیان کرده‌اند، فرد در صورتی به دیگر فضائل - یا همان کیفیت‌های مثبت انسانی - دست می‌یابد که به خداوند و دیگر اصول دین ایمان داشته باشد؛ چراکه ایمان منشأ، اساس و ریشه همه فضائل و کمالات انسانی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۶۹).

۳-۲. فرزندان باکیفیت

حال که معنای «کیفیت زندگی» اجمالاً مشخص گشت، اگر فرزندان به این

سطح از کیفیت زندگی برسند که از روی ایمان، خداوند و فرستاده او را اجابت و اطاعت کنند، در منطق قرآن، به آنان فرزندان دارای کیفیت گفته می‌شود؛ اما اگر آنان از هر کمال دیگر مادی برخوردار باشند، ولی به این مرحله از کمال انسانی دست نیازند، زندگی آنان نزد قرآن و روایات باکیفیت نیست؛ بنابراین شاخص‌های کیفیت فرزندان و جامعه، عمدتاً ذیل این ملاک کلی (ایمان به خدا و رسول و اطاعت از آن‌ها) تعریف می‌شوند.

۴. شاخص‌های کیفیت جمعیت

اما صرف آگاهی از تعریف «زندگی پاک»، کفایت نمی‌کند بلکه پس از به دست آوردن این تعریف، باید درصدد بود که چه شاخص‌های قرآنی یا روایی نشان می‌دهند که فرزند اکنون در چه سطحی از کیفیت ایستاده است. آیا در میان شاخص‌های کیفیت، شاخص‌های مادی نیز این نقش را ایفا می‌کنند یا فقط شاخص‌های معنوی چنین نقشی دارند؟

۴-۱. شاخص‌های کیفیت مربوط به امور مادی

آیا منابع اسلامی، همانند منابع جمعیت‌شناختی، شاخص‌های مادی کیفیت، همچون سلامت جسم، تفریح، ورزش و رفاه اجتماعی را نیز بیان کرده‌اند. پاسخ آن است که شاخص‌های مادی کیفیت نیز در قرآن مطلوب شمرده شده‌اند. محض نمونه، در آیه‌ای آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲)؛ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: این‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگرچه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود. این‌گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاه‌اند، شرح می‌دهیم.

اما در قرآن، تأکید بیشتر و اصلی بر شاخص‌های معنوی کیفیت است و در واقع، کیفیت‌های مادی اگر مقدمه رسیدن بهتر و بیشتر به کیفیت‌های معنوی باشند، مطلوب می‌شوند. شاید بارزترین نمونه قرآنی این مطلب، حکومت سلیمان نبی

علیه‌السلام باشد که در آن او از مواهب فراوان دنیایی برای هدایت مردم و تقویت دین الهی استفاده می‌کرد (نمل: ۴۴).

سرّ این تفاوت بین کیفیت‌های مادی و معنوی، در آن نهفته است که کیفیت‌های معنوی - مثل ایمان - با حقیقت انسان، یعنی روح او، در ارتباط هستند و مستقیماً در سعادت یا شقاوت ابدی او تأثیرگذارند؛ ولی کیفیت‌های مادی - مثل سلامت جسم - چنین جایگاهی ندارند و بدون برخی از آن‌ها نیز سعادت دست‌یافتنی است.

محض نمونه، قرآن در وصف خداوند از زبان ابراهیم علیه‌السلام چنین بازگو می‌فرماید: «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء: ۸۰)؛ و هنگامی که بیمار شوم، مرا شفا می‌دهد. قطعاً بیماری و سلامت - هنگامی که مربوط به بدن باشند - از کیفیت‌های مادی به شمار می‌آیند. البته، این آیه به اطلاق خود، شامل سلامت و بیماری روان نیز می‌شود که در آن صورت، این دو کیفیت مربوط به بُعد غیرمادی انسان خواهند بود. بیمار بودن منافاتی با سعادت‌مند شدن ندارد؛ زیرا پیامبرانی بوده‌اند که در برهه‌هایی از عمر خویش، به بیماری‌هایی جسمی مبتلا شده‌اند که در قرآن گزارش آن آمده است؛ مانند ایوب (انبیاء: ۸۳)، یعقوب (یوسف: ۸۴) و یونس (صافات: ۱۴۵). دقت شود که خود نعمت‌های مادی کیفیت نیستند، بلکه برخوردار از آن‌ها، کیفیتی مربوط به امور مادی است.

آیات قرآن علاوه بر مواهب طبیعی، مانند تسخیر آسمان، زمین و دریا برای انسان، شامل نعمت‌هایی از قبیل خوراکی‌ها، پوشیدنی‌ها، همسر و فرزندان، خویشان سببی و نسبی، مسکن، مرکب و نعمت‌های مربوط به جمال و زینت نیز می‌شوند.

اگر دستیابی به شاخصی مادی، مثل رفاه، در سطحی خاص، مقدمه و موجب شکل‌گیری ایمان باشد، از آنجا که ایمان مطلوب است، با در نظر گرفتن ارزش ایمان، آن شاخص نیز به‌عنوان مقدمه آن بایسته خواهد بود و اصطلاحاً یکی از نمونه‌های ضرورت بالقیاس فلسفی خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج: ۱۴۴). در روایتی معتبر از امام صادق علیه‌السلام به نقل از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

آمده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۳: ۷۴۸)؛ نزدیک است فقر موجب کفر انسان شود. معنای این حدیث آن است که حداقلی از سطح رفاه اقتصادی برای شکل‌گیری ایمان در فرد لازم است. باین‌حال، اگر رفاه به حد افراط و دنیازدگی برسد، موجب می‌شود که انسان از خداوند غافل شود و ارزش منفی خواهد داشت (علق: ۷). طبیعی است که توصیه به فرزند آوری در این شرایط و برای افراد مختلف، متفاوت خواهد بود.

۴-۲. شاخص‌های کیفیت مربوط به امور معنوی

هنگام مطالعه اکتشافی قرآن و روایات، درمی‌یابیم که آیات و روایات بیانگر شاخص‌های کیفیت مربوط به امور معنوی انسان، به‌قدری فراوان هستند که حتی نام بردن از همه آن‌ها دشوار است. برخی آیه‌ها به امور «ایجابی» پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان «شاخص‌های ایجابی کیفیت»^۱ در ارتباط با فرزند تلقی کرد؛ کیفیت‌هایی که شایسته است او در آینده به آن‌ها آراسته شود. برخی دیگر از مستندات، به مواردی «سلبی» اشاره دارند؛ یعنی کیفیت‌هایی که فرزند در یک خانواده مسلمان باید از آن‌ها دور نگاه داشته شود که ما بنا بر محدودیت‌های موجود در زمان و حجم، تنها به قسم نخست خواهیم پرداخت. دقت شود که مقصود از کیفیت، ویژگی‌های کم‌و‌بیش پایدار در روح و روان انسان است؛ به همین جهت از آوردن رفتارهای مثبت (اعمال صالح) اجتناب شده است.

به‌عنوان نمونه برای دسته نخست، در آیه‌های ۴-۲ سوره بقره، پرهیزکاری، ایمان به عالم غیب، برپاداشتن نماز، ایمان به همه محتوای وحی الهی و یقین داشتن به آخرت، کیفیت‌هایی هستند که همگی به‌واسطه کیفیت‌های فراگیرتر؛ یعنی «هدایت الهی»، برای مؤمن حاصل می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۴۴). بی‌اعتنایی به حق و حقیقت، مریض دل بودن در اثر اعمال اختیاری پیشین خود، فساد کردن در روی زمین، به‌سخره گرفتن توده مؤمنان و رابطه داشتن با شیاطین، کیفیت‌هایی هستند که از طریق دو کیفیت فراگیر «کفر» و «نفاق» برای فرد حاصل می‌شوند. در این مجال محدود، بر آن شدیم تا به مهم‌ترین

1- Positive qualitative indicators.

نمونه‌های «کیفیت‌های ایجابی مربوط به امور معنوی» پردازیم و ضمن اشاراتی موارد دیگر را به پژوهش‌های آتی بسپاریم.

پیش از ورود به شاخص‌های کیفیت فرزند و جمعیت، تذکری لازم است: بنا بر آنچه گذشت اسلام دو اصل جمعیتی دارد که باید به موازات یکدیگر پیش روند که عبارت است از:

الف) ایمان

«ایمان» منشأ ارزش دیگر اعمال انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۱۱۶) و می‌توان آن را به‌عنوان فراگیرترین شاخص ایجابی کیفیت برای فرزند معرفی کرد. قرآن ایمان را مایهٔ رستگاری انسان دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱)؛ مؤمنان رستگار شدند. «فلح» در لغت، به معنای باقی ماندن در خیر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳: ۲۳۳). برخی دیگر از لغویان، معنای «فلاح» را بر پیروزی و دستیابی به آرزو منطبق دانسته‌اند که در دنیا و آخرت محقق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۴۴)؛ از این رو قرآن از والدین می‌خواهد تا تربیت فرزندان‌شان را به‌گونه‌ای سامان بخشند که آنان به‌طور طبیعی، پس از رسیدن به سن شناخت و تشخیص عقلی، با اختیار خود اعتقادات اسلامی (= باور به خداوند یکتا، معاد و نبوت) را بپذیرند و از کفر و نفاق دوری گزینند.

در روایت معتبری از امام صادق علیه‌السلام، ماجرای گفت‌وگوی یوسف علیه‌السلام با برادرش بنیامین چنین نقل شده است: «لَمَّا لَقِيَ يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَاهُ قَالَ: يَا أَحِي، كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزَوِّجَ النِّسَاءَ بَعْدِي؟ فَقَالَ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي، قَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلُ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۰: ۵۸۳)؛ هنگامی که یوسف علیه‌السلام برادرش را ملاقات کرد، گفت: ای برادر! چگونه توانستی بعد از من با زنان ازدواج کنی؟ بنیامین گفت: پدرم مرا [به این کار] امر کرد، او گفت: اگر می‌توانی فرزندی داشته باشی که زمین را با تسبیح گویی خود سنگین کند، این کار را بکن.

از اینکه یعقوب علیه‌السلام چنین توصیه‌ای به بنیامین کرد، معلوم می‌شود که مراد او، فرزندان متعدد بوده است و الا دربارهٔ یک یا دو فرزند عرفاً گفته

نمی‌شود که زمین را با تسبیح خود سنگین کنند. از طرفی، تسبیح فرع ایمان به خداوند است و پس از آن به وجود می‌آید؛ بنابراین این روایت بالملازمه دلالت دارد که ایمان یکی از شاخص‌های کیفیت فرزند است؛ اما اینکه باور به چه چیزهایی را باید در فرزندان ایجاد کرد، قرآن در این باره می‌فرماید: «ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَكَيْهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵)؛ پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن است) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند): ما در میان هیچ‌یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم).

ایمان دارای چندین درجه است؛ برخی روایات برای ایمان هفت درجه ذکر کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۳: ۱۰۹). قرآن از انسان می‌خواهد که پیوسته ایمان خود را قوی‌تر از پیش کند؛ آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ» (نساء: ۱۳۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتب (آسمانی) که پیش‌ازین فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید.

بنا بر برخی تفاسیر، مؤمن باید آنچه را در ظاهر پذیرفته است، به ایمان باطنی تبدیل کند یا در ایمان خود ثابت‌قدم باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱: ۵۱۸). خداوند در آیه ششم سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه‌دارید. از این آیه، می‌توان چنین برداشت کرد که حفظ کردن خانواده و فرزندان خود از آتش الهی، به مهیا کردن شرایط برای حفظ شدن ایمان آنان است.

یکی از ویژگی‌های کیفی ایمان، آن است که به صاحب خود ایمنی می‌بخشد؛ ایمنی روانی از اضطراب و تشویش به‌واسطه داشتن یک حامی قدرتمند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۶۴) یا ایمنی با رسیدن به ثواب و دوری از عذاب و قهر الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۵۰۶). قرآن به نقل از ابراهیم خلیل‌الرحمن علیه‌السلام می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»

(انعام: ۸۲)؛ آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌هاست و آن‌ها هدایت یافتگان‌اند!
در نتیجه، اصلی‌ترین شاخصهٔ ایجابی کیفیت فرزند و جمعیت، ایمان است و می‌توان دیگر شاخص‌های کیفیت را به‌مثابه نمودهایی از آن قلمداد کرد. باین‌حال، نظر به اهمیت این شاخص‌ها، در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

ب) اخلاص در بندگی

یکی از راه‌های دستیابی به شاخص‌های کیفیت فرزند و جمعیت، پیگیری اهداف آفرینش است و اینکه آیا فرزند تا چه حد آن‌ها را تأمین می‌کند. از منظر قرآن، انسان صرفاً برای بندگی خدا آفریده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)؛ روشن است که از آنجا که عنوان «انسان» بر فرزندان او نیز بار می‌شود، پس هدف از آفرینش هر فرزند آن است که او خدای یکتا را پرستد. این مطلب از روایت طرح‌شده در عنوان پیشین نیز قابل برداشت است؛ اما دلالت قرآن بر لزوم داشتن اخلاص در عبادت خداوند نیز از آیات آن برمی‌آید؛ آنجا که می‌فرماید: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر: ۶۵)؛ زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید درحالی که دین خود را برای او خالص کرده‌اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است!

از کنار هم نهادن این دو آیه، این نتیجه به دست می‌آید که اگر فرزندی - با کمک والدین مؤمن و تربیت ایمانی آنان - به این هدف دست پیدا نکند، از این شاخص کیفیت محروم خواهد ماند.

ج) محبت به اهل بیت

دیگر شاخص ایجابی کیفیت که پس از دو شاخص پیشین حائز اهمیت فراوانی است، دوستی اهل بیت پیامبر خدا علیهم‌السلام است. این دوستی در واقع، روی دیگر سکهٔ ایمان است؛ یعنی کسی که کم‌ترین مرتبهٔ ایمان را دارد، نسبت به

اهل بیت علیهم السلام نیز دوستی دارد؛ چرا که معصومان علیهم السلام برترین مؤمنان هستند و قرآن می‌فرماید که مؤمنان دوست یکدیگرند (توبه: ۷۱). از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَالْقُرْآنِ» (شوشتری، ۱۴۰۴، ق، ۱۸: ۴۹۸)؛ فرزندان خود را بر محبت من، اهل بیتم و قرآن تربیت کنید. روایات متعددی ایمان و محبت اهل بیت علیهم السلام را قرین یکدیگر دانسته‌اند. در نهج البلاغه آمده است: «لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِنَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يَحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا يَبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَحِبُّكَ مُنَافِقٌ» (شریف رضی، ۱۳۹۶: ۴۵۱، حکمت ۴۵)؛ اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد و بر زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله گذشت که فرمود: ای علی! مؤمن تو را دشمن نگیرد و منافق تو را دوست نخواهد داشت.

در برخی روایات، ایمان منشأ دوستی اهل بیت علیهم السلام دانسته شده است و کفر موجب دشمنی آنان (ثقفی، ۱۴۱۰، ق، ۱: ۲۸). در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است: «فَطُوبَى لِمَنْ رَسَخَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي قَلْبِهِ لِيَكُونَ الْإِيمَانُ أَثْبَتَ فِي قَلْبِهِ مِنْ جَبَلٍ أَحَدٍ فِي مَكَانِهِ وَمَنْ لَمْ تَصِرْ مَوَدَّتِنَا فِي قَلْبِهِ انْمَاثَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ كَانْمِيَاثَ الْمُلْحِ فِي الْمَاءِ» (هلالی، ۱۴۰۵، ق، ج ۲: ۸۲۰)؛ پس خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت در دلش رسوخ کرده است؛ تا ایمان در دلش پابرجاتر از کوه احد در جایگاهش باشد. هر کس محبت ما در قلبش چنین نباشد، ایمان در دلش ذوب می‌شود، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود.

(د) پرهیزکاری

ویژگی کیفی دیگر که باید در فرزندان ایجاد شود و ارتقا یابد، تقوا و پرهیزکاری است. قرآن تنها در دو آیه، مخاطب خود را به رعایت حکمی در حد توان - یعنی تا جایی که می‌تواند - مکلف کرده است؛ یکی در پرهیزکاری و دیگری در گردآوردن نیرو در برابر دشمن (انفال: ۶۰). خداوند درباره پرهیزکاری می‌فرماید:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن: ۱۶)؛ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید. حال باید دید حد تمام و کمال پرهیزکاری چیست. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیانی، کمال تقوا را چنین معنا فرموده است: «تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهَلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ» (مسعودبن‌عیسی، ۱۴۱۰ ق، ۲: ۱۲۰)؛ تمام پرهیزکاری به آن است که آنچه نمی‌دانی فراگیری و به آنچه می‌دانی، عمل کنی؛ بنابراین پرهیزکاری کامل دو بعد دارد: ۱. فراگیری آنچه نمی‌دانی؛ ۲. عمل کردن به آنچه می‌دانی. در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام آمده است: «وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا نَضِيرَ الْوَجْهِ وَلَا سَأَلْتُ وَوَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ خَائِفِينَ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ۳: ۲۸۰)؛ به خدا سوگند از خدا فرزندی زیباروی و نیکو قامت طلب نکرده‌ام بلکه از پروردگارم فرزندان خواسته‌ام که فرمان‌بردار او باشند؛ از او هراسناک باشند؛ تا هرگاه به هریک از آنان نگاه می‌کنم درحالی که او مطیع خداوند است، چشمم روشن شود.

از این روایت برمی‌آید که مؤمن باید تنها در پی فرزندان با چنین کیفیتی باشد که یکی از آن‌ها خوف و هراس از خداوند است که رابطه‌ی نزدیکی با پرهیزکاری دارد.

ه) نیکوکاری به والدین

از منظر قرآن، روایات، عقل و عرف بی‌شک فرزند باید نسبت به والدین خود که او را به عرصه‌ی حیات آورده‌اند، بسیار نیکوکار باشد. خداوند در آیه‌های متعددی از این مطلب پرده برداشته است؛ محض نمونه، آنجا که می‌فرماید: «وَعِبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶)؛ و خدا را پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید. آیه‌ای دیگر صریحاً بیان می‌فرماید که حتی اگر والدین مشرک بودند، فرزند باید در دنیا با آن‌ها به نیکی رفتار کند (لقمان: ۱۵). در منطق قرآن، فرزند نباید کوچک‌ترین اهانتی به پدر و مادر پیر خود روا دارد، نباید آن‌ها را از خود براند، بلکه باید با آنان بزرگووارانه سخن بگوید (اسراء: ۲۳).

نیکوکاری به هر دوی والدین لازم است؛ ولی خداوند در آیه‌هایی بر نقش مهم‌تر مادر تأکید ورزیده است که طبیعتاً نسبت به او حقوق بیشتری را بر

عهده فرزند خواهد آورد. محض نمونه، خداوند می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵)؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است (لقمان: ۱۴).

هر فرزند به نوبه خود می‌تواند منشأ نیکی به والدین خود باشد. اینجاست که ارتباط کمیت و کیفیت، خود را نشان می‌دهد؛ چراکه هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، طبیعتاً والدین از این ویژگی و شاخص آنان بهره بیشتری خواهند برد.

ز) پیشوایی پرهیزکاران

از دیگر شاخص‌های کیفیت که مربوط به امور معنوی است، رهبری و پیشوایی فرزند نسبت به پرهیزکاران است؛ یعنی مطلوب آن است که فرزند تنها به مراتب پایین پرهیزکاری شخصی اکتفا نکند و خود را تا جایی رشد دهد که الگوی دیگر پرهیزکاران شود. این کیفیت نیز در یکی از دعاهای قرآنی والدین برای فرزندان آمده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴)؛ و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشن چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان!»؛ یعنی ما را از کسانی قرار ده که پرهیزکاران به آنها اقتدا می‌کنند؛ کسانی که عزت را با پرهیزکاری طلب می‌کنند؛ نه با دنیاطلبی (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۲۸۴). معنای این دعا آن است که خدایا! زمینه‌ای فراهم‌ساز که فرزندان ما به‌سوی خیرات و رحمت تو سبقت بگیرند، پس دیگران نیز در این راه از آنان پیروی کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۱۵: ۲۴۵).

این شاخص‌ها از مهم‌ترین نمونه‌های شاخص‌های ایجابی کیفیت در ارتباط با فرزند و جمعیت هستند که در قرآن و روایات از آنها یاد شده است. برخی موارد دیگر را می‌توان در نشانی‌های ذیل پیگیری کرد: بقره، ۱۶۵؛ آل‌عمران، ۱۷، ۱۵۹؛ توبه، ۱۱۲؛ حج، ۳۴.

البته، برشمردن این شاخص‌ها، بدان معنا نیست که فرزندان باید به همه آنها در بالاترین درجه دست یابند. بلکه مسلماً چنین حالتی بسیار مطلوب است، ولی

در عمل ممکن است هریک از فرزندان به برخی از درجه‌های این امور دست یابد؛ یا به برخی از آن‌ها اصلاً نرسد. با این حال، ایمان، پرستش خالصانه خداوند و محبت اهل بیت علیهم‌السلام قابل چشم‌پوشی نیستند و فرزند باید دست کم پایین‌ترین درجه آن‌ها را داشته باشد.

۵. رابطه کمیت و کیفیت

با قبول اینکه کمیت و کیفیت دو اصل جمعیتی در اسلام هستند، آیا آن‌ها رابطه و تأثیری با یکدیگر دارند؟ به نظر می‌رسد که بالا رفتن یا پایین آمدن کمیت جمعیت، می‌تواند بر کیفیت آن تأثیرگذار باشد. برخی کیفیت‌ها از کمیت برمی‌خیزند که در ادامه به این مطلب خواهیم پرداخت.

۱-۵. دیدگاه‌های دانشمندان علوم انسانی

دانشمندان علوم انسانی درباره رابطه کم و کیف جمعیت، دیدگاه‌های مختلفی دارند. برخی پژوهش‌های روان‌شناختی، افزایش شمار فرزندان را موجب استحکام ساختار خانواده می‌دانند (ساطوریان، ۱۴۰۱: ۱۹). برخی اقتصاددانان نیز معتقدند که افزایش کمیت جمعیت، نه تنها به کیفیت آن آسیب نمی‌رساند بلکه به بهبود سطح کیفیت آن نیز می‌انجامد؛ چرا که دست کم افزایش و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، مایه رشد هوش افراد و نوآوری‌های آنان خواهد شد (توکلی، ۱۳۹۵: ۹۵).

برخی دیگر، معتقدند که کاهش فرزند آوری جامعه را خودبه‌خود به سمت کیفیت‌های منفی پیش می‌برد. تحلیل این مطلب آن است که کاهش فرزند آوری و جمعیت صرفاً یک رفتار بدون مفاهیم، معنای شناختی و هنجارهای اجتماعی نیست و همراه آن ارزش‌هایی بر جامعه حاکم می‌شوند. از جمله این ارزش‌ها، کاهش «ارزش فرزند» است که موجب تغییر معنا و هدف از فرزند آوری می‌گردد. این هنجارهای جدید، نه تنها تعداد فرزندان را کاهش می‌دهند، عملاً به تک‌فرزندی و بی‌فرزندی در خانواده‌ها منتهی می‌شوند. دلیل آن هم این است که اهداف دیگری جایگزین آن می‌شود مانند رفاه و تغییر مفهوم بهتر بودن زندگی.

اگر ارزش فرزند کاهش پیدا کرد، نقش زن و مادر هم عوض می‌شود و ابتدا به شریک جنسی مشروع تقلیل می‌یابد؛ ولی رفته‌رفته چون در مباحث خانواده و کاهش فرزند نوعی تقابل با ارزش‌های دینی به چشم می‌خورد، دیگر نیازی احساس نمی‌شود که شریک جنسی مشروع باشد. این نوعی تحلیل عقلی - روان‌شناختی است که تجربه‌های زیسته کشورهای که دچار کاهش جمعیت شده‌اند، آن را تأیید می‌کند. این‌گونه است که این کشورها به دلیل کاهش جمعیت دچار نوعی انقلاب جنسی نیز شده‌اند.

علت این پدیده - آن‌گونه که برخی دانشمندان بیان کرده‌اند - آن است که در اثر کاهش جمعیت، آیین‌های دینی، مانند آموزش قرآن و آداب مذهبی به کودکان، به‌عنوان پایه‌ی اساسی تجربه‌ی مذهبی برای بسیاری از مردم، کم‌رنگ‌تر می‌شود. در نتیجه روابط مردم با مکان‌های مذهبی کمتر می‌شود. رفته‌رفته درک مردم از ازدواج تغییر می‌کند؛ یعنی به‌جای اینکه ازدواج را عمدتاً روشی برای تولد و پرورش کودکانی با کارایی بالا در اجتماع ببینند، به این نتیجه می‌رسند که آن را به چیزهای دیگری، نظیر همراهی جنسی، معنا کنند. وقتی معنای ازدواج بیشتر به همراهی جنسی تعریف شد تا فرزند آوری، افراد بیشتر پذیرای کسانی هستند که به دنبال گزینه‌هایی خارج از چارچوب ازدواج سنتی هستند و حتی رو به همجنس‌گرایی می‌آورند (جنکینز، ۲۰۰۷).

۵-۲. دلالت‌های قرآن و روایات

در برخی آیه‌های قرآن، کمیت در کیفیت مؤثر دانسته شده است؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ» (یس: ۱۴)؛ هنگامی که دو نفر از رسولان را به‌سوی آن‌ها فرستادیم، اما آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سومی فرستادیم، آن‌ها همگی گفتند: ما فرستادگان (خدا) به‌سوی شما هستیم! روشن است که آمدن پیامبر سوم، یعنی افزوده شدن بر کمیت دو پیامبر پیشین، به‌تصریح خود آیه، باعث تقویت و ارتقای کیفیت آن دو شد. در روایت معتبر و مفصلی از امام رضا علیه‌السلام، نکاتی راجع به اهمیت ازدواج و فواید آن آمده

است که از آن می‌توان نکاتی درباره رابطه کمیت و کیفیت استفاده کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «وَلَوْلَمْ يَكُنْ فِي الْمَنَاحِكَةِ وَالْمَصَاهِرَةِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، وَلَا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ، وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيضٌ، لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ، وَتَقْرِيبِ الْبَعِيدِ، وَتَأْلِيفِ الْقُلُوبِ، وَتَشْبِيكِ الْحُقُوقِ، وَتَكْثِيرِ الْعَدَدِ، وَتَوْفِيرِ الْوَلَدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ، وَحَوَادِثِ الْأُمُورِ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۰: ۷۰۰)؛ اگر در [بارة فایده] ازدواج آیه‌ای محکم، سنتی پیروی شده و روایتی پرتکرار وجود نداشت، هرآینه خداوند نیکی کردن به نزدیکان، نزدیک ساختن افراد دور، ایجاد الفت بین دل‌ها، درهم‌تنیده ساختن حقوق، افزایش تعداد و فراوان ساختن فرزندان را برای پیشامدهای روزگار و حوادث [آن] قرار داده است.

می‌توان از این روایت چنین برداشت نمود که روابط گوناگون بین افراد خانواده و جامعه وجود دارد که ناشی از حقوق و تکالیف مختلف هستند؛ خصوصاً در روزهای بروز حوادث گوناگون. این روابط می‌تواند به روشنی موجب افزایش بهره‌هوشی و هوش عاطفی ۲ افراد آن جامعه و کیفیت‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی آنان گردد. برعکس، اگر مردم از ازدواج روی گردان شوند و رفته‌رفته از شمار جامعه کاسته شود، این شبکه‌های حقوق، تکالیف و روابط شکل نمی‌گیرند یا تضعیف می‌شوند و آثار زیان‌باری بر کیفیت‌های نامبرده خواهند داشت.

با تأمل در انواع این کیفیت‌ها، درمی‌یابیم که افزایش جمعیت به دو نحو در ایجاد و ارتقای کیفیت می‌تواند اثرگذار باشد: گاه صرف افزایش کمی - به‌مثابه علتی تکوینی - موجب ارتقای کیفیت فرزندان و جامعه می‌گردد؛ مانند تحکیم خانواده بر اثر بالا رفتن تعداد فرزندان؛ اما گاه در کنار افزایش جمعیت، نیاز به‌نوعی فعالیت اختیاری یا مدیریت نیز هست و در غیر این صورت، کیفیت ارتقا نمی‌یابد. شاخص‌های معنوی کیفیت از این قسم هستند.

۶. تصویر دو نوع تراحم درباره فرزند آوری و نقد آن‌ها

۶-۱. تراحم بین کیفیت و کمیت فرزندان

این تراحم را ضمن مثالی توضیح می‌دهیم: فرض کنید که والدینی در حال

1- Intelligence quotient (IQ).

2- Emotional quotient (EQ).

حاضر یک یا دو فرزند دارند و به تربیت آن‌ها مشغول‌اند. حال، اگر به آن‌ها بگوییم که مطلوب است فرزندان بیشتری بیاورید، ممکن است برخی از آن‌ها مدعی شوند که در این صورت، دیگر نمی‌توانیم برای تربیت فرزندان قبلی وقت بگذاریم؛ بنابراین دو تکلیف متوجه آن‌هاست - یکی لزوم پرداختن به کیفیت فرزندان پیشین و دیگری مطلوبیت فرزند آوری جدید - که نمی‌توانند هر دوی آن‌ها را در یک‌زمان انجام دهند. این حالت در دانش اصول فقه «تزام» نام دارد (حسینی، ۱۴۱۵ ق: ۵۱) و تنها راه برون‌رفت از آن، عمل کردن به تکلیف مهم‌تر است؛ مثل اینکه تکلیف در یکی از آن دو از تأکید و شدت بیشتری برخوردار باشد (انصاری، ۱۴۲۴ ق، ۴: ۵۲).

آنچه گذشت تصویر التزام موردادعا بود، اما با تأمل در این تصویر می‌توان ادعا کرد که اصولاً در اینجا التزامی وجود ندارد؛ چراکه خانواده‌های با فرزندان بیشتر، وقت بیشتری برای تربیت فرزندان دارند آن‌گونه که برخی پژوهشگران معتقدند، شرایط تربیتی خانواده‌های تک یا دو فرزند، سخت‌تر است؛ زیرا والدین باید خود اوقات فرزندان را پر کنند؛ اما در خانواده‌های چند فرزند، بخشی از زمان فرزندان با یکدیگر سپری می‌شود و فرزندان بزرگ‌تر در پر کردن اوقات فراغت فرزندان کوچک‌تر به والدین یاری می‌رسانند (عباسی ولدی، ۱۳۹۲: ۱۸۱ - ۱۷۵).

۶-۲. التزام بین شاخص‌های کیفیت

شکل دیگر التزام، بین شاخص‌های مادی و معنوی کیفیت صورت می‌گیرد. والدین چنین برآورد می‌کنند که اگر بخواهند مجدداً فرزند آوری کنند، باید از برخی مواهب مادی چشم‌پوشند. در این صورت، بین مطلوب بودن حفظ شرایط اقتصادی فعلی که در شأن آنان است و فرزند آوری جدید، التزام تصور شده است؛ اما این تصویر از التزام نیز صحیح نیست؛ چراکه خداوند در قرآن صراحتاً وعده داده است که من روزی هر جنبنده‌ای را می‌دهم: «وَمَا مِنْ ذَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود: ۶)؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است!

خداوند به فرزند در رحم مادر علم دارد و او را در آنجا روزی می‌دهد؛ وقتی که نوزاد به دنیا می‌آید، روزی او، از پیش در پستان مادر آماده شده است. آیا چنین خدای مهربانی از روزی‌رسانی به فرزند در مراحل دیگر زندگی‌اش غافل می‌گردد؟

در روایت معتبری از بکر بن صالح آمده است که او به امام موسی بن جعفر علیهما السلام نامه نوشت و در آن بیان کرد که چند سالی است از فرزنددار شدن اجتناب کرده است و این به خاطر آن است که همسر او به دلیل کمبود مایحتاج زندگی از این کار کراهت دارد. حضرت در پاسخ نگاشت: «اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۱: ۳۳۰)؛ در طلب فرزند باش که خداوند عزوجل او را روزی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اسلام ضمن حمایت از دیدگاه افزایش جمعیت و تأکید بر افزایش اندازه خانواده و جامعه، به اصل دیگر جمعیتی، یعنی کیفیت، بها داده است. اصل کمیت، پیشینی است؛ یعنی کمیت شرط لازم کیفیت است. پرداختن به کیفیت، اصلی پسینی است، ولی این به معنای اهمیت درجه‌دوی آن نیست؛ آیه‌های متعددی بر مطلوب بودن افزایش کمیت جمعیت دلالت دارند؛ مانند آیه ۶۰ سوره انفال. همچنین آیه‌های فراوانی بر اهمیت کیفیت در اسلام دلالت دارند. جمع بین این دودسته آیات، آن است که از دید قرآن و روایات، دو اصل کمیت و کیفیت به موازات یکدیگر پیش می‌روند و هیچ کدام فدای دیگری نمی‌شوند.

شاخص‌های کیفیت را می‌توان به دو قسم ایجابی و سلبی تقسیم کرد که شاخص‌های ایجابی خود بر دو قسم مادی و معنوی هستند. برخی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت (ایجابی معنوی) عبارت‌اند از: ایمان، اخلاص در بندگی، محبت اهل بیت علیهم السلام، پرهیزکاری، نیکوکاری به والدین و پیشوایی پرهیزکاران. شاخص‌های کیفیت مادی نیز مدنظر قرآن و روایات بوده‌اند و وجود آن‌ها گاه مقدمه رسیدن به سعادت آخرتی است.

برخی کیفیت‌ها از کمیت برمی‌خیزند؛ بهره‌هوشی، هوش هیجانی و کیفیت‌های

منابع

- * قرآن، مترجم: ناصر مکارم شیرازی.
- ۱- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم، علامه.
- ۲- انصاری، مرتضی، (۱۴۲۴ ق). فرائد الأصول، إعداد و تحقیق: لجنة تحقیق التراث الشیخ الأعظم، ط الرابعة، قم، شریعت.
- ۳- بانکی پور فرد، امیرحسین، (۱۴۰۱/۰۷/۱۸). وزن کیفیت در قانون جمعیت، پایگاه اطلاع رسانی قدس آنلاین، <https://www.qudsonline.ir/news>، ۸۲۰۲۰۳.
- ۴- بردستانی، زهرا، (۱۴۰۰). «نقش فرزندآوری و فرزندپروری در افزایش کیفیت زندگی از منظر آیات و روایات»، مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، س ۳، ش ۵، صص ۵۴-۷۷.
- ۵- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، (بی تا)، کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام، <https://hawzah.net/fa/Article/View>، ۹۹۰۴۷.
- ۶- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، (بی تا)، <https://old.makarem.ir/main.aspx?reader=1&lid=0&mid=29192&catid=0&pid=61909>.
- ۷- پایگاه اینترنتی ایکس شبه، (بی تا)، <https://www.x-shobhe.com/etc/6241.html>.
- ۸- پورعیسی چافجیری، حمید، (۱۳۹۵)، جمعیت طوبی، قم، میراث ماندگار.
- ۹- توانا، امین، (۱۳۹۸/۱۲/۱۴). فرزند، کمیت یا کیفیت؟ مسئله این است! پایگاه اینترنتی راسخون، <https://rasekhoon.net/article/show/1502438>.
- ۱۰- توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۵). اقتصاد جمعیت (از اقتصاد متعارف تا اقتصاد مقاومتی)، قم، وثوق.
- ۱۱- تقفی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۱۰ ق). الغارات، قم، دار الکتب الإسلامی.
- ۱۲- چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۹۷). بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در ایران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۳- چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۴۰۰). «شاخصه‌های جامعه‌شناختی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی»، جامعه مهدوی، سال دوم، شماره اول، س ۲، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۱۶-۱۴۰.
- ۱۴- حسینی، محمد، (۱۴۱۵ ق). معجم المصطلحات الأصولیه، بیروت، مؤسسه العارف للمطبوعات.
- ۱۵- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۹/۰۱/۰۳)، «سخنرانی نورزوی خطاب به ملت ایران»، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4522>.
- ۱۶- درویشی، باقر و نامداری، لیدا، (۱۳۹۹). «آزمون مدل کمیت - کیفیت فرزندان در خانواده‌های شهری ایران»، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، س ۲۰، ش ۳، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۶۷-۱۸۸.

- ۱۷- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، (۱۳۹۳/۰۳/۳۰)، ابلاغ سیاست‌های کلی «جمعیت»، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>.
- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- ۱۹- رجیبی، محمود، (۱۳۹۱). *روش تفسیر قرآن*، ویراست دوم، چ پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲۰- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، ط الثانية، بیروت - دمشق، دار الفکر المعاصر.
- ۲۱- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، مصحح: حسین احمد، مصطفی، ط الثالثة، لبنان - بیروت، دار الکتب العربی.
- ۲۲- ساطوریان، سیدعباس، (۱۴۰۱). *چند دانه یاقوت: فرزندخواهی، فرزندآوری، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)*، مرکز مشاوره و روان‌درمانی ماوا.
- ۲۳- سقایی بی‌ریا، محمدجواد، (۱۴۰۲). «دلالت‌های صحیفه سجادیه بر مسئله کمیت جمعیت و دیدگاه مستنبط از آن‌ها»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دعاپژوهی*، س ۳، ش ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۸-۱۸، شناسه دیجیتال (DOI). ۲۲۰۸۴/۱۰/۲۸۲۰۳/۲۰۲۳/۲۰۲۳
- ۲۴- سیدمیرزایی، سیدمحمد، (۱۳۷۶). «جمعیت و کیفیت زندگی»، *فصلنامه جمعیت*، ش ۲۱ و ۲۲، صص ۹۹-۸۱.
- ۲۵- شاذلی، سیدبن‌قطب بن‌ابراهیم، (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*، ط السابعة عشرة، بیروت - قاهره، دار الشروق.
- ۲۶- شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، (۱۴۰۴ ق). *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، مکتبه آبه الله المرعشی العامه.
- ۲۷- شهیدی، جعفر، معین، محمد، گروهی از نویسندگان و دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران - ایران، روزنه.
- ۲۸- طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط الثانية، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للطبوعات.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: یزدی طباطبائی، فضل‌الله و رسولی، هاشم، ط الثالثة، ایران - تهران، ناصرخسرو.
- ۳۰- عباسی ولدی، محسن، (۱۳۹۲). *ایران! جوان بمان! چ نهم*، قم، جامعه الزهرا (س).
- ۳۱- علی بن‌ابی طالب، امام اول، (۱۳۹۶). *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، قم، نشتا.
- ۳۲- علی بن‌الحسین، امام چهارم، (۱۳۹۸). *صحیفه سجادیه*، مترجم: محمد مهدی رضایی، چ دوم، قم، جمال.
- ۳۳- فراهیدی، خلیل بن‌احمد، (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*، ط الثانية، قم، هجرت.
- ۳۴- کاظمی پور، شهلا، (۱۳۸۸). *مبانی جمعیت‌شناختی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- ۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). الکافی، محقق / مصحح: دارالحدیث، قم، دار الحدیث.
- ۳۶- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، (۱۳۸۲). نرم افزار درایه النور، نسخه ۱/۲.
- ۳۷- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین علیه السلام.
- ۳۸- مسعود بن عیسی، ورام بن ابی فراس، (۱۴۱۰ ق). تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه.
- ۳۹- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق). تفسیر الکاشف تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۴۰- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴ الف). اخلاق در قرآن ج ۱، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۱- مصباح یزدی، محمد تقی و اسکندری، محمد حسین، (۱۳۹۴ ب). اخلاق در قرآن ج ۲، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۲- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴ ج). اخلاق در قرآن ج ۳، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۳- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۰). سجاده های سلوک ج ۱، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۴- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، چ دهم، ایران - تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۴۶- نیک خلق، علی اکبر، (۱۳۸۱). مبانی جمعیت شناسی، چ دوم، تهران، بهینه.
- ۴۷- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ایران؛ قم، الهادی.
- 48- Jenkins, Phillip, (November 5, 2007), "The Infertile Crescent," The New Republic, <http://www.newrepublic.com/article/infertile-crescent-0>

References

- * The Holy Qur'an, translator: Nasir Makarem Shirazi.
- 1- Abbasi Voldi, Mohsen, (1392). Iran! Stay young! 9th edition, Qom, Al-Zahra (AS) University.
 - 2- Al-Ansari, Mortaza, (1424 AH). Fara'id al-Usool, preparation and research: Al-Sheikh Al-Azam Research Committee, 4th edition, Qom, Shariat.
 - 3- Al-Farahidi, Khalil bin Ahmed, (1409 AH). Kitab Al-Ain, 2nd edition, Qom, Hijrat.
 - 4- Al-Hilali, Sulaim bin Qais, (1405 AH). Kitab Sulaim bin Qais al-Hilali, Iran; Qom, Al-Hadi.
 - 5- Al-Husseini, Muhammad, (1415 AH). Ma'jam al-Mustalahat al-Usoouliyah, Beirut, Al-Arif Foundation for Press.
 - 6- Ali bin Abi Talib, The First Imam, (1396). Nahj al-Balagheh, translator: Mohammad Dashti, Qom, Nashta.
 - 7- Ali ibn al-Hussein, The Fourth Imam, (1398). Al-Sahifah Al-Sajjadiyah, translator: Mohammad Mehdi Rezaei, 2nd edition, Qom, Jamal.
 - 8- Al-Kulaini, Muhammad bin Yaqub, (1429 AH). Al-Kafi, researcher/corrector: Dar al-Hadith, Qom, Dar al-Hadith.
 - 9- Al-Mudarrisi, Seyyed Mohammad Taghi (1419 AH). Min Huda al-Qur'an, Tehran, Dar Muhibbi al-Hussein (AS).
 - 10- Al-Mufid, Muhammad bin Muhammad, (1413 AH). Al-Irshad fi Marifat Hujajullah ala al-Ibad, researcher/corrector: Aal al-Bayt (AS) Foundation, Qom, Sheikh Mufid Congress.
 - 11- Al-Mughniyah, Mohammad Jawad, (1424 AH). Tafsir al-Kashif, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya.
 - 12- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Dar al-Qalam.
 - 13- Al-Shadhli, Sayyid bin Qutb bin Ibrahim, (1412 AH). Fi Dhilal al-Qur'an, vol. 17, Beirut-Cairo, Dar al-Sharooq.
 - 14- Al-Shushtari, Nurullah bin Sharifuddin, (1404 AH). Ihqaq al-Haq wa Izhaq al-Batil, Qom, Ayatollah al-Marashi Library.
 - 15- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, edited by: Yazdi Tabatabaei, Fazlollah and Rasouli, Hashem, 13th edition, Iran-Tehran, Naser Khosro.
 - 16- Al-Thaqafi, Ibrahim bin Muhammad, (1410 AH). Al-Ghaarat, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
 - 17- Al-Zamakhshari, Mahmud bin Omar, (1407 AH). Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa Uyoun al-Aghawil fi Wojouh al-Ta'wil, edited by: Hussein Ahmad, Mustafa, 3rd edition, Lebanon-Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi.
 - 18- Al-Zuhaili, Wahba bin Mustafa (1418 AH), Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Shari'a wa al-Manhaj, 2nd edition, Beirut-Damascus, Dar al-Fikr al-Mu'asir.

- 19- Bankipour Fard, Amir Hossein, (1401/07/18). Evaluation of Quality in Population Law, Quds Online Information Base, <https://www.qudsonline.ir/news/820203>
- 20- Bardestani, Zahra, (1400). "The role of childbearing and parenting in increasing the quality of life from the perspective of the Quran and Hadiths", Educational and Psychological Studies of the Family, Issue 3, vol. 5, pp. 54-77.
- 21- Cheraghi Kotiani, Ismail, (1397). The Silent Crisis: Sociological analysis of cultural-social causes of fertility decline in Iran, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 22- Cheraghi Kotiani, Ismail, (1400). "Sociological indicators of strategic expectation in the school of Shahid Soleimani", Jamia Mahdavi, Year 2, Issue 1, Spring and Summer 1400, pp. 116-140.
- 23- Computer Research Center for Islamic Sciences (Noor), (1382). Dirayah al-Noor software, version 1/2.
- 24- Darvishi, Bagher; Namdari, Lida, (1399). "A test of the quantity-quality model of children in urban families in Iran", Economic Research (Sustainable Growth and Development), Issue 20, No. 3, Fall 1399, pp. 167-188.
- 25- Hawzah information data base, (n.d), population decline and its effect on individual and family health from the perspective of Islam, <https://hawzah.net/fa/Article/View/99047>
- 26- Ibn Shahrashoub Mazandarani, Muhammad bin Ali, (1379 AH). Manaqib Aal Abi Talib (AS), Qom, Allameh.
- 27- Jenkins, Phillip, (November 5, 2007), "The Infertile Crescent," The New Republic, <http://www.newrepublic.com/article/infertile-crescent-0>
- 28- Kazmipour, Shahla, (1388). Demographic Basics, Tehran, Center for Demographic Studies and Research of Asia and the Pacific.
- 29- Khamenei, Seyed Ali, (1399/01/03), "Speech to the Iranian Nation in Nowrouz", Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4522>
- 30- Makarem Shirazi, Nasir et al., (1371). Tafsir Nomooneh, 10th edition, Iran-Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- 31- Masoud bin Eisa, Warram bin Abi Faras, (1410 AH). Tanbih al-Khwatir wa Nuzha al-Nawadir, known as Majmua of Warram, Qom, Faqih Bookstore.
- 32- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1394). Ethics in the Qur'an, Vol. 1, researched and edited by: Mohammad Hossein Eskandari, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 33- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1394). Ethics in the Qur'an, Vol. 2, research and writing: Mohammad Hossein Eskandari, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 34- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1394). Ethics in the Qur'an, Vol. 3, research and writing: Mohammad Hossein Eskandari, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.

- 35- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1390). Sajjadeha-ye Sulouk, Vol. 1, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 36- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 37- Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khomeini, (1393/03/30), notification of the general policies of "Population", <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>
- 38- Nikkholk, Ali Akbar, (1381). Basics of Demography, 2nd edition, Tehran, Behineh.
- 39- Pour Isa Chafjiri, Hamid, (1395), Jamiat Touba, Qom, Miras Mandegar.
- 40- Rajabi, Mahmoud, (1391). The Method of Interpretation of the Qur'an, 2nd edition, 5th chapter, Qom, Hawzah and University Research Institute.
- 41- Saqqaye Biriya, Mohammad Javad, (1402). "The implications of Al-Sahifa Al-Sajjadiyeh on the problem of population size and the views derived from them", Scientific-Research Bi-Monthly Doa-pajouhi, Issue 3, No. 4, Spring and Summer 1402, pp. 18-38, digital ID (DOI). 10.22084/DUA.2023.28203.1020.
- 42- Satorian, Sayyid Abbas, (1401). A few ruby beads: childbearing, child bearing, Ch. II, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institution, Mawa Counseling and Psychotherapy Center.
- 43- Seyed Mirzaei, Seyed Mohammad, (1376). "Population and Quality of Life", Jamiat Quarterly, vol. 21 and 22, pp. 81-99.
- 44- Shahidi, Jafar, Moin, Mohammad, a group of writers and Dehkhoda, Ali Akbar, (1373). Dictionary of Dehkhoda, Tehran-Iran, Rozhaneh.
- 45- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1390 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 2nd edition, Lebanon-Beirut, Al-Alami Foundation for Press.
- 46- Tavakkoli, Mohammad Javad, (1395). Population Economy (from Conventional Economy to Resistance Economy), Qom, Wothouq.
- 47- Tawana, Amin, (1398/12/14). Children, quantity or quality? This is the question! Rasekhoon website, <https://rasekhoon.net/article/show/1502438>
- 48- The Office of Grand Ayatollah Makarem Shirazi Data Base, (n.d), <https://old.makarem.ir/main.aspx?reader=1&lid=0&mid=29192&catid=0&pid=61909>
- 49- X Shobhe website, (n.d), <https://www.x-shobhe.com/etc/6241>



University of Holy Quran
Sciences and Education



Quarterly of Quran
and Social Sciences

Quarterly of Quran and Social Sciences

Vol.4, No.2, Serial.14, Summer 2024

Publisher: University of Holy Quran Sciences and Education

Director-in-Charge: davoud saemi

Editor-in-Chief: Ebrahim Ebrahimi

Editorial Board:

- **Dr. Ebrahim Ebrahimi**, Professor of Allameh Tabatabai University
- **Dr. Mohammad Hadi Amin Naji**, Professor of Payam Noor University
- **Dr. Shahla Bagheri**, Associate Professor of Khwarazmi University
- **Dr. Hossein Bostan**, associate professor of the field and university research institute
- **Dr. Ali Hassan Beigi**, Associate Professor of Arak University
- **Dr. Seyyed Abdul Rasool Hosseinizadeh**, Associate Professor of the University of Sciences and Education of the Holy Qur'an
- **Dr. Hassan Khairi**, Associate Professor of Islamic Azad University
- **Dr. Hossein Suzanchi**, Professor of Bagheral Uloom University
- **Dr. Karam Siavashi**, Associate Professor of Bu Ali Sina University
- **Dr. Elahe Shah Pasand**, Associate Professor of Quranic Sciences and Education University
- **Dr. Seyyed Hossein Sharafuddin**, Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute
- **Dr. Rahman Asharieh**, Associate Professor of Holy Quran University of Sciences and Education
- **Dr. Ruholah Mohammad Alinejad Omran**, Associate Professor of Allameh Tabatabai University

Executive Director: Mohammadreza Jalali

Technical Editor: Zahra Abiyar

English translator: Hasan Alami baktash

► This quarterly magazine was initially working under the title "Applied Research in the Field of Qur'an and Hadith", then its title was changed to "The Qur'an and Social Sciences Quarterly" according to the opinion of the Journals Commission of the Ministry of Science in an evaluation dated 2022.

**This quarterly magazine is published in cooperation with the Iranian Qur'an
and Ahedin Scientific Association.**

Website: <http://arq.quran.ac.ir>

E-Mail: tahghighat.qh@quran.ac.ir



University of Holy Quran
Sciences and Education



Quarterly of Quran
and Social Sciences

Quarterly of Quran and Social Sciences

14

Vol.4, No.2, Serial.14, Summer 2024

The Parable and Analysis of its Social and Ethical Applications in Verse 261 of Surah Al-Baqarah

Tayyebeh Heydarirad

Designing the Qur'anic Model of the Islamic Al-Madina Al-Tayyiba with a Future Research Approach

Mohammad Sobhani Yamchi, Ali Eshghi Chaharborj, Saideh Alavi

Explanation of the Role of Cognitive Components in the Formation of the Islamic Revolution as a Social Phenomenon from the Perspective of the Holy Qur'an

Kamran Oveysi

Designing the Ideal Da'wah Pattern based on the Verses of Al-Ghurar in the Holy Qur'an

Karim Khanmohammadi

Individual and Social Challenges and Obstacles Preventing the Progress of Scientific Jihad based on the Teachings of the Qur'an and Hadiths

Seyyede Nisa Hashemian Sigaroudi, Seyyede Fatemeh Hashemi, Mohsen Ehteshaminiya

Islam's Attitude towards Childbearing and Population Increase; Quantity or Quality?

Mohammad Javad Saqqaye Biriya, Ali Abu Torabi, Ismail Cheraghi Kotiani